



نشریه الکترونیکی، فرهنگی، خبری

اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی

سال چهارم - شماره ۳۴ - مهر و آبان ۱۳۹۹

انقلاب از کجا ضربه می خورد؟ ۵

ارزش و فضیلت احیای فرهنگ جهادی کمتر از ترویج فرهنگ ایثار و شهادت نیست ۱۲

پرونده ویژه: اتوبوسی که در تاریخ گم شد! ۱۷

جهاد مدارس، سنگر رشد نسل بعدی انقلاب ۲۴

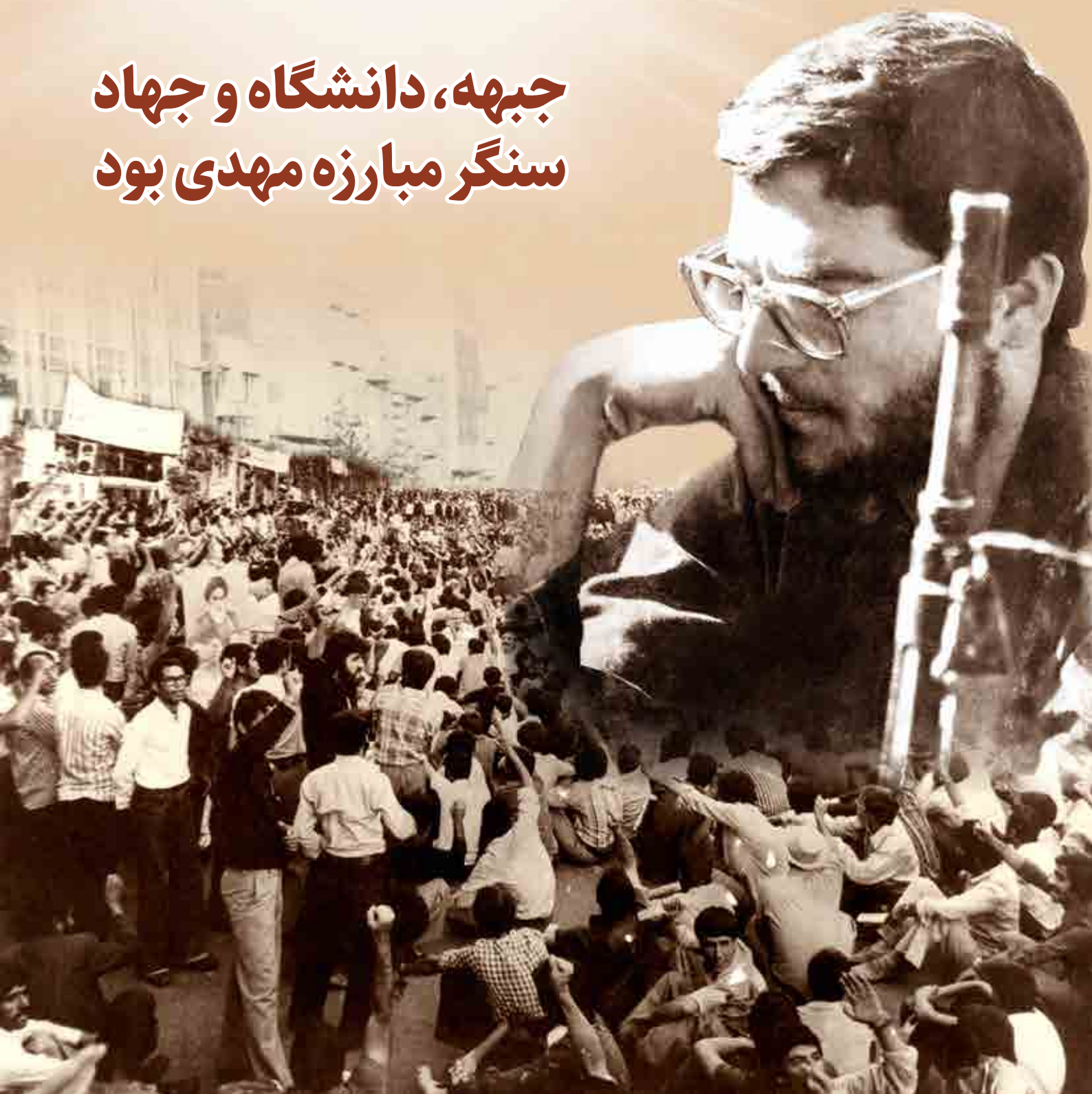
قسمت اعظم پیروزی جنگ ما بر عهده جهاد سازندگی بوده است ۲۸

گفت‌وگوی منتشر نشده با سردار جهادگر شهید هاشم ساجدی ۳۳

تصاویر و اسناد منتشر نشده از عملیاتهای مهر و آبان ۷۵

گزارش برنامه‌های اداره کل امور ایثارگران و اقدامات ادارات امور ایثارگران استانها در هفته دفاع مقدس ۱۰۰

## جبهه، دانشگاه و جهاد سنگر مبارزه مهدی بود



امام خمینی (ره):  
ما شعار مرگ بر آمریکا را در عمل جوانان پرشور،  
قهرمان و مسلمان در تسخیر لانه جاسوسی  
آمریکا تماشای کرده ایم.

# سپرده

سالروز

تبعید حضرت امام خمینی (ره) به ترکیه (۱۳۴۳)  
کشتار دانشی آموزان در دانشگاه تهران (۱۳۵۷)  
تسخیر لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان  
مسلمان پیرو خط امام (ره) (۱۳۵۸)

و

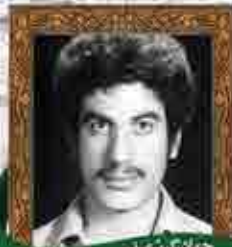
روز ملی مبارزه با استکبار جهانی

گرامی باد.

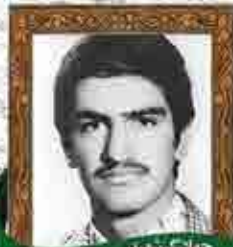
شهدای جهادگر فعال در تسخیر لانه جاسوسی:



جهادگر شهید  
رحمان دستان



جهادگر شهید  
علی حاتمی



جهادگر شهید  
محمد فاضل



جهادگر شهید  
حسین شورابه



جهادگر شهید  
مهدی ورجب نسکی



اداره کل امور اینترگران وزارت جهاد کشاورزی



### پا به پای آفتاب

تسخیر لانه‌ی توطئه و جاسوسی که با الهام از فرمان حضرت امام خطاب به دانشجویان و دانش‌آموزان درباره‌ی گسترش اعتراضات انجام گرفت، اگر چه عکس‌العملی در قبال تهاجم جبهه‌ی استکبار علیه انقلاب به شمار می‌رفت، لیکن در عین حال جهادی ابتدایی بود علیه استکبار و علامتی از فرا رسیدن نوبت سر بر کشیدن جبهه‌ی حق و به هم خوردن موازنه‌های استعماری و درهم شکستن صولت امریکا و بطلان تلقینات ده‌ها ساله‌ی آنان برای مرعوب کردن ملت‌ها.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

### گام به گام با یاران امام (ره)

ما همیشه به عنوان کسانی که همواره احساس مسئولیت می‌کرده‌ایم به آمریکا و سایر قدرت‌های استعمارگر گفته‌ایم که بدانید با فرد یا افراد طرف نیستید. با شخص امام با علمای انقلابی طرف نیستید. با شورای انقلاب یا دولت انقلاب طرف نیستید. بلکه با ملت طرفید. موقعیت ایران را درک کنید. بدانید که ایران ملتی دارد که خط انقلاب خود را حتی پیش از ۲۲ بهمن شناخته است.

شهید آیت‌الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی



### یاد شهدا، کلام شهدا

انقلابی که بتواند در زمینه انسان‌سازی پیروز شود هرگز اسیر دست هیچ قدرت خارجی و یا داخلی نخواهد شد و جاودانگی‌اش تضمین شده است.

جهادگر شهید مهدی رجب بیگی

(از فاتحان لانه جاسوسی آمریکا و مسئول دفتر تحقیقات اجتماعی دفتر مرکزی جهادسازندگی)



## فهرست مطالب

### سر مقاله

امتداد جهاد/ ۳

### فرهنگ جهادی

انقلاب از کجا ضربه می خورد؟/ ۵

### رویداد

جبهه، دانشگاه و جهاد سنگر مبارزه مهدی بود/ ۸  
در رسای مردی از قبیله نور/ ۱۰  
ارزش و فضیلت احیای فرهنگ جهادی  
کمتر از ترویج فرهنگ ایثار و شهادت نیست/ ۱۲  
روزگار تلخ بی شیرین/ ۱۴  
جشن میلاد پیامبر اکرم (ص) و امام صادق (ع)  
در قرارگاه نجف/ ۱۶

### پرونده ویژه

شهادت اتوبوس مهرماه ۱۳۵۹/ ۱۷  
اتوبوسی که در تاریخ گم شد!/ ۱۸  
حکایت سه قبر خالی/ ۲۲

### گفتگو

جهاد مدارس، سنگر رشد نسل بعدی انقلاب/ ۲۴  
قسمت اعظم پیروزی جنگ ما بر عهده‌ی جهاد سازندگی بوده  
است/ ۲۸  
نگاهی به فعالیت‌های واحد تعاون ستاد مرکزی پشتیبانی و  
مهندسی جنگ جهادسازندگی/ ۳۰  
گفت‌وگویی منتشر نشده با سردار جهادگر شهید هاشم ساجدی/ ۳۳

### روایت پایداری

از هالتوجان تا آلواتان/ ۳۶

### تاریخ شفاهی

نقش و اهمیت زنان و دختران دانشجو در فعالیت‌های جهاد  
سازندگی/ ۳۹  
رخدادهای دهه شصت/ ۴۳

### سبک زندگی

روایت فاتحان/ ۴۶

### ستارگان جهاد

یاد و خاطره شهدای مهر ماه وزارت جهاد کشاورزی گرامی باد/ ۴۸  
یاد و خاطره شهدای آبان ماه وزارت جهاد کشاورزی گرامی باد/ ۵۱  
شهدای شاخص جهادگر در مهر ماه/ ۵۵  
شهدای شاخص جهادگر در آبان ماه/ ۵۹

### سیمای مجاهدت

آخرین تولیدات رسانه ای مرکز آرشیو و اسناد دفاع مقدس اداره  
کل امور ایثارگران/ ۶۰

### مقاله

توسعه برای تمتع/ ۶۳  
نیزار/ ۶۶  
من سرخ‌ترین زبان فریادم؛ از رنجش هر دو عالم آزادم/ ۶۸  
معرفی کتاب/ ۷۱  
کربلای جبهه/ ۷۲

### با خاطرات یاران

روزهای با صفا/ ۷۴

### عملیات ها و اسناد

تصاویر و اسناد منتشر نشده از عملیاتهای مهر و آبان/ ۷۵  
نقش جهاد سازندگی در عملیات ثامن الائمه (ع)  
به روایت سردار جهادگر حاج محمود حجتی/ ۸۱

### از دیگر رسانه ها

«جهاد سازندگی» پایه گذار فعالیت های موشکی کشور بود/ ۹۴  
سردار طهرانی مقدم: ساخت موشک از مجموعه‌های تحقیقاتی  
جهاد سازندگی شروع شد/ ۹۵

### قوانین و مقررات

۹۶

### اخبار

اخبار داخلی/ ۱۰۰  
اخبار استان‌ها/ ۱۱۶  
حدیث حماسه/ ۱۳۱

صاحب امتیاز: اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی • مدیرمسئول: سید حمزه رضوی • زیر نظر شورای سردبیری  
گروه جهادی: فتح الله نادعلی، صادق صدقگو، عبدالله فاتحی، علیرضا بارگاهی، زهرا شادلو  
همکاران این شماره: سیروس رجبی، موسی کیخا، مه‌ری لایقی، سیده زینب اسکندریان، مهدی محمدی، جواد زرگر،  
معصومه نهبانندی، محمدمهدی عابدینی، سعید زجاجی، حمیده حیدری • گرافیک و صفحه آرایی: مسعود مصیبی

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، بعد از چهارراه بهارشیراز، نبش کوچه طباطبائی مقدم، پلاک ۳۸، ساختمان شهید طرحی، طبقه ۳  
تلفن: ۰۲۱-۷۷۶۸۳۲۸۸-۷۷۶۸۳۲۸۹-۰۲۱ • فکس: ۰۲۱-۷۷۵۰۸۰۵۹ • پایگاه اینترنتی: dhird.maj.ir  
پست الکترونیک: Isaarojihad@gmail.com Isar-jahad@agri-jahad.org آپارات: isaarojihad  
کانال تلگرام: t.me/isaarojihad اینستاگرام: isaarojihad پیام‌رسان ایتا: eitaa.com/isarjahad



شما با شناسایی این بارکد در تلفن همراه خود  
می‌توانید آرشیو مجلات «بیت» را مشاهده کنید



شما با شناسایی این بارکد  
در تلفن همراه خود می‌توانید در گروه واتس‌آپ  
اداره کل امور ایثارگران عضو شوید

به انگیزه آغاز چهارمین سال انتشار ماهنامه پل

# امتداد جهاد

صادق صدقگو

رسانه<sup>۱</sup> واسطه‌های عینی و عملی است که برقراری جریان ارتباط و پیام‌رسانی به مخاطب را بر عهده دارد و وسیله‌ای برای نقل و انتقال اطلاعات، تبادل ایده‌ها و افکار افراد یک جامعه است.

ماموریت رسانه - همانگونه که از معنای واژه‌ی رسانه (در لغت به معنی رساندن) نیز مشخص است - رساندن حرف‌ها و پیام‌ها و دیدگاه‌های هر فرد به افراد دیگر است.

در دنیای امروز، «رسانه» موجودی زنده و پویاست و بر این اساس می‌توانیم نقشی فراتر از «واسطه» برای آن متصور باشیم. نقشی اثرگذار که می‌تواند علاوه بر تبدیل مونولوگ به دیالوگ، وظایف از پیش تعریف شده خود را به منظور مدیریت افکار عمومی عملیاتی کرده و زیرساخت‌های توسعه پایدار، متوازن و همه‌جانبه را (با تکیه بر توسعه فرهنگی و اجتماعی) ایجاد نماید.

غفلت از این ابزار ارتباطی، ما را به انزوا می‌برد و عدم توجه کافی به استراتژی‌های

مسلحانه نیز صرفاً به گروه‌های محدود چریکی منحصر شده بود که عموماً پس از سال ۱۳۵۴ محدود یا سرکوب شدند. با این اوصاف، انقلاب ایران را می‌توان جنبشی بر محور «رسانه» دانست که رهبر آن (امام خمینی(ره)) نیز صراحتاً پیروانش را از ترور مخالفان منع کرده بود. بر این مبنا، آگاهی بخشی، روشنگری و اطلاع‌رسانی به عنوان راهبرد و راهکار اصلی این جنبش شناخته و رسانه‌های شنیداری (نوار)، نوشتاری (کتاب، نشریه و اعلامیه)، شفاهی (سخنرانی و خطابه) ابزار اصلی مبارزه با حاکمیت طاغوت بود و جایگزین تفنگ و فشنگ شد. آنچه مسلم است، حضور اثرگذار «رسانه» مقدمه و مقومه‌ای بر نهضت ملت مسلمان ایران شد و آن حرکت ملی را در بستر افکار عمومی و لایه‌های جنبشی جامعه ایرانی قوام و دوام بخشید. ابزاری که همچنان مهم‌ترین جنگ افزار برای نبرد و تثبیت موقعیت محسوب می‌شود.

برخی از نظریه‌پردازان سیاسی و تحلیل‌گران اجتماعی، «انقلاب ایران» را جنبشی نرم‌افزاری و از جنس «فرهنگ» می‌دانند. انقلابی که در سیر تحولات آن از خرداد ۱۳۴۲ (و چه بسا پیشتر از آن) تا بهمن ۱۳۵۷ بیش از آنکه متکی به سخت‌افزار یا همان مبارزه مسلحانه مخالفان با رژیم پهلوی باشد، جنبشی نرم بر پایه نوار کاست، نشریه، کتاب و اعلامیه بوده است. آن‌چنان که میشل فوکو (اندیشمند و فیلسوف فرانسوی) بر این باور است که انقلاب ایران، «انقلاب نوار کاست» است و امواج این جنبش مردمی به وسیله نوارهای صوتی حاوی سخنرانی‌های امام خمینی(ره) یا شعارهای مردمی در تظاهرات‌ها، منتشر و فراگیر شده است. از این رو، اکثریت قریب به اتفاق زندانیان سیاسی در دوران پهلوی دوم، جرائمی! از قبیل تکثیر، توزیع یا به همراه داشتن اعلامیه، نشریه، کتاب و نوارکاست را مرتکب شده بودند و مبارزه



اسلام ناب محمدی(ص) را بیش از پیش استوار نماییم.<sup>۵</sup>»

پی‌نوشت:

۱- Media یا Medium

۲- صحیفه امام(ره) - ج ۲۱، ص ۲۰۴: زحمت بی‌وقفه جهاد، این سنگسازان بی‌سنگ، در دفاع مقدس از جمله مسائلی است که ترسیم آن در قالب الفاظ نمی‌گنجد.

۳- صحیفه امام(ره) - ج ۱۶، ص ۳۳۸: باید اعتراف کرد که اینان (جهادگران) بزرگترین آبرو را به انقلاب اسلامی خود داده‌اند.

۴- <https://www.tabnak.ir/001S7N>

مقام معظم رهبری: من مطمئنم که مردم ما درست نمی‌دانند جهاد در جبهه‌های جنگ چه کرده و لذا انتظار دارند که این‌ها هم در جبهه مثل نیروهای مسلح ارتش مثل سپاه و بسیج و سایر نیروهای مسلح کار کرده باشند و این جهاد آنجا چه کاری می‌کند. این را مردم درست نمی‌دانند اما باید مردم بدانند جوان‌هایشان که در جهاد کار می‌کنند چه خدماتی انجام می‌دهند تا خوشحال شوند.

۵- صحیفه امام(ره) - ج ۲۱، ص ۲۰۴: فرزندان عزیز جهادی‌ام به تنها چیزی که باید فکر کنید به استواری پایه‌های اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - است.

در گلو مانده بیش از ۵۴۰ هزار جهادگر مظلومی که در قالب ۶ قرارگاه فرماندهی، ۴ تیپ، ۴۰ گردان پشتیبانی و مهندسی جنگ، ۲۵ ستاد پشتیبانی استان، در کلیه محورهای عملیاتی جنوب، شمال غرب و غرب به پشتیبانی و مهندسی جنگ مشغول بودند و نهایتاً با تقدیم ۳۳۹۶ شهید، ۲۳۹۱۳ جانباز و بیش از ۱۲۰۰ آزاده، برگ زرین دیگری در تاریخ سراسر افتخار و مجاهدت مردم این دیار ثبت نمودند، را به گوش همگان برساند.

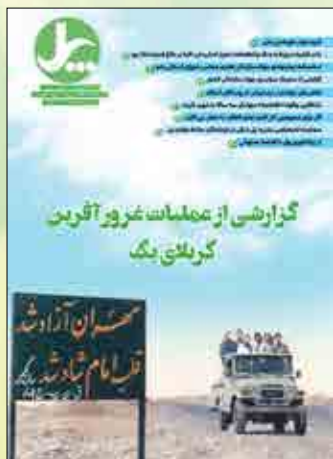
و این استمرار حضور، مرهون مدد ارواح مقدس و مطهر شهدای جهاد کشاورزی، همت و حمیت همکاران بزرگوار در هیات تحریریه و همراهی مخاطبان فرهیخته است که با تاسی به مشی و مرام شهدای سنگساز بی‌سنگ، عشق به «جهاد» را تعبیر و تفسیر دیگری بخشیده‌اند.

امید که بتوانیم با ترویج فرهنگ و مدیریت جهادی در سپهر رسانه‌های کشورمان، در حد توان و بضاعت خویش «پایه‌های

تبلیغاتی و فقدان بهره‌برداری صحیح از تاکتیک‌های رسانه‌ای در تولید و نشر محتوا، ما را در مصاف و هم‌آوردی با سایر رسانه‌های مخالف و معاند مغلوب خواهد کرد.

«پل» در این چهارچوب و با انگیزه بهره‌گیری از چنین پتانسیل و ظرفیتی، در سپهر اجتماع و ساحت فرهنگ جهادی متولد شد و طی سه سال حیات خود با انتشار ۳۴ شماره، سعی کرد تا گرد و غبار فراموشی از تلاش مخلصانه و تکلیف‌گرایی بی‌هیاهوی جهادگران طی ۸ سال دفاع مقدس بزدايد.

«پل» با نقشی فراتر از «واسطه» در پیام‌رسانی به مخاطب، در عرصه فرهنگی به فعالیت پرداخت تا از اقدامات و ابتکارات دیروز برای نسل امروز روایت کند. افتخاراتی که «ترسیم آن در قالب الفاظ نمی‌گنجد» و «بزرگترین آبرو را به انقلاب اسلامی داده است» اما «مردم ما درست نمی‌دانند که جهاد در جبهه‌های جنگ چه کرده است.»<sup>۴</sup> از این رو، «پل» تریبونی شد تا صداهای



# انقلاب از کجا ضربه می خورد؟



بزرگ‌ترین خطری که انقلاب را تهدید می‌کند آمریکاست. عده دیگری می‌گویند خطر شوروی و گروه‌های داخلی وابسته به آن را نیز نباید دست کم گرفت. زیرا شوروی نیز با پیروزی انقلاب اسلامی ایران مشکلاتش در افغانستان افزایش بیشتری یافته است، همچنین در رابطه با مسلمانان جنوب کشور خود نیز، دچار گرفتاری‌های افزونتری گشته است، به لحاظ اقتصادی منافعی از طریق خرید گاز و فروش تجهیزات ذوب آهن کاسته شده است ایران خطر بالقوه‌ای برای جمهوری‌های جنوبی آنجا که اکثر مسلمان‌نشین هستند شده و ثبات منطقه تا حدی از دست رفته است، و از همه مهم‌تر به لحاظ ایدئولوژیک نیز انقلاب اسلامی بسیاری از نظرات آن‌ها را باطل نموده و به عنوان یک نیروی حرکت‌زای جدید در جهان طرح گشته است. و اگرچه شوروی تاکنون دست به اعمال نظیر اعمال آمریکا در رابطه با ایران نزده است اما از طریق گروه‌های وابسته خود سعی در ایجاد زمینه مناسب برای این منظور دارد و بدین لحاظ باید در رابطه با این کشور جدی‌تر عمل نموده و حتی برخی را عقیده بر این است که خطر شوروی از آمریکا هم بیشتر است.

عده بسیاری نیز بر این عقیده‌اند که خطری که انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند از جانب داخل است و در واقع این جریان‌ها داخلی هستند که زمینه ساز دخالت ابرقدرت‌ها می‌گردند و به اصطلاح پایگاه امپریالیسم بعضی از جریان‌ها داخلی هستند. البته در بین این عده که بعضی جریان‌ها داخلی را مهم‌ترین خطر می‌دانند یک اختلاف نظرهای بسیاری وجود دارد. بعضی از این‌ها وجود جریان‌ها سازش کار و به اصطلاح لیبرالیستی را عمده‌ترین خطر می‌دانند و عده دیگرشان وجود جریان‌ها انحصارطلب و پس‌گرا و به اصطلاح ارتجاعی را عامل اصلی نفوذ امپریالیسم می‌دانند.

این طرز تفکرها شامل طیف وسیعی می‌شوند که هر یک بر مبنای میزان اهمیتی که برای این عوامل قائل است در رده مخصوصی جای می‌گیرند و بحث مفصل درباره‌ی آن‌ها از حیثه بررسی ما خارج است. حال که اجمالا با پاره‌ای از نظرات پیرامون خطراتی که انقلاب را تهدید می‌کند آشنا شدیم برگردیم به مطلب مورد بحث و برای این منظور همان طور که قبلاً نیز گفتیم ابتدا به بررسی اهداف اصلی انقلاب اسلامی می‌پردازیم.

## اهداف اصلی انقلاب اسلامی کدام است؟

بی‌تردید همه بر این باور مشترک می‌باشند که انقلاب ایران، انقلابی مکتبی بوده است و این بدین معنی است که تئوری پیش برنده انقلاب تنها در

## چرا پاسخ این سوال مهم است؟

یک جامعه‌ی نوپای انقلابی بایستی بتواند در هر لحظه از حیات حساس خود به این سؤال اساسی پاسخ گوید که «خطراتی که انقلاب را تهدید می‌کند کدام است و از این میان بزرگ‌ترین خطر چیست؟» ضرورت پاسخگویی به این پرسش از آنجاست که اکثر انقلاب‌هایی که دچار انحراف یا شکست کامل گردیده‌اند ابتدا در شناسایی دشمنان خود دچار اشتباه شده‌اند یعنی آنکه خطراتی که عمیقاً انقلاب را تهدید نمی‌کرده‌اند به جای تهدیدهای اصلی مورد توجه مردم قرار گرفته است و در اثنای غفلت مردم یا هدایت‌کنندگان انقلاب، ضربه از جانب همان خطرات فراموش شده بر پیکر انقلاب وارد آمده است. البته لازم به ذکر است که در بسیاری از موارد به علت اختلاف بینش‌ها، برداشت‌های متفاوتی در رابطه با خطرات تهدیدکننده انقلاب و بزرگ‌ترین آن‌ها به وجود آمده است و بنابراین لازم است که به منظور اجتناب از بروز چنین امری، شناخت این خطرات بر مبنای روش اصولی پایه‌گذاری شود. به گمان ما برای رسیدن به نتایج درست در این رابطه بایستی زمینه‌ها و عوامل بروز انقلاب و مهم‌تر از آن‌ها اهداف انقلاب را شناخت تا بر مبنای آن بتوان خطر بزرگ را تشخیص داد. برای روشن شدن مسئله مثالی می‌آوریم. اگر انقلابی فقط به منظور ریشه‌کن کردن فئودالیسم در جایی صورت پذیرد در این صورت تشکل مجدد فئودال‌ها برای این انقلاب بزرگ‌ترین خطر است. یا اگر انقلابی برای رهایی از چنگال استعمار صورت پذیرد. بزرگ‌ترین خطر تهدیدکننده آن می‌تواند بازگشت مستشاران و سرمایه‌گذاری‌های استعماری باشد. می‌بینید که همواره بزرگ‌ترین خطر، در رابطه با «اهداف» انقلاب است. اما قبل از آنکه به بررسی اهداف اساسی انقلاب اسلامی بپردازیم بد نیست پاره‌ای از دیدگاه‌ها را در رابطه با این مسئله بازگو نماییم.

## بزرگ‌ترین خطر برای انقلاب اسلامی چیست؟

عده‌ای بزرگ‌ترین خطری که انقلاب را تهدید می‌کند آمریکا و حیل‌ه‌های رنگارنگش می‌دانند و معتقدند بر مبنای تجربه دوساله انقلاب، آمریکا دست از نیرنگ‌های گوناگون برنخواهد داشت و مدام با طرحی نو به میدان کارزار آشکار و پنهان انقلاب اسلامی می‌آید. آمریکای جهانخواه با پدیدآمدن انقلاب اسلامی منافع حیاتی خود را در خلیج فارس و ایران از دست داده است، حیثیت و اعتبار جهانی‌اش خدشه دار شده است. نوکر شماره یک خود، شاه معدوم را از دست داده است. کشورهای اطراف ایران را نیز در معرض این خطر می‌بیند. کودتای نظامی در ترکیه و تقویت ژنرال ضیاءالحق در پاکستان به منظور جلوگیری از این خطرات است در اثر از دست دادن ایران، با بحران‌های اقتصادی مواجه شده است و خلاصه عظیم‌ترین پایگاهش را از دست داده است بنابراین یک لحظه نیز درنگ را جایز نخواهد شمرد و با لطایف‌الحیل سعی در شکست دادن یا حداقل انحراف و سازش کشانیدن انقلاب را دارد. او تا کنون از طرق مختلف و از جمله نفوذ در ارگان‌های مملکتی در اوایل انقلاب، محاصره اقتصادی پس از اشغال لانه‌ی جاسوسی، حمله نظامی در طیس، کودتای نوزده، وادار کردن عراق به جنگ با ایران، سعی در اجرای اهداف خود داشته است و اینک نیز بیکار نخواهد نشست و با افزایش تهدیدهای خارجی (آماده باش نظامی در ترکیه و پاکستان و افزایش نیروهایش در خلیج فارس) و همچنین تقویت عوامل داخلی (تشدید تضادهای قومی و منطقه‌ای و مردمی، ایجاد تفرقه در بین مردم و...) منتظر فرصتی است تا پس از آنکه زمینه‌های لازم فراهم آورد نقشه‌های دیگری را به اجرا درآورد و بنابراین

انقلاب اسلامی ایران که هدف نهایی آن نیز به دلیل مکتبی بودنش نمی تواند جدای از اهداف نهضت‌های انبیا یعنی «انسان‌سازی» باشد. علیرغم وجود فرهنگ شرک آمیز و ضد انسانی سال‌های حکومت جباران و مستبدین که به راستی اندیشه مردم را مسخ کرده بود و با کشاندن آن‌ها به معرکه تجمل و تقلید و مصرف، روح و جسم آن‌ها را در شرف تلاشی قرار داده بود که با این نگاه اجمالی به سیر انقلاب این نکته به روشنی آشکار می‌شود که در دوران انقلاب، تحولی درونی و روانی در مردم پدیدار شده بود که نمونه‌های آشکار آن به صورت ایثار و از خودگذشتگی، فداکاری، همیاری، همکاری، اتحاد و اتفاق، ایمان و عرفان تجلی یافته بود.

«روح ایثار» بود که مشکلات عظیم دوران انقلاب را قابل تحمل ساخته بود. «ایمان» بود که از جوان‌هایی که در راه انحطاط گام برمی داشتند انسان‌هایی شهید ساخت.

«عرفان» بود که مردم را در شب‌های سرد زمستان به اوج بام می‌کشاند.

«وحدت» بود که پوزه رژیم را به خاک مالید.

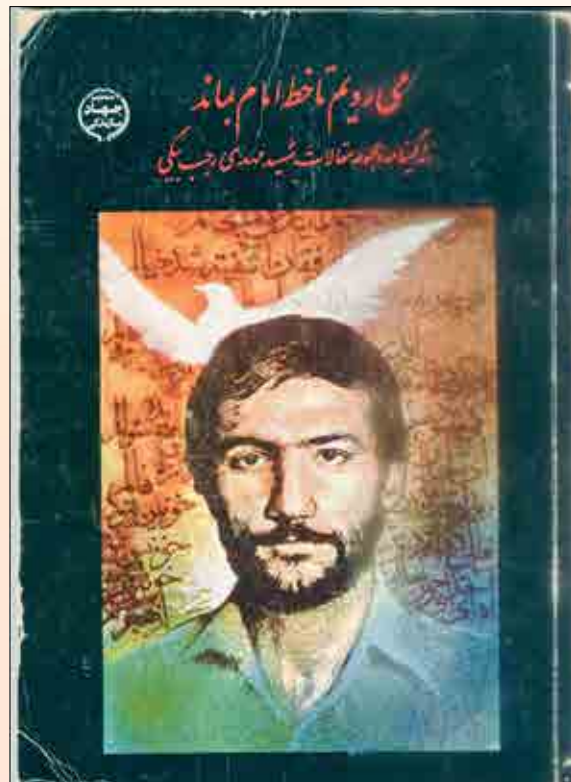
«انسانیت» بود که بر «لشگر شیاطین» غلبه نمود.

### از دست رفتن ارزش‌های انسانی، بزرگ‌ترین خطر برای انقلاب

و از پیروزی انقلاب اسلامی امید آن می‌رفت که این تحول روانی در مردم ارتقا پیدا کرده و کمال بیشتری یابد و اگرچه این دگرگونی در پاره‌ای از افراد عمیقاً حادث شده است و هم اینک نیز آن‌ها را به میدان نبرد برای شهادت می‌کشاند اما متأسفانه نمی‌توان این نکته را نادیده گرفت که در برخی افراد نیز این تحول، سیر نزولی پیش از انقلاب را دوباره باز یافته است اگرچه این مطلب می‌تواند علل بی‌شماری و از جمله عملکردهای ناصحیح دستگاه‌های ارتباط جمعی (روزنامه‌ها - رادیو، تلویزیون و...)، پدید آمدن خط‌های جدید فکری - سیاسی، رواج فرصت‌طلبی و شهرت‌طلبی، ضعف گویندگان و نویسندگان در انتقال ارزش‌های اسلامی به مردم، پاره‌ای مشکلات و سخن‌های به وجود آمده از انقلاب، برخورد‌های ناصحیح اکثر گروه‌ها و دستجات با مسئله انقلاب و غیره داشته باشد، اما به هر حال به گمان ما این مسئله بزرگ‌ترین خطری است که انقلاب را تهدید می‌کند به عبارت دیگر بازگشت مجدد ارزش‌ها و اخلاقیات دوران شاهنشاهی و جایگزینی روش‌های مبتنی بر دروغ و تهمت و افترا به جای اخلاق حسنه بزرگ‌ترین خطری است که انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند. اگر ما بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب خود را ایجاد همین تحول درونی در جهت هدایت جامعه به سمت ارزش‌های انسانی می‌دانیم بایستی بزرگ‌ترین خطر را نیز از دست رفتن همین ارزش‌ها بدانیم. با نگاهی گذرا به وضعیت موجود جامعه نیز می‌توان به اهمیت این مسئله پی برد.

### ابتنال فرهنگی و درگیری‌های سیاسی نتیجه کم‌رنگ شدن ارزش‌های انسانی

طول‌تر شدن صف‌های سینماها، حتی در مورد فیلم‌های بیست سال پیش، گرایش به خرید انواع و اقسام نوارهای مبتذل و ویدئو و برخورد‌های غیر اسلامی مردم در مجامع عمومی و از جمله در مدارس و اتوبوس‌ها و حتی نماز جمعه، همه نشان از بازگشت چنین رویه‌ای دارند. حتی اختلافات سیاسی نیز که کمابیش در بین مردم هم رایج شده است در یک ریشه‌یابی کلی منجر به همین نتیجه خواهد شد و امروز چاره‌ی این قبیل مسائل نیز تنها در حاکمیت رواج بیش از پیش روحیات انسانی است اگر امروز در بازار فعالیت‌های سیاسی، تهمت و ناسزا به راحتی مبادله می‌شود، اگر لابه لای صفحات روزنامه‌ها مملو از چنین برخورد‌هایی است اگر تهمت بزرگ‌تر، «تیراز افزون‌تر» را برای روزنامه‌ها به ارمان می‌آورد، اگر گفت و شنود منطقی جای خود را به «جنگ زرگری» داده است، اگر روحیه فرصت‌طلبی مجدداً رواج یافته است همه و همه ناشی از فقدان روحیات اخلاقی و انسانی است



چهارچوب اصول اساسی مکتبی به نام اسلام می‌گنجد. بررسی صادقانه تاریخچه انقلاب نیز بخوبی مسئله را می‌رساند و اصولاً انقلاب در بستر اسلام حادث شده است یعنی هم زمینه آن و هم عوامل شتاب دهنده به آن و هم اهداف آن «اسلامی» بوده است. ما در اینجا بدون آنکه بخواهیم وارد جزئیات شویم اجمالاً به این مسئله می‌پردازیم که «انقلاب اسلامی» یعنی چه؟ به عبارت دیگر هدف نهایی انقلاب اسلامی چیست؟ برای روشن شدن مسئله ابتدا مروری بر انقلاب اسلامی در زمان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌کنیم. محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در جامعه شرک زده و منحط عربستان به پیامبری مبعوث می‌شود تا انسان‌های جاهل آن روزگار را به دروازه‌های فلاح و رستگاری برساند و با پدید آوردن یک دگرگونی عمیق (انقلاب) در بطن ضمیر انسان‌ها، جامعه‌های الگو و نمونه (امت وسط) بسازد. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) دلیل بعثت خود را تکامل بخشیدن به خصلت‌های والای انسانی و تعالی اخلاق انسانی بیان می‌کند (بعثت لاتمم مکارم اخلاق) (مصباح‌الشریعه).

بنابراین هدف نهایی از بعثت پیامبر، دگرگونی در فرهنگ تمامی افراد جامعه می‌باشد و اگر می‌بینیم که اسلام دشمنی عمیق و سازش ناپذیر با تمامی مظاهر شرک از قبیل استبداد و استعمار و استحمار دارد به این دلیل است که این‌ها آدمیت انسان را ضایع می‌کنند. خداوند کریم در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ» (سوره نسا / آیه ۴۸) یعنی «خداوند آنچه را که از گناهان که در ردیف شرک نباشد ممکن است ببخشد». چرا خداوند در برابر شرک این گونه قاطعانه موضع می‌گیرد؟ یکی از بهترین دلایل این مطلب این است که شرک سبب مسخ ویژگی‌های خدا گرایانه و نابودی اندیشه‌های متعالی انسان و عدم رشد وی می‌شود. بدین ترتیب می‌بینیم که دگرگون‌سازی افکار انسان‌ها و کشاندن آن‌ها به راه هدایت و رشد و تعالی و تقوا پیشگی و در نهایت خداگونه ساختن انسان‌ها به کسب شایستگی برای جانشینی الله، یکی از بزرگ‌ترین اهداف پیامبران الهی و از جمله پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بوده است. حال بازگردیم به





که فی‌المثل با یک فتوادل نیز باید با پند و اندرز برخورد نمود و این طرز تلقی را به عنوان اخلاقی قلمداد نمی‌کنیم زیرا آن چنان که پیش‌تر نیز گفته شد اصلی‌ترین هدف انقلاب اسلامی باید انسان‌سازی باشد و پرواضح است که عواملی نظیر فتوالیسم از آنجا که سبب مسخ و نابودی ارزش‌های انسانی می‌شوند به عنوان سدی در برابر این هدف جلوه‌گری می‌کنند و اتفاقاً در اینجا بر مبنای همین اهداف انقلاب بایستی با این گونه پدیده‌ها با قاطعیت هر چه تمام‌تر برخورد نمود.

### در جامعه‌ی بیمار هیچ انسانی قادر به رشد و تعالی نیست

به هر حال ملت ما قادر خواهند بود با تمام وجود از انقلاب اسلامی حفاظت نموده و در برابر هر خطری اعم از داخلی و خارجی مقاومت نموده و انقلاب را به پیش برد به شرط آنکه قبل از هر چیز در خود انقلاب کند و جو حاکم در روزهای خوش انقلاب با تمام شکوه و عظمتش به میان مردم باز گردد، فراموش نکنیم در جامعه‌ای که به لحاظ محیط اجتماعی بیمار باشد هیچ انسانی قادر به رشد و تعالی نبوده و غالباً در چنین جامعه‌ای تشمت و نامنی فکری حاکمیت پیدا کرده و خلاصه محیط شرک‌آمیز خواهد شد. و مطمئناً در جامعه‌ای که انقلاب تعمیق یافته و بر تک تک افراد تأثیرات لازم را بگذارد هیچ نیرویی قادر نخواهد بود که انحراف حاصل کرده و چنین انقلابی را به شکست بکشاند. ملتی که خود را ساخته باشد هیچ باکی از رویارویی با امپریالیسم و اذنباش نخواهد داشت. افراد جامعه‌ای که در جهت انسان شدن پیش روند همواره با گذشت و ایثار و فداکاری با عظیم‌ترین مشکلات به راحتی مقابل می‌کنند و حتی از این عوامل نیز به عنوان نیرویی رشد دهنده استفاده خواهند نمود. در پایان این مقاله، راه‌هایی که برای خنثی کردن این خطر بزرگ و کشاندن اجتماع به سمت باروری و تکامل انسانی به نظر می‌رسد، این است که اولاً هر فرد در جهت «خودسازی» و رشد فردی گام برداشته و دیگران را نیز به این سو بخواند. ثانیاً گویندگان و نویسندگان با تعهد بیشتری عمل نموده و تا حد ممکن از دامن زدن به مسائلی که موجب استمرار این جو شرک‌آمیز گردد اجتناب نمایند و مطبوعات و دیگر دستگاه‌های ارتباط جمعی را نیز به این کار بخوانند و به هر حال انقلاب اسلامی روزی به پیروزی‌های بزرگ‌تر دست خواهد یافت که در تمام نهادهای جامعه روحیه و رویه انقلابی نفوذ کرده و آن‌ها را دگرگون سازد و این امر بایستی از کوچک‌ترین نهادها که خانواده باشد تا مدرسه و دانشگاه و ادارات و ارتش و غیره نفوذ پیدا نماید و تغییر اساسی و اصولی در این نهادها انجام خواهد پذیرفت مگر با یک دگرگونی عمیق در عناصر تشکیل دهنده این نهادها یعنی انسان‌ها.

ما پیروی «عملی» از گفتار و رفتار امام خمینی را در این رابطه مفیدترین و کوتاه‌ترین راه برای رسیدن به این مقصود می‌دانیم و در آینده پیرامون این مسئله سخن خواهیم گفت.

و کمبود این عنصر اساسی است که امروز به شدت انقلاب را تهدید می‌کند البته برای جلوگیری از هرگونه شبهه‌ای که در این بحث ممکن است حاصل شود در همین جا ذکر چند نکته را ضروری می‌دانیم.

۱. به هیچ وجه این مسئله را به طور عام نپذیرفته و اثرات عمیقی را که انقلاب اسلامی بر روی افشار وسیعی از مردم گذاشته است عظیم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی می‌دانیم بلکه حرف بر سر آن است که اولاً میزان نیروهایی که در ابتدای انقلاب جذب مکتب انقلاب شده بودند تا حدی کاسته شده است ثانیاً این تحول درونی از بعد از انقلاب ارتقا پیدا نموده است و ثالثاً زمینه‌های عملی لازم برای رکود این ویژگی‌های انسانی فراهم آمده است. شاید گفته شود که بخشی از این نیروها ماهیتاً نمی‌توانستند تا پایان راه، همراه مکتب و انقلاب باقی بمانند و مثلاً از دست رفتن منافع‌شان باعث شده است که به عناوین مختلف خود را از راه مکتب و انقلاب کنار کشند اما ضمن پذیرش این مطلب این نکته را نیز یادآوری می‌کنیم مقصود ما تنها این افشار نبوده و بیشتر کسانی را مدنظر داریم که هنوز هم خود را مکتبی و انقلابی می‌دانند اکثریتشان هم همین مردم کوچک و بازار هستند.

۲. این بحث به این معنا نیست که مثلاً امپریالیسم، دشمن شماره یک ملت نیست و نباید بدان توجهی نمود، برعکس امپریالیسم، دشمن اصلی ملت‌ها و ام الفساد قرن است. زیرا غارت و چپاول آنان، زمینه‌های رشد و تکامل انسانیت را دچار نقصان و کاستی می‌سازد و بنابراین باید به نابودیش کمر همت بست. اما در اینجا نیز حرف اصلی آن است که «انسان‌های ساخته شده» هستند که می‌توانند به جنگ امپریالیسم بروند و اساساً در مبارزه با شیاطینی چون آمریکاست که جامعه‌ای می‌تواند رشد و تعالی پیدا نماید. مبارزه با امپریالیسم تنها هدف انقلاب اسلامی نیست بلکه مبارزه با آمریکا به عنوان عاملی که سد راه انسانیت می‌باشد گامی است در جهت رشد و تکامل انسان‌ها و وسیله‌ای است برای نیل به آرمان‌های والای اسلامی.

۳. بحث بر سر مسائل اخلاقی در اینجا یک بحث ذهنی صرف نیست ما از اخلاقی صحبت می‌کنیم که در عمل می‌تواند راه‌گشای بسیاری از مسائل لاینحل باشد. مشکلاتی که اینک جامعه ما با آن سروکار دارد با هدف قرار گرفتن مسائل انسانی و به کارگیری پارامترهایی نظیر برخورد‌های صحیح و اسلامی با سرعت بیشتری حل خواهد شد ما نهایی‌ترین آرمان انقلاب اسلامی را برقراری محیطی عاری از ظلم و ستم، دروغ و نیرنگ، جاه طلبی و فرصت‌طلبی و خودخواهی و خودپرستی می‌دانیم یعنی محیطی است که حل مشکلات اقتصادی و سیاسی و اجتماعی ارزش واقعی خود را پیدا می‌کند به عبارت دیگر یگانه راه برای رسیدن به جامعه‌ای که در آن استبداد و استثمار و استعمار و دیگر مظاهر شرک وجود نداشته باشد حرکت به سوی محیطی است که در آن محیط، ارزش‌های خدایی حاکم گردند و تنها در چنین جامعه‌ای است که می‌توان به برقراری عدالت نیز امید بست.

۴. ابرقدرت‌ها برای نفوذ و استقرار در یک جامعه نیاز به زمینه‌های مساعدی دارند، که این زمینه‌های مناسب عمدتاً توسط گروه‌ها یا افرادی فراهم می‌شود که فاقد خصلت‌های انسان‌گرایانه می‌باشند. تنها وقتی ابرقدرت‌ها جرات ورود و دست اندازی به منابع یک کشور را پیدا می‌کنند که قبلاً در آن کشور تشنج، تفرق، دشمنی، مصرف‌پرستی، رفاه طلبی و صفاتی از این دست حاکم شده باشد. به عبارت دیگر انقلابی که بتواند در زمینه انسان‌سازی پیروز شود هرگز اسیر دست هیچ قدرت خارجی و یا داخلی نخواهد شد و جاودانگی‌اش تضمین شده است. و به فرموده امام امت «استعمار از آدم می‌ترسد» و به هر حال می‌بینید که راه نفس قدرت‌های شیطان‌ی مفرهایی است که ابتدا جامعه را تهی از اندیشه‌های انسانی و اخلاق اسلامی می‌کنند و محیط مناسب برای رشد پدیده‌هایی نظیر استبداد و استعمار را فراهم می‌آورد.

۵. وقتی که می‌گوییم رشد گرایش‌های اخلاقی غیراسلامی و غیرانسانی از بزرگ‌ترین خطراتی است که انقلابمان را تهدید می‌کند منظور این نیست

# جبهه، دانشگاه و جهاد سنگر مبارزه مهدی بود

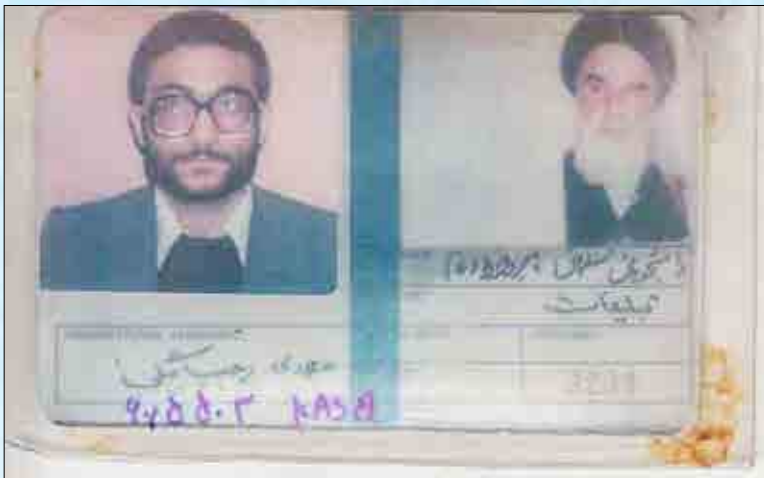


عشق به رهبری انقلاب خلاصه شده بود. زمانیکه امام و مرحوم بهشتی یا آقایان خامنه‌ای و رفسنجانی در تلویزیون صحبت می‌کردند، او سراپا گوش بود و دلش می‌خواست شب و روز پهلوی امام باشد و کلمات او را بشنود. او با نهادها در ارتباط بود و با سپاه همکاری می‌کرد. مادر شهید رجب بیگی به ناراحتی مهدی اشاره می‌کند و می‌گوید: «مهدی یک سال بود که از شرارت‌های منافقین به شدت عصبانی و ناراحت بود و اعمال اینان بود که او را بسیار آزار می‌داد و سرانجام نیز به دست همان‌ها شهید شد». مادر شهید رجب بیگی در ادامه سخنانش روحیه روز شهادت وی را چنین تعریف می‌کند و می‌گوید: «پسر در

می‌گوید: «اخلاق و رفتار مهدی غیر از همه خانواده بود. او بعد از انقلاب عوض نشد بلکه از اول انقلابی بود. یادم می‌آید که مهدی از ۱۰ سال پیش راه‌های گوناگون با رژیم مخالفت می‌کرد. او همیشه تکرار می‌کرد «آنها نور خدا را می‌خواهند بادهانشان خاموش کنند». مهدی امام را در زمان رژیم نیز می‌شناخت و به او علاقه زیادی داشت و نوارها و کتاب‌های امام خمینی را با زحمت فراوان به دوستان خود می‌رساند. همه جا سنگر مبارزه مهدی بود مدرسه، دانشگاه ... بارها جلادان ساواک او را به شدت کتک زدند، ولی هیچ‌گاه نتوانستند عقیده راسخ او را سست کنند. او انقلابی به تمام معنی بود و سراپای وجودش در

بار دیگر شمشیر نابکاری از پشت خنجر می‌زند و خونی علی‌وار می‌جوشد. مهدی رجب‌بیگی شهید دیگری است که به دست جبهه نفاق داخلی ناجوانمردانه به شهادت می‌رسد. مهدی تنها یک معلم نبود، مهدی تنها یک نویسنده نبود، مهدی تنها یک مبارز نبود. مهدی تنها یک جهادگر نبود، مهدی همه‌ی اینها بود و نامش یک مسلمان مسئول. مهدی رجب بیگی رفت و یاد نامش پایدار شد. آنچنان که هر کس دهان می‌گشاید تا او را توصیف کند و جز نیکی سخن نمی‌راند ...

خواهرش، پدرش و مادرش...  
مادرش این دوست خوب و پرونده‌اش و همسنگرش درباره پسر شهیدش چنین



کمتر چیزی به ما می‌گفت. و مهدی بعد از انقلاب علاوه بر فعالیت‌های بسیار با سازمان دانشجویان مسلمان دانشگاه فنی همکاری و فعالیت چشمگیر داشت و در اشغال لانه جاسوسی نقش بسیار فعالی داشت و در آنجا او به عنوان نماینده دانشجویان پیرو خط امام در جنبش‌های آزادی‌بخش فعالیت می‌کرد در رابطه با آنها همکاری موثری داشت و یک بار هم در تاریخ ۱۳۵۸/۰۸/۰۷ در نماز جمعه به عنوان نماینده دانشجویان مسلمان پیرو خط امام شرکت کرده و در رابطه با جنبش‌های آزادی‌بخش سخن گفت بعد از جریان لانه جاسوسی در جهاد سازندگی به فعالیت گسترده پرداخت. و همراه با این فعالیت در یکی از مدارس جنوب تهران نیز به تدریس پرداخت. مهدی بیشتر از زندگی‌اش و شاگردان اثر گذاشت خواهر شهید رجب بیگی نیست پیرامون شهادت برادرش منافقین باید بدانند که نه تنها از این شهادت‌ها نمی‌ترسیم بلکه از ریختن خون مهدی مهدی‌های دیگر و رزمندگان دیگری به وجود می‌آید که دیروز در مدرسه شاگردان مهدی به یاد معلمشان مراسمی بر پا داشتند و چهره‌های آنان نشان می‌داد که خون مهدی تاثیر بسزایی بر آنان داشته است و می‌توان گفت که خونه او بیشتر از زندگی‌اش بر آنان تاثیر گذاشته بود.

در و دیوار مدرسه است و سخنان و نوشته‌های مهدی پر شده بود و شاگردان درس شهادت معلمشان را به خوبی فرار گرفته بودند...

دنیا رفت من خوشحالم که زحمات هم به هدر نرفته است و امیدوارم امام حسین (علیه‌السلام) این هدیه را از من قبول کند و از خدا می‌خواهم بدهد به محمد و آل محمد منافقین را از صفحه روزگار بردارد. مهدی می‌خواست در دنیای تکامل بال

گشاید

برادر شهید: مهدی در تلاش بر آن داشت تا خود را از وابستگی‌ها، عشق به مال و شهرت و غیره رها سازد و او در این راه موفقیت‌های بسیاری را به دست آورده بود و این بدان جهت بود که مهدی می‌دانست شهید باید قبل از هر چیزی آگاه باشد و به همین جهت خود را هر روز برای شهادت بیشتر آماده می‌ساخت تا به معشوق اصلی فیش بپیوندد و دلیل این هفته نیز شعری است که بعد از شهادتش در جیب او پیدا شد و گویای تمام زوایای زیبایی‌های روح او بود مهدی احساس می‌کرد که این دنیا برایش تنگ است و نمی‌تواند در آن زندگی کند که به دنیایی متکام‌تر و برتر بال گشاید و در آن اوج بگیرد و این حالت در روزهای قبل از شهادتش در حرکات و رفتار او به خوبی نمایان بود. در طول زندگی اخلاق و رفتار مهدی برای من الگو بود اگر او نبود شاید از لحاظ اخلاقی و فکری و به درستی نداشتیم و او نه تنها برای من بلکه برای تمام فامیل نمونه و اسوه بود. برادر شهید رجب بیگی در مورد فعالیت‌های مبارزاتی مهدی نیز می‌گوید مانند دیگر شهدا بیشتر کار می‌کرد و کمتر حرف می‌زد در طول دوران زندگی‌اش با اینکه بسیار تلاش می‌کرد

خیابان بود که صدای تیراندازی منافقین را می‌شنود و به سرعت به طرف منزل می‌آید تا اسلحه‌اش را بردارد و به دفاع از مردمان بی‌سلاح برود. وقتی به منزل آمد بسیار خشمگین بود و یکسره به طرف اسلحه‌اش رفت و آن را در کیفش گذاشت. من بسیار نگران شده بودم اما هیچ‌گاه در کارهایش دخالتی نمی‌کردم زیرا می‌دانستم که او فقط برای خدا و انقلاب و امام کار می‌کند. مهدی شتابان به خیابان رفت. نگران شدم و دلم آرام نمی‌گرفت. نمی‌توانستم منتظرش بمانم، به خیابان رفتم و او را نیافتم به خانه برگشتم ولی دوباره به بیرون رفتم، به جهاد سازندگی سری زدم ولی او را پیدا نکردم، به خانه آمدم تا شاید او به خانه برگشته باشد، اما نمی‌دانستم رفتن پیش خدا بازگشت ندارد. حال خبر رسید مهدی در خیابان صبا به دست منافقین شهید شده است. مادر شهید مهدی به فعالیت‌های او برای جبهه‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: «من همگام با جهاد با مهدی به جهاد می‌پرداختیم و در مورد نیازهای جبهه به او کمک می‌کردم. همیشه اجناس جمع‌آوری شده را آماده می‌کردیم و مهدی آن‌ها را برای ارسال به جبهه‌ها به جهاد سازندگی می‌برد. اما اکنون همه وسایل جمع‌آوری شده روی زمین مانده است دیگر کسی نیست که آنها را به جنگ‌زدگان برساند باید یک «مهدی» دیگر برخیزد و بار مانده او را به دوش بگیرد راه او را ادامه بدهد...»

خوشحالم که زحمات ۲۴ ساله‌ام هدر نرفته است

اینک پدر درباره فرزندش چنین می‌گوید: «مهدی بسیار با خدا و با ایمان بود نماز شب و دعای کمیل او قطع نمی‌شد، بسیار فهمیده و دانا بود و در ضمن یک معلم خوب برای شاگردانش بود و بارها که با حقوق خوب در مدارس بالای شهر تدریس کند و علاقه داشت در جنوب شهر فعالیت کند و به همین خاطر در مدارس نازی آباد و... یا به صورت مجانی بسیار ناچیز می‌داد. او مسلمانی بود که بیشتر روزهای عادی را روزه بود و غذای سحری و افطار او یک تکه نان بود. مهدی در روز دوم عاشورا به دنیا آمد و در روز شهادت امام محمدتقی (علیه‌السلام) نیز از

# در رسای مردی از قبیله نور

سرودی، اکنون برخیز، «تن‌های» پاره پاره یاران را ببین و نگاه کن که چگونه آنان رفتند و ما «تنها» شدیم. و چگونه در «ماندن» خویش با حسرت جهاد «رفتن» یاران را نظاره می‌کنی. «و منم من شنظر»  
خدا، تا کی باید در دشت گلگون میهن از «منتظران» بوده و با چشم‌های خونبارمان شاهد قربانی شدن «اسماعیل»‌ها باشیم.  
خدا، تا کی شاهد باشیم که «مهدی»‌ها به پیمانی که با تو بسته‌اند وفا کنند و «خویشتن را به آتش کشند تا مشعل انقلاب را فروزان‌تر»  
از همیشه ساخته و «پرچم هدایت را بر فراز قله انقلاب انسان» بر افراشته و «در اوج بخشندگی، حاتم‌وار به ایثار خون خود» نشسته و با مرگ خویش حیات را شوری دگر بخشند و ما در ظلمت‌کده خویش دشواری ماندن را تحمل کرده و ای بسا غلوزنجیر «تعلقات» ما را از رفتن باز دارد.

مهدی جان چه نیکو فالی گرفتی. گویی که همه «پویندگان راه خمینی» در قافله سالار «عاشقان هم‌ره عهد سفر بیسته» و معراج را با پیکرهای تپیده در خون تا مقصد شهادت طی می‌کنند و ما «شکسته بالان» گم گشته در «کوچه‌های ضلال» در غم وصال می‌سوزیم.  
خدا، به ابرها بگو که اکنون «برما» بگریند و به «طوفان» بگو که بر ما بخروشند که اکنون بر لال هزار «شاهدان تاریخ» گام بر می‌داریم و هیچ باکمان نیست از «زنده» ماندن. خدا، دلمان گرفته طاق‌ماندن نداریم، خدا، شهیدان راه ترا تا «کمال الانقطاع» پیموندند و پروانه‌وار در شمع هدایت تو سوختند.

خدا، آتش وصال در وجود ما زبانه می‌کشد ولی خود «درمانده» ایم که چرا هنوز «پرواز» را نیاموخته‌ایم گرچه «بالمان شکسته» ولی اهل ماندن نیستیم.

خدا، چگونه «رفتن» را به ما بنما.  
خدا، پرواز با «بال‌های شکسته» را بیاموز.

خدا، «شاهدان تاریخ» را بگو تا ما را «رفتن» بیاموزند.

مهدی جان، گرچه «همگامان» گامی را عقب ماندند و تو شتابان به وادی حق پرکشیدی ولی تو که ما را می‌شناختی. تو میدانی که مانیز اهل ماندن نبودیم، گرچه به اندازه تو نیز شور و شوق رفتن نداشتیم.  
مهدی جان، اکنون برخیز و پیام شاهدان تاریخ را برایمان بخوان تا شوق «پرواز» در ما بجوشد. تا از لحظه ماندن نیز پرهیز کنیم.

مهدی جان برخیز و بگو «کیف وجدتم قول لا اله الا الله». آری کنون برخیز و از زبان شهیدان با ما سخن بگو، آخر مگر تو خودت نمی‌گفتی که آنان با اسطوره‌های شهادت حیات را به بازی گرفته‌اند، مرگ به اسارتشان در آمده است و سرمست عشقند، «عشق خدایی» آری برخیز، از آن شراب جاودانه ذره‌ای مارا بچشان تا ما نیز همچون تو «با پرتاب آیه و وجودمان» در تلاطم اقیانوس خون شهیدان «حیات را تفسیر» کنیم.

خدا، ما اکنون می‌دانیم شاهدان را تو خود می‌گزینی و هر کسی را «لیاقت» وصال تو نیست. آری ما این را درک کرده‌ایم.

اما، خدا، تو میدانی که ما را یاری «ماندمان» نیست و پنداری که با «بودنمان» آیه «ان الانسان لفی خسر» را تفسیر می‌کنیم «خون شد دلم خدایا رحمی نما به حالم» «از دوری رفیقانمان اشفته شد خیالم»

مقاومت است. الگوی جهاد است. مظهر ایمان است. نگهدارش!  
خدا، یاور اسلام را امید مظلومان را، حامی مستضعفان را، چشمه‌سار قیام را، پاسدار قرآن را، امام را، پاسدارش!

- یارانمان در تکبیر آخرین خویش به نیایش ایستادند تا بر ایستادن امام دعا کنند: مستجاب کن!

\*خدا، ببین که فرزندان ابراهیم چگونه اسماعیل‌وار به قربانگاه آزمایش می‌شتابند، می‌سوزند تا با کفر نسازند، می‌روند تا ایمان نرود.  
- شهیدان یک وصیت داشتند که با خون خود نوشتند. مصیبت‌شان تویی. امام را نگهدارش!

خدا، دست آمریکا از آستین صدام بیرون آمده است، تا خون جوان‌های ما را بریزد و کفش آمریکا به پای (دوستان شیطان بزرگ) رفته.

\*خدا، ما از «نبودن» آنها رنج نمی‌بریم که از «بودن» خویش در رنجیم، ما می‌دانیم که آنها «هستند» و ما «زنده مرده» ایم.

هدی رجب بیگی یکی از برادران بسیار فعال و چهره خستگی‌ناپذیر جهاد سازندگی بود. مهدی علاوه بر فعالیت در بخش امور استان‌ها و کار در دفتر تحقیقات اجتماعی جهاد یکی از همکاران و نزدیکان خوب مجله جهاد نیز به شمار می‌رفت.

فقدان مهدی یک ضایعه بزرگ برای جهاد سازندگی بود. که اگر چه دیگر برادران جهادگر جای خالی او را پر خواهند کرد. اما گزاف نگفته‌ایم اگر بگوییم جای خالی مهدی به این زودی‌ها پر شدنی نیست.

مطلبی که در زیر می‌خوانید مرثیه‌ای است در سوگ مردی از قبیله نور. مرثیه‌ای در غم از دست دادن مهدی به شیوه‌ای که خود او در غم از دست دادن یاران جهادگرش در کربلای هویزه نوشت. و در حقیقت پاسخی به آن نوشته در این مقاله هر جمله‌ای که در داخل گیومه قرار گرفته است، جملات و کلماتی است که از مقاله مهدی در پاسخ به خودش به رعایت گرفته شده.

یادش زنده و راهش پرهرو باد.  
رقص وجولان بر سر میدان کنند.

رقص اندر خون خود مردان کنند. «مولوی»  
«یا ایتهای النفس المطمئنه. ارجعی الی ربک راضیه مرضیه. فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی»

مهدی جان، دیشب پیامت را خواندم چه عاشقانه سرودی، گویی که «زبان حال» «خود» و ما را سر دادی

اما اکنون تو نیز «رفتی» و ما «ماندیم» و سوگند که دیگر ما راحتی یارای گریستن نیز نیست.

\*\*\*

آری مهدی جان، همانطور که تو اشاره کرده‌ای «سرخ است دشت میهن از خون پاک مردان» و اکنون دیگر در جای جای دشت میهن از خون مردان «قبیله نور» لاله سرخ بر آورده و ایران سراسر لاله‌زار است. مهدی جان، ای کسی که «اسطوره شهادت را به بازی گرفته» و «سرمست از عشق خدایی» سرود «انا لله و انا الیه راجعون» سر دادی و در غروب غم‌انگیز آسمان میهن شعر دل‌نواز «فبای الاء ربکما تکذبان»

مهدی جان، تو رفتی و پس از تو «یاران» دیگر نیز و قافله سالار شهیدان همچنان با گام استوار به پیش می‌رود. گرچه ما مانده‌ایم ولی هنوز روندگان بسیاریند و گویی که عاشقان شهادت را پایانی متصور نیست آری، مهدی جان در کربلایی به وسعت ایران قطره قطره خون تو که به زمین می‌ریزد «مهدی»ها شکفته می‌شود و «مهدی»ها با حلقوم‌های تپیده در خون فریادرسای تو و همه شاهدان زمان را سر می‌دهند که:

«خدایا خدایا تا انقلاب مهدی، خمینی را نگهدار»

خدایا، مهدی ما «های و هوی بهشت» تو را دید.

صدای فرشتگان را شنید که ندا در داده‌اند «همگامان خمینی» از سنگر کربلا آمده‌اند. و به پیمان خود وفادار مانده‌اند و تا «پایان راه» همچنان استوار ایستاده‌اند. خدایا، این شاهد عاشق را نیز از «خمینی» بپذیر. والسلام.

### رنج‌نامه

شهید مهدی رجب بیگی  
خون شد دلم خدایا رحمی نما به حالم  
از دوری رفیقان آشفته شد خیالم  
تا قله هدایت یاران من برفتند  
غم گشته‌ام خدایا، در کوچهی ضلالم  
همچون پرنده عاشق پرواز عشق من بود  
اندر غم شهیدان، بشکست هر دو بالم  
ما عاشقان هم‌ره عهد سفر بستیم  
آن کاروان برفت و آمد غم ملالم  
سرخ است دشت میهن از خون پاک مردان  
زرد است روی زارم افتاده چون هلام  
یک آسمان ستاره، یک دشت پر ز لاله  
رویبید از دل شب من ماندم و خیالم  
از قامت شهیدان بر پاست پای لاله  
بشکست پشتم از غم در غصه بی‌مثالم  
همچون همه شهیدان این است آرزویم  
اندر غم خمینی پویم ره کمالم  
یا رب ببو شهادت معراج تا سعادت  
کی می‌شود نصیبم؟ پاسخ بده سوالم  
ای شاهدان تاریخ دیدار تازه گردد  
فالی گرفته‌ام دوش خونین نمود فالم  
این به سوی جنت تا رویتان ببینم  
مهمان شوم شما را گر حق دهد مجالم  
آه ای خدای رحمان حال مرا بگردان  
از هجر می‌گذارم نزدیک کن وصالم

## ارزش و فضیلت احیای فرهنگ جهادی کمتراز ترویج فرهنگ ایثار و شهادت نیست



هفته دفاع مقدس گفت: با عنایت به شرایط ویژه ایجاد شده به دلیل شیوع ویروس کرونا، فعالیت‌های ما در هفته دفاع مقدس صرفاً حول محور تولید محتوای شنیداری، نوشتاری و دیداری همراه با بهره‌گیری بیشتر از فضای مجازی برای انتشار این محصولات فرهنگی و همچنین برگزاری نشست‌ها به صورت ویدئو بوده است.

وی به برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته به مناسبت چهلمین سالگرد دفاع مقدس اشاره کرد و افزود: امسال شاهد تنوع و بعضاً نوآوری در برخی از برنامه‌های هفته دفاع مقدس بودیم و بر اساس پیش‌بینی و برنامه‌ریزی صورت گرفته، برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی این اداره کل در چهارچوب رعایت پروتکل‌های بهداشتی، تا پایان سال جاری و در مناسبت‌های مختلف ادامه خواهد داشت.

صدقگو در بخش دیگری از سخنان خود به تغییر سیاست‌های کلی در تولید محتوای نشریه پل پرداخت و تصریح کرد: اضافه شدن بخش‌هایی مانند: پرونده ویژه، تاریخ شفاهی، فرهنگ جهادی، ستارگان جهاد، سیمای مجاهدت، سبک زندگی، روایت پایداری، حدیث حماسه و با خاطرات یاران و همچنین افزایش تیراژ و ارسال آن برای ادارات امور ایثارگران سازمان جهاد کشاورزی و کانون سنگرسازان بی‌سنگر استان‌ها، نقش موثری در جذب مخاطبین جدید و مشارکت استان‌ها در تولید و ارسال محتوا داشته است.

معاون فرهنگی و پژوهشی اداره کل امور ایثارگران در پایان سخنان خود گفت: ارسال مکرر درخواست‌هایی مبنی بر اشتراک نشریه پل، نشان‌دهنده جذابیت محتوا و اثرگذاری آن خصوصاً بر جامعه هدف است که خود لازم می‌دانم از تلاش و کوشش همه همکاران تقدیر و تشکر کنم.

در پایان این نشست از اعضای هیات تحریریه نشریه پل و همچنین همکارانی که در اجرای برنامه‌های هفته دفاع مقدس فعالیت داشته‌اند، تقدیر و تشکر به عمل آمد.

نشست گرامیداشت آغاز چهارمین سالگرد انتشار ماهنامه پل همراه با تقدیر و تشکر از اعضای هیات تحریریه این نشریه در سالن شهید کسایی اداره کل امور ایثارگران برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، در ابتدای این جلسه سید حمزه رضوی مشاور وزیر و مدیر کل امور ایثارگران ضمن تقدیر و تشکر از همکاری و همراهی مجموعه این اداره کل در برنامه‌های هفته دفاع مقدس گفت: علی‌رغم محدودیت‌های ویژه‌ای که به دلیل ویروس کرونا و یا مباحث بودجه و اعتبارات با آن مواجه بوده‌ایم، عملکرد مجموعه همکاران ما در اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی در مقایسه با فعالیت‌های سایر دستگاه‌ها و نهادها، بسیار چشمگیر و ارزشمند است.

رضوی در بخش دیگری از سخنان خود ضمن اشاره به انتشار مستمر نشریه پل و تقدیر از فعالیت‌های هیات تحریریه ماهنامه تصریح کرد: رشد کیفی و کمی نشریه پل طی یک سال گذشته به گونه‌ای بوده است که بازخوردهای بسیار مثبتی از مسئولین داخل و خارج از مجموعه وزارت و حتی از استان‌ها داشته‌ایم و این نشان دهنده آن است که مطالب تولید شده دارای مقبولیت ویژه‌ای برای مخاطبین و جامعه هدف ما بوده است. وی ضمن اشاره به پشتکار و همت نویسندگان نشریه پل در تولید مطالب متناسب با مناسبت‌های مذهبی و ملی هر ماه تصریح کرد: بدون حضور و تلاش شما، رسیدن به این نقطه ممکن نبود اما بحمدالله ظرفیت و پتانسیل این مجموعه به گونه‌ای است که همچنان می‌توان به ارتقا کیفیت بیش از پیش این نشریه امیدوار بود.

رضوی در پایان سخنان خویش، با اشاره به سخنان مقام معظم رهبری در خصوص لزوم زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدا افزود: در جامعه امروز ما، ارزش و فضیلت احیای فرهنگ جهادی کمتراز ترویج فرهنگ ایثار و شهادت نیست.

در ادامه این نشست صادق صدقگو معاون فرهنگی و پژوهشی اداره کل امور ایثارگران نیز ضمن ارائه گزارش کوتاهی از اقدامات این معاونت در



## بازخوانی حادثه بمباران شیمیایی سومار

# روزگار تلخ بی‌شیرین



سپیده زینب اسکندریان

پاییز از راه رسیده بود و از گرمای هوای سومار کم شده بود. آفتابگردان‌ها گل کرده بودند و رو به خورشید هر صبح سلام می‌کردند. مردها کشت و کار پاییزی را شروع کرده و زمین‌ها شخم خورده بودند برای کاشتن گندم. بچه‌ها کتاب‌های نو را زیر بغل زده و صبح به صبح راهی مدرسه می‌شدند. با اینکه مردم سومار هنوز به خانه و زندگی‌شان برنگشته بودند اما در اردوگاه‌های جنگی و با فاصله کمی از شهر و زادگاه‌شان چشم انتظار پایان جنگی بودند که هفت سال طول کشیده بود.

جنگ هنوز ادامه داشت و کسی باور نداشت که به شدت سال‌های اول اتفاقات آدم‌ها را به کوه و بیابان راهی کند. به خصوص که ارتش و سپاه هم در مناطق مختلف مستقر بودند و آماده باش برای هر اتفاق ناگواری. با اینکه خبرهای جاهای دور تلخ و ناگوار بودند و تصاویر بمباران شیمیایی سردشت اشک را به چشم آدم می‌آورد اما دشت سومار و نفت شهر انگار در آرامشی عجیب فرو رفته بود که کسی تصور طوفان از آن نداشت.

مهر به نیمه رسیده بود که شیرین تنور را روشن کرد. همیشه‌ها را انداخته بود که گر بگیرند و خمیرش را گذاشته بود که نان بپزد. بچه‌هایش رفته بودند مدرسه و نوزادش توی گهواره بعد از خوردن شیر و شنیدن لالایی کردی خوابیده بود. برایش خوانده بود: هه‌ی لایه لایه لایه

کورپه‌ی شیرینم لایه  
آسمان آبی و صاف بود. زمین آرام و آماده برای زندگی. قلب‌ها در طپش و پر از شور زیستن و زندگی در جریان. عقربه‌های ساعت به آرامی همان روز در حال نزدیک شدن به ساعت ده صبح بودند. صدای بچه‌ها از کلاس درس می‌آمد که آب را و نان را و بابا را تکرار می‌کردند. شب خسرو به شیرین سپرده بود که مراقب بچه‌ها باشد تا برود کرمانشاه و برگردد. گفته بود از تاریکه بازار برایش قواره‌های پارچه خواهد خرید. شیرین

بودند. این اولین بمبارانی نبود که آنها می‌دیدند و تا وقتی آن جنگ بی‌پایان ادامه داشت آخرین آنها هم نبود. باید پناه گرفت و منتظر آرامش بعد از طوفان بود. همانطور که شیرین در حالی که فرهاد را چنگ زده بود و به آغوش کشیده بود فکر می‌کرد که همه‌ی آرامش قبل از آن، آرامش قبل از طوفان بود. حالا هم که در دل طوفان گرفتار آمده بودند چاره‌ای نبود جز اینکه منتظر ماند که چه پیش خواهد آمد.

هوایمها سریع‌تر از هر بار منطقه را ترک کردند و ناگهان بویی شبیه سیر؛ تند و تلخ توی منطقه پیچید. ساعت‌ها گذشت، آتش تنور خاموش شد، نان توی تنور سوخت و آدم‌ها ثابت و ساکن ماندند.

\*\*\*

ظهر خبر بمباران سومار به گوش خسرو رسید، لقمه‌ی کباب را به دهان نبرده زمین گذاشت و داد زد: قدرت پاشو، پاشو راه بیفتیم ببینم خانه خراب شده‌ایم...

تمام راه را چنگ زده بود به قواره پارچه‌ی رنگ رنگی که برای شیرین خریده بود. به کفش‌های کوچک و خوشگلی که برای فرهاد خریده بود و این راه انگار تمامی نداشت. کوه‌ها و دره‌ها سیاه بودند، بلوط‌ها و بوته‌ها

سپرده بود که فتیله‌ی چراغ بادش نرود، سرما در پیش بود و یک جفت کفش خوشگل برای فرهاد که به زودی راه خواهد افتاد.

صبح آفتاب زده خسرو با وانت قدرت رفته بود سمت کرمانشاه و گفته بود که تا عصر بر خواهد گشت. همه‌ی تنور گلی که زغال شد، شیرین قبل از زدن نان به تنور سرکی به درون چادر کشید؛ فرهاد در خوابی شیرین فرو رفته بود و او می‌توانست با خیال راحت نانش را بپزد چرا که ولوله‌ی آمدن بچه‌ها از مدرسه و ناهار خواستنی‌شان تا چند ساعت دیگر بلند می‌شد.

تنور گرم و آماده‌ی نان بود. نان اول را که به دیواره تنور کوبید ناگهان انگار آسمان ترکیب. چند هوایمها از غرب آمده بودند و ضد هوایی‌های غریبند. زمین و آسمان به هم دوخته شده، شیرین دویده بود سمت چادر. فرهاد از خواب پریده بود و ترسیده و ننگ می‌زد. هوایمها هجوم برده بودند سمت مقر نیروهای ارتش. از خط مقدم تا نیروهای پشتیبانی را زیر بمباران سنگین گرفته بودند و پیش می‌رفتند.

صدای جیغ و گریه‌ی بچه‌ها در شلیک مداوم پدافندها گم شده بود و همه کنار چادرها و در پناه بوته یا شکاف دره‌ای پناه گرفته





مردهایی که از اطراف خودشان را رسانده بودند دست به کار شدند. جنازه نباید روی زمین می‌ماند و کندن قبرها شروع شد. فردا روزنامه‌ها خبر زدند که در بمباران شیمیایی سومار ۱۶۰ نفر شهید و بیش از ۷۰۰ نفر مجروح شده‌اند. چادرهای اردوگاه سوت و کور، چراغ‌ها خاموش و تنورها سرد شدند. خسرو دل و دماغی برای زندگی نداشت، شیرین و فرهادش به آسانی رفته بودند و چند ماه بعد که خبر شیمیایی حلبچه آمد داغ دلش تازه‌تر شد. صدام به سیم آخر زده و حالا که می‌دانست در نبرد رودرو توان مقابله با ایران را ندارد حالا وحشیانه و بی‌مهابا و بی‌هیچ ترسی بمب‌های شیمیایی را بر سر مردم و نیروهای نظامی ایرانی فرو می‌ریخت تا شاید کمی از داغ شکست‌های متعدّدش را کم کند.

عید که شد هنوز داغ دل خسرو تازه بود. پارچه گلدار و پر زرق و برق و کفش‌های کوچک را آورد و وسط چادر گذاشت، هنوز از چادرهای همسایه صدای سرفه‌های ناتمام می‌آمد. آدم‌هایی که چند ماه بعد از بمباران شیمیایی از بیمارستان مرخص شده بودند و هنوز درگیر سرفه‌های ناتمام گاز خردل بودند. روزگار شیرین خسرو از شانزدهم مهرماه تا ابد تلخ شده بود، بی‌شیرین، بی‌فرهاد و بی‌هیچ صدایی از شادی و شور در خانه‌ای که تا امروز ادامه دارد. در تلخی‌ای ناتمام به تلخی‌ای گاز خردل و گاز اعصابی که در سال‌هایی دور ناجوانمردانه بر شهر و روستا، بر سر نظامی و غیر نظامی ریخته شده بود.

همیشه لبخند میزد حالا آنقدر صورتش درد کشیده بود که تلخ شده بود مثل تلخی هوایی که هنوز سنگین بود و پر از بوی غریب و تلخ شیمیایی. دویده بود توی راه و جلوی یک توپوتای ارتشی را گرفته بود. افسر توی ماشین گفته بود هیچ کاری نمی‌شود کرد. تسلیت گفته بود. خسرو داد زد: شاید بیمارستان صحرایی بتواند کمکی بکند. افسر گفته بود که حتی بیمارستان صحرایی هم بمباران شده و چند نفری از دکتراها و پرستارها و پرسنل بیمارستان صحرایی هم شهید شده‌اند. آسمان روی سر خسرو آوار شده بود و قدرت آمده بود زیر بازویش را گرفته بود. گفته بود: پاشو مرد، خدا صبر بده اتفاقیه که افتاده، باید فکری به حال اموات بکنیم.



به چشمش نمی‌آمدند. سومار چقدر دور شده بود و چرا نمی‌رسیدند. هنوز نیم ساعت مانده به اردوگاه دژبانی ارتش راهشان را بست. سرباز اجازه‌ی رفتن نمی‌داد و خسرو التماس می‌کرد: زن و بچهام، شیرینم، فرهادم. جان عزیزت اجازه بده برویم.

- نمی‌شود عزیزم. منطقه باید پاکسازی بشود. شیمیایی زده‌اند و اجازه ورود ندارید.

مقابل چشمان خسرو سیاه شد. انگار چیزی نمی‌شنید و کنار وانت نیسان روی زمین خشک زانو زد. قدرت رفته بود با سرباز صحبت کند که به حال خسرو دلش به رحم بیاید و آخر سر سرباز راضی شده بود میله‌ی راه‌بند را بالا ببرد و گفته بود: اگر بفهمند برابرم اضافه خدمت خواهند برید. بروید به امان خدا...

و آن نیم ساعت برای خسرو انگار قرن‌ی طول کشید تا پای تپه ماهورها از دور سایه‌ی چادرها پدیدار شد. توی راه دیده بود که لاشه‌ی پرنده‌ها و حیوانات وحشی کنار جاده افتاده بودند. دیده بود که مقر نیروهای نظامی چطور در آتش می‌سوخند و آمبولانس‌ها چطور آژیرکشان از مقابلشان می‌آمدند. قیامتی برپا بود که آتش دل خسرو را بیشتر می‌کرد. چیزی در درونش زبانه کشید و سرش را مرتب به شیشه‌ی وانت می‌کوبید.

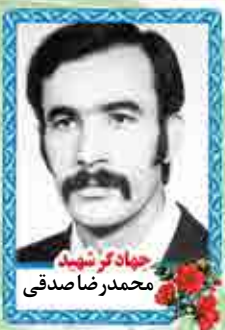
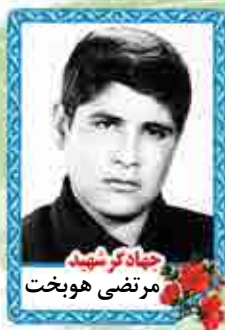
\*\*\*

آنچه مقابل چشمان خسرو شکل گرفت برایش غیرقابل باور بود. شیرین همان پشت چادر به پهلو افتاده بود، فرهاد توی بغلش و هر دو مثل برق گرفته روی زمین افتاده بودند. این شیرین او نبود، شیرینی که

## جشن میلاد پیامبر اکرم (ص) و امام صادق (ع) در قرارگاه نجف



# شهدای اتوبوس مهرماه ۱۳۵۹



# اتوبوسی که در تاریخ گم شد!

شدند که جاده را بسته و با شلیک گلوله سعی در توقف اتوبوس داشتند. راننده تلاشش را کرد که جاده را دور بزند و به سمت اهواز برگردد که چرخ‌های اتوبوس در قسمت خاکی جاده گیر کرد و اتوبوس از حرکت بازماند.

سربازان دشمن به سمت اتوبوس پیش آمدند و همه سرنشینان را پیاده کردند، غیر از یک نفر که از در عقب اتوبوس قبل از رسیدن به دشمن متواری شده بود. نیروهای دشمن، همه را برهنه کرده و پس از بازرسی و بستن دست هایشان، به عنوان اسیر به سوی مرزهای عراق روانه کردند.

دکتر عباس شیبانی (وزیر کشاورزی وقت) با یک جیب از تهران به سوی جبهه جنوب حرکت کرده و شب را در اهواز گذرانده بود. او قصد داشت تا به همکاریانش بپیوندد که از دور چگونگی محاصره شدن و به اسارت گرفته شدنشان را می‌بیند. و خود را از معرکه نجات می‌دهد.

همان شب از تلویزیون عراق تصاویر اسرا نشان داده شد که زنده بودنشان را مسجل می‌کرد. کم کم خانواده‌ها مطلع شدند. کاری از دست هیچکس ساخته نبود. صلیب سرخ آمار و نام اسرا را اعلام می‌کرد و برخی از اسرا برای خانواده‌های خود نامه می‌نوشتند اما از آن ۳۲ نفر هیچ خبری نبود. نه صلیب سرخ Wبری دارد، نه نامی و نه نامه‌ای! و انتظار آغاز می‌شود.

با پایان جنگ تحمیلی، تلاش وزارت امور خارجه نیز نتیجه‌ای نداد و بنیاد شهید و امور ایثارگران در سال‌های بعد، همه مسافران اتوبوس را شهید اعلام کرد.

\*\*\*

به مناسبت چهلمین سالگرد دفاع مقدس و همچنین چهلمین سالگرد شهادت غریبانه و مظلومانه این آزادگان شهید و مظلوم، به مرور بخشی از خاطرات «سید عباس لوسانی» راننده آن اتوبوس می‌پردازیم که سال ۱۳۶۴ آزاد شده بود:

«راننده وزارت کشاورزی بودم که در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۵ دو ناویار از نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی به اداره کشاورزی آمدند و از ما تقاضای آمبولانس و سایر امکانات برای جبهه‌ها کردند. حضور آنان باعث شد که تصمیم پیوستن به صفوف رزمندگان اسلام را بگیرم. به طور اتفاقی فردای همان روز مسئول قسمت ترابری و موتوری گفت قصد دارد تعدادی از نیروها را به جبهه بفرستد. حتما به خاطر دارید که در روزهای آغاز جنگ سپاه و بسیج گستردگی اواخر جنگ را در مرزها نداشتند.

طبق برنامه‌ریزی قرار شد با اتوبوسی که در اختیار قرار داده بودند نیروهای داوطلب را به جبهه برسانم. وقتی که ماموریت به من ابلاغ شد، با جان و دل پذیرفتم. آقای مددی تلفنچی اداره هم به عنوان کمک راننده مرا همراهی می‌کرد. خلاصه از تهران حرکت کردیم و ظهر روز بعد به اندیمش رسیدیم و از آنجا به اهواز رفتیم، اما در اهواز به وجود ما نیازی نبود، به همین خاطر بعد از صرف صبحانه به طرف آبادان حرکت کردیم. در آن موقع



در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۵ دو ناویار از نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی به وزارت کشاورزی سابق می‌روند و تقاضای آمبولانس و سایر امکانات برای جبهه‌ها می‌کنند. فردای همان روز مسئول قسمت ترابری و موتوری اعلام می‌کند که قصد دارد تعدادی از نیروها را به جبهه بفرستد. اعضای انجمن اسلامی پیشقدم این حرکت شده و نیروهای داوطلب دیگری نیز به آنها می‌پیوندند.

طبق برنامه‌ریزی ۳۲ نفر از رزمندگان داوطلب و کارکنان وزارت کشاورزی (سابق) با اتوبوسی از مقابل ساختمان شیشه‌ای واقع در بلوار کشاورز عازم منطقه عملیاتی جنوب شده و ظهر روز بعد به اندیمشک و از آنجا راهی اهواز می‌شوند.

قبل از حرکت، ماشین را با گل استتار کرده و بعد از صرف صبحانه به طرف آبادان حرکت می‌کنند. آنها اقدامات اولیه را در شهر اهواز انجام دادند تا راهی منطقه دارخوین شوند. آن روزها از تحرکات و موقعیت‌های دشمن و نیروهای رزمنده اطلاعات دقیقی در دست نبود و با تغییر شرایط، اطلاعات منطقه نیز تغییر می‌کرد.

صبح روز هجدهم مهرماه ۱۳۵۹، اتوبوس نیروهای اعزام شده‌ی وزارت کشاورزی (سابق) در جاده اهواز به سمت آبادان در حرکت بود و آنها از حضور دشمن در قسمتی از جاده خبر نداشتند. کسی فکرش را هم نمی‌کرد که دشمن تا سه راه دارخوین پیش آمده باشد. بعد از طی مسافتی با نیروهای ارتش بعضی عراقی رو به رو

آنها غیرنظامی و بی‌سلاح بودند. بعضی‌ها بعد از بستن مسیر راه‌آهن و جاده اهواز - خرمشهر و جاده اهواز- آبادان، جاده آبادان- ماهشهر را هم بسته و عده‌ی دیگر را نیز بعدها از روی این جاده دستگیر و منتقل کردند. به هر حال ما را به آن طرف کارون برده و در یک مکان نگه داشتند تا بقیه‌ی اسرا را به آنجا بیاورند. زن باردار، دختر، بچه، پیرمرد، پیرزن و خلاصه اغلب اهالی بی‌دفاع را دستگیر کرده و به عنوان اسیر آورده بودند. در آنجا بود که یکی از فرماندهان عراقی اعلام کرد، ۸۰ تن از زن‌ها را به همراه بچه‌هایشان به طرف آبادان رها کنند. لابد فکر می‌کردند، به همین زودی آبادان را هم خواهند گرفت. بعدها شنیدم، همسر یکی از بچه‌های آبادانی که همراه این عده آزاد شد، ۳ روز بعد فارغ شد و الان فرزند او ۸ ساله است.

پدر وی که ما او را به نام «مشدی علی» می‌شناسیم، در بین اسرا بود. او چهل ماه اسارت کشید و سپس آزاد شد. آن لحظه که می‌خواستند زن و بچه‌ها را از مردها جدا کنند، صحنه عجیبی بود. فرمانده عراقی تهدید می‌کرد که من اجازه گرفته‌ام زن و بچه‌های زیر پنج سال را آزاد کنم و اگر مخالفت کنید، آنان را هم به اسارت خواهیم برد. سرانجام پس از کمی صحبت، پدرها و دخترها، مادرها و پسرها، زن‌ها و شوهرها و فرزندان کوچک از یکدیگر جداحافظی کرده و راه ایران را در پیش گرفتند و از ما دور شدند.

من جزو اولین گروه‌هایی بودم که اسیر شدم. صبح روز هیجدهم مهرماه حدود ساعت ۸، من و همراهم را دستگیر کردند. عراقی‌ها هر چه و هر که را می‌دیدند می‌گرفتند. کامیون‌هایی که اسباب و اثاثیه سه خانواده را به اهواز می‌بردند، با سرنشینانشان گرفتار شدند، سه داماد و پدرزنشان را هم اسیر کردند و اثاثیه‌شان هم به عراق منتقل شد. نزدیک ظهر ما را در کمپرسی‌های خودمان سوار کرده و از پشت کارخانه صابون‌سازی خرمشهر به شلمچه و سپس به طرف بصره بردند. بیش از صد نفر در یک کمپرسی سوار بودیم و دو عراقی هم جلو نشسته بودند و مدام تیراندازی می‌کردند



مرحوم سید عباس مفتخری هاشمی لواسانی  
(راننده اتوبوس)

رفته بودند، به همین خاطر فریاد زدم: برگردید که الان همگی را می‌کشند. بچه‌ها برگشتند، فقط همان سه نفر که ابتدا عرض کردم، خودشان را در زیر پل مخفی کرده و ماندند. فکر می‌کنم شب قبل عراقی‌ها پل مارد را ساخته بودند تا نیروهایشان را از روی آن عبور دهند و ظاهراً تا آن ساعت هنوز تعداد زیادی از نیروهای آنها به این سوی آب نیامده بودند با این وجود آن سه نفر توانستند با بهره‌گیری از موقعیت فرار کنند.

وقتی ما را جمع کردند، یکی از سربازان عراقی به عربی گفت: «سوار شوید!» همگی سوار اتوبوس شدیم. او با خشونت گفت حرکت کن! گفتم: اتوبوس پنجر است! گوش او به این حرف‌ها بدهکار نبود. به همین خاطر در حالی که اسلحه‌اش را به طرف من می‌گرفت گفت: زود راه بیفت! اتوبوس را روشن کردم و به راه افتادم. در طول راه تانک‌های عراقی در دو طرف جاده مستقر شده بودند. با رسیدن ما به مواضع عراقی‌ها، تعدادی از آنها از پشت تانک‌ها بیرون ریختند و ما را با تندی و خشونت از اتوبوس پایین کشیدند. پس از پیاده شدن به ستون شده و به راه افتادیم. آنها جاده راه‌آهن را هم گرفته بودند.

در طول راه من متوجه شدم که در همان روز عراقی‌ها حدود دو هزار نفر از مردم محلی و بومی خوزستان را از روی جاده اهواز- آبادان به اسارت گرفته که همه‌ی

آبادان در موقعیت خطرناکی قرار داشت. به همین دلیل ماشین را با گل استتار کردیم. حدود ساعت ۱۱:۳۰ دقیقه صبح بود که به ژاندارمری آبادان رسیدیم. در آنجا از جمع ما فقط ۲۰ نفر توانستند به خط بروند. در مورد لباس هم قرار شد از البسه نظامی سربازانی که برای استراحت از خرمشهر به آبادان آمده بودند، استفاده کنند. پس از ادای نماز، آنها را با اتوبوس به نزدیک‌ترین فاصله از خط رساندم و برگشتم. وقتی به محل استقرارمان در آبادان رسیدم، خیلی خسته بودم، به سرعت دوش گرفتم و چون هوا کم‌کم تاریک می‌شد، گوشه‌ای را برای استراحت انتخاب کردم.

ساعت ۹ شب بچه‌ها یکی یکی برگشتند. یکی از آنان تعریف کرد که ما ۲۵۰ نفر بودیم و در مقابلمان هزار تانک عراقی صف کشیده بودند، با این وجود نگذاشتیم عراقی‌ها قدم از قدم بردارند. خوشبختانه به هیچکدام از مسافرینم آسیبی وارد نشد و همگی سالم برگشتند. صبح روز بعد از ما خواستند که تعداد هزار راس گاو را که قرار است به دارخوین ببرند، مراقبت کنیم. ما همان شب به دارخوین رفتیم و گاوها را آوردند و شیرشان را دوشیدیم و به مردم دادیم. فردای آن روز پس از تعیین محل گاوها و سپردنشان به دیگران، اگر فراموش نکرده باشم ساعت ۷:۲۰ دقیقه به سمت آبادان حرکت کردیم. ۲۵ کیلومتر از راه را آمده بودیم که به پل مارد رسیدیم. در حال عبور از پل ناگهان صدای رگبار گلوله ما را متوجه حضور عراقی‌ها کرد، یکی از گلوله‌ها به لاستیک جلوی ماشین اصابت و آن را پنجر کرد. من به سرعت ماشین را خاموش کردم.

حدود ۳۶ نفر سوار ماشین بودند که همگی خودرا به بیرون از اتوبوس رساندند، از این تعداد سه نفر را دیگر ندیدیم که بعدها فهمیدم نجات پیدا کرده و به تهران آمده بودند. من آخرین نفری بودم که از ماشین پیاده شدم. موقع پیاده شدن، صدای فردی را که عربی صحبت می‌کرد شنیدم، وقتی صورتم را برگرداندم، حدود ۱۰ سرباز عراقی را دیدم که به طرف ما نشانه



میان ما بودند، از سایرین جدا و سپس شروع به عکسبرداری از جهات مختلف چهره اسرا کردند. این کار توام با کتک و شکنجه صورت می‌گرفت. بعد از پایان عکسبرداری، کار بازجویی شروع شد. کسانی که از ما بازجویی می‌کردند، به زبان فارسی کاملاً آشنایی داشتند و من از این موضوع متعجب شدم.

۱۲ روز در این پادگان بودیم و به اشکال مختلف اسرا را مورد آزار قرار می‌دادند. یادم می‌آید یکی از اسرا برایم تعریف می‌کرد، وقتی مامور زندان می‌آمد تا یک پیاله آب گوجه‌فرنگی بدهد، جلوی چشمم، آب دهانش را در داخل محتویات ظرف می‌انداخت.

بعد از ۱۲ روز نوبت بازجویی سرنشینان اتوبوس من رسید. ما را برای بازجویی از تنومه به پادگان «زبیر» که چهل کیلومتر بعد از بصره قرار داشت، بردند. قبل از اینکه بقیه ماجرا را تعریف کنم، بد نیست به این نکته اشاره داشته باشم که در پادگان تنومه، ما هنوز زیر پوشش صلیب سرخ جهانی قرار نداشتیم و هیچ نوع جیره‌ای به ما نمی‌دادند. آنها هر وقت دلشان می‌خواست یک قرص نان کوچک که به آن «سمون» می‌گفتند، می‌دادند. یک روز پنیر همراهش بود، یک روز تخم‌مرغ و بقیه روزها هم نان خالی بود.

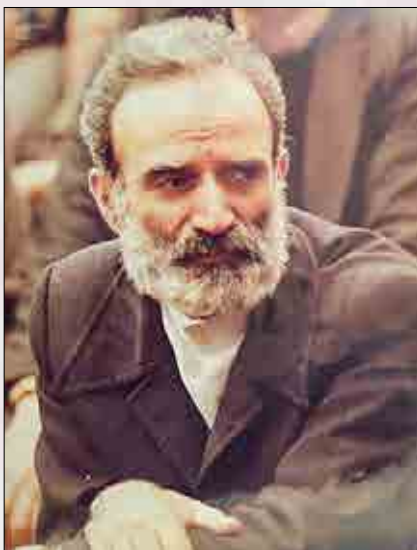
قوتی کبریت چیده شده بودند. وقتی از کتک زدن ما خسته شدند شروع به غارت جیب‌هایمان کردند. در جیب من، سیگار و فندک و حدود ۱۵ هزار تومان مخارج راه که از طرف اداره گرفته بودیم و مقداری مدارک اداری وجود داشت که همان ابتدای گرفته بودند.

همان روز میخ یکی از چوب‌ها در بازوی چپم فرو رفت که تا چهل روز درد می‌کشیدم. با همان کامیون ما را به بصره بردند و یک ساعت و نیم در این شهر گردانند. در شهر بصره تمام ادارات و مغازه‌ها بسته بود و عده‌ای از مردم در خیابان‌ها سرگردان بودند. تا آنجایی که من متوجه شدم، فقط در آتش‌نشانی عده‌ای از مامورین حضور داشتند که نشان می‌داد آنجا تعطیل نیست. شهر کاملاً خلوت و مملو از عکس‌های صدام بر در و دیوار بود. حدود ساعت یک بعد از ظهر ما را بازگرداندند و تا سه ساعت بعد حتی یک جرعه آب هم ندادند. کار نمایش ما در بصره که تمام شد، همه را به پادگانی در ده کیلومتری بصره به طرف خرمشهر، به نام «تنومه» که سی کیلومتر داخل خاک عراق قرار داشت منتقل کردند. در آنجا عرب زبان‌ها را از فارس‌ها جدا کردند. در این میان، تعدادی از کارگران افغانی را که با لباس محلی خودشان در

و به عربی می‌گفتند: «اینها سرباز (امام) خمینی هستند»، در صورتی که اغلب اسرا، خانواده‌ها و افراد بومی و غیرنظامی بودند که در جاده ربوده شده بودند. در میان آنان حتی یک نفر هم اسلحه به دست نبود. در طول مسیر تا بصره، دو طرف جاده ادوات نظامی نو و پلمپ شده صف کشیده بود. وقتی که سلاح‌ها را دیدم با خود گفتم، هیچ کس جز خدا نمی‌تواند جلوی اینها (عراقی‌ها) را بگیرد. همان لحظه از خداوند خواستم که آبادان و اهواز و دزفول و سایر شهرها را از شر بعضی‌ها دور نگه دارد.

در طول هشتاد کیلومتر تا چشم کار می‌کرد تانک و توپ و ماشین و تانکر و ... بود. نخلستان‌های اطراف بصره که از ده کیلومتری بصره آغاز می‌شد، مملو از ادوات نظامی بود.

وقتی کامیون‌های حامل اسرا به مقصد مورد نظر آنها رسید، من تازه فهمیدم که چرا ۱۲۰ نفر را در یک کامیون انداختند. زیرا وقتی به مقصد اول رسیدیم، سربازان عراقی با چوب جعبه‌های مهمات وحشیانه به جان ما افتادند و با طرف میخ‌دار چوب‌ها، به هر کجا که می‌رسید، می‌زدند. در این حالت هیچ کس نمی‌توانست بنشیند. چون اصلاً جای نشستن نبود، همه مثل



در میان آنان، خواهری بود که حدود پنجاه سال داشت و از دو برادرش که یکی کور و دیگری کاملاً فلج بود مراقبت می‌کرد. چهار ماه تمام تشک‌مان سیمان و لحاف‌مان سقف اتاق بود. شما می‌دانید که سرمای خوزستان و نواحی اطراف آن که شامل بصره هم می‌شود، شبها استخوان‌سوز است. ما در چنین شرایطی، همگی در یک اتاق ۹۶ متری، لابلای هم می‌خوابیدیم. از لحاظ دستشویی و آب خوردن هم در مضیقه بودیم. تا آن موقع ما در اختیار نیروهای جیش‌الشعبی بودیم و هنوز جیره غذایی مرتبی نداشتیم.»

شدند، همه شخصی هستند و در اداره کشاورزی آبادان کار می‌کنند، چرا آنان را می‌برند؟ او گفت: به تو مربوط نیست... در «زبیر» افراد بالای چهل سال را جدا کردند. من هم جزو آنان بودم. در مجموع تعداد افراد بالاتر از چهل سال به ۱۱۰ نفر می‌رسید. همان شب هشت کامیون آمد و مابقی اسرا را که زیر چهل سال داشتند سوار کرد و برد. من تاکنون هیچ خبری از آن افراد نشنیده‌ام. در میان ما، پدری بود که مثل ابر بهار گریه می‌کرد و از اینکه او را از پسرش جدا کرده بودند، ناراحت بود. حوالی عصر همان روز تعدادی خانواده به جمع ما اضافه شدند.

در پادگان زبیر، آخرین مسافران مرا جدا کردند و تا امروز هیچ خبری از آنان نیست و خانواده‌هایشان هنوز به دنبال نام و یا اثری از آن عزیزان هستند. حتی نام بعضی از آنان به عنوان مفقودالاثر ثبت شده است. به جز این تعداد، ۳۷ نفر دیگر را هم سراغ دارم که الان هیچ اثری از آنان نیست. تا یادم نرفته بگویم، یکی از همین برادران عرب زبان که روز دوم جنگ اسیر شده بود، در طول این هشت سال از هیچ کوششی در خدمت به بیماران ایرانی فروگذار نکرد. به طوری که گاهی اوقات از چهل تا پنجاه اسیر مراقبت می‌کرد. او انسان خوب و شریفی است و در میان اسرا، همیشه به نیکی از او یاد می‌شد. در میان اسرا، برادری بود که به بیماری آسم مبتلا بود، در تنومه آنقدر مورد آزار و اذیت قرار گرفت که فوت کرد. وقتی بعضی‌ها متوجه فوت آن مرحوم شدند، او را در گوشه‌ای انداختند و یک گونی روی بدنش کشیدند و به حال خودش رها کردند. در تنومه غروب که می‌شد درها را قفل می‌کردند و دیگر به کسی اجازه رفتن به دستشویی را نمی‌دادند. غروب یکی از این روزها، جنازه آن مرحوم را بردند و فردای آن روز گفتند او را در قبرستان خودتان دفن کردیم. همانطور که گفتم، بقیه سرنشینان اتوبوس مرا در زبیر جدا کردند. در آن پادگان بود که من به مسئول مراقبین اسرا گفتم: آن افرادی که همراه من اسیر



## روایتی از برادران شهید هوبخت

# حکایت سه قبر خالی

راننده در شرح ماجرا گفت: شب اول اسارت یک نوجوان خونین و مالین را به اتاقی که ما در آن محبوس بودیم انداختند.

نوجوان گریه می کرد و از مصائبش می گفت. همه منقلب شده بودند. چند ساعت بعد نوجوان اسم و شغل و رتبه همه را می دانست. صبح معلوم شد جاسوس بوده و برای گرفتن همین اطلاعات همه، آن فیلم ها را بازی می کرده است!

لواسانی چند سال بعد فوت کرد و باز بی خبری و انتظار... جنگ هم تمام شد و از هوبخت ها خبری نشد. مادر خانواده چند ماه مانده به آزادی اسرا از دنیا رفت. شاید این هم خواست خدا بود. بدون شک مادر دیگر طاقت آن همه تنش را نداشت.

آزادگان گروه گروه به وطن بازگشتند و طوفان در خانواده آغاز شد. به هر جا و هر که توانستند سر زدند و خبر گرفتند. اما هیچ خبری نبود. پیگیری، جستجو و گفتگوهای مقامات ایرانی با مسئولین کشور عراق، هیچ نتیجه ای در بر نداشت و اثری از آن عزیزان یافت نشد.

خوب شد مادر رفت و آن روزها را ندید. می گفت کاش حداقل می گفتند شهید شده اند! خاک دوری می آورد. اگر آدم بر سر مزار کسی برود دلش آرام می گیرد، اما حالا... هر وقت صدای زنگ در خانه می آمد، دلش پائین می ریخت. نکند خبری از بچه هایم آورده اند.

روزها، هفته ها، ماه ها و سال ها گذشت و تنها خبر، بی خبری بود. حالا اگر می خواهی کمی بغض هایت را سبک کنی به بهشت زهرا(س) تهران برو. قطعه ۵۰، ردیف هفت، شماره های ۱۱۶، ۱۱۷ و ۱۱۸.

حکایت آن سه قبر خالی، روایتی است از سالها اشک، فاتحه و انتظار. داستانی که به دنبال پاسخی است برای اینکه: چگونه باید این سه خلا سرد و سنگین را پر کرد؟

مسافران اتوبوس اعزامی از وزارت کشاورزی، در مسیر حرکت به سوی خط مقدم، خود را در محاصره تانک ها دیدند و...

دکتر عباس شیبانی (وزیر کشاورزی وقت) نیز با یک جیب از تهران راه افتاده بود و شب را در اهواز مانده بود. صبح می خواهد به همکارانش بیوندد که از دور آنها را در محاصره تانک ها می بیند و اینکه چطور همگی اسیر می شوند. شیبانی خود را از معرکه نجات می دهد و ۳۲ نفر اسیر می شوند. تعدادی از آنها کارکنان وزارتخانه و بقیه هم دوست و آشناهای آنها بودند آن روز ۱۹ مهر بود.

همان شب تلویزیون عراق تصاویر آنها را نشان می دهد و زنده بودنشان مسجل می شود. کم کم به خانواده ها خبر اسارت را می دهند این خبر برای خانواده هوبخت که جای سه پسر خود را خالی می بیند، از همه سنگین تر است. هیچ کاری از دست هیچکس ساخته نیست. کم کم صلیب سرخ آمار و نام اسرا را اعلام می کند و برخی هم برای خانواده خود نامه می نویسند اما از آن ۳۲ نفر هیچ خبری نیست. نه صلیب سرخ خبری دارد، نه نامی و نه نامه ای! انتظار آغاز می شود.

سال ۶۱ اولین خبر از آنها می رسد. یک سرباز که موفق شده بود از اسارت فرار کند به خانه هوبخت ها می رود و اینگونه می گوید: من و دو نفر دیگر خودمان را به رودخانه ای پرت کرده و موفق به فرار شدیم.

این سرباز می گوید: آدرس خانه شما را علی و مرتضی به من داده اند. سرباز پیش مادر خانواده چیزی نمی گوید و به برادران در خفا اشاره می کند: وقتی فهمیدند احمد چه کاره (قائم مقام وزیر کشاورزی) است، او را به شدت شکنجه کردند و آنقدر حالش وخیم بود که از بقیه جدایش کردند. دیگر منتظر احمد نباشید!

سال ۶۴ عراق راننده جوان اتوبوس (سید عباس مفتخری هاشمی لواسانی) آزاد شد.

بعضی وقت ها دلت می خواهد خیلی چیزها بگویی و بنویسی. خیلی هم فکر می کنی اما کلمات کوچک تر از آنند که برخی چیزها را در خود جای دهند.

تا به حال برایتان اتفاق افتاده پنج دقیقه منتظر کسی باشید؟ چه حالی پیدا می کنید؟ اگر خیلی عزیز باشد چه؟ حالا اگر ۱۰ دقیقه شد چه؟ ۲۰ دقیقه چه؟ ۴۰ دقیقه چطور؟ ۴۰ روز، ۴۰ هفته، ۴۰ ماه یا «۴۰ سال»

حالا فکر کن بخواهی برای انتظار سه عزیز در این مدت بگویی و بنویسی. دیدی کلمات کوچکند.

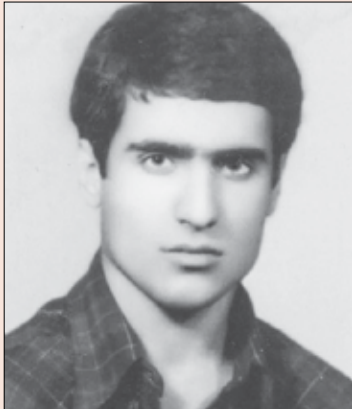
این ها که می خوانی از زبان اسماعیل است. روایت سه برادرش احمد، مرتضی و علی که دو هفته پس از شروع جنگ رفتند و دیگر نیامدند. همین!

علی در گروه چریکی شهید چمران ثبت نام کرده بود و در انتظار دوره آموزش یک هفته ای بود. اولین نماز جمعه پس از آغاز جنگ بود که احمد و مرتضی - برادرانش - را دید. احمد - قائم مقام وزیر کشاورزی - گفت: یک گروه از وزارت کشاورزی می خواهد به منطقه برود. شما هم بیاید با ما برویم. اولین و آخرین قرار جنگی سه برادر در نماز جمعه گذاشته شد.

روز پانزدهم مهر ۱۳۵۹ از طرف انجمن اسلامی وزارت کشاورزی ۳۲ نفر برای اعزام به جبهه جمع شدند. مرتضی تفنگ ۳ ژ خودش را هم آورده بود. تفنگ را زمان انقلاب از پادگان ارتش به دست آورده بود. قبل از اعزام نماز جماعت خواندند اتوبوس به سوی سرنوشت به راه افتاد. سرنوشتی که همچنان ادامه دارد...

آن روزها اوضاع حساسی به هم ریخته بود و سازمان و تشکیلات منظمی برای سازماندهی افراد داوطلب جنگ وجود نداشت. هرکس دل در گرو انقلاب و میهن داشت، با هر وسیله ای که می توانست راهی جنوب می شد. خیلی ها با ماشین شخصی خودشان می رفتند.





را هم به شرکت در انتخابات تشویق می کرد. می گفت نباید گذاشت انقلاب دست منافقین بیفتد. این حرف را زمانی می زد که هنوز منافقین افشا نشده و از همه بیشتر ادعای انقلابی بودن داشتند!

در گروه دکتر چمران ثبت نام کرد اما سرنوشت برای او چیز دیگری رقم زده بود. اما داستان ما ادامه دارد...

گویی داغ سه برادر برای هوبخت ها کافی نبود و آنها باید سربلندتر می شدند و حالانوبت ابوالحسن بود که بعد از سال ها به عموهایش اقتدا کند.

اولین بار ۱۳ ساله بود که راهی جبهه شد.

در گردان عمار، گروهان شهید بهشتی، دسته هجرت و در رسته های مختلف

مشغول به خدمت گردید و تقریباً تمام طول

چهار سال تا هفده سالگی را در گردان عمار

بود و در عملیاتی مختلف از سال ۱۳۶۱

شرکت کرد و چند بار مجروح شد. معاون

گردان او شهید سید احمد پلارک (فرمانده

معروف) بود. در عملیات کربلای پنج با

دیگر هم‌رزمان در منطقه کانال ماهی پشت

سیل بند دوم از ناحیه سر و پا زخمی می

شود و بدلیل نبود تدارکات و حجم سنگین

آتش در همان جا شهید شد.

نتوانستند پیکرش را بیاورند و انتظاری دیگر

بر انتظار هوبخت ها افزوده شد. انتظاری که

فرهنگ ایثار و استقامت مردم این دیار را به

تصویر کشید و روحیه مجاهدت و مقاومت

را معنا و مفهوم دیگری بخشید.

خدا را شکر که پیکر ابوالحسن را پنج سال

بعد آوردند، پنج سال ... گفتنش راحت

است.

حتماً ابوالحسن می داند عمو احمد، مرتضی

و علی کجا هستند.



اسلحه ژ-۳، کلت و سرنیزه و انواع و اقسام مهمات را آورده بود.

در روز ۲۱ بهمن با اسلحه از منزل بیرون

رفت و تا شب در حال درگیری با نظام

منحوس پهلوی بود. اطاعت عجیبی از امام

خمینی داشت و هرگاه ایشان پیامی می

دادند با دقت کامل گوش می داد و همه را

تشویق می کردند که کاملاً گوش کنند. به

شغل های آزاد مختلفی از قبیل ساختمان

سازی و... مشغول بود. بسیار شاداب و

فعال، بذله گو و شوخ طبع بود.

می خواست به کردستان برود که در

نماز جمعه احمد را دید...

### علی، دانشجوی ممتاز و انقلابی

علی دانشجوی مهندسی شیمی دانشگاه

صنعتی شریف بود. زمان پیروزی انقلاب

۱۹ سال داشت و با رفقای اعلامیه های

حضرت امام را در دانشگاه های مختلف

تهران توزیع می کردند. دانشجوی ممتاز

و انقلابی!

اما این همه فعالیت علی نبود. وضعیت

اقتصادی خانواده چندان مناسب نبود و او با

طراحی و دوخت کیف به تامین مخارج هم

کمک می کرد. دلش می خواست کارخانه

ای راه بیندازد و طرح هایش را عملی کند.

تنور مبارزه که داغ شد با مرتضی راهی

خیابان ها شد و اسلحه به دست گرفت.

انقلاب که پیروز شد روی جریان های

مختلف سیاسی در دانشگاه ها مطالعه و

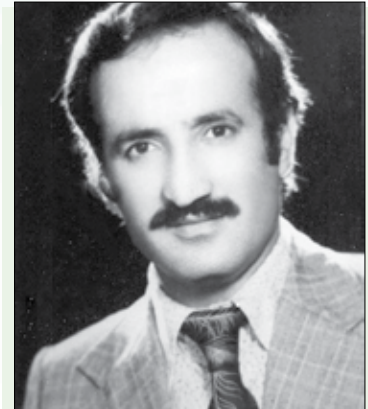
تحقیق می کرد. می گفت در کلاس ما ۱۵

نفر حزب الهی هستند و ۱۵ نفر هم از

سایر گروه ها!

از کتاب جدا نمی شد. روی انتخابات

حساس بود. با تحقیق رای می داد و بقیه



### احمد، قائم مقام وزیر کشاورزی

شهید احمد هوبخت فرزند محمود متولد

۱۳۱۸ در محله دخانیات تهران به دنیا

آمد. لیسانس کشاورزی و فوق لیسانس

کامپیوتر گرفت و استادی دانشگاه صنعتی

شریف و کارمندی ارشد وزارت کشاورزی

قبل از انقلاب و قائم مقامی وزیر کشاورزی

بعد از پیروزی انقلاب را تجربه کرد. اولین

شرکت کامپیوتری و اولین سیستم IBM

را نصب نمود و جزوات دانشگاهی را

منتشر ساخت. در دوران کودکی قرآن را

نزد مرحوم آیت الله طالقانی آموخت و به

قول خودش هر بار که قرآن را خوب تلاوت

می کرد توسط ایشان با یک مشت نخود و

کشمش تشویق می شد. زمان درگیری ها

و راهپیمایی های انقلاب حضوری فعال در

بطن انقلاب داشت. بعد از انقلاب به دلیل

فراست و هوش سرشارش به سمت قائم

مقامی وزارت کشاورزی رسید. در آخرین

نماز جمعه ای که شرکت کرد با برادرانش

قرار گذاشت به جبهه بروند و این آغاز راهی

بی انتها بود.

### مرتضی، شجاع و شاداب

مرتضی متولد ۳۴ و بسیار جسور بود.

هیچگاه دیده نشد از چیزی بترسد. در

هنگام درگیری با گاردی ها با شجاعت

تمام سنگ به شیشه ماشین آنها پرتاب می

کرد و هنگام درگیریهای انقلاب و تسخیر

اماکن مختلف رادیو، ارگ، پادگان حر و

پادگان حشمتیه با شجاعت تمام شرکت

کرد و به وسایل نظامی بدلیل دوره سربازی

کاملاً آشنا بود. به پادگان همافرها رفته و

اسلحه خانه را چند شب قبل از پیروزی

انقلاب خالی کرده بودند و با خود تیربار،

# جهاد مدارس، سنگر رشد نسل بعدی انقلاب



هر انقلابی اگر رشد فرهنگی، اجتماعی و علمی مناسب نداشته باشد دچار رکود می‌شود. در ۴۰ سالی که از انقلاب گذشته افراد مومن، انقلابی و آینده‌نگری در جامعه حضور داشتند که پرورش و گسترش فرهنگ انقلاب از برنامه‌هایشان بود. در این گذر جهاد مدارس به عنوان یک نهاد و نهضت جوشیده از انقلاب رسالت عظیم دگرگون‌سازی نونهالان و دانش‌آموزان را بر عهده داشت. در این شماره گفت‌وگویی با محمد مصدرالامور در مورد چگونگی راه‌اندازی جهاد مدارس به عنوان زیرشاخه‌ای از جهادسازندگی داریم.



## 📌 از چه سالی و چطور با جهاد آشنا شدید؟

بعد از پیروزی انقلاب اوایل اردیبهشت ۱۳۵۸ در بنیاد مسکن قم مشغول به کار شدم، روزی هزار واحد مسکونی برای احداث شروع شده بود که بنده سرپرست کارگاه سیصد واحدی بودم. هنوز جهاد تشکیل نشده بود؛ با تشکیل جهاد سازندگی در استان‌ها از جمله استان قم، برنامه‌ی جهادی را در روزهای پایان هفته و یا تعطیلات با هزار نیروی معمار، بنا و کارگری که در اختیار داشتیم در مناطق محروم و کویری استان قم انجام می‌شد. خدمت‌رسانی به مناطق محروم را تا آغاز جنگ تحمیلی به همین منوال انجام می‌دادیم. از سال ۱۳۵۹ داوطلبانه از قم به جبهه اعزام شدم و بعد از سه ماه و خورده‌ای با دوستانی که در جبهه با آنها آشنا شده بودم به مرخصی آمدیم. در ایام مرخصی تصمیم گرفتیم سری به منطقه‌ی سیستان و بلوچستان بزنیم.

ایامی که در جبهه‌ی جنوب بودم با یکی از سرداران سپاه آشنا شدم که همراه ایشان و گروهی از نیروها با اسلحه، ماشین، لباس و ... از طریق ستاد مرکزی سپاه که دوستان هماهنگ کرده بودند به مناطق مرزی سیستان و بلوچستان از مرز کهنک، زابل، میرجاوه، سراوان، چابهار و مناطق کنار دریا سرکشی کردیم. این دوستان قبل از جنگ تحمیلی در افغانستان جنگیده بودند و به مسائل جنگی کاملاً اشراف داشتند، برای تقویت نیروها در بحث قاچاق مواد مخدر به سیستان و بلوچستان آمده بودند. با وسایل جنگی به مناطق صعب‌العبور می‌رفتیم، تا پشت کوه‌های کرمان نیز رفتیم و با دوستان جهاد آن‌جا آشنا شدیم.

به هر کدام از شهرستان‌ها که می‌رفتیم با دوستان جهادی دیدار داشتیم، در زاهدان با شهید خیابانین که مسئول شورا بود آشنا شدم ایشان برای محرومیت‌زدایی به آنجا آمده بود وقتی در سال ۱۳۶۲ خبر شهادتشان را شنیدم به عمق محرومیت سیستان و بلوچستان پی بردیم. جلساتی و برنامه‌هایی با ایشان داشتیم که برای محرومیت زدایی کل سیستان از طریق جهاد چه کاری می‌توان انجام داد، این در حالی بود که در شرایط جنگی حضور داشتیم. ایشان گفتند شما از این‌جا نمی‌توانید کاری انجام دهید، بهتر است به دفتر مرکزی و تهران

بروید و از آن‌جا اقداماتی انجام شود، و به سایر استان‌های محروم هم سر بزنید. ما به دفتر مرکزی میدان انقلاب آمدیم و از طریق آقای مهندس خاکی که مسئول تدارکات کل جهاد بودند با جناب آقای علیرضا افشار عضو شورای مرکزی، اولین جلسه را برگزار کردیم. و این موضوع را مطرح کردیم که قصد داریم در برخی از مناطق محروم مانند سیستان و بلوچستان برنامه‌هایی انجام دهیم و برای این کار نیاز به نیروهای هست، با توجه به ظرفیت آموزش پرورش چه از نظر کیفیت، چه کمیت و چه علاقمندی دانش‌آموزان برای خدمت در مناطق محروم، این آمادگی را دارند که از استان‌های مختلف به مناطق محروم بروند.

بعد از نیم ساعت هم‌صحبتی با آقای افشار و بیان ایده‌ها، ایشان همان روز با مرحوم بارگاهی که در روابط عمومی جهاد بود صحبت کردند، یک اتاق را در اختیار ما قرار دادند و یک میز، یک صندلی و یک تلفن که باید صفر را می‌گرفتیم که آزاد می‌شد. گفت شروع کنید و هر کاری که می‌خواهید انجام دهید. این مقدمه‌ای بود برای تنظیم برنامه اردوها و تدارک اعزام نیرو به مناطق محروم. این فعالیت‌ها منجر به تشکیل جهاد مدارس شد و جهادسازندگی پایه‌گذار جهاد مدارس بود که آن هم از اردوهای دانش-آموزی نشات می‌گرفت.

📌 قبل از این‌که ما وارد بحث جهاد مدارس شویم، به عقب برمی‌گردم. شما فرمودید بعد از این‌که انقلاب اسلامی پیروز شد، شما به روستاها می‌رفتید، لطفاً بفرمایید با چه کسانی می‌رفتید؟ چه روستاهایی رفته بودید و چه کارهایی انجام داده بودید؟

با توجه به اینکه برخی از اقوام و خویشان ما ساکن خوزستان بودند بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی چند گروه از قم برای اعزام به آنجا تشکیل دادیم. شورای انقلاب تازه در آبادان تشکیل شده بود. یکی از چهره‌های شاخص آن زمان مرحوم آقای رشیدیان بود که نماینده‌ی آبادان و بعد نماینده‌ی خوزستان و بعد از آن وارد خبرگان شد. افرادی که آن‌جا بودند هم از دوستان و هم از علما روحانی الان مسئولیت‌های



از جاهای دیگر نیز کتاب برای کتابخانه می‌گرفتیم حتی من از مرحوم شهید مفتاح از مسجد قبا کتاب می‌گرفتم و دوستان از جاهای مختلف این کار را انجام می‌دادند.

با تجربیاتی که ما از پیش داشتیم بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب در روستاهای اطراف قم و تفرش، این اسلاید را تهیه کردیم. حدود سی تا چهل روستای قم، تفرش و آشتیان کارهای فرهنگی انجام دادیم و از همان جا با یکی از دوستان در آبادان تماس تلفنی گرفتیم که گفتند این جا خیلی به کارهای فرهنگی نیاز دارد. ضمن این که دوستانی بودند که پیگیری‌هایی فعالیت‌های اطراف قم، تفرش، آشتیان و ... می‌کردند.

بنده چندباری قبل از انقلاب به آبادان رفته بودم و فقر و محرومیت فرهنگی آنجا را دیده بودم، گروه را دو، سه بار از قم به آنجا کشانیدیم که طبق صحبت‌های امام و برگزاری رفراندوم، دیدیم آنجا وجود ما بیشتر به درد می‌خورد. نیروها را به آنجا بردیم و فعالیت‌های بسیاری زیادی در کل منطقه انجام شد و هر کجا که می‌رفتیم، نیروهای خیلی زیادی را سامان‌دهی می‌کردیم و با ما همراه می‌شدند. افرادی که آنجا برده بودیم، هنوز هستند و با سمت نماینده‌ی مجلس، امام جمعه و ... هنوز فعالیت می‌کنند.

#### 📌 چرا به جای کار در قم به مناطق جنوبی کشور رفتید؟ چه کسانی انجام می‌شد؟

گفته‌های من مربوطه به ۴۷ - ۴۸ سال قبل است آن زمان مرحوم ابوی ما برنامه‌ی تفسیری قرآن در مسجد دایر کرده بود که گاهی از مساجد به خانه‌ها کشیده می‌شد. مرحوم ابوی ما خیلی اهل کتاب و تاریخ بود و طیف جوان مشتاق و فعالی در محل ما بودند که برای آنها

مختلفی در کشور دارند.

کلیپ سخنرانی و اسلایدهای به اسم پیروزی انقلاب که از قبل از پیروزی انقلاب یعنی از زمان جمال‌الدین اسدآبادی بود تهیه کردیم و مقدار زیادی کتاب بود. کتاب‌ها را به صورت مجانی با وانت یکی از کتابفروشی‌های قم که بانی شده بود برای خوزستان بردیم و آبادان، بوشهر، ماهشهر و جزیره‌ی خارک را تحت پوشش قرار گرفتیم، اسلاید و سخنرانی‌ها را هم پخش می‌کردیم. همه‌ی این فعالیت‌ها در قبل از جنگ انجام شد، همان سال‌های ابتدای انقلاب با امکاناتی که از خود استان می‌گرفتیم و امکاناتی که همراه خود ما بود صورت می‌گرفت. محل استقرار ما در مساجد بود، به خصوص مسجدی در آبادان که مرحوم عمومی ما در فلکه‌ی کارون داشت. تقریباً هر روز در مساجد کارهای فرهنگی انجام می‌دادیم و جمعیت زیادی می‌آمدند که تمام فضای مسجد و شبستان و پشت بام‌های مسجد را پر می‌کردند. برای اطلاع‌رسانی از رادیو آبادان استفاده می‌کردیم. بعد به خارک رفتیم و همه‌ی این فعالیت‌ها را آنجا تکرار کردیم، ساکنان آنجا مردمی خونگرم بودند علاوه بر آنها سربازان و نیروهای دریایی و هوایی در منطقه‌ی بودند که اکثریت در مراسم‌های ما شرکت می‌کردند. اینها بخشی از فعالیت‌ها و خدمات ما تا رفراندوم جمهوری اسلامی در آن مناطق بود.

#### 📌 چرا به جای کار در قم به مناطق جنوبی کشور رفتید؟

ما در قم همین فعالیت‌ها را داشتیم، قبل از انقلاب پدرم از ائمه‌ی جماعت قم بودند. مسجد ما - مسجد گذر قلعه - یکی از فعال‌ترین مسجد قم بود که در آن یک کتابخانه تأسیس کرده بودیم. حدود هزار و هشتصد پسر و هزار و دویست دختر در کتابخانه مسجد عضو بودند. در زمان پیروزی انقلاب در این مسجد توزیع کتاب را انجام می‌دادیم و



وارد مرحله عملی شدیم که با اسلحه و فشنگ جنگی به کوه‌های اطراف قم می‌رفتیم و تمرین می‌کردیم. همه‌ی این آموزش‌ها مربوط به قبل از جنگ است که کانون این فعالیت‌ها در مسجد گذر قلعه به امامت و رهبری، مرحوم ابوی ما بود.

### ● در مسجد از شخصیت‌های سیاسی مذهبی آن دوره دعوت می‌کردید؟

به یاد دارم کانونی برای تجمع بسیجی‌ها وجود داشت که مرحوم حاج حسن آقای نوری آن‌جا را تشکیل داده بود و خیلی از دوستان و حتی مسئولین مثل آقای بشارتی چهرمی به آنجا رفت و آمد داشتند. یک بار ایشان را دعوت کرده بودیم، البته اکثر برنامه‌ها توسط روحانی‌های خودمان انجام می‌شد که بعضی از آن روحانیون هنوز زنده هستند و بعضی از آن‌ها مرحوم شدند. یکی از کارهایی که ما آن‌جا می‌دادیم نوشتن مقاله بود آن هم مقاله‌های تندی، که بخاطر همین فعالیت‌ها در زمان دانشجویی دو بار توسط ساواک در تهران دستگیر شدیم.

البته دوران پیش از انقلاب طوری بود که اگر فعالیتی در مساجد انجام می‌شد، یک کلمه از صحبت‌های امام جرم بود ولی خب بعد از شهادت حاج آقا مصطفی که مجالس تشکیل شد و مسجد ما هم از این قضایا مستثنی نبود. البته ما یک مقدار حساب شده‌تر و تحت عنوان کتابخانه کار را انجام می‌دادیم، دوستان در مسجد شبها جمع می‌شدند آن‌جا دکلمه می‌کردند و سخنرانی می‌کردند. بعضی از روحانیونی که سردمدار تظاهرات بودند به مسجد می‌آمدند و سخنرانی‌های خیلی تند و آتشین می‌کردند و بعد جمعیت به سمت خیابان می‌رفتند و حکومت نظامی را می‌شکستند و به کنار تانک‌های می‌رفتند و با سربازها صحبت می‌کردند. آن شب‌ها هیچگونه درگیری صورت نمی‌گرفت چرا

جلساتی نیز برگزار می‌کرد، حدود هفت سال قبل از انقلاب اسلامی کتابخانه مسجد تشکیل شد.

در جریان کشتار مردم قم در سال ۱۳۵۶ حکومت نظامی تشکیل شد. مسجد ما در این فاصله یک پایگاه برای مبارزین و مجاهدین بود، خیابان چهارمردان سنگر بسیار مهمی بود که مسجد ما با آن خیابان حدود دویست، سیصد متر فاصله داشت. حکومت نظامی را که از ساعت ده اعلام می‌کردند، تازه فعالیت مسجد ما و سایر مساجد محلات شروع می‌شد مردم که تعدادشان حدود سیصد، چهارصد نفر بود از مساجد راه می‌افتادند و حکومت نظامی را می‌شکستند و به مناطق مختلف می‌رفتند و تظاهرات و راهپیمایی شکل می‌گرفت.

دویست نفر از شهدا عضو کتابخانه‌ی ما بودند این فعالیت‌ها در مسجد تا پیروزی انقلاب ادامه داشت. زمانی که تهران و سایر شهرهای دیگر حکومت نظامی ادامه داشت فعالیت‌های مسجد گسترش یافته بود. در این فواصل چندین بار مسجد ما مورد حمله قرار گرفت. منتهی آسیبی به مسجد وارد نشد و کتابخانه محفوظ ماند. کتابخانه‌ی مفصل و خوبی شده بود، کتاب‌های زیادی تهیه شده که به صورت امانی در اختیار خواهران و برادران قرار می‌گرفت.

در کنار قضیه‌ی کتابخانه، برنامه‌های مطالعاتی در حوزه‌های تاریخی، دینی، تفسیرقرآن در خانه‌ها به صورت گسترده برگزار می‌شد بعد از انقلاب دیگر دوستان و اعضا هر کدام تبحر پیدا کرده بودند. کم‌کم آموزش‌ها شکل تازه‌ای به خود گرفت توسط یکی از ارتشی‌های مسلمان و خبره، آموزش اسلحه شروع شد. شب‌ها حدود صد نفر و شاید بیشتر در هر خانه جمع می‌شدند و ایشان سلاح‌های مختلف را تعلیم می‌داد. با وجود اینکه اوایل انقلاب بود و هنوز جنگی شروع نشده بود اما برایمان مهم بود افراد مجهز شوند. بعد از آموزش اسلحه



افرادی واگذار شد که ثبت نام کرده بودند. منطقه‌ی خیلی بزرگی بود که حدود چهل، پنجاه خیابان اصلی و فرعی داشت.

### این هزار و دویست واحد را کی ساختید؟

من از اردیبهشت ۱۳۵۸ تا مهر ۱۳۵۹ آن جا بودم.

### یعنی شانزده ماهه هزار و دویست واحد را ساختید؟

خیر همه‌ی آنها آماده نشد. آن جا به چهار فاز سیصد واحدی تقسیم شد، چون خیلی از مصالح مجانی بود ابتدا قرار بود تکمیل همه‌ی واحدها ظرف یک سال انجام شود تا زمانی که آنجا بودم هشتاد درصد فاز یک آماده شد و فازهای دیگر تا شصت و پنجاه درصد رسیده بود. منتهی بعد از این که ما به جبهه رفتیم، دو، سه سالی طول کشید تا بقیه‌ی آن ساخته شد چون تعداد آن خیلی زیاد بود. علاوه بر آن خیابان کشی‌ها و زیرساخت‌های دیگری مثل مسجد و بازار هم بود. ادامه دارد ....



که سربازان می‌دانستند با این جمعیت کثیر نمی‌توانند مقابله کنند. البته رژیم کوماندوهای از جاهای مختلف آورده بود، که گاهی به مردم حمله می‌کردند و چند نفر را به شهادت رساندند.

### بعد از آن فرمودید اولین جایی که فعالیت کردید، بنیاد مسکن قم بود؟

بله بعد از من در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی قم فعالیتیم را ادامه دادم.

### بعد از برگزاری رفراندوم دوازده جمهوری اسلامی بود؟

بله، بنده قبل از انقلاب کار ساختمانی کرده بودم و به آقای مهندس بیحوی که ایشان مسئول بنیاد مسکن قم بودند مراجعه کردم از همان روز به عنوان تکنیسین و سرپرست سیصد واحد فاز اول تعیین شدم و تا شروع جنگ آن جا فعال بودم. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی قم حدود هزار و دویست دستگاه آپارتمان یک طبقه از منزل مسکونی، صد و بیست متری، صد و پنجاه متری به اضافه‌ی خیابان کشی‌ها و ... خیلی به سرعت به اتمام رساند.

### این هزار و دویست واحد را در کجای قم ساختید؟

زمین‌های بنیاد مسکن فعلی. انتهای زنبیل آباد قم که الان خیابان مفید است، یک جاده‌ی خاکی چند کیلومتری بود که هیچ چیزی نداشت حوالی کوه خضر، آن موقع تنها شهرکی بود که ساخته شد. تولید قم همان زمان به خدمت امام آمد و زمین‌های به بنیاد مستضعفین هدیه کرد و اسم آن را هم بنیاد مسکن گذاشتند. و به



محمد گلریز از ناگفته‌هایش می‌گوید:

## قسمت اعظم پیروزی جنگ ما بر عهده‌ی جهاد سازندگی بوده است

با جهاد تماس گرفتیم و آنها امکانات را برای ما فراهم کردند که علاقمند شدم در جهاد سازندگی کار کنم البته نه به عنوان خواننده. آن زمان یکی از کارهای جهاد پل‌سازی بود البته مشاغلی دیگری مثل راننده لودر، انواع و اقسام ماشین‌های راه‌سازی بود. یکی از این ماشین‌ها خیلی کوتاه بود که به دلیل ظاهرش در تیررس دشمن نبود و برای راه‌سازی به کار می‌رفت. دوست داشتم راننده آن ماشین بشوم.

خلاصه راهی اهواز شدیم و خودمان را معرفی کردیم و نسبت به توانایی‌مان تقسیم شدیم. البته ما چون از جهاد اعزام شده بودیم به جهاد مراجعه کردیم. بنده‌ی حقیر، همراه با چند دانشجو و پدر خانمم با وجود داشتن سن بالا همراه ما بود. آن مقطع از جنگ سن مطرح نبود هر کسی با هر سنی هر کاری که از دستش برمی‌آمد، عاشقانه انجام می‌داد. به نظرم یکی از رموز پیروزی جنگ ما همین بود که همه پشتیبانی می‌کردند. خانم‌ها در خانه کارهای پشتیبانی انجام می‌دادند بلوز، جوراب و دستکش می‌بافتند، غذا درست می‌کردند. در هر صورت گروه چند نفره ما که تشکیل شده بود از چند دانشجو، آقای رسایی و چند نفر دیگر تقسیم شدیم و من بستان افتادم.

### بعد از تقسیم، قرار شد شما اجرای سرود داشته باشید؟

خیر، من به عنوان خواننده نرفته بودم بلکه به عنوان داوطلب از طریق جهاد اعزام شدم. آن موقع فعالیت هنری داشتم و اجراهایم در تلویزیون نمایش داده می‌شد. و تقریباً چهره شناخته شده‌ای بودم. از مهمترین سرودهایی که آن موقع اجرا کرده بودم، ای مجاهد، خجسته باد این پیروزی و خیلی از سرودهای دیگری بود.

خلاصه به عنوان جهادگر اعزام شدم و بعد از تقسیم‌بندی همراه چندتا از دانشجویان تربیت معلم با ظاهر بسیجی سوار لندور شدیم و به سمت بوستان رفتیم. از اهواز تا بوستان مسافت تقریباً طولانی بود. با وجود اینکه باد، خاک و خل به ما می‌خورد و ما عشق و صفا می‌کردیم. بعد از دو، سه ساعت حوالی غروب به بوستان رسیدیم. زمانی که رسیدیم گفتند این‌جا خیلی بمباران می‌شود حواستان را جمع کنید، راه و چاه را به ما نشان دادند، جای سوله‌ها و مسائل ایمنی را برابمان گفتند.

ورود ما به بوستان مقارن با اذان بود، وضو گرفتیم، به سنگرهایی که زیر زمین بود که به آن سوله می‌گفتند رفتیم. همی رزمنده‌ها نشستند بودند و



مصاحبه کننده: سعید زراحی

محمد گلریز متولد ۱۳۲۵ در تهران، خواننده سرودهای انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی است قبل از انقلاب به عنوان خواننده وارد رادیو شد تا اینکه سال ۱۳۵۸ با خواندن سرود این بانگ آزادی به شهرت رسید و حالا بازنشسته بانک صادرات است فعالیت حرفه‌ای او با گروه شیدا به سرپرستی محمدرضا لطفی شروع شد نام هنری گلریز نیز بر گرفته از غزل حافظ با پیشنهاد دکتر نورعلیخان برومند (موسیقیدان) انتخاب شد در برنامه گلچین رادیو هر هفته اجرای را تجربه داشت در سال ۱۳۵۷ به خدمت امام خمینی (ره) رفت و در دیداری که با ایشان داشت، امام به ایشان دوبار فرمودند خدا شما را در پناه اسلام نگه دارد.

در سال ۱۳۵۸ یک سال بعد از تثبیت انقلاب، با سرود نیایش رو به خواندن آهنگ‌های ارزشی آورد تا اینکه با سرود این بانگ آزادی با شعر حمید سبزواری به شهرت رسید. سرودهای ای شهید مطهر، رفتند یاران، خجسته باد این پیروزی، ای شهیدان خدایی نامتان پاینده باد از دیگر آثار مشهور وی در آن دوران می‌باشد. در این شماره پای صحبت‌های هنرمند ارزشی نشستیم و سعی کردیم مصاحبه‌ای از ایشان تهیه کنیم که بتوانیم گوشه‌ای از صحبت‌های ایشان در مورد ایام دفاع مقدس برای مخاطبینمان بازگو کنیم

### چگونه با جهاد سازندگی آشنا شدید؟

آقای حسین رسایی یکی از اساتید بزرگ دانشگاه تربیت معلم بود که با ما دوستی داشت. از آن جایی که ایشان مدیر حوزه‌ی دانشگاه تربیت معلم بود و دانشجویان کارهای جهادی انجام می‌دادند، گاهی در برنامه‌های آنها می‌خواندم و برنامه اجرا می‌کردم. و به دلیل علاقه‌ام به جهاد به این فکر افتادم به جهاد بروم. بهترین راه این بود با استاد رسایی مطرح کنم. و ایشان پاسخ دادند با یک گروه جهادی قصد رفتن به جبهه را دارند. منم مشتاقانه اعلام کردم در خدمتم. که همراه با چند نفر از دانشجویان تربیت معلم راهی جبهه‌ها شدیم.

### چه سالی؟ از شرایط آن زمان برای ما بگویید.

سال‌های اولیه دهه شصت بود که اعزام شدیم. قبل از انقلاب در سپاه دانش معلم موسیقی بودم و آواز تدریس می‌کردم و علاقه زیادی به معلمی داشتم. اعزام سربازیم مصادف شد با آخرین سال سپاه دانش که به عنوان معلم دبستان به روستای سهل آباد تربت حیدریه اعزام شدم.



نیروهای مقاومت بر داعش سهم ایشان است. دویست هزار نفر را در سوریه بسیجی کرد. چه کسی او را می‌شناسد؟

### ● برای فرمانده‌های جهاد هم خواندید؟

بله برای جهاد چند کار خواندم. یک کار برای جهاد سازندگی خواندم، آنقدر زیباست که اگر بیست بار گوش هم دهی خسته نمی‌شوی.

### ● کاری بود که الهام از فضا و محیط جهادی باشد که شما بر آن اساس کاری ساخته باشید؟

بله، ما کارهایی که می‌خواندیم هماهنگ با آن فضاهایی بود که اجرا می‌کردیم. حتی اگر من در آن فضا نبودم آهنگسازها و یا شاعرها فضای جنگ را دیده بودند. به عنوان مثل برای جهادسازندگی خواندم: جهاد، جهاد، جهاد به راه حق و دین، آهنگ این کار را آقای ملکی خدابامرز برای من ساخت. خیلی از این آهنگ‌های مرا ایشان ساخته بود. آهنگ‌های زیبایی برای شهید باکری و محلاتی را نیز خواندیم اما متأسفانه پخش نمی‌شود و برای ما جای سوال است که چرا پخش نشده‌اند. چرا نباید برای دلاوران و حماسه‌سازان جهاد سازندگی، آهنگ ساخته نشود. باور کنید که قسمت اعظم پیروزی جنگ ما بر عهده‌ی جهاد بوده و جهاد نقش بسزایی در جنگ داشت. سرداران جهادسازندگی مظلوم واقع شدند، بعضی از آن‌ها هنوز در قید حیات هستند. اصلاً جهادسازندگی اسمی برده نمی‌شود، هست، من همه‌ی این حرف‌ها را با مسئولین درمیان گذاشتم و به وزیر ارشاد مستقیماً گفتم. حتی به ایشان گفتم چرا برای پایه‌گذاران انقلاب مثل امام(ره)، آقای بهشتی و مطهری کار ساخته نشده. مقام معظم رهبری در اکثر جلسات تأکید بر آن دارد که به فرهنگ دفاع مقدس، انقلاب، هنر انقلاب و شهدا پرداخته شود. پیوسته می‌گویند که نام و خاطره‌ی آن‌ها را باید زنده نگه داریم.

یکی از هنرهای اثرگذار ما موسیقی است. دشمن هم فهمیده است و از این راه وارد شده است. شما ببینید الان موسیقی ما به چه روزی افتاده است. موسیقی ما دم‌دستی و به سبک موسیقی لوس آنجلسی شده است. طوری شده که مقام معظم رهبری می‌گویند که از شعرهایی که از صدا و سیما پخش می‌ود گله‌مند هستیم.

دشمنان انقلاب و مملکت ما از طریق تزریق پول، با شعرهایی که نه ریتم دارد و هنر اصیل است جوان‌های ما را به خود معطوف کرده‌اند. در کشور ما دو تا مافیای ماشین و موسیقی وجود دارد. من همه‌ی این‌ها را می‌دانم و با علم دارم می‌گویم.

با ورود ما، فرمانده مرا شناخت و گفت آقای گلریز این‌جا چه کار می‌کنید؟ گفتم هیچی، ما هم بالاخره ایرانی هستیم و وظیفه‌ی شرعی ما این است که جهاد کنیم. به یاد دارم آن شب میلاد یکی از ائمه‌ی اطهار بودو گفتند باید بخوانید. گفتم من آمدم به جهاد و شما می‌گویید بخوانید؟ گفت مگر می‌شود نخوانید! آخر گردن ما گذاشت و ما یک برنامه‌ی مفصل و خوب داشتیم. چون پدرم مداح بود، رموز مداحی را هم بلد بودم و می‌توانستم مداحی کنم که همه‌ی این‌ها لطف خداوند بود. برنامه که تمام شد، بر و بچه‌های رزمنده دور ما جمع شدند و فرمانده گفت که من تو را ول نمی‌کنم و از تو بیشتر انتظار داریم. گفتم من آمدم که ... گفت نمی‌شود! می‌روم با فرمانده‌ی بالا صحبت می‌کنم. گفتم ما آمدم خدمت کنیم که یاد جمله‌ی حضرت امام افتادم که ایشان می‌گفتند که در دفاع مقدس هر کسی که هر کاری که می‌داند بیشتر مؤثر است در آن کار وارد شود. یکی در رزمندگی و یکی در هنر مهارت دارد. مفهوم کلی فرمایش حضرت امام این بود.

یک اتاق برای ما با گونی و یک میز شکسته و خاک و خل درست کردند و گفتند این دفتر تو باشد. بعد یک موتور شاسی بلند همراه با یک راننده هم برای ما گرفتند و کار ما این شد که هر جا که مصوب می‌شد باید می‌رفتم و مانند آقای آهنگران در عملیات‌ها شرکت کنم و بدون ساز برای رزمندگان سرود اجرا کنم. حدود یک ماه جبهه بودم و برنامه‌ها ادامه داشت خودم هم شوق و ذوق داشتیم. با گذشت زمان و اجرای برنامه‌ها دیدم که تنهایی نمی‌شود آمدم از آن دانشجویها یک گروه کر درست کردم. چه خاطراتی در این اجراها داشتم.

### ● از خاطرات برایمان بگویید.

تازه شیمیایی در مناطق جنگی شروع شده بود. برای اجرا به منطقه‌ای رفتیم که گردان قم آنجا بود. برنامه را شروع کردیم یک دفعه آژیر شیمیایی زدند همه ماسک شیمیایی زده بودند. نیم ساعتی رد شد و شیمیایی نبود که رزمنده‌ها اصرار به اجرای دوباره برنامه داشتند. باز رفتیم شروع کردیم و باز آژیر زدند. سه، چهار دفعه تکرار شد، دیگر همه ماسک‌ها را برداشتند و خسته شده بودند و گفتند هر کاری می‌خواهد بشود شروع کن! ما هم شروع به خواندن کردیم.

### ● چه سرودهایی بیش‌تر می‌خواندید؟

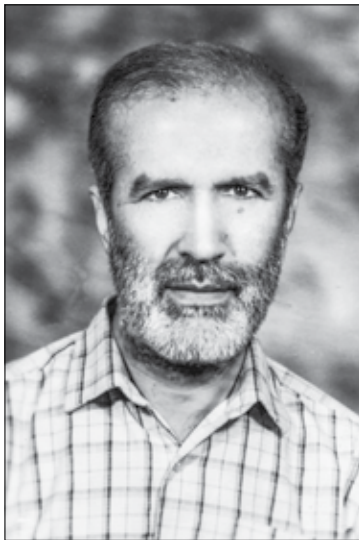
اگر به شما بگویم که حدود دو هزار کار خواندم، ممکن است که تعجب کنید. باور کنید دو هزار سرود انقلابی، حماسی، برای شهدا، جانبازان، نشده اتفاقی در مملکت ما بیفتد و من یک یا چند کار نخوانده باشم. محال است. برای اکثر شهدا خواندم. متأسفانه با وجود اینکه برای شهدای جدید کارهای قوی ساخته شده اما هنوز پخش نشده‌اند. شهدایی مانند شهید طهرانی مقدم پدر موشکی ایران، شهید همدانی که من از نظر من پنجاه درصد پیروزی

ما این جهادی که می‌بینیم یاد خاطرات دوران جنگ تحمیلی و دفاع مقدس می‌افتیم. واقعاً چه خاطراتی ما در رابطه با جهادسازندگی داشتیم و افتخار این را داشتیم که اولین بار از طریق جهادسازندگی به جبهه اعزام شدم. البته خود من داوطلبانه رفتم و نه این که من را اعزام کنند.

مروری بر سابقه و تاریخچه فعالیت‌های اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی

## نگاهی به فعالیت‌های واحد تعاون ستاد مرکزی پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی

روزنامه اطلاعات جبهه، ۴ بهمن ۱۳۶۶



فراموش کرده باشد آن را ذکر کند ممکن است در جبهه مشکلاتی برای خود و دیگر برادران رزمنده ایجاد کند. به همین دلیل چنانچه برادران قبل از اعزام به جبهه از نظر سلامت و تندرستی مورد معاینه قرار گیرند، اگر هم مبتلا به بیماری باشند، همین جا و قبل از اعزام مورد مداوا قرار می‌گیرند و پس از به دست آوردن سلامت می‌توانند به جبهه اعزام شوند.

وی می‌افزاید: ما در رابطه با درمان کل مجروحین از نظر بودجه و امکانات بحمدالله مشکلی نداریم و اگر مشکلی هم پیش آید برحسب مقررات اداری خواهد بود که ما نیز پیگیر این مساله و حل نواقص مقررات و مشکلات ناشی از آن هستیم و امیدواریم ان شاءالله بزودی به نتیجه برسیم.

### بیمه درمانی جهادگران

دکتر شرفی مسئول مشاوره‌ی پزشکی واحد تعاون، با اشاره به بیمه‌ی درمانی

هم در آنجا صورت می‌گیرد و مسائل پزشکی آنان مانند اعزام به بیمارستان‌ها پیگیری می‌شود.

مسالهی دیگری که ایجاب می‌کند بخش مجروحین داشته باشیم، این است که بعضی از مجروحین جهاد به دلایلی مورد پذیرش بنیاد شهید واقع نمی‌شوند که دلیل جراحی آنان ممکن است سوانح و حوادث مختلف حین کار و یا رانندگی در پشت جبهه باشد. این عده نیز به سرعت به تهران و یا دیگر شهرهایی که امکانات کافی پزشکی دارند انتقال می‌یابند. با توجه به اینکه مجروحین از برادران مهندس و تکنسین راه‌سازی، رانندگان بولدوزر و لودر، مکانیک وسایل نقلیه سبک و سنگین و دیگر نیروهای ماهر هستند و ستون‌های اصلی و محکم مهندسی جنگ را تشکیل می‌دهند و در صورت مجروح شدن باید تحت حمایت‌های ویژه قرار گیرند. درمان این عزیزان تا حصول نتیجه نهایی ادامه یابد. مسالهی دیگر پیگیری درمان رایگان اعضای خانواده‌های رزمندگان است که این مورد هم توسط بخش مشاوره‌ی پزشکی انجام می‌شود.

### معاینه‌ی رزمنده قبل از عزیمت به جبهه

یکی از مسائلی که برخی از دست اندرکاران امور درمانی و بهداشتی بر آن تاکید دارند. لزوم معاینه‌ی همهی برادران رزمنده از نظر سلامت جسمی است تا قبل از عزیمت رزمنده به جبهه از سلامت کامل وی اطمینان حاصل شود. برادر بارگاهی در این باره می‌گوید: اگر احیانا برادری در مصاحبه و گزینش به دلیل شوق شتافتن به جبهه نوع بیماریش را ذکر نکرده باشد و یا اصولا

### قسمت دوم

### مشاوره‌ی پزشکی و حمایت از مجروحین

دکتر جمشید شرفی مسئول بخش مشاوره‌ی پزشکی و حمایت از مجروحین واحد تعاون نیز با تشریح وظایف و مسئولیت‌های این بخش می‌گوید: با اینکه مسئولیت اصلی پیگیری امور پزشکی مجروحین جنگ بر عهده‌ی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بنیاد شهید و ستادهای تخلیه‌ی مجروحین است، معذالک بخش مشاوره‌ی پزشکی و حمایت از مجروحین تعاون جهاد نیز برای رسیدگی بیشتر به مداوای مجروحین جهاد فعالیت دارد. و فلسفه‌ی ایجاد این بخش در واقع به دلیل نیاز به یاری‌رسانی سریع‌تر به مجروحین جهاد است. به عنوان مثال برادر جهادگری که در منطقه مورد اصابت ترکش گلوله قرار می‌گیرد و صدمه می‌بیند وقتی به تهران انتقال یافت، برای پذیرش وی در بیمارستان و پیگیری اعمال جراحیش نیاز به سرعت عمل بیشتری است. به ویژه هنگامی که مجروح نیاز به چند جراحی متوالی داشته باشد.

این امر باعث می‌شود که محلی داشته باشیم تا در فواصل هر عمل مجروح بتواند در آنجا استراحت و تجدید قوا کند و از نظر بدنی برای عمل جراحی بعدی آماده شود. خلاصه آنکه برخی از برادران مجروح از مناطق دور اعزام شده‌اند و امکان ایاب و ذهاب مکرر برایشان وجود ندارد. از این رو مجروحین جهاد در درمانگاه شهید شوریده بستری می‌شوند و دستورات درمانی پزشکان معالج آنان نیز برایشان انجام می‌گیرد. درمانگاه شهید شوریده علاوه بر آنکه برای مجروحین جهاد حکم نقاهتگاه را دارد عمل‌های جراحی ساده

تنظیم‌کننده: معصومه نیاوندی



پنجشنبه ۲۴ بهمن ماه ۱۳۹۶ ۱۲

گزارش

مدیرعامل میهن، مهدی بهمنی به عنوان مسئول بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

تاریخ برای رفع مسائل حقوقی و حل مسائل حقوقی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

نگاهی به فعالیت های واحد تعاون ستاد مرکزی پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی

گروه های مددکاری تعاون جهاد در خدمت رفع مشکلات خانواده های عزیزان رزمنده

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

با توجه به اهمیت موضوع، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی، بازرسی از واحد بازرسی...

برادران عضو جهاد و اینکه این برادران از بالاترین تعرفه های بیمه استفاده می کنند و در صورت نیاز برای مراجعه به پزشک محدودیتی ندارند، می گوید: پلی کلینیک شهید شوریده جهاد نیز در خدمت جهادگران عزیز و اعضای محترم خانواده شان است.

وی سپس از کلیه ارگان ها و سازمان هایی که با واحد تعاون ستاد مرکزی پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی همکاری می کنند تشکر و قدردانی کرده و اضافه می کند: در این رابطه جا دارد از زحمات و همکاری های وزارت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، جمعیت هلال احمر و هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران سپاسگزاری و تشکر کنیم.

تعاون در صدر اسلام

برای آشنایی بیشتر با اهمیت مساله ی تعاون در اسلام بد نیست به گوشه ای از مقاله ی مجله ی شماره ی ۵ انصار (ارگان ستاد مرکزی پشتیبانی و مهندسی جنگ جهادسازندگی) نگاهی بیندازیم. در این مقاله آمده: « نمونه ی دیگری از اهمیت دین اسلام به پاسداری و تداوم حقوق برادری را در صدر اسلام می بینیم و آن هجرت گذشته بود که رسول خدا (ص) در صدد برآمدند که زیر بنای محکمی برای اجتماع مسلمانان بر پایه صمیمیت و یگانگی به وجود آورند. و اصل «تعاون» را بر شالوده ی برادری حکومت دهند.»

بدین منظور جمعی از انصار و جمعی از مهاجرین را جمع کردند و آنان را با یکدیگر برادر قرار دادند. به موجب این عقد اخوت و پیمان، هر یک از افراد موظف شدند به اصولی پایبند شوند و بدان عمل کنند و در رفت همه ی موارد احتیاج، صمیمانه با یکدیگر هماهنگی کنند و در رفع مشکلات و تامین نیازهای کوشا باشند. و از طرفی اگر برای یکی از آنها سفری پیش آمد به خانواده او سرکشی کند و رسیدگی کامل به عمل آورد و می بینیم در جنگ های زمان پیامبر افرادی که به مصلحت ایشان و یا به دلایلی از رفتن به جنگ معذور بودند تا بازگشت رزمندگان اسلام از نبرد

و عرضی کفایت نمی کند که باید هم در متن قوانین و مقررات و هم در متن عمل و عقیده و روش و منش جامعه پیاده شود و مصلحت زجر کشیده ها و جبهه رفته ها و شهید و اسیر و مجروح داده ها و در یک کلام مصلحت پا برهنه ها و گودنشین ها و مستضعفین بر مصلحت قاعدین در منازل و مناسک و متمکنین و مرفهین گریزان از جبهه و جهاد و تقوی و نظام اسلامی مقدم باشد و نسل به نسل و سینه به سینه شرافت و اعتبار پیشتازان این نهضت مقدس و جنگ فقر و غنا محفوظ بماند. لذا با توجه به جایگاه اعتقادی و ارزشی این امر با توجه به شرایط موجود در کشور،

با کفار و مشرکین، مسئولیت رسیدگی به مسائل و مشکلات آنان را بر عهده داشتند و به همین دلیل است که حضرت امام مدظله به همه ی مسئولان کشور تذکر می دهند که در تقدم ملاقات ها هیچ ارزشی و ملاکی مهمتر از تقوی و جهاد در راه خدا نیست. و همین تقدم ارزش الهی باید معیار انتخاب و امتیاز دادن به افراد و استفاده از امکانات و تصدی مسئولیت ها و اداره ی کشور و بالاخره جایگزین همه ی سنت ها و امتیازات غلط شود. چه در زمان جنگ و چه در حالت صلح، چه امروز و چه فردا که خدا این امتیاز را به آنان عنایت نموده است و صرف امتیاز لفظی



مرحوم دکتر جمشید شرفی مسئول مشاوره پزشکی واحد تعاون

جهدسازندگی جهت ابقاء این وظیفه مهم و خطیر، واحد تعاون پشتیبانی شهرستان، قرارگاه و گردان تشکیل داده است تا در راستای جذب نیروهای مورد نیاز خود در جهت تامین و تثبیت نیروهای کیفی و کلیدی، به امور فرهنگی و تحصیلی، رفاهی و خدماتی، درمانی و پزشکی، اداری و مالی، قضایی، امنیتی و کاری رزمندگان، مجروحین، جانبازان عزیز و فرزندان و خانواده‌های معظم آنان و همچنین خانواده و فرزندان معظم شهدا، اسرا و مفقودین همت گمارد.

بدیهی است پرداختن همه جانبه به این امر مستلزم پشتیبانی و حمایت همه جانبه‌ی مسئولین و دست اندرکار جنگ و فراهم کردن تمهیدات قانونی لازم و مکانیزم‌های اجرایی مورد نیاز است. و اگر این مهم تامین شود دیگر نیروهای اعزامی به مناطق جنگی به خصوص نیروهای کیفی و کسانی که مدت مدیدی را در جبهه‌ها بوده‌اند و یا قصد ماندن دارند، از مشکلات و مسائل خانوادگی خود و عدم رسیدگی به آنها و یا امور تحصیلی فرزندان خود نگرانی نخواهند داشت. خاصه آنکه با هماهنگی سایر سازمان‌های ذیربط، شرایط مطلوبی برای فرزندان این عزیزان فراهم آیند و در کنار تحصیل در مدارس نمونه‌ی آموزش و پرورش، با تشکیل کلاس‌ها و اردوهای

گفت و گو با «مصلحان»، رهبر فرقه حنفی های عراق

## آینده عراق به دست مبارزین مسلمان رقم زده می شود

در سال ۱۳۳۶ شمسی در عراق، گروهی از مسلمانان با نام «مصلحان» ظهور کردند. این گروه با هدف احیای اسلام و مبارزه با فساد و فحش در جامعه عراق تشکیل شد. رهبر این گروه، شیخ محمد باقر عسکری است. این گروه در طول سال‌ها فعالیت‌های گسترده‌ای داشته و توانسته است به تعداد زیادی از جوانان عراق پیروی کند. در این مقاله به بررسی فعالیت‌های این گروه و اهداف آن می‌پردازیم.

**تاریخچه و اهداف:** گروه «مصلحان» در سال ۱۳۳۶ شمسی در عراق تشکیل شد. این گروه با هدف احیای اسلام و مبارزه با فساد و فحش در جامعه عراق تشکیل شد. رهبر این گروه، شیخ محمد باقر عسکری است. این گروه در طول سال‌ها فعالیت‌های گسترده‌ای داشته و توانسته است به تعداد زیادی از جوانان عراق پیروی کند. در این مقاله به بررسی فعالیت‌های این گروه و اهداف آن می‌پردازیم.

**فعالیت‌ها:** گروه «مصلحان» در طول سال‌ها فعالیت‌های گسترده‌ای داشته و توانسته است به تعداد زیادی از جوانان عراق پیروی کند. این گروه با هدف احیای اسلام و مبارزه با فساد و فحش در جامعه عراق تشکیل شد. رهبر این گروه، شیخ محمد باقر عسکری است. این گروه در طول سال‌ها فعالیت‌های گسترده‌ای داشته و توانسته است به تعداد زیادی از جوانان عراق پیروی کند. در این مقاله به بررسی فعالیت‌های این گروه و اهداف آن می‌پردازیم.

**نتیجه‌گیری:** گروه «مصلحان» در طول سال‌ها فعالیت‌های گسترده‌ای داشته و توانسته است به تعداد زیادی از جوانان عراق پیروی کند. این گروه با هدف احیای اسلام و مبارزه با فساد و فحش در جامعه عراق تشکیل شد. رهبر این گروه، شیخ محمد باقر عسکری است. این گروه در طول سال‌ها فعالیت‌های گسترده‌ای داشته و توانسته است به تعداد زیادی از جوانان عراق پیروی کند. در این مقاله به بررسی فعالیت‌های این گروه و اهداف آن می‌پردازیم.

آموزشی و تربیتی، برگزاری مسابقه‌های علمی و هنری، اجرای برنامه‌های تفریحی تشکیل کلاس‌های آمادگی برای شرکت در کنکور دانشگاه‌ها، نسبت به تعلیم و تربیت شایسته‌ی آنان همت گماشت و یا با تشکیل گروه‌های مددکاری متشکل از خواهران منازل و بررسی مشکلات و اقدام عاجل در جهت حل مشکلات در غیاب رزمنده و یا از طریق فراهم ساختن امکان ارتباط لازم بین رزمنده و خانواده رزمندگان عزیز به طور مرتب و مستمر در جریان اوضاع و احوال زندگی خود باشند و نیز پیگیری و حل مشکلات و مسائل درمانی مجروحین از بدو مجروح شدن تا پایان درمان، فراهم کردن مقدمات اعزام آن دسته از مجروحینی که

برای ادامه‌ی معالجه نیازمند اعزام به خارج از کشور هستند. همکاری با بنیاد شهید و امور خانواده‌های شهدا، اسرا، مفقودین و جانبازان جنگ تحمیلی و خلاصه حمایت معنوی و روحانی، تامین اولویت‌های اجتماعی، شغلی و رفاهی، کمک به رشد و ارتقاء فرهنگ اسلامی خانواده‌ها و اقدام در جهت تامین امنیت شغلی، قضایی، مالی و جانی این عزیزان از اهم وظایف این واحد است و امید است با دعای خالصانه حضرت بقیه الله (عج) و انفاست قدسیه‌ی بازماندگان معظم شهدا، خداوند توفیق انجام این وظیفه‌ی مقدس را عنایت فرماید و آن را به عنوان باقیات و صالحاتی برای ما مقدر فرماید.



گفت‌وگویی منتشر نشده با سردار جهادگر شهید هاشم ساجدی

## نقش جهاد خراسان در عملیات فتح المبین و بیت المقدس



\* تبلیغات و انجام کارهای فرهنگی: نصب پلاکارد، نوشتن شعار، بردن فیلم و پوستر و روزنامه، اعزام روحانی برای حل مسائل شرعی رزمندگان از کارهای فرهنگی جهاد سازندگی برای حفظ روحیه رزم‌آوران اسلام است.

**در رابطه با عملیات مهندسی قدری بیشتر توضیح دهید و بگویید قبل از حمله نحوه عملیات مهندسی چگونه است؟**

ما قبل از حمله سعی می‌کنیم خودمان را به دشمن نزدیک کنیم و خاکریزهای بیشتری در نزدیکی دشمن بزنیم، به طوری که نیروهای رزمنده ما بتوانند به راحتی نزدیک دشمن شده و در شب عملیات ضربات سنگینی بر دشمن وارد کنند که دقیقاً در عملیات طریق القدس، بیت المقدس، فتح المبین و رمضان اینگونه عمل کردیم.

جهاد در جبهه سه کار عمده را انجام می‌دهد: مهندسی جبهه، تدارکات و پشتیبانی و دیگری کارهای فرهنگی و تبلیغاتی در جبهه‌هاست.

\* مهندسی جبهه: از وظایف مهندسی جبهه، زدن خاکریز و ایجاد سنگر در خطوط مقدم جبهه‌ها از جمله؛ سنگرهای تانک توپخانه، سنگر نفرات، راه‌سازی در خط و مسیر خط و غیره است.

\* تدارکات و پشتیبانی: یعنی جمع‌آوری هدایای مردم توسط جهاد سازندگی و رساندن آنها به دست رزمندگان اسلام است. موضوع مهمی که در جبهه‌ها مطرح است، مسئله راه‌سازی جهاد است که به رساندن تدارکات در جبهه‌ها سرعت می‌بخشد و گاهی این راه‌سازی طوری عمل می‌شود که رزمندگان ما به راحتی از پشت به دشمن آنها را غافلگیر می‌کند. مثل ساختن جاده‌هایی بر روی رمل و یا کوه.

جهاد استان خراسان از جمله جهادهایی است که از ابتدای جنگ تحمیلی در این نبرد عظیم و مقدس شرکت داشته و وظایفی خطیری نیز در عملیات‌های گوناگون به آن جهاد محول شده است. این گفت‌وگو حاصل مصاحبه‌ای مجله جهاد با برادر ساجدی است که در سال ۱۳۶۱ سمت مسئول ستاد پشتیبانی جهاد استان خراسان در جبهه‌های جنوب را بر عهده داشته، ایشان به گوشه‌ای از رشادت‌های جهاد خراسان در عملیات فتح المبین و بیت المقدس اشاره می‌کند.

**در چه عملیاتی شرکت داشته و آن را هماهنگ نموده‌اید؟**

مدت هشت ماه در جبهه بودم و در عملیات طریق القدس، چذابه، فتح المبین، بیت المقدس و رمز آن شرکت داشته‌ام.

**نقش جهاد در جبهه و جنگ چیست؟**

داشت و ما در روی دشت صاف و برهوت قرار گرفته بودیم، دشمن سریعاً ما را مورد حمله قرار داده بود و حتی یکی از برادران ما تکه تکه شد.

در آن حالت ما متوجه شدیم که نمی‌توانیم از میدان مین عبور کنیم، عراقی‌ها تانک‌های ضد تانک را در سه، چهار ردیف گذاشته بودند. در همان موقعیت حساس ما یک خاکریز شش الی هفت کیلومتری زدیم تا نیروهای رزمنده بتوانند از عقب به جلو بیایند و پاتک دشمن را بگیرند و ما نیز بتوانیم نجات پیدا کنیم و تدارکات را به برادرانی که روی تپه‌های رقابیه بود برسانیم. لحظات فوق‌العاده حساسی بود، لحظاتی که همه فکر می‌کردیم در اینجا چه برگردیم و چه جلو برویم به نابودی ایمان می‌انجامد. در همان موقع که ما از خداوند، نصرت و یاری می‌طلبیدیم، هوا سیاه شد و طوفان شدید، ماسه بادی و ماسه‌های رونده به سوی دشمن حرکت کرد. دشمنی که می‌توانست ما را به راحتی ببیند طوری شد که ما خودمان را هم در فاصله ۵۰ متری نمی‌دیدیم و فقط بر اساس اطلاع حرکت می‌کردیم و خاکریز می‌زدیم. هنگامی که خاکریز زدیم و تمام شد و می‌خواستیم استراحت کنیم که یک باران شدیدی شروع به باریدن کرد و هوا صاف شد. فردای آن روز میدان مین را پاکسازی کرده و مواضع را محکم کردیم و از مسیر بر غازه جاده زدیم و جاده فکه را نیز به دست آوردیم.

عملیات بعدی که جهاد خراسان در آن شرکت داشت عملیات بیت‌المقدس بود. در بیت‌المقدس لشکر قدس، فتح و نصر شرکت داشتند. لشکر قدس از یزدنو به هویزه و از هویزه به نوار کرخه نور و از کرخه نور به



دستور تاکتیکی به سنگرهای خودمان کشانده و آنها را متلاشی کنیم، در مرحله دوم با شجاعت‌های بی‌نظیر رزمندگان و جهادگران توانستیم مواضع دشمن را تصرف کرده و تپه‌های رقابیه را بگیریم. پس از آن قرار شد برادران جهاد مواضع پدافندی زده و آتش تانک‌ها را نیز خاموش می‌کرد، بلندی‌های برغازه در دست ما بود و مجبور بودیم در این دشت سنگر تانک را به صورت زیگزاگ بزنیم و به جلو برویم، برادران جهادگر در این موقعیتی که از دو سو در معرض آتش خمپاره و توپ‌ها قرار گرفته بود با ایثار تمام ۵۰۰ الی ۶۰۰ متر جلوتر از نیروهای رزمنده به جلو حرکت می‌کردند و سنگر می‌ساختند، بلاخره ما موفق شدیم و به طرف میدان مین رفتیم در کنار میدان مین چند نفر از گروه تخریب شهید شدند، در این لحظات امدادهای غیبی الهی نمایان شد، در آنجا دشمن بر روی بلندی قرار

### نقش عملیات مهندسی جهاد سازندگی بعد از حمله چگونه است؟

بعد از عملیات چون ما حمله کرده‌ایم، نقطه‌ای را به عنوان مواضع جدید، پدافند می‌کنیم (که این مواضع گاهی با ۲۰ کیلومتر و گاهی بیشتر و کمتر خط دفاعی دشمن را می‌شکند) به این طریق که بعد از آغاز حمله و شروع زد و خورد بین نیروهای اسلام و دشمن، نیروهای پیاده به جلو می‌روند و دشمن را متلاشی می‌کنند و در آنجا مواضعی را که جهاد باید برای امنیت پدافند کند مشخص می‌شود. در آن زمان است که نقش جهاد به خوبی در جبهه‌ها مشخص می‌شود. برادران جهادی در تمام لحظات در زیر گلوله‌ها و توپ‌های دشمن و فقط به خاطر خدا و یاری اسلام کار می‌کنند و از هیچ چیز در این راه نمی‌ترسند، به پیشروی ادامه می‌دهند و در این راه آرزوی شهادت می‌کنند و بدین وسیله می‌خواهند با خون خویش اسلام را تثبیت کنند.

### نقشه جهاد خراسان در عملیات گذشته چگونه بوده است؟

در عملیات فتح‌المبین، ما در رقابیه و درست مقابل تپه‌های رقابیه مستقر بودیم ما باید ۱۵ کیلومتر در دشت رفته و از میدان مین عبور کرده و به جلو می‌رفتیم تا مواضعی برای تدافع و بستن تنگه بر غازه به دست آوریم. در آن شب ما با تیپ کربلا همکاری می‌کردیم، و قرار بود که با همکاری هم دشمن را که روی رقابیه تک داشت، طبق



میدان مین را باز کنیم (زیرا معطل شدن جایز نبود و به نابودی ما ختم می‌شد) یکی از برادرها با بلدوزر برای خنثی‌سازی مین‌ها رفت، مین‌ها منفجر می‌شد و او جلو می‌رفت خوشبختانه مین‌ها ضد نفر بود که اگر ضدتانک بود نمی‌توانستیم چنین کاری کنیم. ما به خدا توکل کردیم و گفتیم اگر ضدتانک باشد منفجر می‌شود و اگر ضد نفر بود رد می‌شویم و می‌رویم، با توکل بر خدا رفتیم. راننده بلدوزر که برادر ایوبیان بود، یک سری دیگر رفت و دوباره برگشت و جاده را باز کرد که موشکی به او خورد و به شهادت رسید و بلدوزر نیز آتش گرفت. شهید گلکار رفت که بلدوزر را خاموش کند که موشک دومی آمد و او نیز به شهادت رسید. یکی از برادران مسئول خط نیز در حین کار با موتور مجروح شد، در این عملیات حدود ۹ نفر نیز مجروح داشتیم.

### پیشنهادی اگر دارید بفرمایید؟

پیشنهاد ما به طور مشخص این است که چون جهاد بیشتر در رابطه با عملیات مهندسی عمل می‌کند این نقش از جانب ارتش و سپاه بیشتر در نظر گرفته شود و برادران مسئول ستاد پشتیبانی جنوب نیز با انسجام و تشکل بیشتر بر فعالیت‌های جهادی استان‌ها نظارت بیشتری داشته باشند. انشاءالله با هماهنگی و داشتن تشکیلات بهتر بتوانیم هر چه زودتر به دشمن فائق آییم. والسلام

### منبع:

نشریه جهاد - شماره ۲۹ - مهرماه ۱۳۶۱



### تعداد شهدا و نحوه شهادت آنها در عملیات رمضان چگونه بوده است؟

در ابتدای عملیات قرار بود که گروه تخریب و گروه راهنما برای خنثی‌سازی میدانی مین از سپاه یا ارتش همراه باشند ولی متأسفانه ما نه راهنما و نه گروه تخریب داشتیم، وقتی به معبر مین رسیدیم، سد شکسته شد و بچه‌ها حرکت کردند که به میدان مین برخوردند، کسی نبود آنها را هدایت کند که از آنجا بروند و بلاخره تا صبح فردا ما در پشت میدان مین سرگردان بودیم، این کار نقشی بود که باید سپاه و ارتش انجام می‌داد، دلیل آنها نیز این بود که بچه‌های گروه راهنما و تخریب آنها شهید شده بودند، چون نیرو نداشتند، نتوانستند با ما همکاری کنند. صبح فردا مجبور شدیم که با بلدوزر

نبرد بود، نقش جهاد خراسان در آنجا به مسئولیت اجرایی قرارگاه بود و برادران جهاد استان تهران و استان سمنان با ما همکاری می‌کردند. در مرحله اول عملیات بیت‌المقدس وظیفه لشکر قدس تخریب بود. این لشکر به دشمن ضربه زده و به جای اصلی خود برگشتند. در مرحله آغازین بنا شد هویزه و بعد پادگان حمیدیه را بگیرند و به طرف پاسگاه شهابیه و کوشک بیایند و در این محور عمل کنند، ولی به علت عدم موفقیت در این مرحله، تیپ کربلا دستور توقف عملیات را داد، به طوری که فقط حملات ایذایی داشته باشیم. پس از خاتمه این مرحله از عملیات از سوی تیپ کربلا دستور داده شد که جهاد خراسان با جهاد اصفهان در قرارگاه فتح همکاری نماید. جاده تا دژ آسفالت بود، ما با همکاری جهاد اصفهان به طرف شلمچه آمدیم و در مراحل سوم و چهارم با همکاری با تیپ محمد رسول‌الله و قرارگاه لشکر فتح خاکریزهای زیادی حدود ۲۱ کیلومتر زدیم و تعداد سنگر تانک زده را راه‌سازی کردیم. در حمله رمضان نیز جهاد خراسان با لشکر فجر همکاری می‌کرد و قرار شد با لشکر ۷۷ و تیپ جوادالائمه خراسان نیز همکاری کند. ما در مراحل اول و دوم با موفقیت تقریباً نیروهای دشمن را منهدم کرده و به دژ دشمن رفتیم و حدود ۱۸ الی ۱۹ کیلومتر خاکریز زدیم و چند مواضع توپخانه، حدود ۱۴ الی ۱۵ مواضع تانک (چه در پشت و چه در جلوی دژ) کندیم و راه‌هایی را که در مسیر حرکت نیروها بود به طول ۳۰ کیلومتر آماده نمودیم.



# از هالتوجان تا آکواتان

(خاطرات جهادگر و آزاده‌ی سرافراز مرحوم صدرالله نوری)

قسمت سوم



موسوی به من و خاکپور سفارش کرد که به هر قیمتی شده، از ایشان جدا نشویم و به هر طریق ممکن به او کمک کنیم.

## مسیر روستای «هزارکانیان»

ساعت ۴ صبح و بدون صبحانه، ما را در یک منطقه‌ی کوهستانی پُر فراز و نشیب که حداقل یک متر برف داشت حرکت دادند. بیشتر اسرا آنقدر بدحال بودند که روی زمین صاف هم نمی‌توانستند راه بروند، چه رسد در یک متر برف با آن سرمای شدید؛ که به نظر من حداقل ۲۰ درجه زیر صفر بود.

حرکت فقط با تقویت روحیه‌ای صورت می‌گرفت که آقای موسوی کماکان در ما ایجاد می‌کرد.

مقداری که جلو رفتیم، افتادن برادران بر روی برف شروع شد، اما زندانبانان آنقدر اطراف آن‌ها تیراندازی می‌کردند تا به ناچار و با کمک دوستان، بلند شده

در آن زندان، دیگر آقای موسوی صحبت نمی‌کرد و برادر یزدان‌پناه با این که بر اثر خونریزی زیاد و تغذیه‌ی نامناسب، مشکل گوارشی پیدا کرده و متعاقباً دچار بعضی امراض پوستی هم شده بود، با آن نوای شیوا و غم‌بارش آیات الهی را زمزمه، معنا و تفسیر می‌کرد؛ خیلی مسلط بود.

آقای موسوی از همه‌ی ما خواست ساعتی را به اهل بیت عصمت و طهارت توسل کرده و شفای برادر یزدان‌پناه را از خداوند متعال بخواهیم. این توسل، با آن دل‌های شکسته برگزار شد و همین توسل‌ها باعث شد که الحمدلله ایشان و آن برادر گُرد ما روزبه‌روز بهتر شوند.

تعداد اسرا در آن زندان، به تدریج به هفتاد و پنج نفر رسید.

بالاخره بهمن‌ماه ۵۹ فرا رسید و به ما اطلاع دادند که به جای دیگری منتقل می‌شویم.

هنوز هم تنها کسی که حالش کمی از ما بدتر بود، برادر یزدان‌پناه بود و آقای

## دیدار با شهید «مهدی یزدان‌پناه»

در آن زندان، جمعی از برادران جهاد، سپاه و ارتش حضور داشتند و همان جا بود که ما، برادر عزیز و جهادگر، مهندس «مهدی یزدان‌پناه» را زیارت کردیم. او از برادران خوب جهادسازندگی بود و برای ما تعریف کرد که چگونه در کمین ضدانقلاب افتادند و در آن کمین، برادرش به شهادت رسید و خودش هم با گلوله مجروح شد، و چه مراحلی را طی کرد تا به این زندان رسید. او وضعیتی بدتر از ما داشت!

یک برادر گُرد مسلمان هم در آن زندان بود که به مراتب وضعیتی بدتر از همه‌ی ما داشت و جرم او این بود که با برادران جهاد همکاری کرده بود. او آنقدر شکنجه شده بود که نای بلندشدن نداشت و حتی نمی‌توانست حرف بزند.

ما همچنان برای وضو از آب محروم بودیم و برای به‌جا آوردن نماز، تیمم می‌کردیم.

موسوی کجا



حرکت، سرما تا مغز استخوان مان نفوذ کرد. هنوز از روستای هزارکانیان خیلی دور نشده بودیم که چون لباس گرم نداشتیم، یکی پس از دیگری پاهایمان یخ می‌زد و روی برف‌ها می‌افتادیم؛ اولین نفر را هر طوری بود بلند کردیم و حرکت دادیم، اما بعد از آن دیگر کسی نمی‌توانست به بقیه کمک کند. زندانبانان هم که انواع لباس گرم پوشیده بودند به کسی کمک نمی‌کردند و هر کس روی برف می‌افتاد، همان جا می‌ماند و یخ می‌زد و به شهادت می‌رسید. برادر خاکپور که ورزشکار بود، مرتب به پاها و بدن من و برادر یزدان پناه مشت می‌زد تا گرم بمانیم. ماشاءالله قدرت بدنی خوبی داشت و ما را همراه خودش به پیش می‌برد.

مصیبت بسیار دردناکی بود، هر وقت نگاهی به عقب می‌انداختیم، برادری یخ‌زده بر روی برف‌ها جا مانده بود و کسی نبود که به داد افتادگان برسد.

برادران یزدان پناه، موسوی و دیگران شروع به زمزمه کردن آیات الهی کردند که روحیه‌ی بچه‌ها را تقویت می‌کرد. از طرفی خاکپور هم با مشت به جان همه افتاده بود و سعی می‌کرد بدن عزیزان گرم بماند و به حرکت ادامه دهند.

هنگامی که به روستای «گاوداران» رسیدیم، هجده تن از جمع ما یخ‌زده و به شهادت رسیده بودند که همچون برگ درختان، بر روی یخ‌های مسیر افتاده بودند.

بالاخره کاروان اسرا با آن زندانبانان سیاه‌دل و خشن، به روستای گاوداران رسید

ما هم بالاخره بعد از مدت‌ها وارد یک مسجد شده بودیم؛ خانه‌ی خدا و دل‌های پُردرد ما!... این موضوع، صحنه‌های راز و نیاز و زمزمه‌های عاشقانه‌ی توسل را به وجود آورد که نه تنها خستگی مان رفع شد، بلکه به ما آرامش داد و تقویت روحیه‌ی اش شد برای تحمل مصائب بعدی.

صبح که شد، همه با تیمم نماز خواندیم و سرگرم راز و نیاز بودیم که مجدداً سر و کله‌ی گروه مسلح فاشیست! پیدا شد؛ آن‌ها در مسجد را باز کرده و ما را ناسزاگویان به بیرون بردند.

از هزارکانیان بیرون رفته و باز هم به سوی مرز عراق به راه افتادیم. به نظرم آمد که برف مسیر، این بار عمق بیشتری دارد و سرما هم به خاطر نسیم سردی که می‌وزید بیشتر بود، به طوری که از همان دقایق اولیه‌ی

و به حرکت ادامه دهند. تا ساعت ۳ بعدازظهر، افتان و خیزان، ما را به روستای «هزارکانیان» رسانده و یکسره به مسجد روستا بردند.

سرکرده‌س زندانبانان، تبلیغات مسموم خود را از طریق بلندگوی مسجد آغاز کرد و یکی از حرف‌هایش این بود که: «ای مردم روستا، ما کسانی را به اینجا آورده‌ایم که صدها تن از خلق کرد را قطعه‌قطعه کرده‌اند. ما آن‌ها را به سختی مجازات می‌کنیم و به سزای اعمال‌شان می‌رسانیم. اما چون امشب مهمان شما هستیم، اگر دلتان خواست به آن‌ها شام بدهید.»

ما، در درون مسجد و نگهبانان مسلح هم جلوی در و اطراف آن بودیم. هر خوراکی‌یی که روستاییان می‌آوردند، آن‌ها خودشان می‌گرفتند و می‌گفتند به اسرا تحویل می‌دهیم، و نمی‌گذاشتند مردم به ما نزدیک شوند. البته بعضی پیرمردها و افراد کنجکاو هم بودند که توجهی به امر و نهی آن‌ها نکرده و وارد مسجد می‌شدند.

بدین صورت، هم خوراکی به دست برادران رسید و هم به سفارش آقای موسوی، خودش و بنده و آقای خاکپور واقعیت‌ها و حقایق را آنطور که بود، آهسته و کوتاه به مردم روستا منتقل می‌کردیم و امیدوار بودیم حقایق برای آن‌ها روشن شود و این مزدوران صدام و آمریکار را بهتر بشناسند.

همه‌ی ما از این فرصتِ روشنگری خیلی خوشحال شدیم. مخصوصاً وقتی مردم، آن برادر کُرد مسلمان شکنجه‌شده را می‌دیدند، صدق گفته‌های ما بیشتر برای‌شان روشن می‌شد.



به پای‌شان افتاد و با صدای بلند از آن‌ها می‌خواست که اجازه دهند مرا امشب به منزل خودش ببرد.

یزدان پناه آهسته گفت: «کار خودت را کردی؛ الحمدلله، الحمدلله...»

بعد گفت: «اگر موافقت کردند، به منزل دوستت برو و حال ما را برایش بگو و این حزب خونریز را رسوا کن.»

هر چه آن دوست من داد و فریاد و التماس کرد، کسی به خواسته‌اش توجه نکرد و ناگهان غیب شد. نگران شدم که نکند بلایی سر او آورده باشند.

یک وقت دیدم با یک زن آمد؛ همسرش بود. هر دو گریه‌کنان به سوی من آمدند و من هم به گریه افتادم.

صحنه‌ی عجیبی بود، لحظاتی با هم حرف زدیم و بعضی مسائل مهم را گفتم. دوستم نگاهی به اطراف انداخت، به من نزدیک‌تر شد و گفت:

«غصه نخور گُره، تو یک فرشته‌ای که خدا برای نجات من فرستاده، دیگر به من چیزی نگو، من همه چیز را گرفتم، با دیدن تو یقین کردم که این حرام‌لقمه‌ها دروغ می‌گویند و ما را فریب داده‌اند. من به تو قول می‌دهم و به دوستانت هم بگو که من و دوستانم قول شرف می‌دهیم که در اولین فرصت برویم سلاح‌های مان را تحویل برادران سپاه بدهیم. اگر مرا بخشیدند، به کاشان می‌روم و خبر سلامتی تو را به خانواده‌ات می‌رسانم. خیالت راحت باشد گُره، آفتاب هیچ وقت زیر ابر نمی‌ماند.»

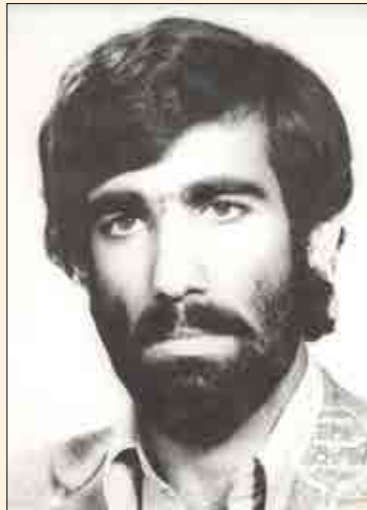
دوستم این مطالب را گفت، با من وداع کرد و با همسرش در حالی که هر دو به شدت گریه می‌کردند رفت.

برادر یزدان پناه دست روی شانه‌ام گذاشت و آهسته گفت: «خدا عُمرت بده آقا صدرالله، کار بزرگی انجام گرفت و این ثمره‌ی خون شهدای ماست.»

دوستم و همسرش رفتند، اما فکر من به سرعت به سمت آن هجده عزیزی رفت که امروز در جلوی چشم‌مان یخ زده، در برف مدفون شدند و روح مطهرشان به سوی خدا پرواز کرد.

برادرانی از ارتش، سپاه و بسیج. از جهاد هم دو برادر عزیز ما، «مشکی» و «سیحانی» جزو شهدای برف و سرمای امروز بودند.

ادامه دارد...



جهادگر شهید محمد مهدی یزدان پناه



جهادگر شهید محمد حسین یزدان پناه

زحماتی که در کاشان برای تو کشیدم.» و جریان را آهسته به یزدان پناه گفتم.

ایشان گفت: «با او ارتباط برقرار کن و کاری کن تو را بشناسد. فطرت او پاک است، گول تبلیغات مسموم این‌ها را خورده.»

من مرتب به چهره‌ی او نگاه می‌کردم و او هم تعجب کرده بود که چرا من به او خیره شدم. اسلحه‌اش را آماده کرد، به من نزدیک شد و لحظه‌ای با دقت به چهره‌ام نگاه کرد.

به او گفتم: «حق داری شناسی کاک، منم؛ صدرالله؛ کاشان؛...»

لحظه‌ای مات و مبهوت به من نگاه کرد؛ بالاخره مرا شناخت و دیدن من در آن وضعیت اسف‌بار، او را منقلب کرد.

کنارم نشست و بی‌اختیار زد زیر گریه؛ با همان بغض و گریه، بی‌اختیار می‌گفت: «چه به روزت آورده‌اند صدرالله؛ چرا به این روز افتادی؟ خاک بر سرم صدرالله؛ چه به روزت آورده‌اند؟...»

در یک لحظه به یاد حضرت زینب «سلام‌الله علیها» افتادم و این شعر که:

خاکم بر سر، ای خاتون مگر تو زینبی؟  
گفت آری زینبم، کز غم نیاوردم دمی

هر دو گریه‌کنان در آغوش یکدیگر فرو رفتیم. بعضی مطالب را همان‌طور گریه‌کنان به او گفتم اما دوستان مسلحش با عصبانیت، او را از من جدا کردند.

بعد شروع به بحث کردن با دوستانش کرد و دست آخر به التماس افتاد؛ گریه‌کنان

در حالی که دست‌ها و پاهای مان از سرما سیاه شده بود. در آنجا نیروهای تازه‌نفس حزب دموکرات، ما را تحویل گرفتند.

احساس بدی به من دست داد؛ با خودم گفتم که این گروه مرگ‌آفرین در مسیر برگشت‌شان، به برادرانی که در برف‌ها افتاده‌اند تیر خلاص خواهند زد و همین فکر، عجیب مرا غمگین کرده بود.

ما را به وسط میدان آبادی بردند و هر کدام در گوشه‌ای افتاده و به دیوار تکیه زدیم و سعی کردیم به هر طریقی دست و پای خود را گرم کنیم.

### آشنای قدیمی

در سال ۱۳۵۰، یک برادر کُرد از کردستان به کاشان آمده بود و کاری پیدا نمی‌کرد. من ضامن او شدم و هر طور بود او را در کارخانه‌ی ریسندگی و بافندگی کاشان مشغول کردم.

او یک سالی در آنجا کار کرد، مقداری پول پس‌انداز کرد و به کردستان برگشت. من دیگر او را ندیدم.

در میدان آبادی، من یک طرف یزدان پناه بودم و خاکپور در سمت دیگر و هر دو سعی می‌کردیم به ایشان کمک کنیم و بدن و دست و پای او را گرم کنیم. زندان‌بانان جدید که آن‌ها هم حدود بیست نفر بودند اطراف ما حلقه زده بودند.

هنوز هوا کاملاً تاریک نشده بود که ناگهان چشمم به همان برادر کردی که جریان حضورش در کاشان را گفتم افتاد؛ او جزو زندانبانان ما بود. در دلم گفتم: «حیف آن



مروری بر تاریخ جهاد سازندگی

## نقش و اهمیت زنان و دختران دانشجو در فعالیتهای جهاد سازندگی



رادیو و تلویزیون، غذاهای ساده و تکراری، شستشوی لباس با دست و آب سرد و بسیار مسائل ریز دیگری که معمولاً دیده نمی‌شد.

### رفت و آمد در راه‌های کوهستانی و کویری

رفت و آمد زنان جهادی معمولاً بر اساس دوری و یا نزدیکی روستاها متغیر بود. برخی هر روز به روستا ایاب و ذهاب داشتند، برخی هفته‌ای دو بار، بعضی دیگر هر هفته یک‌بار و یا در روستاهای دور هر دو هفته یک‌بار به خانه بازمی‌گشتند. وسایل نقلیه نیز متفاوت بود از ماشین‌های دسته چندم جهاد گرفته تا وسایل نقلیه عمومی به‌ویژه مینی‌بوس‌های روستایی که آمیدی به سالم رسیدن آنها نبود. به‌طور

شد تا جایی که در اکثر روستاهایی که ساکنین قابل توجهی داشتند، فضاهای آموزشی، فرهنگی چون کلاس درس، مراکز تفریحی، کتابخانه و... به وجود آمد. محل اسکان خواهران نیز وضعیت بهتری نداشت و در روستاهایی که امکان رفت و آمد نبود، خواهران در جایی که امن بود، اسکان می‌یافتند. اسکان خواهران در درجه اول مکان‌های دولتی چون مدرسه، خانه بهداشت و... بود.

پس از تامین امنیت، محرومیت از امکانات اولیه زندگی مانند آب، حمام و بهداشت، تامین گرما یا سرما، مسائلی بود که معمولاً خواهران در طول اسکان خود متحمل می‌شدند. همچنین دوری از خانواده، محرومیت از ارتباطات دوستانه،

### قسمت بیست و یکم فضای کاری و زندگی خواهران جهادی در روستا

فضای کار و زندگی خواهران جهادی، تنها مقوله‌ای است که نمی‌توان تعریفی برای آن داشت. در اوایل انقلاب در بسیاری از روستاها، نه مدرسه‌ای بود و نه اتاق اداری و یا محلی برای کار و زندگی، خواهران باید در هر جایی که امکان داشت، استقرار می‌یافتند. بخشی از اتاق بهداشت، اتاقی در منزل روستاییان و یا در نهایت در مسجد. کار باید انجام می‌شد حتی اگر مکانی، تخته‌ای، میزی و یا امکاناتی هم نباشد. به مرور زمان و با سامان گرفتن ساختار تشکیلاتی جهادسازندگی و تعیین بودجه، به تدریج امکاناتی هر چند ساده، فراهم

به همین دلیل بسیاری از آموزش‌ها بنا بر شرایط استانی و یا علایق فراگیران متنوع بود؛ اما به‌طور عمده می‌توان آموزش‌های ارائه شده را در چند گروه دسته‌بندی کرد.

#### - آموزش‌های مذهبی و عقیدتی

قبل از پیروزی انقلاب فقر فرهنگی و دوری از مسائل آموزشی- فرهنگی، سبب رواج دین به شکل غلط در میان روستاییان شده بود. به بیانی دیگر روستاییان با وجود اعتقاد خالصانه به خدا و دین، از بسیاری از احکام دینی، یا آگاهی نداشتند و یا اینکه آن را به غلط از پدران و مادران خود آموخته بودند. بسیاری از خرافات دینی سینه‌به‌سینه منتقل شده بود و بسیار دیده می‌شد افراد پیروی که ساده‌ترین اعمال عبادی خود را بدرستی انجام نمی‌دادند.

بنابراین بسیار طبیعی بود که با تشکیل کلاس‌های آموزشی مذهبی، روستاییان پاک‌فطرت خیلی زود جذب این کلاس‌ها شوند و خواهران جهادی که اکثریت قریب به اتفاق آنان، مطالعات بسیاری در مباحث دینی و اعتقادی داشتند، برای روستاییان خداشناس، آموزش احکام، آموزش‌های روخوانی، تفسیر قرآن، احادیث و روایات و سرگذشت انبیاء و ائمه را تدریس می‌کردند و با استقبال روستاییان هر روز به تعداد این آموزش‌ها افزوده می‌شد. این آموزش‌ها تا زمان وزارتخانه شدن جهاد سازندگی و انتقال بسیاری از وظایف آموزشی، به نهادها و وزارتخانه‌های دیگر ادامه داشت.

#### - آموزش‌های سوادآموزی

اگرچه نهضت سوادآموزی نیز مدتی بعد از



است.

#### - فعالیت‌های آموزشی

از مهم‌ترین فعالیت‌های خواهران جهادی، آموزش زنان، دختران و پسرچه‌های روستایی بود.

روزهای اول ورود به جمع زنان روستایی، بیشتر به روشننگری پیرامون مسائل مختلف ظلم و جنایات رژیم ستم‌شاهی و پیروزی انقلاب اسلامی می‌پرداختند و معمولاً در این جلسات سعی می‌شد تا انگیزش کافی در مخاطبین، جهت حضور در رده‌های آموزشی و پس از آن به کار بستن آموخته و تغییر در روش‌های اشتباه زندگی ایجاد شود و در همین جلسات بود که اولویت نیازهای آموزش آنان روشن می‌گشت. معمولاً در سال‌های اولیه انقلاب اسلامی، زنان و دختران روستایی به انواع آموزش‌هایی چه عمومی و چه تخصصی و کاری نیاز داشتند.

معمول ماشین آنها را به روستا می‌رساند و چند روز بعد می‌آید و آنها را برمی‌گرداند، بسیار شده بود که زنان جهادگر در این چند روز بیمار شوند؛ اما باید بی‌هیچ دارو و درمانی تحمل می‌کردند تا ماشین برسد و آنها را برگرداند. اما از همه بدتر راه‌های پرپیچ و خم کوهستانی، جاده‌ای و کویری روستاها بود. در سال‌های ۶۵-۵۸ راه‌های روستایی از پرخطرترین راه‌های کشور بودند که در این راه‌ها تصادف‌های متعدد اتفاق می‌افتاد و گرفتاری‌های دیگری برای خواهران جهادی پیش می‌آمد. هم‌چنین پیاده‌روی‌های چندین کیلومتری، بخشی از کارهای روزمره خواهران جهادی بود. چرا که معمولاً این خواهران در یک روستا اسکان می‌یافتند و خدمات آموزشی خود را به روستاهای اطراف ارائه می‌کردند. خود روستاییان این مسافت‌ها را با حیوانات و یا موتورسیکلت طی می‌کردند که معمولاً خواهران جهادی از این دو وسیله نقلیه استفاده نمی‌کردند. البته کارهای دسته‌جمعی چون برداشت محصول که با حضور تعداد زیادی از جهادگران انجام می‌شد، معمولاً صبح تا شب بود و همه با اتوبوس می‌رفتند و برمی‌گشتند.

#### انواع فعالیت‌های خواهران جهادی در روستاها

بیان و تعریف نوع فعالیت‌های خواهران جهادی به لحاظ تعدد و تنوع کاری بنا بر شرایط زمانی، مکانی و جغرافیایی روستاهای هر استان بسیار زیاد است که نمی‌توان از عهده تشریح آن برآمد؛ اما در اینجا به گوشه‌ای از این فعالیت‌هایی اشاره می‌شود که بیشتر در استان‌ها انجام گرفته



منتقل گردید.

#### - فعالیت‌های فرهنگی و هنری

یکی از مؤثرترین فعالیت‌های خواهران جهادی، اجرای برنامه‌های فرهنگی، هنری، با مشارکت خود دختران روستایی بود. برگزاری مراسم جشن به مناسبت اعیاد و مراسم سوگواری در ایام عزاداری، اجرای برنامه‌ی سخنرانی، سرود، تواشیح و تئاتر و تزیین صحنه و.... همه از جمله فعالیت‌های هنری بود که با هدایت و مدیریت خواهران جهادی و با همکاری دختران روستایی برای زنان روستایی اجرا می‌شد و همچنین با ایجاد کتابخانه‌های روستایی و اختصاص وقت و مکان برای دختران روستایی، فرهنگ حضور در مجامع فرهنگی و کتاب‌خوانی، تهیه‌ی روزنامه دیواری و.... رونق گرفت.

#### - فعالیت‌های کویرزدایی

در استان‌های حاشیه کویر که همواره با خطر حرکت شن‌های روان و هوای غبارآلود مواجه هستند، فعالیت‌های کویرزدایی توسط جهاد سازندگی انجام می‌گرفت. کار کاشت، پرورش و تکثیر نهال‌ها توسط زنان انجام می‌گرفت و زمانی که نهال‌ها به رشد مناسبی می‌رسید، در یک روز با همکاری همه زنان و مردان داوطلب جهادی و خود روستاییان، در یک اقدام همگانی در حاشیه شهرها و روستاها کاشته می‌شد که استان یزد نمودار بارز این حرکت بود که هر ساله مساحت زیادی از حاشیه شهرها و روستاها را با نهال‌هایی که توسط زنان داوطلب جهادی پرورش داده‌شده بود، کویرزدایی می‌شد.

#### - آموزش‌های تخصصی و حرفه‌ای

بنا بر آمارهای ملی و بین‌المللی بیشترین فعالیت تولیدی در روستاها بر عهده زنان و دختران روستایی هست و شاید کاری در روستا نباشد که زنان مشارکتی در آن نداشته باشند. زنان روستایی علاوه بر فعالیت‌های خانه‌داری (که با توجه به امکانات کم روستا زحمت بیشتری را می‌طلبد) سهم چشمگیری در انجام فعالیت‌های کشاورزی، دامپروری و پرورش طیور، فرآوری محصولات لبنی، صنایع دستی.... داشته و دارند.

با شکل‌گیری و قوام تشکیلات جهاد سازندگی برنامه‌های آموزش‌های تخصصی در حیطه فعالیت زنان روستایی طراحی و



حمام و یا پراکنده بودن زباله‌ها در محیط روستا و.... کار را بسیار دشوار می‌کرد؛ اما خوشبختانه هم‌زمان با این آموزش‌ها، به تدریج با احداث شبکه آب‌رسانی سالم و حمام بهداشتی نیز تا حدود زیادی به روستاها و این مسئله کمک کرد تا روستاییان، سالم‌تر بوده و مرگ و میرهای کمتری را داشته باشند و هم اینکه با انجام آسان‌تر و سریع‌تر فعالیت‌های خانه‌داری، فرصت بیشتری برای انجام مورد نیاز و علاقه خویش داشته باشند.

#### - تربیت ماما روستایی

پس از آموزش‌های اولیه بهداشتی، کم‌کم نیاز به داشتن افراد مجرب بیشتر احساس می‌شد که پس از چند سال طرح پرورش ماما روستایی که با تربیت دختران روستایی و آموزش مسائل بهداشتی در زایمان‌های طبیعی به اجرا درآمد. در این طرح دختران باسواد و بااستعداد روستایی، طی دوره‌های چندماهه در مراکز استان‌ها، دوره‌های آموزشی‌های لازم را جهت ترویج مسائل بهداشتی در دوران بارداری و کمک به زایمان طبیعی زنان روستایی گذرانده و در محل زندگی خود مشغول خدمت می‌شدند. کمیته‌ی بهداشت و درمان جهاد سازندگی در روستاهای ۱۱ استان اقدام به جذب تربیت خواهران ماما روستا کرد؛ به نحوی که این واحد تا پایان فعالیت خود ۱۱۸۳ نفر ماما روستا تربیت کرد و در سال ۱۳۶۹ اسامی این افراد همراه با مشخصاتشان به وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی

تشکیل جهاد سازندگی کار خود را آغاز کرده بود؛ اما تا زمان استقرار آموزشیاران نهضت سوادآموزی و یا نبود آنها، خواهران جهادی کار سوادآموزی ابتدایی را برای روستاییان بر عهده داشتند و بسیاری از روستاییانی که دوره‌های ابتدایی را با جهادی‌ها گذرانده بودند، با استقرار آموزشیاران نهضت سوادآموزی جذب کلاس‌های مراحل بالاتر آنان می‌شدند.

البته با رشد سوادآموزی در بین زنان روستایی، کلاس‌های تقویتی به‌طور غیررسمی در تابستان‌ها برای دانش آموزان، توسط دانشجویانی که به‌طور داوطلب به روستاها می‌رفتند، ترتیب داده می‌شد.

#### - آموزش‌های بهداشتی

بعد از آموزش‌های مذهبی بیشترین حجم فعالیت‌های آموزشی خواهران جهادگر، پیرامون مسائل بهداشتی بود. علاوه بر نبود امکانات بهداشتی چون آب، توالت و حمام بهداشتی، فقر فرهنگ و رعایت بهداشت نیز مزید بر علت بود. آموزش بهداشت فردی، حفظ بهداشت محیط، بهداشت باروری و تنظیم خانواده، آموزش روش‌های صحیح درمان در مقابل روش‌های غلط درمانی رایج در بین روستاییان و.... از جمله موضوعات آموزش‌های عمومی بهداشت بود. ارتقای فرهنگ و تغییر نگرش رعایت بهداشت، چه در زمینه‌ی فردی و محیطی از جمله دشوارترین کارهای خواهران جهادی بود. هرچند که در صورت علاقه روستاییان به رعایت بهداشت، کمبود آب بهداشتی و یا



مطالب، مقالات و انتشار در مجلات جهاد و جهاد روستا، آموزش کارکنان، رسیدگی به امور خانواده‌های جهادگرانی که در جبهه‌های نبرد بودند، سرکشی و انجام امور خانواده جانبازان و شهدا و... بخشی از کارهای آنان بود که اگرچه در ظاهر مهم به نظر نمی‌آمد، اما در صورت هرگونه نقصی، می‌توانست کار سازمان را مختل نماید.

#### \* مادران و همسران جهادی

به‌طور حتم پشت سر هر مرد جهادی موفق و فعال در جبهه و یا پشت جبهه، یک شیرزن جهادی ایستاده بود. بسیاری از این زنان و مادران، خود یک رزمنده بودند که علاوه بر فعالیت در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی به‌تنهایی تمامی مسئولیت امور زندگی و خانواده، تربیت فرزندان را مدیریت می‌کردند و اجازه می‌دادند تا مردانشان با خیالی آسوده به خدمت و فعالیت بپردازند و ای‌بسا با تهییج و تشویق، خود زمینه‌ی حضور بیش‌ازپیش مردان خود را فراهم می‌کردند.

در تمامی سالیانی که رزمندگان در جبهه‌ها مشغول دفاع از کشور بودند، زنان و مادران جهادی علاوه بر انجام کارهای زیاد و سنگین در پشت جبهه، همواره دلپره شنیدن اخبار ناخوشایند از عزیزان خود را در قلب‌هایشان داشتند و بسیاری نیز با شهادت و یا جانبازی فرزندان و همسران خود یک‌عمر با قلبی مالمال از اندوه و غم، به انجام مسئولیت‌های خانواده و زندگی ادامه می‌دادند و با گذشت سال‌ها از اتمام جنگ هنوز که هنوز است به این مجاهدات در حفظ کبان خانواده ادامه می‌دهند.

لازم انجام شد.»

#### نقش زنان جهادی در پشتیبانی از رزمندگان اسلام

با شروع جنگ تحمیلی تعداد بسیاری از نیروهای فعال جهادی در روستاها، جهت حضور در جبهه‌های جنگ و حمایت از رزمندگان اسلام به‌سوی جبهه‌های جنگ روی آوردند. ساخت سنگر، خاک‌ریز، پناهگاه، سوله، پل‌های ارتباطی و اقدامات مهندسی رزمی... از جمله فعالیت‌های بسیاری است که جهادگران در جبهه‌های جنگ انجام می‌دادند تا جایی که سنگرسازان بی‌سنگر لقب گرفتند، اما از آنجا که زنان جهادی نمی‌توانستند در خطوط مقدم جبهه حضور یابند، ضمن ادامه فعالیت‌های خود در روستاها، جهاد جدید دیگری با تاسی به حضرت فاطمه زهرا(س) و زنان مسلمان صدر اسلام، حمایت از جبهه‌های جنگ را شروع کردند. البته بجاست قبل از بیان فعالیت‌های زنان در پشتیبانی از رزمندگان در جنگ تحمیلی، نگاهی داشته باشیم به نقش زنان در پشت جبهه و خط مقدم جنگ‌های صدر اسلام.

#### \* سایر فعالیت‌های زنان جهادی

در کنار صدها جهادگر که در روستاها و یا جبهه‌ها تلاش می‌کردند، خواهران دیگری نیز در ستاد و ادارات شهرها، مشغول خدمت بودند و آنان در نبود همکاران خود به اموری که باعث تسهیل کارهای دیگر جهادگران می‌شد، می‌پرداختند. انجام امور اداری، تهیه و تنظیم گزارش‌ها،

تدوین شد و مطالب کاربردی، توسط افراد دوره دیده همراه با آموزش‌های عملی به روستاییان از جمله زنان روستایی آموخته می‌شد و بر این اساس (در سال‌های قبل از ادغام وزارت جهاد سازندگی و وزارت کشاورزی) هر استان متعهد بود حداقل ۳۰ درصد از کل دوره‌های آموزشی خود را به زنان روستایی اختصاص دهد.

- آموزش‌های تخصصی حوزه‌ی کشاورزی
- ✓ آموزش‌های مراحل بهینه کاشت، داشت، برداشت؛
- ✓ روش‌های مبارزه با آفات محصولات کشاورزی؛
- ✓ روش‌های نگهداری و جمع‌آوری محصولات کشاورزی؛
- ✓ روش‌های بسته‌بندی محصولات کشاورزی.

- آموزش‌های تخصصی حوزه‌ی دام و طیور
- ✓ آموزش بیماری‌های مشترک بین انسان و دام؛
- ✓ آموزش مبارزه با انگل و بهداشت محل نگهداری دام؛
- ✓ واکسیناسیون طیور؛
- ✓ آموزش فراوری محصولات لبنی؛
- ✓ و... و...
- آموزش صنایع دستی
- ✓ آموزش نوآموزی قالی‌بافی؛
- ✓ آموزش فرش‌بافی با شیوه‌های نوین؛
- ✓ آموزش جاجیم و گلیم‌بافی؛
- ✓ آموزش حصیربافی و سوزن‌دوزی.

#### - طرح بقا

استفاده از دارهای زمینی، شرایط نامناسب کارگاه‌های قالی‌بافی، نداشتن نور، هوای مناسب و... همه و همه باعث شده بود تا قالی‌بافی به‌عنوان مادر تمامی بیماری‌ها و دردهای بی‌درمان زنان روستایی چون سل و دیگر ناراحتی‌های ریوی و عضلانی مطرح شود. به همین دلیل جهاد سازندگی با همکاری وزارت بهداشت در اقدامی گسترده در طول برنامه‌ی ۵ ساله دوم، کار بهداشتی کردن ۳۵۰۰۰ کارگاه قالی‌بافی را آغاز کند. در این طرح تمامی کارگاه‌ها از نظر بهسازی، داشتن نور مناسب، تهویه هوا، محل نشستن و کار قالیباف، نحو قرار گرفتن دارهای قالی و دارهای غیراصولی و... مورد بررسی و دقت قرار گرفت و اصلاحات

## بازشناسی و تبیین تاریخ انقلاب اسلامی

## رخدادهای دهه شصت



نمی-شود و ملت بزرگ و بیدار و در صحنه جواب همه‌ی یاهو سرایان و زورگویان را می‌دهد."

گرچه با انتخاب ریاست جمهوری، کشور نشان داد که با وجود جنگ تحمیلی و فعالیت‌های مسلحانه گروهک‌های مخالف، از آرامشی عمومی برخوردار است؛ ولی گروه‌های معاند همچنان به اقدامات تروریستی خویش ادامه داده و جریان آشوب و ترور را تداوم می‌بخشیدند؛ تا اینکه در ۱۸ آبان ماه سال ۱۳۶۰، گروهک مارکسیستی "اتحادیه کمونیست‌های ایران" تحت نام "گروه سرداران"، در استان مازندران و در منطقه آمل به صورت مسلحانه به ایجاد ناامنی پرداخت. با ورود این گروهک تروریستی، عملاً معلوم شد که ملت و نظام بر خاسته از خواست ملت، دشمنان مختلف و متنوعی را دارند.

در خدمت به اسلام بزرگ سستی می‌ورزد و در نتیجه راه برای قدرت‌های چپاولگر باز می‌شود، ولی شرکت بی‌سابقه‌ی مردم کشور، امید بدخواهان را مبدل به یاس و طمع آزمندان را برای همیشه برید." حضرت امام در بخش پایانی این حکم، بار دیگر به عظمت ملت ایران اشاره و اینگونه در خصوص وظیفه مسئولان نسبت به مردم سخن گفتند: "اینانند که به خواست خداوند تعالی قادرند کشور را حفظ و از شر شیاطین نجات دهند و اینانند که بر همه‌ی ماها و شماها حق دارند و همه می‌بایست دین خود را به آنان ادا کنیم و در خدمت ملت، خصوصاً مستضعفین که سنگینی این جمهوری به دوش آنان بوده و بدون کوچک‌ترین توقعی در خدمت اسلامند؛ با جان و دل کوشا باشیم. و مادام که همه‌ی ما و شما در خدمت مردم هستیم آسیبی به جمهوری اسلامی وارد

## قسمت پنجم

با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری اسلامی و انتخاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رئیس جمهور، ملت و نظام اسلامی جانی دوباره گرفت و در یک آوردگاه مردم سالاری، بار دیگر نقشه‌های استکبار و عوامل داخلی‌اش به شکست انجامید. حضرت امام خمینی(ره) در روز ۱۷ مهرماه سال ۱۳۶۰ مصادف با عید سعید قربان ضمن سخنرانی مهم، در بخشی از حکم تنفیذ رئیس جمهور جدید چنین مرقوم فرمودند:

"...گرچه دست جنایتکاران و منافقان، رئیس جمهور متعهد و مؤمنی را از ملت مجاهد ایران گرفت و یکی از خدمتگزاران صدیق را به شهادت رساند و ملت عزیز را از خدمت او، و او را از خدمت به ملت محروم کرد و گمان کرد که با ترور اشخاص، ملت بپاخاسته از تصمیم خود عقب می‌نشیند و



جلسه دادگاه محاکمه اعضای ا.ک.ا در مقابل مردم آمل

ارزشمند را برای جبران شکست آمریکا در منطقه و صدام امریکایی در جبهه‌ها از دست می‌دهیم؟ رحمت خداوند بر این مجاهدان عظیم‌الشان که شهادتشان پیروزی اسلام را بیمه می‌کند و ننگ و نفرت بر امریکای جنایتکار و دست نشانده‌گان و هواداران آن....."

در روز دوشنبه ۳۰ آذر مجدداً گروه سرپداران از اتحادیه کمونیست‌های ایران، برای تسلط بر پایگاه تازه تاسیس سپاه در "روستای رزکه" منطقه آمل، عملیاتی را انجام دادند. در اثر این درگیری ۲ ساعته نیروهای این گروهک با ۳ زخمی عقب‌نشینی کردند. سیزده روز بعد درگیری دیگری بین این گروهک و نیروهای سپاه و کمیته انقلاب اسلامی رخ داد که طی آن مسئول سیاسی این گروه کشته و دو نفر دیگر زخمی شدند و بقیه افراد نیز عقب‌نشینی کردند.

پس از این عقب‌نشینی، گروهک یاد شده عملیات جدیدی را طراحی و برای انجام آن در روز اول بهمن ماه، حرکت خود را از دل جنگل جهت حمله به شهر آمل آغاز کردند. اعضای این گروهک مارکسیستی صبح روز ۵ بهمن در حالی که لباس نیروهای سپاه پاسداران را به تن کرده بودند؛ به آمل رسیده و در نیمه شب همان روز با شلیک یک موشک آرپی‌جی به ساختمان بسیج، عملیات خود را شروع کردند. برنامه اصلی آنها از کار انداختن نیروی سپاه و بسیج و دعوت مردم به قیام بود. البته برخی از خانواده زندانیان سیاسی و یا اعدام شدگان نیز از ایشان استقبال کرده و آنها را یاری کردند.

که معلم اخلاق و مذهب نفوس و متعهد به اسلام و جمهوری اسلامی بود با جمعی از همراهانشان به شهادت رساندند .... به گمان آن که به ملت رزمنده‌ی ایران آسیب رسانند و آنان را در راه هدف به سستی بکشند. این کوردلان نمی‌بینند که در هر شهادتی و در هر جنایتی ملت متعهد به اسلام و کشور، مصمم‌تر و در صحنه حاضرترند؟ اینان پس از بمباران شهرها در جنوب و غرب و قتل عام‌های فجیع مردم بی‌پناه، فریاد جنگ جنگ تا پیروزی را نشنیدند که ملت وفادار، شهادت را در راه خدا با آغوش باز پذیرا هستند؟ آیا می‌خواهند شکست‌های لشکر کفر را و آتشی که به جان دوستان و اربابانشان از پیروزی رزمندگان ایران افتاده است با خون این مردان خدا فرو نشانند؟ ...آیا ما این بزرگان، علما و معلمان

اعضای این گروهک با ربودن تعدادی وانت و مینی‌بوس در جاده هراز و با به اسارت درآوردن رانندگان آنها، قصد داشتند از این تعداد مینی‌بوس و وانت در حمله به شهر آمل استفاده کنند. تعدادی از آنها برای چند ساعت جاده هراز در ۱۵ کیلومتری آمل را مسدود و سپس شروع به پخش اعلامیه و تبلیغات کردند و بقیه خود را به جاده امامزاده عبدالله رساندند. با حضور نیروهای ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به منطقه و درگیری با این گروهک، در روز ۲۲ آبان ماه، این غائله موقتا خاتمه یافت. اما در نیمه‌های شب ۲۴ آبان، گروه دیگری از همین گروهک، به پاسگاه کرسنگ در ۲۰ کیلومتری آمل به تهران حمله کردند. آنها چند ساعت جاده هراز را بسته و هنگام بازرسی افراد و مسافران، یکی از نیروهای سپاه گرگان به نام شریعتی‌فرد را به همراه پدر روحانی‌اش شناسایی، دستگیر و سپس جلوی چشم همسر و فرزندانشان آنها را شکنجه و به شهادت رساندند.

همزمان با تداوم فعالیت مسلحانه ایدایی این گروهک در شمال کشور، در روز ۲۰ آذر ۱۳۶۰ آیت‌الله سیدعبدالحسین دستغیب، نماینده امام خمینی (ره) در فارس و امام جمعه شیراز، توسط سازمان مجاهدین خلق (منافقین) ترور و به شهادت رسید. حضرت امام خمینی (ره) در پیامی به مناسبت شهادت این عالم بزرگ چنین فرمودند:  
".... حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین شهید حاج سیدعبدالحسین دستغیب را





عضو مرکزیت و فرمانده نظامی سازمان که پس از رجوی، مهم‌ترین رهبر این سازمان بود. او حتی به عنوان کاندیدای سازمان در انتخابات دوره اول مجلس شورای اسلامی شرکت کرد؛ ولی آراء لازمه را از سوی مردم کسب نکرد.

پس از انجام این عملیات غافلگیرکننده و شکست سنگین سازمان مذکور، این گروهک توان اجرایی خود را در انجام عملیات تروریستی در داخل کشور به میزان قابل توجهی از دست داد و به همین دلیل باقیمانده این سازمان تروریستی، استراتژی بودن افراد و شکنجه و قتل آنان را در پیش گرفتند و جنایات هولناکی را مرتکب شدند. این سازمان در ادامه کشتار مردم، با انجام صدها عملیات تروریستی دیگر، عده زیادی از مردم کاسب، معلم، کارمندان و... حتی عابران معمولی را به شهادت رساندند؛ یکی از این ترور ها که سازمان مذکور آن را به عنوان عملیاتی متهورانه قلمداد کرد؛ ترور یک جوان ۱۹ ساله و عضو بنیاد مسکن انقلاب اسلامی تهران بود که در ۲۵ اسفندماه صورت گرفت.

و بالاخره اسفند ماه سال ۱۳۶۰ به انتهای خود نزدیک شد و در بیست و هشتمین روز آن، جمعه‌ای خاطره انگیز برای ملت ایران و به خصوص شهروندان تهرانی رقم خورد؛ برگزاری اولین نماز جمعه پس از ترور امام جمعه شهرشان که اکنون رئیس جمهور کشورشان نیز بود.

ادامه دارد...

با گذشت زمان حرکت سازمان منافقین در راستای ایجاد ناامنی و ترور همچنان ادامه و شدت می‌یافت و در برخی موارد گروهک‌های دیگر مثل کومله در غرب و شمال غرب کشور و اشتراری دیگر در نقاط مرکزی و جنوبی کشور این حرکت منافقین را همراهی می‌کردند.

در پی شدت یافتن این عملیات‌های تروریستی به خصوص از سوی سازمان منافقین در هدف قرار دادن مسئولین نظام جمهوری اسلامی و مردم عادی در کوچه و خیابان؛ نیروهای انقلاب اسلامی با همراهی مردم، برنامه‌ریزی خود را در جهت برخورد جدی با این گروهک‌ها، مخصوصاً منافقین خلق شروع کردند. دستگاه‌های امنیتی نظام با انجام یک سری کارهای اطلاعاتی و امنیتی و با کمک مردم توانستند، مخفیگاه‌ها و خانه‌های تیمی منافقین را شناسایی نمایند؛ با این عمل همه چیز برای برخورد جدی فراهم شد.

در یکی از مهمترین این عملیات‌ها علیه سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، نیروهای دادستانی و کمیته انقلاب اسلامی موفق شدند یکی از خانه‌های تیمی که سران منافقین در آن جمع بودند را شناسایی و مقدمات عملیات به سرعت فراهم شد؛ عملیات در روز دوشنبه ۱۹ بهمن انجام و بیست نفر از اعضای کادر این سازمان در یکی از مناطق تهران به هلاکت رسیدند؛ از جمله موسی نصیر اوغلی خیابانی، ملقب به موسی خیابانی

این درگیری تا صبح ادامه داشت و با آغاز صبح ششم بهمن، ستاد عملیات در منطقه تشکیل و نیروهایی مرکب از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دستگاه اطلاعاتی و ژاندارمری منطقه به همراه صدها نیروی داوطلب مردمی که توسط سپاه مسلح شدند؛ به مقابله با این گروهک پرداختند. در این نبرد سنگین، مردم نیز با کمک گسترده و زدن سنگر در جای جای شهر به یاری نیروهای نظامی اسلامی شتافتند و در نتیجه اعضای اتحادیه کمونیست‌ها با دادن تلفات زیاد متحمل شکست شده و شهر به طور کامل در اختیار نیروهای انقلاب اسلامی قرار گرفت؛ با پاکسازی منطقه، در عصر روز چهارشنبه هفتم بهمن ماه شهر آمل آرامش خود را باز یافت. در جریان این عملیات مردم شجاع و فهیم این شهر با تقدیم چهل شهید، بار دیگر در تقابل فراگیر با توطئه‌های استکبار، حماسه‌ای بیاد ماندنی آفریدند. حماسه مردمی شهر آمل آن قدر مهم و قابل توجه بود که حضرت امام خمینی (ره) در روز دهم بهمن، ضمن تشکر از مردم آمل به خاطر فداکاریشان، فرمودند: "... اینها در داخل تبلیغات زیاد می‌کردند. به خارج هم که رفتند تبلیغات زیاد می‌کنند؛ به اینکه مردم در اختناق‌اند و خودشان همه مخالفانند با جمهوری اسلامی... اینها همه قوایشان را جمع کردند و به آمل آن حمله وحشیانه غافلگیرانه را کردند؛ به امید این که مردم آمل هم با آنها همدست بشوند و آمل را مرکز استان قرار بدهند و بعد همه جاها را بگیرند و جلو بروند... ما باید تشکر کنیم از شهر آمل و آن مردم فداکار... عده‌ای را هم شهید دادند، لکن... ثابت کردند که آنجایی که شما تمام آملتان به آنجا بود؛ با شما مخالفند."

حضرت امام (ره) حتی در وصیت نامه الهی- سیاسی خویش به این واقعه مهم اشاره داشته و این گونه می‌فرماید: "شما که مدعی طرفداری از خلق هستید، بر این خلق محروم در هر جا که دستتان رسیده چه جنایاتی انجام دادید و با اهالی شریف آمل که آنان را به غلط طرفدار پر و پا قرص خود معرفی می‌کردید و عده بسیاری را به فریب به جنگ مردم و دولت فرستادید و به کشتن دادید، چه جنایت‌ها که نکردید."

# روایت فاتحان

## عشق شهادت

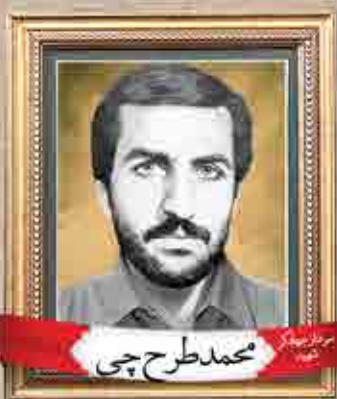
در اسفند ماه سال ۶۰ یک روز آقاتقی یک ورق کاغذ را در خانه به من نشان داد و گفت: عملیات مهندسی جبهه به عهده ما گذاشته شده و مسئولیت سنگینی است. منظورش این بود که در همین روزها عملیات است و به این زودی‌ها به خانه نمی‌آید و این روز هم از روزهای فراموش ناشدنی بود و چهره خوشحال و راضی از کار آقاتقی هیچوقت یادم نمی‌رود. در همین روزها پدرشان به اهواز آمدند و کسالت پیدا کردند. در بیمارستان بستری شدند و آقاتقی فقط یک روز وقت کرد و برای عیادت پدر خود به بیمارستان آمد و در آنجا با ناراحتی پدرش روبرو شد. با دکترها مشورت کرد و بعد رو به پدرش کرد و گفت: من کار دارم و نمی‌توانم پهلوی شما باشم. تنها از خدا بخواهید اگر شفا پیدا کردید به جبهه بیایید و در راه خدا خدمت کنید و بعد از چند لحظه خداحافظی کرد و رو به جبهه رفت.



سید محمدتقی رضوی

## تاسیس ستاد پشتیبانی جنگ جهاد

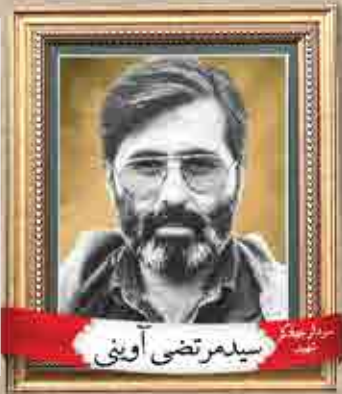
او مدتی قبل از آغاز جنگ، برای انجام مأموریتی به یکی از کشورها سفر کرده بود و در شروع جنگ در ایران حضور نداشت. پس از مدتی کوتاه به ایران بازگشت و بدون درنگ به سوی جبهه رهسپار شد. تاریخ اعزام وی ۱۳۵۹/۷/۱ بود. پس از ورود به خوزستان با همراهی و هم‌فکری سایر افراد، ستاد پشتیبانی جنگ جهاد را که از طرف جهاد سازندگی مسئولیت باری رساندن به جبهه‌ها را بر عهده داشت، تاسیس کرد. سپس مسئولیت مستقیم تمام عملیات‌هایی را که جهاد سازندگی در جبهه‌های جنوب انجام می‌داد، بر عهده گرفت. با نظارت و هماهنگی وی جاده‌های استراتژیک و نظامی زیادی در جبهه‌های مختلف جنوب کشیده شد. او در امور تدارک، تبلیغات و تعمیرات خودروهای نیروی سپاه و ارتش خدمات زیادی کرد. طرحی نقش بسیار موثری در عملیات دارخوین (که به نام «فرمانده کل قوا، خمینی روح خدا» مشهور بود) و عملیات آزادسازی کرخه نور به عهده داشت. به خاطر مسئولیت حساسی که داشت همیشه در خط اول جبهه بود. در حالی که هدایت و هماهنگی خودروهای بزرگ راهسازی را انجام می‌داد، در عملیات سنگر سازی و ایجاد سدهای طولانی و بلند خاکی نیز شرکت می‌کرد.



محمد طرح چی

## در باغ شهادت باز است

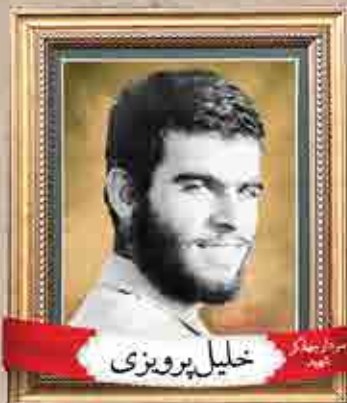
آن روزگار اتاق بچه‌های سوره تنها محفل انس کسانی بود که «هنر دیانت مدار» را بر «دئانت هنرمدار» ترجیح می‌دادند. آن روز تازه خبر شهادت سفیر فرهنگ ولایت «صادق گنجی» را در روزنامه‌ها نوشته بودند. وارد اتاق که شدم بوی خوش عطر «تی‌رز» به مشام رسید، فهمیدم که سید آنجاست. مقابل پنجره ساکت و منتظر ایستاده بود. جلو رفتم. دانه‌های درشت اشک گونه‌هایش را نوازش می‌کرد، با صدای بلند گفتم: «خدا قوت آقا مرتضی!» یکی از بچه‌ها سریع مرا به سکوت دعوت کرد، همانجا سر جایم نشستم نمی‌دانستم حالش بد است. «ناگهان برگشت و با بغض گفت: «می‌بینی حسین؟ می‌بینی چه جوری داریم در جا می‌زنیم؟ هفته پیش با او بودیم. کاش او را می‌شناختی. گل بود! به خدا گل بود، اونم چه گلی!... خوش به حالش کی فکر شو می‌کرد به این قشنگی اونم بعد از این همه مدت که از قطعنامه می‌گذره بره؟» دیگر چیزی نگفت. حق‌گریه امانش را برید. او عاشق رفتن بود و بالاخره پر کشید.



سیدمرتضی آینی

## حاج خلیل؛ فرمانده بی‌ادعا

هنوز خیلی مانده بود تا احداث خاکریز تمام شود. راننده خیلی به لودر فشار می‌آورد؛ اگر همین طور ادامه می‌داد حتما خرابش می‌کرد و کار خاکریز لنگ می‌ماند. حاج خلیل که برای سرکشی به کارها آمده و شاهد ماجرا بود بدون آنکه تندی کند گفت: «خیلی خسته‌ای بیا پایین چند دقیقه‌ای استراحت کن تا کمی کمکت کنم. راننده که نمی‌دانست او حاج خلیل پرویزی، فرمانده مهندسی جنگ جهاد است لودر را تحویلش داد و در همان نزدیکی مشغول استراحت شد. حاجی جلو چشم راننده شروع کرد به ادامه کار خاکریز. آنقدر نرم و بدون فشار به دستگاه کار می‌کرد که راننده متوجه اشتباهش شد. بعد از چند دقیقه لودر را از حاجی تحویل گرفت و مشغول به کار شد؛ اما این بار با رعایت حال ماشین.

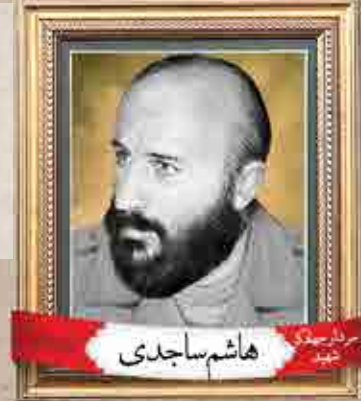


خلیل پرویزی



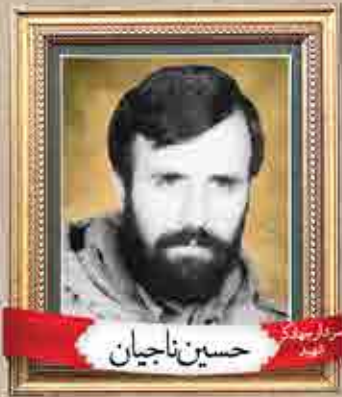
### تواضع

ابتدا که به جبهه رفته بودم، یک روز در صف غذا ایستاده بودیم تا به غذاخوری برویم و غذا بخوریم. یک نفر از نیروهایی که توی صف بود به من گفت: «آن فردی که جلوی شما است و دارد غذا می‌گیرد فرمانده پایگاه، هاشم ساجدی است.» من خنده ام گرفت. گفتم: «مگر برای آنها توی اتاقشان غذا نمی‌برند؟» گفت: «اگر کسی بخواهد از آشپزخانه برای ایشان حتی نان خشک و پنیر ببرد تا توی اتاقش غذا بخورد، ناراحت می‌شود.»



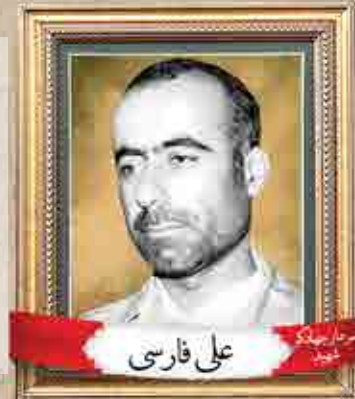
### عقیده

ناجیان می‌گفت «نمی‌دانم این بچه‌های جهاد با چه فکری اینطور کار می‌کنند» آقای ناجیان با تعداد زیادی از اساتید و دانشجویان ارتباط داشت و با مسائلی که در جهاد جنگ می‌دید، معادله‌ای برخورد می‌کرد و می‌گفت «نمی‌دانم بچه‌های جهاد با کدام عقیده و چه فکری این کارها را انجام می‌دهید» و حتی یک جایی به من گفت «تو تصمیم دیوانه‌واری گرفتی». گفتم چرا؛ گفت: «چون هیچ معادله‌ای نیست که نشان دهد ما این جاده را می‌سازیم و بشود تانک از رویش عبور کند. بچه‌های مردم می‌روند آن طرف می‌مانند یا رمل دوباره می‌آید روی جاده را می‌گیرد». گفتم «تمام اینها را پیش‌بینی کرده‌ایم و براساس همان کاری که در روستاهای دامغان انجام داده‌ایم، برنامه ریزی کرده‌ایم. شما فقط نیازهای ما را تأمین کنید؛ این کار قبلاً امتحانش را پس داده و موفق بوده؛ شما نگران نباشید. وقتی حدود یکی دو کیلومتر پیش رفتیم، شهید ناجیان دیگر مطمئن شد که می‌شود این جاده را احداث کرد و بعد آن تلاش کرد در مکاتبات مهندسی‌اش این نکات را وارد کند. او معتقد بود باید این علم به عنوان یک سیلابس درسی وارد متون دانشگاهی شود. او همیشه می‌گفت می‌خواهد جاده رملی دامغان را ببیند و دوست داشت به دامغان سفر کند یا بعد از جنگ در کنار بچه‌های دامغان زندگی کند.»



### دانشگاه

کنار درب ستاد پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی اصفهان در اهواز او را دیدم. پس از سلام و احوالپرسی گفتم: «خب، علی چه می‌کنی؟» گفت: «هیچ، پشت کنکور در جا می‌زنم.» پرسیدم: «حالا چه وقت کنکور دانشگاه است؟ عملیات نزدیک است، مگر آماده نشده‌ای؟» گفت: «منظوم از کنکور و دانشگاه، کنکور خدا و دانشگاه خداست؛ هدفم نائل شدن به مقام شهادت است.» چند روز بعد علی به مقام شهادت نائل شد. پس از شهادتش فهمیدم که شب قبل از دیدارمان، این خواب را دیده است: «علی همراه عده‌ای برای ورود به دانشگاه در صف ایستاده‌اند. عده‌ی دیگری بدون رعایت صف و بدون آنکه مانعی برای آنها باشد، وارد دانشگاه می‌شوند. در این میان جهادگر شهید سید علی ابهری نیز وارد می‌شود. علی با ناراحتی می‌پرسد: «بابا چه خبره!؟ چرا اینها بدون نوبت وارد می‌شوند؟» شهید ابهری می‌گوید: «ناراحت نباش! اینها شهیدان هستند، کاری می‌کنم که تو هم وارد شوی!»



### محور انقلابیون نجف آباد

در کنکور سال ۱۳۵۶ در رشته ریاضی فیزیک قبول شد. احمد در دانشگاه، انجمن اسلامی را بنیان‌گذاری کرد تا دانشجویان انقلابی و متعهد را متشکل کند. با روشن شدن جرقه‌های انقلاب اسلامی و آغاز مبارزات ملت ایران، دانشجویان را دعوت به اعتصاب سراسری و تظاهرات خیابانی علیه رژیم پهلوی می‌کرد. در ظهر روز عاشورای ۱۳۵۷ که مردم نجف‌آباد برای نماز به خارج از شهر رفته بودند، او و چند تن از دوستانش مجسمه شاه را به زیر کشیدند. این کار باعث شد تا نیروهای امنیتی رژیم با تشدید حکومت نظامی در روزهای ۱۱ و ۱۲ محرم، بازار نجف‌آباد و خانه افراد سرشناس انقلابی را در آتش کینه و انتقام خود بسوزانند. او و دوستانش به مقابله با عمال رژیم ستمشاهی پرداختند و با اینکه در درگیری‌های ۱۲ محرم نجف‌آباد به شدت زخمی شده بود اما به فکر نجات مجروحان حادثه و انتقال آن‌ها به خانه‌های امن بود.



دلاوران قبیله نور در نبرد با ظلمت به دشت روشنایی هجرت نمودند، اسماعیل وار به قربانگاه آزمایش شتافتند و آگاهانه جان سپردند. سوختند تا با کفر نسازند، رفتند تا ایمان نرود، و مرگ سرخ را برگزیدند تا چراغ توحید نمیرد؛

## یاد و خاطره شهدای مهر ماه وزارت جهاد کشاورزی گرامی باد

نام	نام خانوادگی	استان
احمد	عادلی گل تپه	البرز
مصطفی	عباسی کجانی	البرز
محمد	محمد پور نیکچه	البرز
اسماعیل	همتی	البرز
نعمت الله	یعقوبی	البرز
حمزه	دبیری	ایلام
عبدالحمید	عبداللهی	ایلام
مقصودعلی	گچی	ایلام
ابوالفضل	جبارزاده	آذربایجان شرقی
محمدباقر	خورشیدی غازی	آذربایجان شرقی
منوچهر	دریایی	آذربایجان شرقی
اسماعیل	رسولیان هروی	آذربایجان شرقی
حسن	غریب	آذربایجان شرقی
مجید	منافی ناصر	آذربایجان شرقی
ایوب	بلندی کروبق	آذربایجان شرقی - تهران
محرم	پورخلیل تولکانی	آذربایجان غربی
سلطعلی	زمانی	آذربایجان غربی
طالب	محرمی	آذربایجان غربی
حسین	مشهدپور	بوشهر
قاسم	ناطوری زاده	بوشهر
رسول	پهناور	تهران
حسین	حمیدی	تهران
داود	دلپسند بخشایش	تهران
محسن	علی اعلا	تهران
صیدمراد	قائد رحمتی	تهران
علی	زند	تهران - کردستان
علی احمد	محمدرضایی	تهران - لرستان
فرامرز	زند و کیل	تهران - همدان
مراد	سنجری	جیرفت و کهنوج
قاسم	شجاع حیدری	جیرفت و کهنوج
اصغر	اکبری چالستری	چهارمحال و بختیاری
تیمور	ذیلابی لردگانی	چهارمحال و بختیاری
مختار	عسگری هفشجانی	چهارمحال و بختیاری

نام	نام خانوادگی	استان
برات	معززی	اردبیل
علی	ایزدی	اصفهان
حسین	پارسا	اصفهان
محمد	توکلی حاجی آبادی	اصفهان
مهدی	جاویدفر	اصفهان
عبدالحسین	خانی نجف آبادی	اصفهان
ابراهیم	خرمی بروزادی	اصفهان
خلیل	دهقانی چهارمحالی	اصفهان
اردشیر	دودانگه	اصفهان
احمدعلی	دوستکام	اصفهان
عبدالعلی	رجایا	اصفهان
داود	زینالی گرگری	اصفهان
نعمت الله	شکوه	اصفهان
احمد	شیدانشید	اصفهان
اردشیر	صائبی نسیم آبادی	اصفهان
رسول	عباسپور نجف آبادی	اصفهان
قدمعلی	عباسی جوزدان	اصفهان
اکبر	عرب پور حاجی آبادی	اصفهان
حسین	حسن زاده لمجیری	اصفهان
مهدی	فتاح الجنان نجف آبادی	اصفهان
صفر	فتحی سفتجانی	اصفهان
محمدرضا	کرمعلیان سیچانی	اصفهان
حمید	کریمی اندانی	اصفهان
قاسم	مارانی برزانی	اصفهان
عبدالخالق	مجاهدنی	اصفهان
احمد	مختاری مبارکه	اصفهان
نادعلی	مسلمی	اصفهان
سید محمد	منتظری سانچی	اصفهان
سید ساعد	هاشمی فشارکی	اصفهان
قدرت الله	محمدی جزی	اصفهان - چهارمحال و بختیاری
علیمردان	کیانی	اصفهان - خوزستان - فارس
حشمت الله	کاکایی	اصفهان - کرمانشاه
پرویز	بزرگ نیا	البرز

نام	نام خانوادگی	استان
فخرالدین	خلفی	زنجان
سالار	عالمی	زنجان
سیروس	آذری	ستاد مرکزی
قدرت الله	اصانلو	ستاد مرکزی
عزیزالله	پارسی	ستاد مرکزی
حسن	پهلوان حسن	ستاد مرکزی
حسین	تقی	ستاد مرکزی
محمدکریم	حاج جعفری	ستاد مرکزی
خلیل	خدام	ستاد مرکزی
حسین	داداش اوغلی اهری	ستاد مرکزی
مسعود	دارچینیان	ستاد مرکزی
سیف الله	داودی	ستاد مرکزی
مهدی	رجب بیگی	ستاد مرکزی
محمدحسین	زاهدی شکرآبی	ستاد مرکزی
حسن	سیفان اورنج	ستاد مرکزی
شهرام	شالچی زاده	ستاد مرکزی
رضا	شاه حسینی خلجانی	ستاد مرکزی
مهدی	شهسواری	ستاد مرکزی
عبلسعلی	صادقی	ستاد مرکزی
محمدرضا	صدقی	ستاد مرکزی
سید یونس	عطاری	ستاد مرکزی
تقی	فدایی اسلام	ستاد مرکزی
دارپوش	گودرزی کیا	ستاد مرکزی
ناصر	منایی	ستاد مرکزی
عبدالحسین	ناجیان اصل	ستاد مرکزی
علی	نفری افشار	ستاد مرکزی
سید امیر	نور کیهانی	ستاد مرکزی
علی اصغر	نوروز علیایی	ستاد مرکزی
احمد	نوروزیان	ستاد مرکزی
محمد	هاشمی	ستاد مرکزی
علی	هوبخت	ستاد مرکزی
مرتضی	هوبخت	ستاد مرکزی
احمد	هوبخت	ستاد مرکزی
حبیب	جریری	ستاد مرکزی - قم
قدرت الله	حسن شریف	ستاد مرکزی - مرکزی
غلامرضا	عبدالکریمی	ستاد مرکزی - مرکزی
محمدحسن	امانی	سمنان
سید محسن	حسینی زاده	سمنان
حسن	طوسی	سمنان
غلامحسین	فاضلیان	سمنان
حیدر	جدگال	سیستان و بلوچستان

نام	نام خانوادگی	استان
محمدحسن	قائدی حیدری	چهارمحال و بختیاری
فریدون	محمدی بردبری	چهارمحال و بختیاری
امیرقلی	نبی تیر فارسانی	چهارمحال و بختیاری
غلامحسین	کافی	خراسان جنوبی
قنبر	آقایی بجستانی	خراسان رضوی
علی	ابراهیمی ترشیزی	خراسان رضوی
حسن (هوشنگ)	ابراهیمی ترشیزی	خراسان رضوی
محمدرضا	پرهیزگار	خراسان رضوی
محمد	جهان نما	خراسان رضوی
محمدرضا	رحمانی ایوری	خراسان رضوی
محمدجواد	سنگتراش مقدم	خراسان رضوی
محمدابراهیم	صابری	خراسان رضوی
اسد الله	عاشق	خراسان رضوی
نصرالله	عطیمی شاهوردی	خراسان رضوی
سعید	فغفور مغربی	خراسان رضوی
امیررضا	قربانی	خراسان رضوی
علی اکبر	کرد	خراسان رضوی
محمدرضا	محبی	خراسان رضوی
محمدحسن	نیکفرد	خراسان رضوی
عباس	وفایی	خراسان رضوی
سید حسین	اعلمی	خراسان رضوی - ستاد مرکزی
برات محمد	براتی	خراسان شمالی
عبدالعباس	آل کثیر	خوزستان
فریدون	استادصفر	خوزستان
عجیل	بیت سیاح	خوزستان
عبدالمجید	توکلی	خوزستان
حسن	حسینی	خوزستان
مروج	دورقیه	خوزستان
طوبی	دیاحسینی	خوزستان
سعید	صالحیان	خوزستان
محمدکاظم	گرامت زاده	خوزستان
علی	مخل	خوزستان
سکران	منصوری	خوزستان
نورعلی	مهدی پور	خوزستان
شهناز	حاجی شاه	خوزستان - ستاد مرکزی
سید مرتضی	سیدی	خوزستان - ستاد مرکزی
جلال	عزیزیان	خوزستان - ستاد مرکزی
علی	اسلامی نسب	خوزستان - فارس
مصطفی	برفی	خوزستان - فارس
سید محمد	حکیم	خوزستان - قم
کمال الدین	جان نثار	زنجان

نام	نام خانوادگی	استان
حسین	داداش اوغلی اهری	گیلان
غفور	قربانی نژاد	گیلان
علی	مشایخی چوکامی	گیلان
فتح الله	مومنی کلاشمی	گیلان
حسین	نامجو	گیلان
حسین	ولی زاده مرخالی	گیلان
علیرضا	یزدانی	گیلان
عصمت الله	چوب تراش	لرستان
محمدرضا	خادمی	لرستان
محمد	خادمی	لرستان
شیرمحمد	رضایی	لرستان
سیدمراد	قائد رحمتی	لرستان
محمد	قیصری	لرستان
محمود	آمالی امیری	مازندران
رمضانعلی	احمدی	مازندران
عباس	اسماعیلی کناری	مازندران
حسینعلی	حمیدی کناری	مازندران
حجت الله	خوش اندام	مازندران
محمدرضا	دعاگو	مازندران
محمود	رسولی کناری	مازندران
میرقربان	رسین	مازندران
هاشم	عبدالهاشم پور	مازندران
علی	قلی پور گودرزی	مازندران
محمود	محمد زاده	مازندران
حسین	مومنی نژادامیری	مازندران
رمضانعلی	نوریان ایوبی	مازندران
عبدالعلی	یدالله پور	مازندران
محسن	طاهری	مرکزی
فضل علی	فضلی	مرکزی
سید ابوتراب	مدنی	مرکزی
قنبر	احمدی	هرمزگان
علیرضا	اختری	همدان
حسن	باغیان	همدان
مجید	بهرامن	همدان
محمدرضا	بیک زاده	همدان
علی	جانقایی	همدان
عبدالله	سجادی	همدان
احمد	غلامی	همدان
محمد	محبتی مبارز	همدان
عبدالعظیم	نوعدوست	همدان
محمدرضا	فلاح زاده	یزد
اصغر	نعمت الهی	یزد

نام	نام خانوادگی	استان
محمدنبی	سارانی	سیستان و بلوچستان
نورمحمد	عبداللهی	سیستان و بلوچستان
غلامرضا	علی احمدی	سیستان و بلوچستان
عبلسعلی	محمدان	سیستان و بلوچستان
مختار	اشرف	فارس
علی اکبر	ایزدی	فارس
رحیم	جهانبین	فارس
علی اصغر	جوادی	فارس
سید محمدصادق	دشتی	فارس
محمدتقی	سرپوش	فارس
ماشاء الله	شیخی	فارس
علیرضا	صفا خانی	فارس
حبیب	علی پور	فارس
مسلم	قاسمیان	فارس
کوروش	قنادی	فارس
مختار	کشاوری	فارس
عبدالله	شریفی حاتم	قم
محمود	لطفی	قم
حسن	نیکو صحبت رحیمی	قم
اصغر	یخچالی	قم
شکرالله	آقازارتی	قم - مرکزی
سید عبدالله	حسینی	کردستان
طاهرعلی	علیمحمدی	کردستان
رحمان	فرجی	کردستان
محمد	ساکی	کردستان - همدان
سید نصرت الله	روحی میرحسینی	کرمان
محمدحسین	زنگی آبادی	کرمان
لطف الله	سلطانی نژاد	کرمان
اسحاق	شیخ حسینی لری	کرمان
حیدر	حسن پور	کرمانشاه
مراد حاصل	صفری	کرمانشاه
حاتم	محمدی ترکه بان	کرمانشاه
جوهر	میرزایی	کرمانشاه
علیداد	نصیری نصر	کرمانشاه
شاهمراد	خلیلی	کرمانشاه - لرستان
عبدالطیف	آبرود	کهگیلویه و بویراحمد
غلامرضا	چرخ انداز	کهگیلویه و بویراحمد
محمدحسن	امانی	گلستان
حسن	رفیعی	گلستان
محمد	سالیکنده	گلستان
ابوالفضل	قدس شکوری	گلستان

## یاد و خاطره شهدای آبان ماه وزارت جهاد کشاورزی گرامی باد

نام	نام خانوادگی	استان
سید ساعد	هاشمی فشارکی	اصفهان
قدرت الله	محمدی جزی	اصفهان - چهارمحال و بختیاری
علیمردان	کیانی	اصفهان - خوزستان - فارس
حشمت الله	کاکایی	اصفهان - کرمانشاه
پرویز	بزرگ نیا	البرز
احمد	عادلی گل تپه	البرز
مصطفی	عباسی کجانی	البرز
محمد	محمدپور نیکچه	البرز
اسماعیل	همتی	البرز
نعمت الله	یعقوبی	البرز
حمزه	دبیری	ایلام
عبدالحمید	عبداللهی	ایلام
مقصودعلی	گچی	ایلام
ابوالفضل	جبارزاده	آذربایجان شرقی
محمدباقر	خورشیدی غازی	آذربایجان شرقی
منوچهر	دریایی	آذربایجان شرقی
اسماعیل	رسولیان هروی	آذربایجان شرقی
حسن	غریب	آذربایجان شرقی
مجید	منافی ناصر	آذربایجان شرقی
ایوب	بلندی کرویق	آذربایجان شرقی - تهران
محرم	پورخلیل تولکانی	آذربایجان غربی
سلطانعلی	زمانی	آذربایجان غربی
طالب	محرمی	آذربایجان غربی
حسین	مشهدپور	بوشهر
قاسم	ناطوری زاده	بوشهر
رسول	پهناور	تهران
حسین	حمیدی	تهران
داود	دلپسند بخشایش	تهران

نام	نام خانوادگی	استان
برات	معززی	اردبیل
علی	ایزدی	اصفهان
حسین	پارسا	اصفهان
محمد	توکلی حاجی آبادی	اصفهان
مهدی	جاویدفر	اصفهان
عبدالحسین	خانی نجف آبادی	اصفهان
ابراهیم	خرمی بروزادی	اصفهان
خلیل	دهقانی چهارمحالی	اصفهان
اردشیر	دودانگه	اصفهان
احمدعلی	دوستکام	اصفهان
عبدالعلی	رجایا	اصفهان
داود	زینالی گرگری	اصفهان
نعمت الله	شکوه	اصفهان
احمد	شیدانشید	اصفهان
اردشیر	صائبی نسیم آبادی	اصفهان
رسول	عباسپور نجف آبادی	اصفهان
قدمعلی	عباسی جوزدان	اصفهان
اکبر	عرب پور حاجی آبادی	اصفهان
حسین	حسن زاده لمجیری	اصفهان
مهدی	فتاح الجنان نجف آبادی	اصفهان
صفر	فتحی سفتجانی	اصفهان
محمدرضا	کرمعلیان سیچانی	اصفهان
حمید	کریمی اندانی	اصفهان
قاسم	مارانی برزانی	اصفهان
عبدالتحلق	مجاهدنیا	اصفهان
احمد	مختاری مبارکه	اصفهان
نادعلی	مسلمی	اصفهان
سید محمد	منتظری سانچی	اصفهان

نام	نام خانوادگی	استان
سید حسین	اعلمی	خراسان رضوی - ستاد مرکزی
برات محمد	براتی	خراسان شمالی
عبدالعباس	آل کثیر	خوزستان
فریدون	استادصفر	خوزستان
عجیل	بیت سیاح	خوزستان
عبدالمجید	توکلی	خوزستان
حسن	حسینی	خوزستان
مروج	دورقیه	خوزستان
طوبی	دیاحسینی	خوزستان
سعید	صالحیان	خوزستان
محمدکاظم	کرامت زاده	خوزستان
علی	مخل	خوزستان
سکران	منصوری	خوزستان
نورعلی	مهدی پور	خوزستان
شهناز	حاجی شاه	خوزستان - ستاد مرکزی
سید مرتضی	سیدی	خوزستان - ستاد مرکزی
جلال	عزیزیان	خوزستان - ستاد مرکزی
علی	اسلامی نسب	خوزستان - فارس
مصطفی	برفی	خوزستان - فارس
سید محمد	حکیم	خوزستان - قم
کمال الدین	جان نثار	زنجان
فخرالدین	خلفی	زنجان
سالار	عالمی	زنجان
سیروس	آذری	ستاد مرکزی
قدرت الله	اصانلو	ستاد مرکزی
عزیزالله	پارسی	ستاد مرکزی
حسن	پهلوان حسن	ستاد مرکزی
حسین	تقی	ستاد مرکزی
محمدکریم	حاج جعفری	ستاد مرکزی
خلیل	خدام	ستاد مرکزی

نام	نام خانوادگی	استان
محسن	علی اعلا	تهران
صدیمراد	فائد رحمتی	تهران
علی	زند	تهران - کردستان
علی احمد	محمدرضایی	تهران - لرستان
فرامرز	زند وکیل	تهران - همدان
مراد	سنجری	جیرفت و کهنوج
قاسم	شجاع حیدری	جیرفت و کهنوج
اصغر	اکبری چالشتی	چهارمحال و بختیاری
تیمور	ذیلایی لردگانی	چهارمحال و بختیاری
مختار	عسگری هفشجانی	چهارمحال و بختیاری
محمدحسن	فائدی حیدری	چهارمحال و بختیاری
فریدون	محمدی بردبری	چهارمحال و بختیاری
امیرقلی	نبی تیر فارسانی	چهارمحال و بختیاری
غلامحسین	کافی	خراسان جنوبی
قنبر	آقایی بچستانی	خراسان رضوی
علی	ابراهیمی ترشیزی	خراسان رضوی
حسن (هوشنگ)	ابراهیمی ترشیزی	خراسان رضوی
محمدرضا	پرهیزگار	خراسان رضوی
محمد	جهان نما	خراسان رضوی
محمدرضا	رحمانی ایوری	خراسان رضوی
محمدجواد	سنگتراش مقدم	خراسان رضوی
محمدابراهیم	صابری	خراسان رضوی
اسد الله	عاشق	خراسان رضوی
نصرالله	عظیمی شاهرودی	خراسان رضوی
سعید	فغفور مغربی	خراسان رضوی
امیررضا	قربانی	خراسان رضوی
علی اکبر	کرد	خراسان رضوی
محمدرضا	محبی	خراسان رضوی
محمدحسن	نیکفرد	خراسان رضوی
عباس	وفایی	خراسان رضوی

نام	نام خانوادگی	استان
غلامحسین	فاضلیان	سمنان
حیدر	جدگال	سیستان و بلوچستان
محمدنبی	سارانی	سیستان و بلوچستان
نورمحمد	عبداللہی	سیستان و بلوچستان
غلامرضا	علی احمدی	سیستان و بلوچستان
عباسعلی	محمدان	سیستان و بلوچستان
مختار	اشرف	فارس
علی اکبر	ایزدی	فارس
رحیم	جہلبین	فارس
علی اصغر	جوادی	فارس
سید محمدصادق	دشتی	فارس
محمدتقی	سرپوش	فارس
ماشاء اللہ	شیخی	فارس
علیرضا	صفی خانی	فارس
حبیب	علی پور	فارس
مسلم	قاسمیان	فارس
کوروش	قنادی	فارس
مختار	کشاوری	فارس
عبداللہ	شریفی حاتم	قم
محمود	لطفی	قم
حسن	نیکو صحبت رحیمی	قم
اصغر	یخچالی	قم
شکر اللہ	آقازارتی	قم - مرکزی
سید عبداللہ	حسینی	کردستان
طاہر علی	علیمحمدی	کردستان
رحمان	فرجی	کردستان
محمد	ساکی	کردستان - ہمدان
سید نصرت اللہ	روحی میرحسینی	کرمان
محمدحسین	زنگی آبادی	کرمان
لطف اللہ	سلطانی نژاد	کرمان

نام	نام خانوادگی	استان
حسین	داداش اوغلی اہری	ستاد مرکزی
مسعود	دارچینیان	ستاد مرکزی
سیف اللہ	داودی	ستاد مرکزی
مہدی	رجب بیگی	ستاد مرکزی
محمدحسین	زاہدی شکرآبی	ستاد مرکزی
حسن	سیفان اورنج	ستاد مرکزی
شہرام	شالچی زادہ	ستاد مرکزی
رضا	شاہ حسینی خلجانی	ستاد مرکزی
مہدی	شہسواری	ستاد مرکزی
عباسعلی	صادقی	ستاد مرکزی
محمدرضا	صدقی	ستاد مرکزی
سید یونس	عطاری	ستاد مرکزی
تقی	فدایی اسلام	ستاد مرکزی
داریوش	گودرزی کیا	ستاد مرکزی
ناصر	منابی	ستاد مرکزی
عبدالحسین	ناجیان اصل	ستاد مرکزی
علی	نفری افشار	ستاد مرکزی
سید امیر	نورکیہانی	ستاد مرکزی
علی اصغر	نوروز علیایی	ستاد مرکزی
احمد	نوروزیان	ستاد مرکزی
محمد	ہاشمی	ستاد مرکزی
علی	ہوبخت	ستاد مرکزی
مرتضی	ہوبخت	ستاد مرکزی
احمد	ہوبخت	ستاد مرکزی
حبیب	جریری	ستاد مرکزی - قم
قدرت اللہ	حسن شریف	ستاد مرکزی - مرکزی
غلامرضا	عبدالکریمی	ستاد مرکزی - مرکزی
محمدحسن	امانی	سمنان
سید محسن	حسینی زادہ	سمنان
حسن	طوسی	سمنان

نام	نام خانوادگی	استان
حجت الله	خوش اندام	مازندران
محمدرضا	دعاگو	مازندران
محمود	رسولی کناری	مازندران
میرقربان	رسین	مازندران
هاشم	عبدالهاشم پور	مازندران
علی	قلی پور گودرزی	مازندران
محمود	محمد زاده	مازندران
حسین	مومنی نژادامیری	مازندران
رمضانعلی	نوریان ایوبی	مازندران
عبدالعلی	یدالله پور	مازندران
محسن	طاهری	مرکزی
فضل علی	فضلی	مرکزی
سید ابوتراب	مدنی	مرکزی
قنبر	احمدی	هرمزگان
علیرضا	اختری	همدان
حسن	باغیان	همدان
مجید	بهرامن	همدان
محمدرضا	بیک زاده	همدان
علی	جانقایی	همدان
عبدالله	سجادی	همدان
احمد	غلامی	همدان
محمد	محبتی مبارز	همدان
عبدالعظیم	نوعدوست	همدان
محمدعلی	فلاح زاده	یزد
اصغر	نعمت الهی	یزد

نام	نام خانوادگی	استان
اسحاق	شیخ حسینی لری	کرمان
حیدر	حسن پور	کرمانشاه
مرادحاصل	صفری	کرمانشاه
حاتم	محمدی ترکه بان	کرمانشاه
جوهر	میرزایی	کرمانشاه
علیداد	نصیری نصر	کرمانشاه
شاهمراد	خلیلی	کرمانشاه - لرستان
عبدالطیف	آبرود	کهگیلویه و بویراحمد
غلامرضا	چرخ انداز	کهگیلویه و بویراحمد
محمدحسن	امانی	گلستان
حسن	رفیعی	گلستان
محمد	سالیکنده	گلستان
ابوالفضل	قدس شکوری	گلستان
حسین	داداش اوغلی اهری	گیلان
غفور	قربانی نژاد	گیلان
علی	مشابخی چوکامی	گیلان
فتح الله	مومنی کلاشمی	گیلان
حسین	نامجو	گیلان
حسین	ولی زاده مرخالی	گیلان
علیرضا	یزدانی	گیلان
عصمت الله	چوب تراش	لرستان
محمدرضا	خادمی	لرستان
محمد	خادمی	لرستان
شیرمحمد	رضایی	لرستان
سیدمراد	فائد رحمتی	لرستان
محمد	قیصری	لرستان
محمود	آمالی امیری	مازندران
رمضانعلی	احمدی	مازندران
عباس	اسماعیلی کناری	مازندران
حسینعلی	حمیدی کناری	مازندران



## گذری کوتاه بر زندگی و زمانه

## شهیدای شاخص جهادگر در مهر ماه

پست مشغول به کار شد. در سال ۱۳۵۰ ازدواج کردند که ثمره این ازدواج دو دختر و دو پسر است. وی در سال ۱۳۵۵ به استخدام خبرگزاری جمهوری اسلامی درآمد و به عنوان عکاس این خبرگزاری مشغول به کار شد و از سال ۱۳۶۰ عکاسی را از جبهه‌ها را به عنوان نیروی جهادگر آغاز کرد. تا ۲۹ مهرماه سال ۱۳۶۳ در جبهه‌های جنگ فعالیت خود را ادامه داد و در منطقه عملیاتی میمک به شهادت رسید و به عنوان نخستین عکاس شهید دوران دفاع مقدس شناخته می‌شود. در آخرین عملیات (میمک) به عنوان عکاس به خط مقدم جبهه اعزام شده بود، در مراسمی که اعضای گردان در شب قبل از عملیات برگزار کرده بودند، شهید گودرزی کیا گریه زیادی کرده و شهادت را از خدا طلب کرده بود. همزمانش در این مراسم وقتی وضعیت داریوش را می‌بینند، به او با شوخی می‌گویند که خیلی نورانی شدی؛ حاج آقا هم در جواب می‌گوید که «شما آنچه که من می‌فهمم را متوجه نمی‌شوید».

## جهادگر شهید احمد هوبخت

شهید احمد هوبخت سال ۱۳۱۸ در محله دخانیات تهران به دنیا آمد. در دوران کودکی قرآن را نزد مرحوم آیت الله طالقانی آموخت و به قول خودش هر بار که قرآن را خوب تلاوت می‌کرد توسط ایشان با یک مشت نخود و کشمش تشویق می‌شد. لیسانس کشاورزی و فوق لیسانس کامپیوتر گرفت و استادی دانشگاه صنعتی شریف و کارمندی ارشد وزارت کشاورزی قبل از انقلاب و قائم مقامی وزیر کشاورزی بعد از پیروزی انقلاب را تجربه کرد. اولین شرکت کامپیوتری و اولین سیستم IBM را نصب نمود و جزوات دانشگاهی را منتشر ساخت. زمان درگیری‌ها و راهپیمایی‌های انقلاب حضوری فعال در بطن انقلاب داشت. بعد از انقلاب به دلیل فراست و هوش سرشارش به سمت قائم مقامی وزارت کشاورزی رسید. ازدواج کرد و صاحب دو پسر شد. در آخرین نماز جمع‌های که شرکت کرد با برادرانش قرار گذاشت به جبهه بروند و این آغاز راهی بی‌انتهای بود. به عنوان گروه جنگ‌های نامنظم (شهید چمران) در جبهه حضور یافت. آنها روز ۱۹ مهرماه سال ۱۳۵۹، از اهواز به سمت دارخوین در حرکت بودند و به اسارت نیروهای بعثی درآمدند. تا کنون اثری از پیکرش بدست نیامده است. برادرانش علی و مرتضی نیز شهید شده‌اند.

## جهادگر شهید دکتر حبیب جریری

شهید حبیب جریری در شیراز متولد شدند. تا پایان دبیرستان در شیراز و آواده به تحصیل مشغول بود. بعد از اخذ دیپلم در دانشکده افسری و کتکور دانشگاه تهران دانشکده داروسازی قبول شدند. به علت مشکلات مالی خانواده از سهمیه بورس ارتش استفاده کرده و به گذراندن دوره دکترای داروسازی مشغول شد. بعد از پایان دوره داروسازی در رشته تخصصی علوم عالی آزمایشگاهی قبول شدند بعد از ۴ سال با اخذ پایان نامه تخصصی علوم آزمایشگاهی موفق شد. سال ۱۳۳۸ به دلیل فعالیت سیاسی دستگیر و به مدت ۱ سال در زندان به سر برد. ۲ سال بعد ازدواج کرد و صاحب ۳ فرزند شد. فعالیت‌های سیاسی ایشان ادامه داشت تا در سال ۱۳۵۳ دوباره دستگیر شد و ۴ سال شکنجه جسمی و روحی را تجربه کرد. بعد از انقلاب در اولین کابینه دولت جمهوری اسلامی به ریاست مهندس بازرگان ایشان به سرپرستی نهضت سواد آموزی انتخاب و مشغول به کار شدند. و بعد از چند ماه در شهریور ماه ۱۳۵۸ به استانداری سیستان و بلوچستان انتخاب شد و طی ماه‌ها درگیری با مسائل منطقه، با تلاش، عشق و ایمان به خدا فعالیت‌هایش را ادامه داد. با شروع جنگ تحمیلی و گذشت دو هفته از آن در تاریخ ۵۹/۷/۱۴ همراه گروه پزشکی به صورت نیروهای جهادی به منطقه جنگی عزیمت کردند، ۴ روز بعد یعنی ۵۹/۷/۱۹ هنگامی که به سمت بیمارستان صحرائی حرکت می‌کردند در جاده آبادان - ماهشهر به اسارت نیروهای عراقی درآمدند و دیگر از سرنوشتشان اطلاع چندانی در دست نیست.

## جهادگر شهید داریوش گودرزی کیا

داریوش در روزهای پایانی بهمن ماه سال ۱۳۲۵ در روستای اناج از توابع شهرستان اراک به دنیا آمد. از همان دوران کودکی طعم تلخ محرومیت و سختی را چشید تا کلاس ششم ابتدایی درس خوانده و ناگزیر پس از چندی به عنوان نامه‌رسان در وزارت



## جهادگر شهید دکتر سید محمد حکیم



سید محمد در سال ۱۳۳۵ در نجف اشرف متولد شدند. دوران ابتدایی دبستان را در عراق سپری و سپس تحت فشار رژیم عراق به اتفاق خانواده ناچار به هجرت به ایران شد، در کنکور سراسری در رشته‌ی پزشکی پذیرفته شد. در دوران دانشجویی به همراه سایر دانشجویان مسلمان و متعهد فعالیت‌های

مؤثری در افشاکاری ماهیت رژیم پهلوی داشت. در دوران انقلاب از فعال‌ترین عناصر دانشجویی بود و با توجه به تسلط به زبان عربی نقش مهمی در تفهیم و هدایت مردم بومی و عرب زبان منطقه داشت. پس از پیروزی انقلاب و فرمان امام مبنی بر تشکیل جهاد سازندگی با همکاری سایر برادران، کمیته‌ی پزشکی جهاد سازندگی را تشکیل دادند. و نقش اصلی را در تشکیل داروخانه‌ی جهاد سازندگی ایفا کرد. با آغاز جنگ تحمیلی، مسئله‌ی جنگ را در سرلوحه‌ی کار خویش قرار داد و یکی از مهمترین مسؤولیت‌ها را با توجه به بعد تبلیغاتی و بسیج عشایری در رادیو اهواز به عهده گرفت وی سرپرست بخش عربی صدا و سیمای مرکز خوزستان شد و با فعالیت شبانه‌روزی در این مکان رسالت سنگینی را بر دوش کشید. سرانجام در تاریخ ۱۳۶۰/۷/۱۶ در حین انجام مأموریت دچار سانحه تصادف سد و به لقاء معبود شتافت. پس از شهادت وی خلاء وجودش در تمامی صحنه‌هایی که حضور داشت چشمگیر بود بالاخص در صدا و سیما که دیگر آن صدای گرم و دلنشین به گوش نمی‌رسید، خداوند روح پاکش را با سایر شهدا محشور گرداند.

## جهادگر شهیده شهناز حاجی شاه



سال ۱۳۳۶ سومین فرزند خانواده در شهری زیبای خرمشهر متولد شد. تحصیلاتش را تا دیپلم ادامه داد. به گفته خانواده‌اش از زمان خودش خیلی جلوتر بود. گواهینامه رانندگی داشت و بسیار عالی رانندگی می‌کرد، در حالی که آن زمان در خرمشهر و شهرستان‌های دیگر زنها

چندان نمی‌توانستند سراغ این کار بروند. تایپ فارسی و لاتین را بسیار خوب می‌دانست و حتی یک لحظه از زندگی و فرصت‌هایش را بیهوده از دست نمی‌داد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و زمانی که هنوز نهضت سوادآموزی تشکیل نشده بود. شهناز همراه چند نفر دیگر گروهی را تشکیل دادند و به روستاها می‌رفتند و به بچه‌ها درس می‌دادند. با شروع جنگ تحمیلی با وجود مهاجرت خانواده‌اش در خرمشهر ماند. او همراه دیگران با تمام توان سعی داشت از

شهر دفاع کند تا هشتم مهر رسید. از شیراز، کامیونی برای جبهه خرمشهر بار آورده بود و می‌خواست آنها را در مدرسه‌ای خالی کند. دخترها منتظر آمدن مردها نشدند و خودشان دست به کار می‌شوند تا بار کامیون را خالی کنند. زمانی که مشغول کار بودند که دیدند سر فلکه گلفروشی، عراقی‌ها یکی از خانه‌ها را با خمپاره زدند. شهناز و دوستانش به طرف خانه دویدند تا اگر کسی آنجا هست، او را بیرون بیاورند. همان زمان خمپاره دیگری به زمین خورد و منفجر شد. ترکش مستقیماً به قلب شهناز اصابت و او را همان جا شهید کرد. نحوه به خاک سپردن شهناز داستان تلخی دارد؛ شهناز در گلزار شهدای خرمشهر به خاک سپرده شد اما آنقدر شهر ناامن بود که فقط ۵ نفر در تشییع او حضور داشتند و بی‌آن‌که پدرش حضور داشته باشد توسط مادر و برادرهایش به خاک سپرده شد. برادرها با دست روی یک سنگ نام شهناز را کردند و بعدها با همین نشانه‌ها بود که خانواده توانستند مزار او را پیدا کنند.

## جهادگر شهید سیدحسین اعلی



طلبه‌ای جوان ۲۳ ساله‌ی از دیار شهرستان تربت حیدریه در استان خراسان رضوی بود که بنا به تکلیف دینی و انقلابی در اوایل سال ۱۳۵۸ تا اولین روزهای شروع جنگ تحمیلی در سال ۵۹ به عنوان نماینده حضرت امام(ره) در جهاد سازندگی، کمیته امداد امام(ره) و سپاه به شهر

دهلران اعزام می‌شود و در امورات دینی و مذهبی، خدمات‌رسانی به محرومان و مستضعفان و تثبیت و استحکام پایه‌های انقلاب اسلامی در میان روستاییان، عشایر و مردم دورافتاده دهلران فعال می‌شود. حضور شهید اعلی در دهلران همزمان شده بود با زد و خورد‌های مرزی و زمینه‌سازی رژیم بعثی عراق برای حمله و تجاوز به خاک میهن اسلامی. به همراه خانواده‌اش که شامل همسر و دو دختر خردسالش بود، در کنار مردم دهلران قرار گرفته بود و با وجود کمبود امکانات خودرویی و ارتباطی دائماً به قم و تهران در رفت و آمد بود و مشکلات مردم این منطقه و اوضاع و احوال مرز و رویدادهای مرزی را به مسئولین نظام و انقلاب انتقال می‌داد و امکاناتی را برای کمک به مردم محروم و مرزنشین و رزمندگان اسلام گسیل می‌داد. ایشان در تشییع و تدفین پیکر مطهر شهدای روزهای متصل به شروع جنگ تحمیلی و دلجویی و سرکشی از خانواده‌های این عزیزان نقش بسزایی داشت.

روز ۵ مهرماه ۵۹ در حال برگشت از قم بود تا خود را به جمع مدافعان و رزمندگان اسلام و نیروهای مردمی که در منطقه دهلران در حال مقاومت هستند، ملحق شود. اما در جاده دهلران - اندیمشک در دشت عباس به اسارت دشمن درمی‌آیند و پس از آن مفقودالثر می‌شود. می‌توان گفت که اولین روحانی مفقودالثر دفاع مقدس شهید سیدحسین اعلی است که از او به عنوان شخصیتی مظلوم و گمنام از او یاد کرد.

## جهادگر شهیده طوبی دیاحسین



طوبی دیاحسین در سال ۱۳۳۴ در شهرستان دزفول به دنیا آمد. او ۱۷ سال بیشتر نداشت که هم پا با زنان و مردان بزرگتر از خودش در فعالیت‌های سیاسی و انقلابی فعالیت می‌کرد. شب‌ها تا دیر وقت بیدار می‌ماند و کار رهنویسی از اعلامیه‌ها را انجام می‌داد. با پیروزی انقلاب از فعالیت‌های طوبی کم نشد. او

جلسات قرآنی تشکیل داد و برای آموزش قرآن به روستاها می‌رفت. دوره کمک‌های اولیه را گذراند و در بیمارستان‌ها شروع به کمک کردن کرد. شهر دزفول مرتب زیر بمباران دشمن بود. در ۳۰ مهر ۱۳۶۲ دزفول بمباران شد. طوبی برای بیرون کشیدن مردم از آوار از خانه بیرون رفت. شب وقتی بچه‌های امداد برگشتند خبر شهادت طوبی را به خانواده‌اش دادند.

## جهادگر شهید عبدالحسین ناجیان اصل



شهید مهندس «عبدالحسین ناجیان اصل»، سال ۱۳۳۳ در تهران متولد شد. وی هم‌زمان با طی دوران تحصیل در یک مدرسه‌ی اسلامی، با شرکت در جلسات مذهبی و فراگیری اصول اعتقادات و احکام اسلام، زیربنای فکری خویش را شکل داد. پس از پایان تحصیل دبیرستانی

وارد دانشگاه پلی‌تکنیک تهران شد و از همان ابتدا با تلاشی پیگیر و خستگی‌ناپذیر در محیط انجمن اسلامی و مسجد دانشگاه و با همیاری برادران هم‌فکر خود، باعث ایجاد یک جو سالم در محیط دانشگاه شد. خبر زلزله‌ی طیس و فرمان امام امت (ره) مبنی بر کمک مستقیم به مردم رنج‌دیده‌ی آن سامان، حسین را بر آن داشت که به آنجا برود. پس از مدتی به مرکز اردوگاه امام (ره) که در شهر طیس بود رفت و در آنجا به عنوان مسئول فنی و تدارکات به خدمت فی سبیل‌الله ادامه داد.

با شروع جنگ، دیگر آرام و قرار نداشت و در آبان‌ماه سال ۵۹ به سوی اهواز رفت و در کنار دوست دیرینش شهید محمد طرحچی، سنگ بنای ایجاد ستاد پشتیبانی مناطق جنگی جنوب را بنیان نهادند. با کار بی‌شائبه و بدون سر و صدا توانست از نظر نیروی انسانی مدیر و مؤمن، مرکز ثقلی حول ستاد پشتیبانی ایجاد کند که به واسطه‌ی آن، مدیر ستاد توانست مسئولیت بسیار سنگین مهندسی جبهه را بپذیرد، و خودش نیز همواره یکی از عوامل مؤثر آن ستاد بود. شهید ناجیان که حقیقتاً اسوه مقاومت و فعالیت بود، در روز ۱۰ مهرماه سال ۶۱ و در سن ۲۸ سالگی به شهادت رسید.

## جهادگر شهید کمال‌الدین جان‌نثار



یکم اسفندماه ۱۳۳۰ در شهر زنجان به دنیا آمد. پس از چند سال پدرش را از دست داد و مسئولیت زندگی بر دوش مادرش افتاد. او توانست در رشته ریاضی موفق به اخذ دیپلم شود، تابستان در یک داروخانه و دیگر مشاغل عمومی مشغول به کار شد تا مخارج تحصیل خود را فراهم کند. پس از اتمام

تحصیلات به خدمت سربازی رفت و بعد از اتمام سربازی به استخدام اداره دامپزشکی در آمد. کمال‌الدین بین سال‌های ۵۴ تا ۵۶ در اداره کشاورزی تهران مشغول فعالیت بود و در سال ۵۶ در شهر زنجان به همراه عده‌ای از برادران اقدام به اجرای نمایشنامه‌های مذهبی کرد که در شرایط خفقان به طور مخفی برای افراد حق‌جو اجرا می‌شد و در زمان حکومت بختیار به طور علنی در سالن آموزش و پرورش به اجرا درآمد که در آن زمان به مدت ۱۰ روز به معرض نمایش گذاشته شد. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در تظاهرات‌ها شرکت و کارهای مشکل و خطرناک را بر عهده می‌گرفت که از جمله آن‌ها عقب کشیدن مجروحین به پشت صحنه نبرد بود. اولین اسلحه‌ای که در شب‌های پیروزی انقلاب در شهر زنجان بیرون آورده شد به وسیله او و عده‌ای از دوستان وی بود که در خیابان‌ها و گذرگاه‌ها به پاسداری می‌پرداختند. پس از پیروزی انقلاب در اسفندماه ۵۷ ازدواج کرد. در سال ۵۸ دستور تاریخی حضرت امام، کمال‌الدین از جمله افرادی بود که در تشکیل و سازماندهی جهاد زنجان پیش‌قدم شد و فعالیت‌های چشم‌گیری انجام داد. سال ۵۹ با شروع جنگ تحمیلی با وجود اینکه هنوز دو روز از تولد فرزندش نگذشته بود به جبهه سومار رفت و ۴۰ روز در آنجا ماند. در پاییز سال ۱۳۶۰ جهادسازندگی زنجان پشتیبانی و مهندسی منطقه عملیاتی (میمک) را به عهده گرفت و کاروانی از برادران جهاد به سرپرستی حاج کمال‌الدین جان‌نثار رهسپار ایلام شد. حاج کمال در تمام عملیات‌ها شرکت فعالانه‌ای داشت تا اینکه دستور بازسازی مناطق جنگ‌زده از طرف مسئولان صادر شد و در این میان بازسازی مهران به استان زنجان سپرده شد. دقیقاً یک سال در منطقه دشت عباس بود و مسئولیت تدارکات ستاد بازسازی شهرهای خرم‌آباد، یزد و ستادهای دیگری که در منطقه بودند را بر عهده داشت که در این میان عملیات‌های والفجر شروع شد و حاج کمال در والفجر مقدماتی شرکت داشت. در عملیات محرم با ۹ نفر از جهادگران نگهداری و تثبیت یک محور را بر عهده گرفتند که این ماموریت را به نحو احسن به انجام رساندند. کمال‌الدین به عنوان مسئول پشتیبانی جنگ جهاد در سقز مشغول فعالیت بود و روز به روز چهره بارز حاج کمال برای همگان آشکار شد تا اینکه او را به عنوان مسئول پشتیبانی جنگ جهاد استان زنجان انتخاب کردند. در همان روزها بود که عملیات خیبر طراحی و به مرحله اجرا درآمد. در این عملیات اکیپ پشتیبانی و مهندسی جهاد زنجان از سقز به طرف منطقه خیبر حرکت کرد. جاده سیدالشهدا که به طول ۱۴ کیلومتر در دل باتلاق هورالهویزه تا جزایر مجنون کشیده شد توسط پشتیبانی‌های جنگ جهاد چند استان انجام شد که یکی

از آن‌ها پشتیبانی جنگ جهاد استان زنجان به سرپرستی کمال‌الدین بود. در طی اجرای این طرح از ناحیه سر زخمی شد ولی به علت مسئولیت مهم‌اش در قبال جنگ با همان سر پانسمان شده در منطقه ماند و مشتاقانه فعالیت کرد.

جهادگر خستگی‌ناپذیر که بعد از هفت سال تلاش خستگی‌ناپذیر در منطقه عملیاتی والفجر ۹ بعد از تشکیل شورای عالی پشتیبانی جنگ در استان که وی نیز دبیر شورای عالی پشتیبانی جنگ بود برای بررسی گردان‌های سپاه و جهاد به همراه یکی از سرداران رشید سپاه پاسداران به نام شهید احمد یوسفی به منطقه می‌رود که مورد اصابت خمپاره دشمن بعثی قرار می‌گیرد و به شهادت می‌رسد.

### جهادگر شهید محمد صادق دشتی

در ۱۶ مرداد ماه ۱۳۴۲ در یکی از روستاهای اطراف فسا متولد شد. روز تولد او مصادف با سالروز تولد نبی اکرم اسلام حضرت محمد (ص) و امام جعفر صادق(ع) بود از این رو او را محمد صادق نام نهادند. تحصیلات خود را از ۷ سالگی آغاز کرد. در سال ۱۳۵۵ با وجود سن کم به گروه مخالفان رژیم شاهنشاهی



پیوست و فعالیت‌های سیاسی مذهبی او شروع شد. در سال ۱۳۵۶ برای ادامه تحصیل راهی فیروزآباد شد. روحیه ضد ظلم او باعث شد که بر علیه رژیم ستم شاهی قیام کرده و به صف مجاهدین بپیوندد. در سال ۱۳۵۷ به همراه سه تن از دوستان یک تیم عملیاتی تشکیل داد تا به سکوت حاکم بر شهر خاتمه دهد و خفتگان را بیدار نماید. در اسفند ماه سال ۱۳۶۰ به همراه اکیپ اعزامی جهاد شیراز به آبادان رفت و به صف جهادگران پیوست و در واحد مهندسی رزمی جهاد شروع به خدمت شد. با حضور کوتاه در جبهه‌ها لیاقت و توانایی‌هایش بر همگان آشکار شد و او به عنوان فرمانده مقر پشتیبانی جهاد خدمت کرد وی سرانجام در ۲۲ مهر سال ۱۳۶۴ برای احداث سکوی پروازش به منطقه رفت و پس از ساختن سکوی تانک در محل از همان سکو به سوی معبود پر کشید و به شهادت رسید.

### جهادگر شهید مهدی رجب بیگی

سال ۱۳۳۶ شهر دامغان شاهد ولادت کودکی بود که «مهدی» نام گرفت، تا هدایت‌گر خیل عظیمی از جوانان و نوجوانان این سرزمین باشد. به اتفاق خانواده‌اش به تهران عزیمت کرد و از آغاز زندگی در محله‌های فقیرنشین تهران، طعم فقر و محرومیت را چشید و با تمامی مشکلات و کمبودها تحصیلات ابتدایی و متوسطه

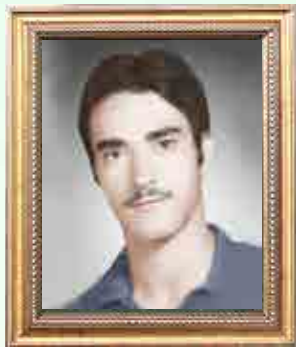


را با موفقیت تمام پشت سر گذاشت. شهید رجب بیگی در سال ۱۳۵۴ وارد دانشگاه فنی دانشگاه تهران شد و در رشته مهندسی راه و ساختمان به تحصیل مشغول گشت. وی از همان اوایل ورود به دانشگاه همراه با دیگر برادران مسلمان خود به فعالیت‌های صنفی - سیاسی روی آورد. در اواخر سال اول از طرف دانشجویان به عضویت شورای دانشجویی دانشکده انتخاب شد و این مسئولیت را تا سال ۵۸ و آغاز انقلاب فرهنگی ادامه داد. در شورای دانشجویان یکی از افراد بسیار فعال بود و موضع‌گیری‌های کوبنده‌اش همیشه برای گرداندگان وابسته به رژیم در دانشکده ایجاد زحمت می‌کرد. برادر شهیدمان علاقه زیادی به مطالعه کتب سیاسی - اجتماعی و دینی داشت و یکی از مسئولین کتابخانه اسلامی دانشجویان فنی بود. در تسخیر لانه جاسوسی آمریکا نقش به‌سزا و عمده‌ای داشت. مقالات و تحلیل‌های وی از بهترین کارهای مطبوعاتی و فرهنگی روزنامه‌های معتبر و سراسری کشور بود.

روز پنجم مهر ۱۳۶۰ که جنایتکاران منافق با اسلحه در تهران به مردم و پاسداران مردمی انقلاب اسلامی حمله بردند و به کشتار آنان دست زدند «رجب بیگی» قهرمان با سلاح گرم به مقابله با آنان شتافت و در راه دفاع از آرمان‌های اسلامی خویش و دفاع از مظلومیت و فروتنی خلق خویش به سر منزل مقصود شتافت.

### جهادگر شهید مهدی فتاح‌الجنان

مهدی در سال ۱۳۳۹ در شهر نجف آباد استان اصفهان متولد شد. قبل از دبستان با قرآن کریم و بسیاری از آداب اسلامی آشنا شد.



در سال‌های ۵۶-۱۳۵۵ وارد دانش‌سرای مقدماتی تربیت معلم شد. با اوج گرفتن مبارزات همه کشور به تعطیلی کشانده شد که دانش‌سرای مقدماتی

تربیت معلم هم مانند همه مراکز آموزشی تعطیل شد و مهدی نیز همپای مردم مبارز در تکاپوی انجام فعالیت‌های انقلابی بود. بعد از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۸ از دانش‌سرای مقدماتی تربیت معلم فارغ‌التحصیل شد. اولین بار در آغازین روزهای جنگ، خیلی زود و داوطلبانه از سوی کمیته مبارزه با مواد مخدر به همراه تعدادی از دوستانش به مناطق جنگی و جبهه شوش رفت. بار دیگر به عنوان عضو جهادسازندگی دوباره به جبهه‌های جنوب رفت، او همراه با گروه‌های پشتیبانی و عملیات مهندسی و رزمی جهادسازندگی نجف‌آباد در جبهه فیاضیه آبادان بود که پس از مدتی به دلیل کاردانی، تجربه و شجاعت او، فرماندهی گروه ۱۰۶ به او واگذار شد. پنجم مهرماه تنها دو روز مانده به شکست کامل حصرآبادان، مهدی پس از انهدام گروه ۱۰۶ که به فرماندهی او دلاورانه و تا آخرین نفس جنگید و توسط مزدوران عراقی به خاک و خون کشیده شد، در منطقه آبادان مورد اصابت ترکش قرار گرفت. سرانجام مهدی پس از دو ماه جهاد و تلاش در آخرین مرحله حضور خود، در جبهه آبادان در روز اول عملیات ثامن الائمه(ع) به شهادت رسید.

## گذری کوتاه بر زندگی و زمانه

## شهدای شاخص جهادگر در آبان ماه

یکی از مناطق محروم اصفهان به شمار می‌رفت، فعالیت چشم‌گیر خود را آغاز نمود. شروع جنگ تحمیلی، برگ زرین دیگری از رشادتهای موحدیان عطار را ورق زد. او چندین مرتبه عاشقانه در گروه مهندسی رزمی (جهاد سازندگی) به جبهه رفت. موحدیان عطار، جاده آسفالته سوسنگرد را با این‌که در دید دشمن بعثی قرار داشت، احداث نمود. عشق محمدرضا به قرآن و تفسیر آن و عمل به دستورات اسلام، شهره خاص و عام بود. سرانجام فرمانده دلیر مهندسی رزمی جهاد سازندگی اصفهان آن اسطوره شجاعت و ایثار، محمدرضا موحدیان عطار در تاریخ بیست و هشتم آبان‌ماه سال ۱۳۶۰ هجری شمسی در منطقه «کرخه نور» طی عملیات طریق‌القدس، مورد اصابت ترکش گلوله توپ قرار گرفت و به فیض عظمای شهادت نائل شد.

## جهادگر شهید هاشم ساجدی

در سال ۱۳۲۶ در یکی از روستاهای دامغان متولد شد، هنوز طعم شیرین حیات را نچشیده بود که پدر را از دست داد. کودکی او در سختی و گمنامی گذشت و نوجوانی‌اش به کار روزانه و درس شبانه؛ در اوج سختی و تنگدستی دیپلم گرفت و به کارگری در کارخانه‌ای در گرگان مشغول شد. پس از چندسال کار و



تلاش در زمینه‌های مختلف، به استخدام سازمان پنبه گرگان در آمد. ساجدی در سال ۱۳۵۲ ازدواج کرد که ثمره این ازدواج پنج فرزند است. از سال ۱۳۵۵ به بعد فعالیت‌های ایشان شکل تازه‌ای گرفت و تشکیلاتی را که مرکب از چند نفر می‌شد، سازماندهی می‌کرد. این گروه در سطح استان گرگان فعالیت‌ها و تحرکات چشمگیری در زمینه پخش اعلامیه‌ها، نوارهای سخنرانی امام(ره) و روشنگری مردم داشتند.

با فرمان امام(ره) مبنی بر تشکیل جهاد سازندگی، ایشان جزء اولین کسانی بود که در تأسیس و تثبیت جهاد گنبد نقش بسزایی داشت. با شروع جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹ به جبهه رفت. در عملیات‌های فتح‌المبین، بیت‌المقدس، رمضان، والفجرمقدماتی، والفجر ۱ و والفجر ۳ حضور داشت. این فرمانده ستاد پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی - قرارگاه نجف در ۵ آبان ۱۳۶۳، حین سرکشی از محورهای عملیاتی در غرب کشور و انجام دادن مسئولیت‌های پشتیبانی - مهندسی جنگ جهاد، توسط چندتن از مزدوران مورد اصابت قرار گرفت و به شهادت رسید.

## جهادگر شهید جعفر امامی خواستان

سال ۱۳۴۰ در روستای قره‌دای در استان همدان متولد شد. سال‌های کودکی را در زادگاهش گذراند. پدرش او را برای تحصیل به قم فرستاد. حضور در قم و تحصیل در این شهر باعث شد او از کودکی با ستم و فساد حاکم بر دستگاه حکومت شاه آشنا شود. در نوجوانی بود که با شرکت در



تظاهرات و درگیری‌ها تن پاک و روح ملتهب خود را عاشقانه دریایی از آتش و خون قرار داد. با پیروزی انقلاب اسلامی به جهاد سازندگی پیوست و در روستای «تجرک» که در نزدیکی روستایش بود، مشغول خدمت شد و در قسمت عمران این نهاد فعالیت خود را آغاز نمود. او پس از مدتی به خدمت سربازی رفت و بعد از اتمام دوران سربازی در جهاد سازندگی دهستان «احد» در کمیته عمران مشغول فعالیت شد. سال ۱۳۶۳ وارد پشتیبانی مهندسی جنگ جهاد سازندگی همدان شد. ابتدا در قسمت تأسیسات و بخش جوشکاری مشغول خدمت شد و پس از مدتی مسئول واحد تدارکات شد. سید جعفر امامی خواستان، هنگامی که ستاد به سرپل ذهاب انتقال یافت به مناطق جنگی رفته و به دلیل عملکرد بسیار بالا در آن جا پس از مدتی به‌عنوان فرمانده گردان انتخاب شد. شهید خواستان، آبان ۱۳۶۶ هنگام انجام مأموریت در بانه به همراه جمعی از رزمندگان اسلام به دست نیروهای ضدانقلاب به شهادت رسید.

## جهادگر شهید محمدرضا موحدیان عطار

شهید محمدرضا موحدیان عطار در سال ۱۳۲۹ ش در شهر اصفهان متولد شد. او دوران کودکی خود را تا پایان تحصیلاتش در اصفهان سپری کرد و موفق به اخذ مدرک کارشناسی «زمین‌شناسی» از دانشگاه اصفهان گشت و در وزارت صنایع مشغول به خدمت شد. پس از پیروزی انقلاب



اسلامی به جمع جهادگران نهاد مقدس جهاد سازندگی پیوست و سخت‌ترین کارها را پذیرفت. وی با حضور در منطقه «سمیرم» که

## آخرین تولیدات رسانه‌ای مرکز آرشیو و اسناد دفاع مقدس اداره کل امور ایثارگران

باشناسایی این بارکدها در تلفن همراه خود می‌توانید فیلم‌ها را مشاهده کنید

انگیزه‌های الهی



اعزام  
گردان‌های انصار



تجلیل از رزمندگان شاغل و  
بازنشسته وزارت جهاد کشاورزی



«جهاد سازندگی» پایه گذار  
فعالیت‌های موشکی کشور



تدوین: جواد زرگرفا

## آخرین تولیدات رسانه‌ای مرکز آرشیو و اسناد دفاع مقدس اداره کل امور ایثارگران

مصاحبه خبرنگار رادیو سرو  
با مهندس عبدالله فاتحی



شهید ساجدی



روستای وانشان



راه گشایان نور



## آخرین تولیدات رسانه ای مرکز آرشیو و اسناد دفاع مقدس اداره کل امور ایثارگران

روایت عبور



بوی نان روستا



هدیه ملت



نشست خبری چهلمین  
سالگرد دفاع مقدس





تحقیقی مکتبی در باب توسعه و مبانی تمدن غرب - قسمت سوم

## توسعه برای تمتع



مانیفست کمونیست در این ادعای مشهور علیه جامعه‌ی جدید هم‌عقیده باشد در آنجا که می‌گوید: «دیگر بین انسان با انسان هیچ رابطه‌ای بجز منافع شخصی عریان و پرداخت نقدی، عاری از احساس و عاطفه باقی نمانده است.» روابط شخصی، پیوندهای خانوادگی، عشق، دوستی، علقه‌های همسایگی و اجتماعی همگی در هجوم بیرحمانه‌ی منافع شخصی تجاری رنگ باخته‌اند یا به تباهی کشیده شده‌اند. (۵)

نویسنده‌ی کتاب «موج سوم» در ادامه‌ی گفتار فوق اضافه کرده است: اگر چه مارکس (۶) بدرستی این روند ناتسانی شدن پیوندهای بشری را شناسایی کرده است اما در انتساب آن به سرمایه‌داری راه خطا پیموده است. وی البته در زمانی به نگارش عقاید خود اقدام کرد که تنها شکل جامعه‌ی صنعتی که می‌توانست مشاهده کند شکل سرمایه‌داری آن بود. امروزه بعد

(اعم از نظام آموزشی، قانون‌گذاری، اجرایی...) در جهت رشد اقتصادی است. معنای سمت‌گیری کل نظام در جهت رشد اقتصادی این است که هر برنامه و طرحی که به رشد اقتصادی منجر نشود باید حذف شود و حتی نظام آموزشی ما نیز باید تابعی از برنامه‌ریزی توسعه‌ی اقتصادی باشد؛ و به عبارتی دیگر، اقتصاد باید زیربنا و مبنای همه‌ی تحولات و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی ما باشد! اگر مبنای توسعه را آنچنان که مذکور افتاد اعتبار کنیم، آنگاه بین روند توسعه و ازهم‌پاشیدگی خانواده‌ها در مغرب زمین ارتباطی بسیار نزدیک مشهود می‌شود. با این مفهوم مناسبات بین تولید و مصرف برای پیوندهای خانوادگی نیز تعیین وضعیت خواهد کرد، تا آنجا که در کتاب «موج سوم» (۴) - که در توجیه تمدن غربی نگاشته شده است - نیز به تحلیل‌هایی اینچنین برمی‌خوریم: لزومی ندارد که انسان مارکسیست باشد تا با

**علت اصلی از هم پاشیدگی خانواده‌ها در ممالک توسعه یافته و اصطلاحاً پیشرفته چیست؟**

پیش از ادامه‌ی بحث، از آنجا که ممکن است بعضی هیچ ارتباطی بین توسعه‌یافتگی به شیوه‌ی غربی و از هم پاشیدگی خانواده‌ها در غرب پیدا نکنند، یادآور می‌شویم که رشد اقتصادی (۱) را نباید با توسعه (۲) اشتباه کرد، زیرا که توسعه جریانی چندبعدی است که در خود تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی اجتماعی را به همراه دارد. توسعه علاوه بر بهبود در میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارها و وجهه نظرهای عمومی مردم است، توسعه در بسیاری موارد حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز در برمی‌گیرد. (۳)

به عبارت روشن‌تر، توسعه به معنای سمت‌گیری کل نظامات اقتصادی و اجتماعی

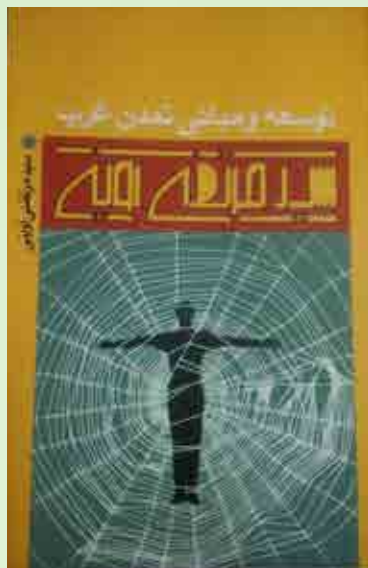


بودند. در سال ۱۹۷۵ این رقم به ۳۲ درصد افزایش یافت، یعنی شصت درصد افزایش در طول پانزده سال... (۱۰)

کشورهای صنعتی بسیار پیشرفته! امروزه در مواجهه با اشکال بسیار متنوعی از خانواده سردرگم شده‌اند، ازدواج هم‌جنس‌بازان، کمون‌ها [زندگی‌های اشتراکی]، گروه‌هایی که برای صرفه‌جویی در هزینه‌ها با یکدیگر زندگی می‌کنند، گروه‌های قبیله‌ای در بین اقلیت‌های قومی معین و بسیاری اشکال دیگر زندگی مشترک که قبلاً هرگز وجود نداشته است... (۱۱)

نویسنده‌ی کتاب «موج سوم» که گویی رسالت خود را توجیه گناهان تمدن غربی می‌داند، بالاخره در پایان نتیجه می‌گیرد که باید این تغییر چهارچوب زندگی خانوادگی به وسیله‌ی قانون تسهیل شود و اصولی قانونی برای اخلاق اجتماعی وضع شود که در آن لذت‌جویی و تنوع‌طلبی و تلون مزاج گناه نباشد: باید تصمیم‌گیری درباره‌ی زندگی در خارج از چهارچوب زندگی خانوادگی هسته‌ای تسهیل گردد نه اینکه مشکل‌تر شود. این یک قانون است که ارزش‌ها کندتر از واقعیت اجتماعی تغییر می‌یابند. بنابراین ما هنوز آن دسته از اصول اخلاقی را بوجود نیاورده‌ایم که پذیرش تنوع را تسهیل کند. (۱۲)

نویسنده در این گفته تأکید دارد که این ما هستیم که اصول اخلاقی را به وجود می‌آوریم و به عبارت دیگر، بیرون از ما حقیقت ثابتی که موجد اصول اخلاقی ثابتی باشد وجود ندارد. همه‌ی مفاسدی که



خانوارها در ایالات متحد از افرادی تشکیل می‌شود که بتنهایی زندگی می‌کنند. (۹)

تقارن زمانی بین این پدیده و توسعه‌ی صنعتی - یا بهتر بگویم توسعه‌ی اقتصادی - در جامعه‌ی غربی، نویسنده را دچار این اشتباه کرده است که توسعه‌ی صنعتی را علت اصلی این پدیده بداند. البته شکی نیست که توسعه‌ی صنعتی یکی از مهم‌ترین علل این مسئله‌ی اجتماعی است، اما ریشه را باید در جای دیگری جست و جو کرد که در پایان این فصل مورد بحث قرار خواهد گرفت. مراد ما در این قسمت، ذکر یکی از دردناک‌ترین تبعات و نتایج تلخ و ضایعاتی است که ملازم با توسعه‌ی یافتگی به شیوه‌ی غربی است. نویسنده‌ی کتاب «موج سوم» ادامه می‌دهد: ما شاهد نوعی انتقال دسته‌جمعی از خانواده‌های «کودک - کانونی» به «بزرگسال - کانونی» هستیم. در آغاز قرن اخیر در جامعه‌ی (آمریکا) عده‌ی کمی افراد مجرد وجود داشت و بعد از آنکه کوچکترین فرزند خانه را ترک می‌گفت تقریباً عده‌ی کمی از والدین برای مدتی طولانی زنده می‌ماندند. در مقابل، در اوایل سال ۱۹۷۰ در ایالات متحد تنها یک نفر از هر سه بزرگسال در خانه‌ای با فرزندان زیر هجده سال زندگی می‌کردند. امروزه سازمان‌هایی بوجود آمده‌اند که زندگی بدون بچه را تشویق می‌کند و بی‌میلی نسبت به داشتن بچه در بسیاری از کشورهای صنعتی رو به افزایش گذاشته است. در سال ۱۹۶۰ فقط بیست درصد از زنان آمریکایی «همیشه متأهل» زیر سی سال بدون بچه

از گذشت نیم‌قرن تجربه‌ی جوامع صنعتی مبتنی بر سوسیالیسم یا حداقل سوسیالیسم دولتی می‌دانیم که حرص و طمع خشونت‌بار، فساد تجاری و تقلیل روابط انسانی به سطح واژه‌های سرد و بی‌روح اقتصادی دیگر فقط منحصر به نظام مبتنی بر سود [سرمایه‌داری] نیست. (۷)

در فصل گذشته گفتیم که: اکنون در کشورهای به اصطلاح پیشرفته‌ی مغرب زمین، همان‌طور که خانه تبدیل به آپارتمان، آپارتمان تبدیل به فلات و فلات تبدیل به استودیو می‌شود، [به موازات آن فامیل تبدیل به خانواده‌ی بزرگ، خانواده‌ی بزرگ تبدیل به خانواده‌ی ازدواجی و خانواده‌ی ازدواجی تبدیل به افراد می‌شود - تا آنجا که] آی.تی. تی که یکی از برجسته‌ترین مظاهر جامعه و اقتصاد پولی است، هیچ مرد یا زن متأهلی را استخدام نمی‌کند و از بین کارمندان آنهایی که می‌خواهند ازدواج کنند، باید خدمت را ترک گویند، و البته جامعه‌شناسان و اقتصاددانان این پدیده را تحسین می‌کنند و آن را از نشانه‌های توسعه‌یافتگی می‌دانند.

### مجدداً به سؤال ابتدای بحث بازمی‌گردیم که: «علت اصلی از هم پاشیدگی خانواده‌ها در ممالک توسعه یافته و به اصطلاح پیشرفته چیست؟»

ممکن است مثل نویسنده‌ی کتاب «موج سوم» این پدیده را ناشی از توسعه‌ی صنعتی و غلبه‌ی خصوصیات کارخانه‌ای بر افراد و اجتماعات بشری بدانیم، و در این صورت هر چند گوشه‌ای از حقیقت بیان شده، ریشه و علت اصلی را مطرح نکرده‌ایم. در کتاب «موج سوم» آمده است: اگر ما خانواده‌ی هسته‌ای را متشکل از یک شوهر شاغل، یک زن خانه‌دار و دو کودک بدانیم و سؤال کنیم که چند نفر از آمریکاییان واقعاً هنوز در این نوع خانواده زندگی می‌کنند، پاسخ حیرت‌آور است: هفت درصد از کل جمعیت ایالات متحد. (۸)

نویسنده‌ی کتاب در تشریح مطلب بالا اضافه می‌کند: باید متذکر شد که طبق آمارها ما شاهد نوعی افزایش انفجارآمیز تعداد «تک‌نوازان» (افراد مجرد) هستیم، یعنی افرادی که به تنهایی و بطور کامل خارج از خانواده زندگی می‌کنند. بین سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۷۸، عده‌ی افراد چهارده تا ۳۴ ساله‌ای که تنها زندگی می‌کردند در ایالات متحد تقریباً سه برابر شد یعنی از ۱/۵ میلیون به ۴/۳ میلیون افزایش یافت. امروزه یک پنجم تمامی

اکنون در جامعه‌ی غرب وجود دارد منشا از همین اصلی می‌گیرد که بیان شد. این اصل متضمن این معناست که اخلاق، اصول ثابتی ندارد و تغییرات آن تابع مقتضیات زمان است و این، خود انسان است که این اصول را قرارداد می‌کند. و بدین ترتیب، گناه بی‌معنا می‌گردد و بشر رها می‌شود تا هر چه تمایلات نفسانی او اقتضا دارد انجام دهد و البته چون در این میان همه باید از این ولنگاری نامحدود برخوردار باشند، مرز ولنگاری هر فرد تا آنجاست که مزاحم ولنگاری دیگران نباشد. اخلاق بدین معنا یک میثاق یا قرارداد اجتماعی است و فرد، در عین خودپرستی و خودبنیادی، منحل در جامعه می‌شود و جرم، جانشین گناه می‌شود و قانون اصالت پیدا می‌کند.

اگر در سال‌های آغاز غرب‌زدگی خودمان از زبان منادیان غرب‌گرایی شنیدیم که همه‌ی اشکالات به نبودن قانون برمی‌گردد، علت آن را باید در همین جا جست‌وجو کنیم که چون اعتقاد به اصول اخلاقی ثابتی که ریشه در وجدان و فطرت الهی انسان داشته باشد از میان برخیزد، لاجرم قانون است که باید اعمال انسان‌ها را محدود کند. در این صورت قانون به جای اصول اخلاقی و شریعت می‌نشیند. اصالت قانون در غرب فرع بر این تفکر فلسفی است که اصول ثابت اخلاقی را بی‌اعتبار می‌کند و خود انسان را موجد اصول اخلاقی می‌شمارد.

بر خلاف جوامع مذهبی که بنیاد خانواده بر نکاح یا عقد مذهبی استوار است، در غرب بنیان خانواده بر لذت بنا می‌شود و چون از سوی دیگر هیچ اصل اخلاقی و وجدانی وجود ندارد که بشر را از تنوع‌طلبی و هرزه‌درایی باز دارد، افراد خانواده نیز لذت خود را در بیرون از خانواده و همسر خویش جست‌وجو می‌کنند و اینچنین، تنها پیوند خانوادگی نیز از هم می‌گسلد و خانواده از هم می‌پاشد. اکنون در غرب، خانواده بدین معنایی که ما اعتبار می‌کنیم وجود ندارد و سال‌هاست که بنیان این نوع عقد مذهبی از هم گسیخته است.

در کتاب «دنیای متهور نو» - که در فصل گذشته بدان اشاره رفت - نیز اوتوپیاپی تصویر می‌شود که در آن از خانواده نشانی نیست. نطفه‌ها در لوله‌های آزمایش بسته می‌شوند و در همان جا رشد می‌کنند و از همان لوله‌های آزمایش در انواع و نژادهای مختلف آلفا و بتا و گاما پا به دنیا می‌گذارند و... ارتباط زن‌ها و

مردها، و به عبارت بهتر نرها و ماده‌ها، صرفاً در طلب لذت انحصار پیدا می‌کند، بدون آنکه هیچ‌گونه تعهد خانوادگی به دنبال داشته باشد.

در اکل و شرب (خوردن و نوشیدن) نیز بشر امروز در مغرب زمین به غایتی جز لذت نظر ندارد و تنوع‌گرایی و افراط در این زمینه نیز رواج بسیار گرفته است. این تلون مزاج و تنوع‌طلبی در سایر وجوه زندگی بشر غربی نیز وجود دارد، تا آنجا که وسایل ارتباط جمعی - رادیو، تلویزیون و روزنامه‌ها - نیز مهم‌ترین وظیفه‌ی خود را ایجاد تفنن برای مردم می‌دانند.

آنچه ما در لفظ توسعه‌ی اقتصادی می‌بینیم رفع محرومیت‌ها و فقر و پر کردن شکاف‌هایی است که از ظلم و ستم و بی‌عدالتی نتیجه شده است، اما جامعه‌ی غرب در همین لفظ، مصرف نامحدود و تمتع بیشتر از لذایذ دنیایی را می‌بیند. تحلیل‌های استعمارگرانه‌ی غربی در زمینه‌ی گرسنگی و عدم پیشرفت کشورهای جهان سوم نباید ما را از فلسفه‌ی که پشت لفظ توسعه‌ی اقتصادی نهفته است غافل کند. آن نظرگاهی که پیشرفت را در توسعه‌ی اقتصادی می‌بیند همان نظرگاهی است که معتقد است بزرگ‌ترین مشکل بشر در تمام طول تاریخ تمدن‌ها تولید غذا و مبارزه با طبیعت بوده است و به همین علت اعصار زندگی بشر بر کوهی زمین را با روند تکامل ابزار تولید انطباق می‌دهند: عصر سنگ، عصر مفرغ، عصر آهن. در این اعتقاد مهم‌ترین خصوصیتی که بشر را از حیوان جدا می‌کند، ابزارسازی اوست. آنها انسان را حیوان ابزارساز تعریف می‌کنند و اینچنین، ورود بشر در عصر تکنولوژی را بزرگ‌ترین واقعه‌ی تاریخ می‌دانند.

کسی نمی‌تواند انکار کند که غایت توسعه‌ی اقتصادی به شیوه‌ی غربی تمتع هر چه بیشتر از لذایذ دنیایی است، حال آنکه در اسلام این تمتع با حیوانیت بشر ملازمه دارد نه با ابعاد انسانی وجود او:

ذره‌م یا کُلوا و یتمتعوا و یلهه‌م الامل فسوف یعلمون. (۱۳)

و الذین کفروا یتمتعون و یأکلون کما تأکل الانعام. (۱۴)

آیات قرآن صراحتاً این تمتع را نتیجه‌ی کفر بشر می‌داند. زندگی بشر امروز در مغرب زمین، خود تفسیر عینی این آیات است و ادراک این معنا با کمی تدقیق و تحقیق برای

همه ممکن می‌شود.

انسان موجودی است که بین نفس حیوانی و روح خدایی خویش هبوط و عروج دارد. لذتی که پروردگار متعال در ارضای غرایز حیوانی قرار داده است برای راندن بشر در جهت تکامل اوست، به شرط آنکه انسان در محدوده‌ی احکام تشریحی دین که فطری و وجدانی است زندگی کند. با اعراض از این احکام فطری، کار بشر تا بدانجا می‌کشد که نمی‌تواند عزم و اراده‌ی خویش را جز در جهت جست‌وجوی لذت به کار گیرد.

آنچه که بنیان خانواده را در غرب ویران ساخته لذت‌گرایی و تمتع است، و البته این لذت‌گرایی نیز از هبوط بشر غربی و تغییر نسبت او با حق و اصالت دادن به نفسانیت خویش نتیجه می‌شود. این هبوط در وجوه مختلفی بروز و تجلی یافته است که از آن جمله، نابودی خانواده است.

اصالت دادن به رشد اقتصادی نیز یکی دیگر از وجوهی است که هبوط بشر در آن تجلی یافته است. آرمان توسعه‌یافتگی از اصالت دادن به رشد اقتصادی و غلبه‌ی اقتصاد بر سایر وجوه حیات بشر زایل شده و آنچه باعث شده تا بشر غربی برای اقتصاد اینچنین مقام و اهمیتی قائل باشد ماده‌گرایی و نسیان حق است.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱- *Economic Growth*

۲- *Development*

۳- دیوید لمان، تئوری توسعه؛ به نقل از مصطفی ازکیا، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه‌ی روستایی، اطلاعات، تهران، ۱۳۶۴، ص ۱۸.

۴- *The Third Wave*

۵- الوین تافلر، موج سوم، شهیندخت خوارزمی، نشر فاخته، تهران، ۱۳۶۳، ص ۵۷.

۶- *Karl Marx* (۱۸۱۸-۱۸۸۳؛ یکی از دو نویسنده‌ی «مانیفست کمونیست»، نویسنده‌ی

«سرمایه» و واضع مارکسیسم؛ آلمانی بود و از سال ۱۸۴۸ م. در انگلیس می‌زیست. \_ و.

۷- موج سوم، ص ۵۷.

۸- موج سوم، ص ۲۹۳.

۹- موج سوم، صص ۲۹۳ و ۲۹۴.

۱۰- موج سوم، ص ۲۹۵.

۱۱- موج سوم، ص ۲۹۸.

۱۲- موج سوم، ص ۳۰۹.

۱۳- (ای رسول! این کافران را به خورد و خواب و لذات حیوانی واگذار تا آمال دنیوی آنان را غافل گرداند تا نتیجه‌ی آن را به زودی ببینند؛ سوره مبارکه حجر/۳).

۱۴- (آنان که به راه کفر شتافتند، به تمتع و شهوت‌رانی و شکم‌پرستی مانند حیوانات پرداختند؛ سوره مبارکه محمد/۱۲).

# نیزار

سکوت و سکون نیزار همیشه برایم تداعی کننده یک مامن آرام و خوب بود. نه اینکه قریب به سی سال است اینجا هستم، این را بگویم. از ابتدا هم نظر بسیار خوبی به نیزار داشتم. از همان جوانی به دنبال عکس‌هایی متنوع از نیزارها بودم. نمی‌دانستم چرا؟ نیزار همیشه برایم یک انرژی عجیبی را در پی داشت. زمانی که خیره به عکس نیزارها می‌شدم، حس می‌کردم تمام لابلای نیزار را می‌شناسم. زندگی که در زیر آب‌های کم عمق نیزار جاری هست را به وضوح حس می‌کردم. تا اینکه بودن در آنجا را خود تجربه کردم. همیشه سکوت و سکون نیزار برایم جالب بود. ساعت‌های متمادی که شاید در هر کجای دیگر انواع صداها به گوش می‌رسد، اما در اینجا تنها سکوت است که جولان می‌دهد. گاهی انقدر سکوت ممتد می‌شود که شک می‌کنی اصلاً چیزی می‌توانی بشنوی. دقیقاً بیست و هفت سال و پنج ماه و سه روز است که اینجا هستم. آمدنم به همراه علی‌اکبر بود. با او در زمان اعزام آشنا شدم. گویی دیروز بود. از جهاد همدان اعزام شده بودیم. در اهواز مستقر بودیم که علی‌اکبر تنها به بهانه بچه محل بودن، سر صحبت را با من باز کرد. خب بالطبع من هم سن پایین‌تری داشتم و هم کم‌روتر بودم. اما صمیمیت به یکباره علی‌اکبر راه فراری نمی‌گذاشت. در رفتارش خلوصی دیده می‌شد. نه خودنمایی و نه خود بزرگ‌بینی. در تک تک سلول‌های بدنش

خلوص لانه کرده بود. الان او همسایه من است. به هم در این مدت بسیار نزدیک بودیم. گاهی حتی با هم کل کل هم می‌کنیم که البته بیشتر حق با اوست. مرداد ۶۳ بود که اعزام شدیم.

قبل از آشنایی با علی‌اکبر، ترس از رفتن تمام وجودم را گرفته بود. نه اینکه تردیدی باشد. نه! بلکه ترس از ناشناخته‌ها، تمام چیزی که در پیش داشتم. من به عنوان مهندس آب و خاک، از تحقیقات مهندسی، به صورت داوطلبانه اعزام شده بودم. آشنایی با علی‌اکبر برای من آرامش خاطر و تفکر روشنی را به ارمان آورده بود. گویی خلوص وجود علی‌اکبر دامن مرا هم گرفته بود. با او که بودم، جور دیگر فکر می‌کردم. جور دیگر عمل می‌کردم. علی‌اکبر با وجود اینکه از من دو سالی بزرگتر بود، اما دیرتر از من ازدواج کرده بود و زمان

اعزام همسر باردارش را به خانواده‌اش سپرده بود. من هم سارای ۵ ساله و امیرمهدی چند ماهه‌ام را به همسرم سپرده بودم. این سال‌های متمادی که ما، بودن در نیزار را تجربه کرده‌ایم، صبوری را بسیار تمرین کرده‌ایم. روزهای اول بودنمان، بسیار سخت بود. من مدام به علی‌اکبر غر می‌زدم که اگر به حرفم گوش می‌داد و در مقر می‌ماند و دو نفری به این مکان نمی‌آمدیم، اقلاً کسی می‌فهمید ما اینجا هستیم. در صورتی که الان هیچ کسی از بودنمان در اینجا مطلع نیست. البته این مسئله تا اوایل دهه ۷۰ شاید برایم مهم بود، اما بعداً و با گذشت زمان بیشتر و از سویی عادت به نیزار، کم کم این غر زدن‌ها تبدیل به قدردانی شد. گفتم عادت به نیزار، که گزاف نگفتم. زمانی که به نیزار خو گرفتیم، نیزار جزوی از وجودمان شد و یا

# نزار

فرصتی برای فکر کردن ندارد. به خاطر دارم که زمان عروس شدنش، بی دلیل و ناگهانی به گریه افتاد. هیچکس نفهمید چرا، اما من می دانستم. او در آن لحظه دلش هوای پدر را کرده بود.

اوضاع علی اکبر کاملا با من متفاوت هست. اوایل دهه هفتاد بود که همسرش دوباره ازدواج کرد. همسر جدید مرد خوبی است و توانسته جای خالی علی اکبر را برای پسرش - احمد - پر کند. اوایل علی اکبر بسیار برآشفته می شد. عقیده اش این بود که همسرش باید کمی بیشتر صبر می کرد و تمام صحبت های من در این زمینه هم بی اثر بود. اما با گذشت زمان، حوالی دهه هشتاد دیگر خودش هم اقرار می کرد که همسرش بهترین کار ممکن را کرده است و از اینرو آرام تر شده بود. پسرش کارمند جهادی است که دیگر سازندگی نیست. خب مسلما بسیار با جهاد دوره ما متفاوت شده است. طرز تفکرها، نیت، مدیریتها و عملکردها. همه چیز تغییر کرده. گویی ادغام جهادسازندگی با وزارت کشاورزی، در کنار همه محسناتش، این عیب را هم داشت که مدیریت عملیاتی را از جهاد گرفت و رخوت را جایگزین کرد. حالا دیگر جهاد، آن سازمانی نبود که من و علی اکبر می شناختمش و این موضوع باعث می شد فکر کنم که اگر مانده بودیم چه می کردیم؟ ما هم حل می شدیم؟ کنار می رفتیم؟ یا بر عقاید خود باقی می ماندیم؟ احمد، پسر علی اکبر از جمله افرادی است که بر سر عقاید خود و پدر باقی مانده. گاهی علی اکبر از واکنش همکاران پسرش برآشفته می شود و من به آرامش دعوتش می کنم. یادآور می شوم که تو دیگر در این دنیا زندگی نمی کنی و مسائل این دنیا به تو ارتباطی ندارد...

سکوت و سکون نزار برایم جذاب است. دوستش دارم و به آن عشق می ورزم. مگر نه اینکه ما برای همین سکوت و آرامش نزار و نزارها جنگیدیم و جان دادیم. دیگر برایم اهمیتی ندارد که گروه تفحص ما را پیدا کنند یا نه. گیرم که پیدا ایمان کنند، جز یک استخوان سینه و یک جمجمه چیزی نمی توانند بیابند. اما این آثار بودن ماست که همیشه باقی می ماند. شاید جسممان با عمق کم نزار یکی شده است، اما تفکر و نگرش مان برای آیندگان همیشه باقیست. یعنی امیدوارم باشد...

آدمها، از عوض شدن دغدغه بعضی دوستان و همزمان دیروز، از خودفروشیها و ارزان فروشیها، از پیشرفت تکنولوژی، و تغییر تفکر و روش زندگی آدمها.

این تغییرات به قدری چشمگیر است که حتی تا داخل خانوادههای ما هم رسوخ کرده است. بچههای من حالا دیگر خودشان پدر و مادر شده اند. سارای من که صاحب گل دختری شده و امیر مهدی بابا که مردی شده و تازه ازدواج کرده است. امیرمهدی هنوز هم منتظر پدر است. هنوز هم می شود غروبهایی که تنها می نشیند و با من درد دل می کند را شنید. حرفهایش را می شنوم و گاهی کمکش هم می کنم. و البته راههای ارتباطی متفاوتی را تجربه می کنیم. گاهی به خوابش می روم، گاهی به درون مغزش رسوخ می کنم و فکری را در سرش می کارم. و گاهی هم می گذارم خودش تصمیم بگیرد. کلا بچههای خوب و سر به راهی دارم. باید به مادرشان - یک دانه ی قلبم - دست مریزاد گفت. زیاد به خوابش می روم. همیشه در خواب تا مرا می بیند می پرسد: کجایی پس محسن؟ ... و من لبخندی می زنم و می گویم: جایم خوب است مهری جان...

هر زمان که به خواب مهری می روم، مهری می گیرد و از آنجایی که من توان دیدن گریه اش را ندارم دل آزرده می شوم. مدام او و امیرمهدی از من می خواهند که جایم و سرنوشتم را به آنها بگویم. بارها از طریق ایجاد نشانه برایشان، سعی کردم به آنها بگویم کجا هستیم. حتی در یکی از خوابهای امیرمهدی من خود را در حال کشیدن نقش یک نزار نشان دادم. اما هیچکدام نتوانستند چیزی را کشف کنند. در خواب سارا کمتر می روم. نه اینکه عزیز بابا مرا فراموش کرده باشد، نه! بلکه او انقدر سرش شلوغ شده است که

نه ما جزوی از سکوت و سکون نزار شدیم و در واقع در نزار حل شدیم. از نظر جسمی که کاملا و واقعا حل شده ایم. از علی اکبر تنها کاسه جمجمه اش و قرنیه چشمش مانده و از من فقط قسمتی از جناغ سینه و یکی از انگشتان پای چپم. الان دیگر شاید تنها از روی پلاکهایمان بتوانند شناسایی مان کنند. آن هم اگر بتوانند پیدایش کنند. چون خود پلاکها هم غرق در گل و لای درون سطح کم عمق نزار شده اند و به گونه ای آنها هم خو کرده اند.

به قول علی اکبر ما با این پلاکها تجربه ای مشترک داریم. که این تجربه مشترک چندین ساله به گونه ای تفاهم منجر شده است. ما در اینجا خلوت هایی داشته ایم. من و علی اکبر و گهگاهی یک رزمنده دیگر که به گمانم سپاهی باشد، که او هم همین نزدیکی - هاست، نامش رضاست. من و علی اکبر نامش را رضا دودکش گذاشته ایم. چراکه راه به راه و پشت هم سیگار می کشید.

هر از چندگاهی یک قایق موتوری تردد می کند که الان دیگر تشخیص هویتش برایمان آسان نیست. اوایل بودنمان از لجهها یا درگیریها می فهمیدیم خودی است یا بعثی. اما الان که دیگر خودی و غیر خودی همه یکی شده اند، فرقی هم نمی کند عراقی یا ایرانی باشد. تنها شاید گاهی قایقی با بار قاچاق تردد کند. برای ما فرقی نمی کند. هر قایقی که می آید، خدا خدا می کنیم تا زودتر برود و سکوت نزار را دوباره تجربه کنیم. از دار دنیا تنها همین سکوت نزار برایمان مانده است. تنها دارایی ما همین سکوت و

ما به دور از هیاهوی دنیا در این نزار ساکت هستیم، اما این دلیل نمی شود که از تغییراتی که در طول این سی سال بی خبر باشیم. از آمدن ها و رفتن ها، از رنگ عوض کردن بعضی

حرف های خواندنی جهادگر مرحوم محمدرضا آقاسی

## من سرخ ترین زبان فریادم؛ از رنجش هر دو عالم آزادم

پارتیزانی را به ما آموزش دادند. در پایان آن دوره آموزشی روزی که می‌خواستیم به سمت مرز حرکت کنیم نیروهای مسیحی لبنانی طرفدار ارتش اسرائیل معروف به فالانژها مستقر در مرز مشترک سوریه لبنان راه عبور را به روی ما بستند و از ورود اکیپ ما به خاک لبنان جلوگیری شد به ناچار من به اتفاق تعدادی از دوستان به تهران برگشتم تا حداقل خودمان را به جبهه‌های نبرد افغانستان برسانیم که تازه چندماهی بود توسط یکصد و چهل هزار چکمه پوش سپاه چهلیم ارتش سرخ شوروی اشغال شده بود. پاییز سال ۱۳۶۵ بود که یکی از رفقای ما در ستاد پشتیبانی جنگ جهادسازندگی سروقت‌ام آمد با این پیشنهاد که اگر آمادگی داری بیا با هم برویم برای دوره‌ی آموزشی کار با بلدوزر و ماشین‌آلات سنگین. جبهه بلدوزرچی لازم دارد خب ما هم رفتیم در واحد مهندسی رزمی پشتیبانی جنگ جهاد تهران اسم نوشتیم مدتی در کهریزک دوره کار با ماشین‌آلات سنگین را دیدیم بعد هم اعزام شدیم به جبهه جنوب مدتی در شوش دانیال مستقر بودیم بعد هم رفتیم سمت جزایر مجنون و دست آخر هم دشت شلمچه انتخاب قالب شعری مثنوی برای بیان اداراکات و احساسات شاعران‌ام یحتمل



نفر دوم از سمت چپ

تقریباً بیست ساله بودم که انقلاب شروع شد قبل از انقلاب دوسالی هنرجوی هنرستان هنرهای زیبا شهرتهران بودم منتها از آنجا که نحوه‌ی آموزش متون درسی و مدیریت خشک و بی‌بهره از ظرافت‌های تعلیم و تعلم هنری اولیا امور هنرستان اعتراض داشتیم با مدیر ناظم و بعضی از استادان آنجا برخورد پیدا کردم روی همین حساب هم دوسال پیاپی مرا مردود کردند و دست آخر سال سوم اخراج‌ام کردند.

بعد از آن ماجرا مدتی در تسلیحات ارتش کار می‌کردم این وضع ادامه داشت تا حوالی تابستان ۱۳۵۷ که با اوج‌گیری مسائل انقلاب از تسلیحات بیرون زدم. از همان شب اول پیروزی انقلاب در بیست و دوم بهمن در کمیته‌ی انقلاب مستقر در مسجد امامزاده سید نصرالدین محله ما در خیابان خیام تفنگ به دوش کشیدم و یکی از صدها هزار جوان پاسدار انقلاب شدم.

شعارمحوری آن روزهای انقلابیون این بود امروز ایران - فردا فلسطین بر مبنای همین باور دوره‌های مقدماتی جنگ چریکی را در تهران آموزش دیدیم در آخر آذرماه ۵۸ بود که به جمهوری عربی سوریه رفتیم آنجا در یکی از پادگان‌های متعلق به جناح نظامی سازمان آزادی بخش فلسطین معروف به قوای العاصفه مستقر شدیم و مربیان زبده‌ی فلسطینی یک دوره تخصصی از رزم



محمدرضا آقاسی هستم فرزند ششم از یک خانواده‌ی مذهبی که ریشه آن با سه پشت به روستای ارنکه و چاران از توابع کرج می‌رسد. سال ۱۳۳۸ در منزل پدری‌مان واقع در تهران خیابان خیام پشت امامزاده سیدنصرالدین به دنیا آمدم در شکل‌گیری فردی من به گمانم خیلی چیزهای متعلق به آن سال‌های اول بچگی و محیطی در آن نشو و نما کرده‌ام دخیل بوده اند. اول از همه به پندارم محیط مساعد خانوادگی منشا اثر بوده مرحوم پدرم با آنکه سوادى به آن صورت نداشت اما قاری قرآن بود و از مریدان مرحوم آیت الله حاج سیداحمد طالقانی آل‌احمد که روحانی سرشناس محل ما بود و پدر جوانمرد فاضل زنده یاد جلال آل‌احمد تا آنجا که به خاطر دارم از همان اوان کودکی هرصبح بعد از نماز صدای تلاوت قرآن بابا توی خانه می‌پیچید از طرفی مادرم حدود چهل سال است افتخار مداحی حضرت قمر بنی هاشم علیه‌السلام را دارد.

از زمان بچگی کلمات را به هم می‌بافتم. مشخصاً از سنین سیزده چهارده سالگی بعد به مرور زمان تا سال ۵۵ به رغم این که هفده هجده ساله بودم به بعضی از انجمن‌های ادبی فعال آن دوران پایتخت سرک می‌کشیدم.



دست حق تا خشت آدم را نهاد / بر دهانش  
 نام خاتم را نهاد  
 نام احمد نام جمله انبیاست / چون که صد  
 آمد نود هم پیش ماست  
 از مناره پنج نوبت پرخروش / نام احمد با  
 علی آید به گوش  
 روز و شب گویم به آوای جلی / «اکفیان یا  
 محمد یا علی»  
 کیستی ای حامی ختم رسل / اول و آخر  
 تویی ای نفس کل  
 موج هستی، کشتی و دریا تویی / حق  
 تویی، پیدا و ناپیدا تویی  
 ای حضور نقش در آینه‌ها / مهبط  
 تنزیل شوق سینه‌ها  
 بی خود از خود در بیابان طلب / می‌زنم بر  
 خاک زانوی ادب  
 آفتاب ای آفتاب ای آفتاب / از نگاه بندگانت  
 رخ متاب  
 دوش صحرا می‌کشد آه مرا / ناله‌های گاه  
 و بیگاه مرا  
 ناله‌هایم را به چاه انداختم / بادهایم را به  
 راه انداختم  
 یا علی جان تا ز عشقت دم زدم / پرسه  
 درشش گوشه‌ی عالم زدم  
 از حسیض خاک تا اوج فلک / فاش دیدم  
 سرّ الله معک  
 از فروغت دیده‌ی ادراک، چاک / وز فراق  
 عدل، مدفون زیر خاک  
 حیدرا یک جلوه محتاج توام / دار بر پا کن  
 که حلاج توام  
 یک دو گام از خویشتن بیرون زدم / گام  
 دیگر بر سر گردون زدم  
 گام بردارم ولی با یاد تو / سرنهم بر دامن  
 اولاد تو

چاپ کاتالوگ‌ها و بولتن‌های لوکس و چهار  
 رنگ بی‌خاصیت و یکبار مصرف اختصاص  
 داده شده بعضی دستگاه‌ها هم که بعد از  
 انقلاب به وجود آمدند و خود به عنوان  
 نهادهای هنری تبلیغاتی این انقلاب مطرح  
 شدند زدند و به بیراهه فرو رفتن در مسائلی  
 که بیشتر در حوزه مسئولیت وزارت  
 بازرگانی و وزارت مسکن و شهرسازی است  
 تا یک نهاد مدعی اندیشه و هنر اسلامی.  
 من از بیان حرف حق پروایی ندارم و  
 خوفی هم ندارم که اگر به خوشایند این  
 حضرات حرف نزنم نان نداشته‌ام آجرشود.  
 همین قدر گفته باشم یکی از همین قماش  
 دستگاه‌های متولی اندیشه و هنر اسلامی  
 یکبار عکس‌العمل تندی را نسبت به من  
 نشان داد حقوقام را قطع کردند و ضمن  
 ارسال یک دستورالعمل اکید ما به صحن و  
 سرای دستگاه‌شان ممنوع‌الورود فرمودند.  
 یک بیت نثارشان کردم و سپردمشان به  
 قهر مولا علی علیه‌السلام.  
 از آن روزی که در خون پر گشودم  
 به دارالفکر ممنوع‌الورودم  
 شاعر بسیجی یعنی دعبل خزاعی، کمیت  
 اسدی، سید حمیری یعنی حنجره  
 آرمان‌های اهل بیت و آل‌الله کلمات شاعر  
 بسیجی باید بسیج بشوند در راه دفاع از  
 امت مظلوم خاتم الانبیا صلوات‌الله علیه  
 وآله در بوسنی افغانستان لبنان و فلسطین  
 حداقل فلسفه‌ی وجود یک شاعر بسیجی  
 است.  
 بشنو از نی چون حکایت می‌کند / شیعه را  
 در خون روایت می‌کند  
 نی حدیث آفرینش باز گفت / باز گفت اما  
 به شرح راز گفت

به این خاطر بوده که در این قالب فوران  
 شور درونی شاعر به نسبت دیگر قالب‌های  
 شعری میدان وسیع‌تری وجود دارد. مثنوی  
 دریاست، مثنوی اقیانوس است و اما در باب  
 محتوای سروده‌های آیینی یا به قولی شهر  
 شیعی.

بین برادر من وقتی بخواهی بیایی توی  
 چنین وادی‌هایی شرط اول قدم آن است  
 که مجنون باشی باید ایمان داشته باشی  
 که ذاتا فقیری و غنی مطلق خداست و بابا  
 جود و عطای خدا آل احمد علیهم‌السلام  
 هستند باید کاسه گدایی برداری بروی  
 در خانه‌ی اهل بیت علیهم‌السلام را بزنی  
 احساس استغنا و بی‌نیازی هم نباید داشته  
 باشی در چنین صورتی مطمئن باش اهل  
 بیت علیهم‌السلام تو را دست خالی از  
 درشان بر نمی‌گردانند هر چه شکسته‌تر و  
 زارتر در خانه‌شان بروی کاسه گدایی تو را  
 پر تر می‌کنند حالا در رابطه با معروف‌ترین  
 شعری که که خلائق در این ملک مرا به آن  
 می‌شناسند یعنی شیعه‌نامه فقط می‌توانم  
 بگویم که من شیعه‌نامه را از کرم اهل بیت  
 علیهم‌السلام دارم نه از خودم که هیچ‌ام و  
 هیچ.

وقتی نسبت شعر را با شعور بخواهی پیدا  
 کنی می‌بینی حلقه‌ی رابط در این نسبت  
 درد است و دردمندی. منتها هر دردی فی  
 نفسه موجب شرافت صاحب آن نمی‌شود  
 خیلی شاعرنا داریم که دم به دقیقه از  
 درد شکم و اسافل اعضا می‌نالند اما آیا این  
 دردها ارزشی دارد؟

درد اگر درد غربت از جوار حضرت حق  
 نباشد اگر این درد دین نباشد درد بی‌دردی  
 است!

نه تنها توی ساحت شعر، بلکه حتی در  
 وادی قصه‌نویسی نقاشی خوش‌نویسی و  
 گرافیک و نمایش و سینما توی هر زمینه‌ی  
 ادبی هنری که فکرش را بکنی حتی بالاتر  
 توی عوالم آدمیزاد نیایش و مناجات هم،  
 اگر جوهره این درد غربت آدمیزاد از  
 ملکوت قرب حق تعالی نباشد چنین دردی  
 و آثاری که از آن حاصل شود به دو پول  
 سیاه هم نمی‌ارزند.

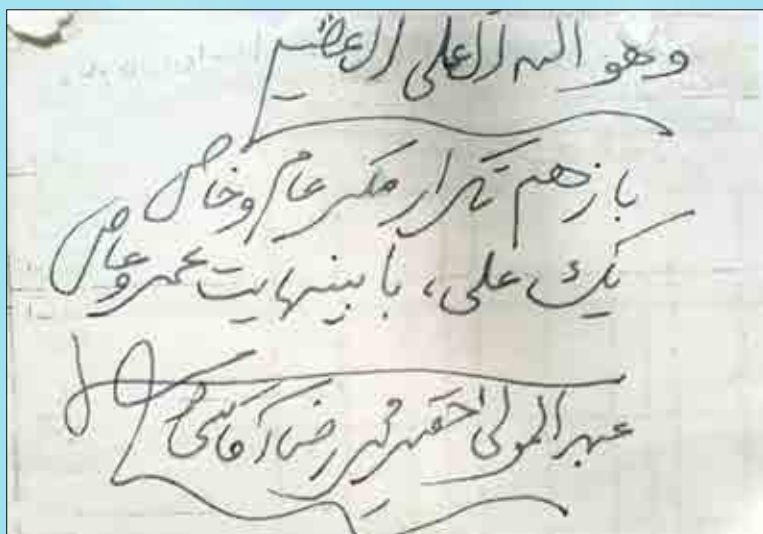
بیشتر سرمایه‌ها و ردیف بودجه‌های  
 مصوب برای شعر اصیل انقلاب به سینارها  
 و سمپوزیم‌ها و کنگره و کنفرانس‌ها و به  
 قولی امروزی‌ها همایش‌های پر از اسراف و  
 تبذیر و بی‌حاصل مثلا فرهنگی - هنری و



برق تیغم خاک را روشن کند / شوره‌زار  
تیره را گلشن کند  
شیعه یعنی دعیل چشم انتظار / تا کشد بر  
دوش خود چل سال دار  
شیعه باید همچو اشعار کمیت / سرنهد بر  
خاک پای اهل بیت  
یا فرزدق‌وار در پیش هشام / ترک جان  
گوید به تصدیق امام  
این سخن کوتاه کردم والسلام / شیعه یعنی  
تیغ بیرون از نیام

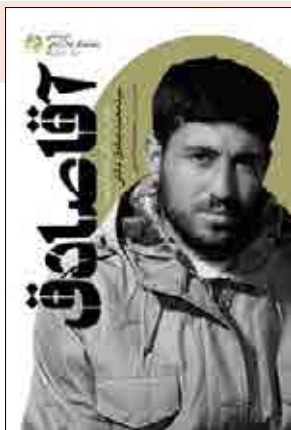
شیعه یعنی شوق، یعنی انتظار / صاحب  
آینه تا صبح بهار  
شیعه یعنی سالک پا در رکاب / تا که  
خورشید افکند از رخ نقاب  
عشقبازان! شور و حال آمد پدید / میم و حا  
و میم و دال آمد پدید  
آمد آن روز که در ناباوری / سرزند از غرب،  
مهر خاوری  
راستین مردی رسد با تیغ کج / شیعیان!  
«الصبر مفتاح الفرج»

شیعه یعنی شرح منظوم طلب / از حجاز و  
کوفه تا شام و حلب  
شیعه یعنی یک بیابان بی کسی / غربت  
صدساله بی دلواپسی  
شیعه یعنی صدبیابان جست‌وجو/شیعه  
یعنی هجرت ازمن تا به او  
شیعه یعنی وعده‌ای با نان جو / کشت صد  
آینه تا فصل درو  
شیعه یعنی عدل و احسان و وقار / شیعه  
یعنی انحنای ذوالفقار  
شیعه یعنی تندر آتش‌فروز / شیعه یعنی  
زاهد شب، شیر روز  
شیعه یعنی تیغ، تیغ موشکاف / شیعه  
یعنی ذوالفقار بی غلاف  
شیعه یعنی عشق‌بازی با خدا / یک نیستان  
تکنوازی با خدا  
شیعه یعنی سابقون السابقون/شیعه یعنی  
یک تپش عصیان و خون  
شیعه باید آب‌ها را گل کند / خط سوم را  
به خون کامل کند  
خط سوم، خط سرخ اولیاست / کربلا  
بارزترین منظور ماست  
شیعه یعنی هفت خطی در جنون / شیعه  
طوفان می‌کند در کاف و نون  
شیعه یعنی تشنه‌ی جام بلا / شیعیگی یعنی  
قیام کربلا





## معرفی کتاب

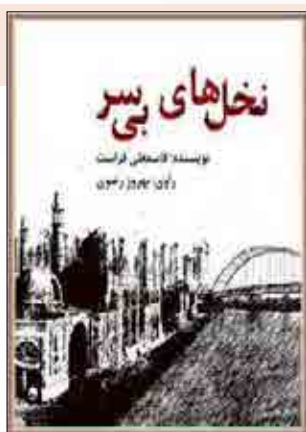


«آقا صادق»؛ روایتی است از زندگی جهادگر شهید سید محمد صادق دشتی  
**مؤلف:** محمدرضا حسینی **ناشر:** راه بار

این کتاب، روایتی از زندگی جهادگر شهید «سید محمد صادق دشتی» است، وی در مهر ماه سال ۶۴ به شهادت رسید، شهید دشتی از مبارزان انقلابی و رزمندگان دفاع مقدس در فیروزآباد استان فارس است.

کتاب «آقا صادق» به شیوه تاریخ شفاهی نوشته شده و کاملاً مستند است در عین حال کتاب ساده و روان نوشته شده و به وقایع و تلاش‌های فرهنگی و انقلابی این شهید بزرگوار پرداخته که در جای خود جذابیت‌های فراوانی دارد، باید در نظر داشت که نوشتن سبک زندگی و رخدادهای زندگی هر شهید و رزمنده بیانگر بخشی از تاریخ هشت سال دفاع مقدس است که تاریخ شفاهی و زیربنای فرهنگی انقلاب اسلامی را مطرح می‌کند.

کتاب «آقا صادق» در هر مقطع از زندگی شهید دشتی، از تولد تا شهادت وی را به خوبی روایت کرده است و هر بخش از کتاب توسط یک یا چند راوی روایت شده است؛ از پدر، مادر و برادران شهید گرفته تا همزمانش در جبهه‌های جنگ تحمیلی، در واقع، یک سوم اول کتاب، روایت اتفاقات دوران کودکی شهید از جمله شرایط زندگی و جابجایی‌های مکرر به واسطه شغل پدر، زلزله مهیب قیر و کارزین، حضور در مبارزات منتهی به پیروزی انقلاب و بازداشت چند روزه‌اش توسط ساواک است، دیگر بخش‌های کتاب «آقا صادق» نیز به نحوه آشنایی و ورود او به جهاد سازندگی و حضورش در جبهه را مورد بررسی قرار داده است.



نخل‌های بی سر  
**مؤلف:** قاسمعلی فراست **ناشر:** امیر کبیر

رمان «نخل‌های بی سر» اثری از قاسمعلی فراست است و داستان مقاومت مردم خرمشهر، ایثار و رشادت‌های آنها در هشت سال دفاع مقدس را روایت می‌کند.

داستان با شروع جنگ، آغاز می‌شود و ناصر، شخصیت اصلی داستان است که در کنار برادرش، حسین و خواهرش شهناز در مقابل دشمنان بعثی می‌ایستند. خانواده ناصر در تب و تاب ماندن یا رفتن سرگردانند؛ پدر و مادر او گمان نمی‌کنند جنگ به این راحتی خانه و کاشانه آن‌ها را هدف قرار دهد. ناصر، حسین و شهناز، پدر و مادر را ترغیب به رفتن می‌کنند و خود می‌مانند تا از شهر دفاع کنند و...

این کتاب از «اولین» آثار ادبیات دفاع مقدس است و مورد توجه مخاطبان قرار گرفته و تاکنون بارها تجدید چاپ شده است.

# کربلای جبهه

در شلمچه بر مشامم میرسید  
بوی عشق و بوی خون بوی شهید  
بود تفسیری ز غربت آن دیار  
داشت از عشاق صادق یادگار  
من در آن وادی جنون را دیده ام  
من در آنجا شط خون را دیده ام  
سوزش پروانه ها را دیده ام  
جوشش پیمانها را دیده ام  
دیده ام شمشاد خاکستر شده  
دیده ام آلاله ی پرپر شده  
دیده ام من جعفر طیارها  
دیده ام من بوذر و عمارها  
دیده ام جسمی که در تن سر نداشت  
مرغ عشقی دیده ام که پر نداشت  
دیده ام با چشم خود چشمی که یافت  
راه عشق و تا بر دلبر شتافت

آزاده جانباز جهادگر نورالله عظیم زاده  
کتاب پیک رهایی

بویی از اخلاص چمران شهید  
آن شهید سرافراز رو سفید  
تنگه جزابه بوی یار داشت  
یادی از هنگامه دیدار داشت  
خاک آنجا شاهدی آگاه بود  
شاهد ایثار جندالله بود  
داشت فیاضیه بوی عاشقان  
بوی آن شب زنده دارن جوان  
استقامت را گواهی مینمود  
عزم جزم عاشقان را می ستود  
در پل بعثت زمین غمناک بود  
داغدار لاله های پاک بود  
خاک ارونند از شهیدان یادداشت  
و ز مصائب ناله و فریاد داشت  
عزم سرداری چه غوغا کرده بود  
شاهکاری اندر آنجا کرده بود  
چون طلسم پل زدن بشکسته بود  
با پلی که بست در ارونند رود

یک زمانی نوبت دیدار شد  
نوبت دیدار کوی یار شد  
یک زمانی عشق ما را زد صدا  
رهنمون شد جمله را تا کربلا  
جبهه آیا کربلای ما نبود  
عشق آیا رهگشای ما نبود؟  
خاک گلگون هوپزه ناله داشت  
ناله از داغ دل آلاله داشت  
ناله ها ز آن زخم کاری مینمود  
خاک آنجاسوگواری می نمود  
سوگواری از نبرد تن به تن  
از نبرد تانک دشمن با بدن  
از صد و پنجاه تن سرو چمان  
و ز صد و پنجاه شمشاد جوان  
خاک دهلاویه عطر آمیز بود  
باد اندر آن مکان گلبیز بود  
مشهد چمران صفایی خاص داشت  
خاک آنجا بویی از اخلاص داشت





# روزهای باصفا

## یدالله ریحانی، جهاد سازندگی رازوجر گلان

سال ۶۷ بود، من در جهاد سازندگی رازوجر گلان که آن موقع از توابع بجنورد بود، انجام وظیفه می‌کردم. صفا، صمیمیت، اخلاص و ایثارگری با روح و روان بچه‌های جهاد عجیب شده بود، کار فقط برای خدا و رضایت او بود و خدمت به بندگان خدا در این راستا معنا می‌یافت. به یاد دارم که در یکی از روزهای سرد و برفی زمستان، راننده‌ی مینی‌بوس جهاد با ناراحتی اظهار داشت: راه تعدادی از روستاها بر اثر برف و بوران مسدود شده و مردم در تنگنا قرار گرفته‌اند.

بلافاصله رئیس جهاد پنج نفر از بچه‌ها را صدا زد و گفت: برای باز کردن راه اعزام شوید و خودش هم راهی شد. به وسیله یک دستگاہ نیسان، در حالی که از سرما می‌لرزیدیم، حرکت کردیم. وقتی به محل مورد نظر رسیدیم اولین کسی که دست به کار شد رئیس جهاد بود، سنگ‌های بزرگ را با زحمت بلند می‌کرد و روی شکمش می‌گرفت تا بتواند آنها را حمل کند. سپس سنگ‌ها را کنار جاده می‌ریخت.

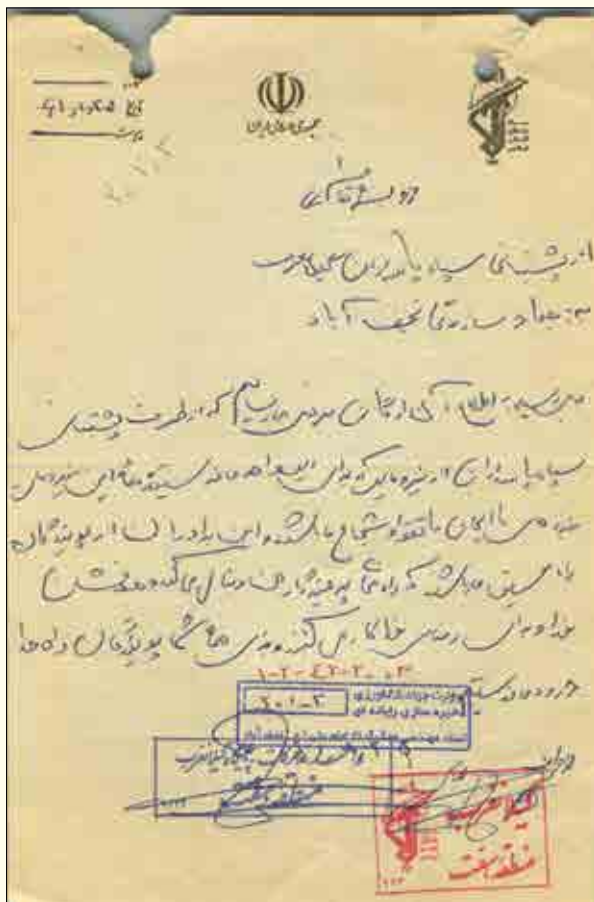
ما که از دیدن این صحنه متعجب شده بودیم، دست به کار شده و مثل ایشان سنگ‌ها را برداشتیم. بدین ترتیب راه روستایی مسدود شده باز و ارتباط چندین روستا با شهر برقرار شد.

این صحنه‌ها که بی‌اختیار اشک را به چشم می‌آورد، در همه‌ی لحظات جهاد، جاری و ساری بود. خاطراتی فراموش نشدنی که هیچ زبان و قلمی را یارای وصف حقیقتی آنها نیست و هیچ واژه‌ای جز عشق، نمی‌تواند آنها را درک کند و بفهمد.



## چهارم مهرماه؛ روز مقاومت مردم گیلان غرب








# عملیات تامن الائمه (ع)



**عملکرد پشتیبانی - مهندسی جنگ جهاد سازندگی**  
 جهاد سازندگی که مسوولیت مهندسی عملیات را پذیرفته بود، با به کارگیری چند ستاد نیرومند و پرکار با بیش از ۱۵۰۰ جهادگر، توانست بیش از ۱۰۰ کیلومتر جاده و نزدیک به ۱۲۰ کیلومتر خاکریز ایجاد کند. از جمله اقدامات مهم و اساسی جهاد در این عملیات عبارتند از:


- ۱- احداث جاده ی وحدت از میان مرداب های شرق بهمین شیر برای فراهم کردن امکانات تجهیز و تدارکات نیروهای رزمنده؛
- ۲- ایجاد آتش بر روی کارون در حین عملیات و تصرف و انهدام ۳ پل مواصلاتی دشمن بر روی رودخانه ی کارون؛
- ۳- احداث خاکریز دفاعی کناره ی کارون؛
- ۴- ظرافت های مهندسی ویژه ای در این عملیات به کار گرفته شد؛ که در پیروزی رزمندگان اسلام تاثیر فراوان داشت؛ از جمله در فیاضیه ی آبادان دو ردیف کانال به صورت مایل از خط مقدم نیروهای خودی به سمت خط مقدم دشمن احداث شد و رزمندگان با استتار کامل توانستند تنها پس از چند دقیقه، سنگرهای خط مقدم دشمن را تصرف کنند.
- ۵- تامین اکیپ های پزشکی و ساختن اورژانس؛
- ۶- حمل و نقل مهمات و نفر؛
- ۷- آب رسانی به جبهه ها.




**رمز عملیات**   
 نصرمن ا... و فتح قریب

**ساعت شروع عملیات**   
 ۳۰ بامداد

**محور عملیات**   
 محور شرقی جاده ی آبادان - ماهشهر

**هدف عملیات**   
 تصرف پل های دشمن بر روی رودخانه ی کارون، تصرف و تامین جاده های آبادان، ماهشهر و آبادان، اهواز، به منظور شکست حصر آبادان و انهدام نیروهای دشمن.

**تلفات دشمن**   
 حدود دو هزار کشته و زخمی و ۱۷۰۰ تن اسیر.

**تجهیزات منهدم شده ی دشمن:**  
 حدود ۹۰ دستگاه تانک و نفربر، حدود ۱۰۰ دستگاه خودرو؛  
 چندین انبار مهمات، ۲ پل پی. ام. پی.  
 - بیش از ۵۰ تن اسیر







وزارت جهاد کشاورزی  
۱۳۸۲-۸۲  
دفتر بهره‌سناری رایانه ای اسناد مهندسی جنگ

شماره: ۸-۷-۵-۱۶

\*\* تعداد فعالیت‌های مهندسی رزمی پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی تا سن ۱۳۸۵ \*\*

ردیف	نام‌های شرکت کننده و مشخصات	تعداد افراد هر شیفت	طول راه‌های تصویربرداری	طول خاکریزهای احداثی	تعداد پل‌های احداثی	تعداد سایت‌های گوی تراحداتی	تعداد پادبستر گوی تراحداتی	تعداد دوربین‌های احداثی	تعداد دستگاه‌های صحرایی احداثی	تعداد جاهای نصب دوربین‌های تصویری
۱	سازمان خراسان	۵۰	۱۵ کیلومتر	۱۵ کیلومتر	۱۰	۱۰	۱	۱۵۰	-	-
۲	سازمان تهران	۵۰۰	۱۰ کیلومتر	۱۰ کیلومتر	۱۰	۱۰	۱	-	-	-
۳	سازمان فارس	۳۰۰	۳۸ کیلومتر	۳۸ کیلومتر	۳۸	۳۸	۱	-	-	-
۴	سازمان خراسان جنوبی	۲۰۰	۳۰ کیلومتر	۳۰ کیلومتر	۳۰	۳۰	۱	-	-	-
۵	سازمان خوزستان	۲۰۰	۲۰ کیلومتر	۲۰ کیلومتر	۲۰	۲۰	۱	-	-	-
سایر مناطق		۱۶۵۰	۱۰۷	۱۱۶	۶	۶	۶	۱۵۰	-	-

تعداد مرکزی پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی

شماره: ۶۰

تاریخ: ۸۹۳۵

مختصات مکانی صندلی جهاد خراسان در عملیات ناسن (۱۳۸۵)

(جزیره آبادان سال ۶۰)

موضوع: نفر من الله و فتح قریب

موضوع: کشف پلای دشمن بزرگ در جزیره کانون و تصرف و تاختن جاده مینجک و راه‌های

و آبادان - اهواز - منظور رنگ حصر آبادان و انجام تیررس‌های

منطقه عملیاتی: شمال آبادان

تاریخ: ۱۳۸۲-۸۲-۱۱-۱۱

مرحله عملیات: ۲ روز طی یک مرحله

وزارت جهاد کشاورزی  
۱۳۸۲-۸۲  
دفتر بهره‌سناری رایانه ای اسناد مهندسی جنگ

وزارت جهاد کشاورزی  
۱۳۸۲-۸۲  
دفتره سازی رایانه ای اسناد جهاد جنگ

در طول جنگ شاهد سوختنهای چشمگیر جملاتی درجه‌های حق و باطل بودیم که تصور آن برای هیچ‌یک از کسانی که در روزی جنگ را تنها در گردان قدرت نظامی برتری می‌پنداشتند سیر نبود.

۱- **کار جهاد و اسلحه جنگ** ← با توجه به خلاهای فراوانی که درجه‌ها مشاهده می‌کردند و تلاش‌های فراوانی

از جانب سازشکاران و لیب‌الجاهل‌مورت می‌تواند در حال حاضر با وجود تلاش‌های مردمی مدتها جنگ جلوتیرک به عمل می‌آید از این رو جهاد به منظور رسیدن سازمان با فتنه به کارهای خدیش قدرات رزمندگان ایجاد تعمیرگاه ایسان کارگاه‌ها جهت تولید اسلحه‌های سیر شده در تبریزی و حمل و نقل مهاجر نیروی اسلحه‌های فعالیت هنرهای مردمی درجه‌ها بر عهده جهاد قرار گرفت که متفاد طول جنگ به آن دست نگازید در عملیات بیت‌الامنه فتح‌البیت بیت‌المنستر و الفجر خوب صحت این تکرار را برای یاد

**علیه‌شما انتقام**

در تبریزی که آمار آن در می‌شود بود ۱- اهدای جاده و دولت در منطقه مردمی رزم‌جوانان از سیات سرداها سرت در زیر آسایش سید جدید شرف

۲- راه تدرکاتی و بیستانی نیروهای رزمند و فراموشی و عمدتاً خلقه می‌آموزد بنوری دستگیر می‌گردد و سندی‌های که در این عملیات چهار نوشته شده و این نیروی مستوره رزمندگان اسامی نامی که از آن داشت

۳- یک ابتکار کم‌تیر جاده استراتژیکی را بر روی سفای روانی اهدای کند زودت فاده می‌آورد و رزمندگان که حداقل ۶ ماه وقت لازم داشت

۴- از کارهای تیر جهاد کارهای فنی در ساختن انواع قطعات سلاح‌ها مانند ویاماسین آلات سنگین و سنگین که کارهای تیر جهاد و سایر موارد نیاز جبهه‌ها نفسی بسیاری داشته است

ثبت وقایع جنگ جهاد

کد: ۱۳۸۲/۸۲/۱۳

تاریخ ورود: \_\_\_\_\_

ملیقه بندی: \_\_\_\_\_

موضوع: برامون علیه شما انتقام



## نقش جهاد سازندگی در عملیات ثامن الائمه (ع)

به روایت سردار جهادگر حاج محمود حجتی (مسئول مهندسی ستاد پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی - قرارگاه کربلا)  
(این مصاحبه برای نخستین بار منتشر می‌شود)



در خدمت برادر حجتی هستیم و در نظر داریم که در مورد کارهایی که پشتیبانی جنگ در رابطه با جنگ و عملیات ما انجام داده، صحبت کنیم. مسئول مهندسی جبهه های پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی ستاد کربلا، برادر حجتی خواهش می‌کنیم که در مورد کارهایی که جهاد از آغاز جنگ تا شروع عملیات ثامن الائمه انجام داده، توضیحاتی ارائه بفرمایید.

بسم الله الرحمن الرحيم. سنت الهی و قانون نظام برای این بوده که حق بر باطل غالب شود و ابداء در این نسبت خدا تغییری نخواهی یافت. بنده حقیر خیلی کوچک تر از آن هستم که بخوام در رابطه جنگ و عملیات ها و کارهای رزمندگان حرف بزنم. ولی براساس آنچه وظیفه شرعی من است و برای آنکه در تاریخ ثبت شود و سرمشق آیندگان باشد تا مرتباً از آن درس بگیرند، عرض می‌کنم.

وقتی دشمن بعضی ما از زمین و آسمان به کشور اسلامی ایران هجوم آورد که با پشتیبانی تمام ابر قدرت ها و خیلی از سران منافقین همراه بود. ملت مسلمان ایران از زن و مرد، پیر و جوان می‌دانستند که دشمن فقط به ایران حمله نکرده بلکه به انقلاب اسلامی ایران هجوم آورده، در مقابل این هجوم ایستادند و با چنگ و دندان در مقابل دشمن ایستادگی کردند. از هر گوشه مملکت هر کسی که ندای امام عزیزمان را شنید، با دست خالی به سمت جبهه حرکت کرد. با اینکه نمی‌دانست کجا هست و کجا می‌رود، به جبهه آمد تا در مقابل دشمن بایستد. با جان و مال جهاد کردند و امروز می‌بینیم که اسلام و انقلاب پیروزمند و موفق است. نیروهای جهاد سازندگی هم که ارگانی جوشیده از مردم بود، در همان روز های اول جنگ، هر کدام از گوشه و کنار این مملکت، از روستاهای دور دستی که مشغول به کار بودند، به سوی جبهه ها حرکت کردند و ظرف ۲-۳ روز مخصوصاً به خوزستان که مرکز هجوم دشمن بود، آمدند و با خود امکانات مردمی را راه انداختند و در منطقه حضور پیدا کردند.

مورد هجوم دشمن قرار گرفته بود. تا پیش از هجوم کارهای اساسی که جهاد کرده بود ساختن موانع و مکان بود. ساختن سایتی بود که در مناطق دست خودمان بود و جلوی هجوم هواپیماهای دشمن را می‌گرفت یا تعمیرگاه هایی بود که با نبودن هیچ نیروی مکانیک و کارگاهی در کل استان و بسته شدن مغازه ها ایجاد می‌شد. همین طور مساله پزشکی و راه انداختن بیمارستان ها از کارهای خیلی مهم در روزهای اولیه جنگ بود که جهاد سهم بسزایی در این رابطه داشت.

**در مورد قبل از عملیات ثامن الائمه فرمودید که چند حرکتی بود که نیروهای خودی انجام دادند. در این رابطه اگر ممکن است توضیح بیشتری بدهید. دقیقاً چه مناطقی و چه اهدافی در آن قرار داشت؟**

تقریباً تا عملیات دارخوین، مسائل سیاسی در مملکت ما بود. بنی صدر لعنتی که چه جنایت ها و خیانت هایی نکرد و در این جنگ چه مصیبت هایی وارد نکرد. با رفتن او و حاکمیت جمهوری اسلامی بدست رزمندگان اسلام و نیروهای حزب الله، عملیات دارخوین و بعد از آن عملیات ثامن الائمه و سپس چند عملیات بزرگ و گسترده شد ولی عملیات های کوچک دیگری هم بود.

در یک عملیات دشمن روی بهم‌نشیر پل زده بود و به این طرف رودخانه آمده بود و دیگر

از آنجایی که بیشتر عملیات ما سمت خرمشهر بود و قصد دشمن گرفتن آن بود؛ برادران جهاد اصفهان، از اهواز به طرف خرمشهر حرکت کردند و از این برادران شاید بیشتر از ۲-۳ نفر زنده نباشند که در بین رزمندگان هستند ولی بیشتر آنها شهید شدند.

**کار جهاد روی کدام بخش ها متمرکز بود؟**  
فعالیت های جهاد تا قبل از عملیات ثامن الائمه سه مرحله بود. موقعی بود که کار جهاد به اصطلاح گرفتن جلوی دشمن بود. در مرحله دیگر، زمانی که دشمن هجوم می‌آورد و جهاد در مقابل هجوم آنها سدها و موانع ایجاد می‌کرد و کارهای پزشکی و اقداماتی از این دست انجام می‌داد. موقعیت دیگر، حالت پدافندی نیروهای ما بود و زمانی که دشمن دیگر نمی‌توانست حمله کند و کارهایی نظیر سنگرسازی ها انجام می‌شد. بعد هم کارهای عملیاتی کوچکی بود که در قسمت ها و محورهای مختلف انجام می‌شد. از جمله عملیات هایی که در جبهه سوسنگرد و کرخه نور بود و عملیات دارخوین و عملیات های کوچک دیگر تا عملیات ثامن الائمه که شکست حصر آبادان بود. عملیاتی بزرگ که با آن موفقیت زیادی نصیب رزمندگان اسلام شد. کارهایی که جهاد با بسیج نیروهای مردمی کرد و آنها را از روستاها و شهرها حرکت داده بودند و به جبهه ها آورده بودند، خیلی زیاد است. بیشتر جهادهايمان از شهرستان هایی بودند که



های عربی دشمن بعضی را ارشاد می کردند و این خیلی در روحیه ارتش عراق موثر بود. قسمت پزشکی بود که باز این جهاد سازندگی در این قسمت کارهای خیلی زیادی انجام داد.

ساختن بیمارستان‌ها و اورژانس‌های مختلف کمتر از عملیات نبود. البته در قبال شکسته شدن خط مقدم دشمن و این اقدامات شهدای زیادی در حین عملیات از نیروهای جهاد و نیروهایی که از طریق جهاد اعزام شدند، شهید شدند.

آمبولانس‌ها علاوه بر حمل زخمی‌ها خودشان کارهای تبلیغی هم می کردند. از جمله روحانیونی که به لشکر ما اعزام می شدند، در بین نیروهای رزمنده در قسمت‌های مختلف به وظیفه خود عمل می کردند. از جمله بستن بلندگوها و ماشین‌هایی که برای ارشاد و روحیه دادن رزمندگان حرکت می کردند و دشمنان را در حین درگیری جهت تسلیم شدن به نیروهای رزمنده هدایت می کردند. تعمیرگاه‌های سیار در عملیات سهم بسزایی داشتند.

وقتی خطوط مقدم زیر آتش مستقیم دشمن بود، ماشین‌آلات مهندسی و ماشین‌های سبک و سنگینی که در جبهه‌ها کار می کردند و بر اثر ترکش یا مساله دیگری خراب می شدند؛ در همان منطقه عملیات آنها را تعمیر می کردند و فقط اگر کار عمده بود آن را به عقب اعزام می کردند.

عملیات‌ها هم که تمام می شد، نیروها به منطقه‌ای که عملیات در آن صورت گرفته بود اعزام می شدند تا کار تکمیل و تعمیر و آماده کردن جاده‌ها را برای پدافند منطقه عملیات و تقویت خاکریزها و قسمت‌های پزشکی و تبلیغات انجام دهند. این برجسته‌ترین اقدامات جهاد سازندگی بود.

ساعت‌های آخر ما بود و دشمن فکر می کرد که آبادان در دست است. اما از همان لحظات جهاد کارهای اساسی را در آن منطقه شروع کرد و بدون داشتن هیچ امکانات، دستگاه مهندسی و ماشین‌آلات در آن عملیات تعدادی از دستگاه‌های دشمن را به غنیمت گرفت و با بسیج امکانات بچه‌های رزمنده دشمن را از بهمنشیر به عقب راندند. تا عملیات ثامن الائمه با همان دستگاه‌های غنیمت گرفته شده سنگر و خاکریز ساختیم. هر خاکریزی که می بینید؛ هر سنگری که در آبادان می بینید؛ اگر هر کانال و کار مهندسی در آبادان به چشم می خورد؛ از طریق جهاد ساخته شده بود. برادران از همان عملیات ذوالفقار به شروع به ساخت خاکریز کردند و در مقابل دشمن یک خط پدافندی سخت ایجاد کردند.

بعضی از برادران شبانه می رفتند و دستگاه‌هایی را که جلوی دشمن بود، از دستشان می گرفتند و دستگاه مهندسی را به عقب می آوردند و بعد در آبادان از آن استفاده می شد.

عملیات‌های دیگری هم بود که به دشمن هجوم می آوردند و بعد با انهدام دوباره به عقب برمی گشتند تا موفق‌ترین عملیاتی که در تپه‌های شهید مودنی بود. معروف بود به تپه‌های میدان تیر که جهاد در آن عملیات سهم بسزایی داشت.

از برادرانی که آنجا بودند می شود سوال کرد که چقدر برادران کار کردند. در آن زمین کفی آبادان و با آن غروری که دشمن داشت و به خود اجازه یک لحظه حرکت کردن نیروهای ما به طرف خودش را نمی داد. آن غرور شکسته بود.

امام فرموده بودند که حصر آبادان هر چه زودتر باید شکسته شود و جهاد خودش را سهم می دانست. با بسیج نیروها از طریق جهادهایی که در خوزستان، اهواز و آبادان بودند، جاده وحدت را در زیر دید آتش دشمن درست کرد که از اساسی‌ترین کارها بود. یا ۵ پل به طول ۲۵۰ متر بودند که روی رودخانه بهمنشیر ساخته شد و نیروها توانستند جبهه شمالی رودخانه بهمنشیر را از اطراف آبادان ترک کنند.

تعمیرگاه‌های جهاد بود که در قسمت‌های مختلف جبهه‌ها مستقر شده بود و در آنجا همه نوع کاری انجام می گرفت.

زمانی در آبادان نیروهای شهید چمران بودند که تمام تدارکات از طریق جهاد انجام می گرفت. در این تعمیرگاه‌ها باتریسازی، آب باتری، تراشکاری، جوشکاری، تانکرسازی می شد و قسمت راه‌سازی بود در جبهه‌های مختلف جاده می ساخت. مانند جاده وحدت. در جبهه‌های غرب که عبور از کوه‌ها و کوهسارها و رودخانه‌ها بود جهاد سهم بسزایی در جاده‌های غرب و زدن خاکریز داشت.

قسمت تدارکات شامل جمع‌آوری هدایای مردمی بود که در تمام جهادهای استان‌ها و شهرستان‌ها و اکیپ‌ها بودند. یا آشپزخانه در تمام جبهه‌ها ایجاد شده بود. جهاد آش می پخت و به نیروهای رزمنده می داد. رساندن غذا و تدارکات و مهمات که به خود خط برده می شد و در اختیار نیروها قرار می گرفت.

قسمت دیگری که جهاد در آن کار می کرد، آبرسانی بود. بخش تبلیغات و اعزام روحانیون بود که از مناطق مختلف، شهرستان‌ها و مراکز تبلیغی و حوزه‌ها آنها را به جبهه‌ها می آورد و در اختیار رزمندگان می گذاشت. یا توزیع کتاب، نوار کاست، پوستر و وسایل تبلیغاتی به طور کلی در تمام جبهه‌ها برعهده جهاد بود.

مطلب جالبی که در همان روزهای اول جنگ خیلی موثر بود، در جبهه‌های آبادان برادران جهاد با بلندگوهایی که لب رودخانه کارون یا جبهه‌های نزدیک قرار می دادند و با گذاشتن نوار کاست‌های عربی و پیام



# عملیات مسلم بن عقیل (ع)



## هدف عملیات

آزادسازی چندین ارتفاع مرزی، انهدام نیروهای دشمن و تصرف ارتفاعات مشرف بر شهر مندلی

## عملکرد پشتیبانی- مهندسی جنگ جهادسازندگی

جهادسازندگی با اعزام اکیپ های مهندسی از جنوب به غرب، نیروهای خود را تقویت کرد و با بسیج بیش از هزار جهادگر در عملیات مسلم بن عقیل شرکت کرد؛ که از جمله ی فعالیت های آن ها عبارتند از:  
احداث ۵۰ کیلومتر خاکریز و ۱۵۰ کیلومتر راه در دل صخره ها، کوه ها و از میان دره ها ؛  
احداث یک سابت ؛  
احداث ۴ واحد اورژانس ؛  
احداث ۳۰ سنگر اجتماعی ؛  
احداث یک باب حمام صحرایی ؛  
احداث ۸۷ پل از انواع مختلف ؛  
احداث و تعمیر ۱۵۷ کیلومتر جاده .

## رمز عملیات

یا ابوالفضل العباس

## ساعت شروع عملیات:

۵ بامداد

## محور عملیات:

غرب سومار و ارتفاعات مسلط بر مندلی

## مناطق آزاد شده :

ارتفاعات مشرف به شهر مندلی ؛  
آزاد و پاک سازی ۷ پاسگاه مرزی ایران به اسامی سلمان کشته، سان بابا ، قلعه ی جوق، سومار، میان تنگ، گسیکه، کانی شیخ ؛  
آزادی بیش از ۱۵۰ کیلومتر مربع از اراضی میهن اسلامی .

## طرح عملیات

مرکز منطقه عملیات از سلمان کشته که بر نفت شهر مشرف است تا دروازه که در جناح چپ منطقه سومار قرار دارد به تیپ‌های ۲۷ و ۵۵ واگذار شد.

بیشترین نقاطی که در طرح مانور اهمیت داشت و ممکن بود نیروی خودی از همان نقاط ضربه پذیر باشد، تنگه سانوپا و ارتفاع سلمان کشته بود. به همین دلیل چندین بار طرح مانور تغییر کرد و در نهایت، با شناسایی‌های تکمیلی نقاط مهم در طرح گنجانده شد که عبارت بودند از: تنگه‌های "سانوپا و میان تنگ" و ارتفاعات "سانوپا، سلمان کشته و گیسکه".

## شرح عملیات

پس از کسب آمادگی‌های لازم، عملیات در ساعت ۰۰:۴۷ بامداد ۹/۷/۱۳۶۱ با رمز "یا ابوالفضل العباس" آغاز شد. رزمندگان خودی با عبور از میادین مین و سیم‌های خاردار تنها پس از ۱۰ دقیقه ارتفاعات گیسکه تا کله شوان را فتح کردند، و سپس ارتفاعات "واروالین" به قلعه بین تا سمت راست تنگه جوق و ارتفاعات مثلثی به تصرف درآمد. به این ترتیب، دشمن در دشت مستقر شد و نیروهای خودی تسلط لازم را بر او به دست آوردند.

بیشتر نیروهای دشمن که در پی آماده‌باش‌های متوالی و مکرر دچار خستگی جسمی و ضعف روحی شده بودند، فاقد آمادگی لازم بودند و به هنگام آغاز عملیات نیز در خواب به سر می‌بردند. به همین دلیل،

نیروهای خودی در حین عملیات متحمل کمترین تلفات شدند. با روشن شدن هوا، اولین پاتک دشمن آغاز شد و چون نیروهای خودی به طور کامل مستقر شده بودند، نیروهای عراقی نمی‌توانستند حرکت موثری انجام دهند. لذا خیلی سریع ضربه خورده و عقب‌نشینی می‌کردند. پاتک‌های دشمن که حدود ۱۲ مورد می‌شد تا ساعت ۱۴ روز ۱۳۶۱/۷/۱۳۶۱ ادامه داشت و اغلب آنها در منطقه مقابل شهر مندلی عراق انجام می‌شد که شامل ارتفاعات گیسکه و راست میان تنگه و ارتفاعات ۳۴۵ و سلمان کشته بود.

## نتایج عملیات

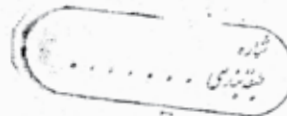
۱. در پی این عملیات، علاوه بر آزادسازی بیش از ۱۵۰ کیلومتر مربع از خاک ایران، حدود ۳۰ کیلومتر از خاک عراق به همراه دو پاسگاه دوله شریف و کومه سنگ تصرف شد و نیروهای خودی ضمن تأمین دشت سومار، بر تنگه‌های مرزی و نیز شهر مندلی تسلط یافتند. علاوه بر این امکان پیشروی در عمق خاک عراق برای آنها فراهم گردید.
۲. کشته و زخمی شدن بیش از ۱۰۰۰ تن و به اسارت درآمدن ۳۴ تن از نیروهای عراقی،
۳. انهدام ۲۵ دستگاه تانک و نفربر، سه دستگاه مهندسی و سه قبضه کاتیوشا،
۴. به غنیمت درآوردن شش دستگاه نفربر، ۱۵ قبضه انواع توپ‌های زمینی و هوایی، ۶۰ دستگاه تلفن صحرایی، ۵۰ دستگاه بی‌سیم و تعدادی خمپاره انداز و سلاح‌های سبک.

تاریخ عملیات : ۶۱/۷/۹  
ساعت شروع عملیات : ۰۰/۵۰

نام عملیات : مسلم بن عقیل  
رمز عملیات : یا ابوالفضل الدیاس

ثبت وقایع جنگ جهاد	
کد	۵۲۶/۱۰۱/۲۲
تاریخ ورود	۶۶/۱۱/۴
موقعیت بندی	سوس
موضوع	سوزش

محور عملیات : غرب سومار و شمال‌غربی این شهر



مناطق آزاد شده :

- ۱- تصرف ارتفاعات مشرف به شهر مندلی
- ۲- آزادی و پاکسازی ۷ پاسگاه مرزی ایران به اسمی سلمان کشته ، سان باباء قلعه جوق ، سومار ، بمیان تنگ ، کسبکه ، کانی شیخ ،
- ۳- تامین نشتامی شهر مندلی عراق و جاده استراتژیک نفت خانه به مندلی در داخل عراق
- ۴- آزادی بیش از ۱۵۰ کیلومتر مربع از اراضی میهن اسلامی
- ۵- داشتن دید و تیر کامل در ابتدای جاده مندلی - بغداد

وزارت جهاد کشاورزی	۱۳۸۷-۸۳
دفتر بهره‌سازي رایانه ای استاد مهندسی جنگ	

تلفات دشمن :

وارد کردن بمبارت کلی و کورفتن مقدار قابل توجهی غنایم جنگی و اضمحلال و فرار دشمن و به اسارت کورفتن کزومی از سربازان و افسران دشمن .



# عملیات والفجر ۴



## رمز عملیات

یا الله - یا الله - یا الله

## ساعت شروع عملیات:

۲۴/۰۰

## محور عملیات:

دره‌ی شیلر در شمال مریوان و پنجوین

## مناطق آزاد شده:

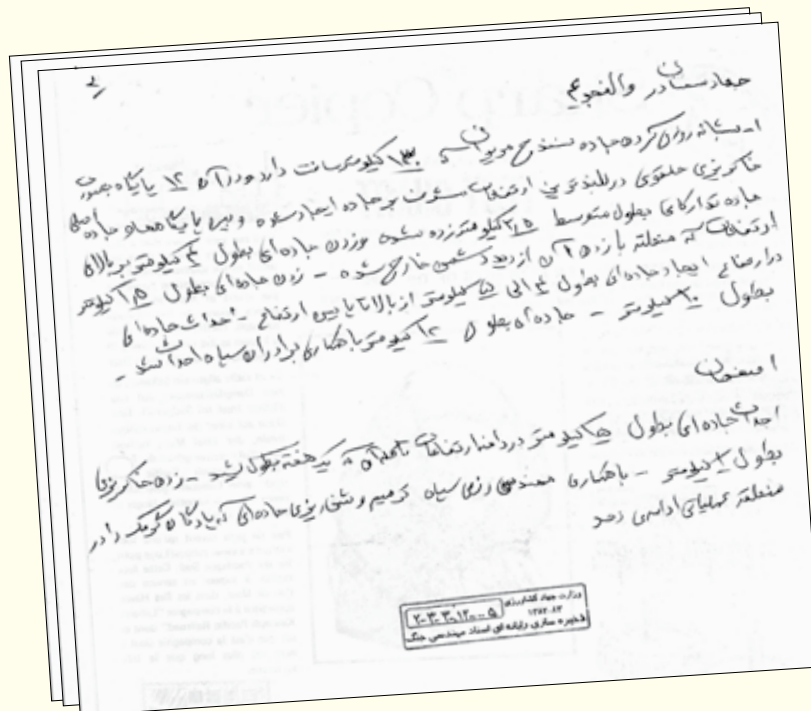
ارتفاعات مهم ۲۲۵۰ متری هنیمال، ۲۳۵۰ متری لک لک، ۲۰۰۰ متری پلیس، کوه رستم آلان و بلندی‌های دشت بازوال، ارتفاعات دولیمری و ارتفاعات مارو، خانم شیخان، خلوزه ی ۱ و ۲، کنگرگری، شیخ گزنشین، ارتفاعات استراتژیک ۲۲۷۳ سیرکه، ۱۹۰۴ از رشته کوه‌های کانی مانگا، خواراسب و پاک‌سازی کامل پیش رفتگی شیلر و پادگان گرمک.

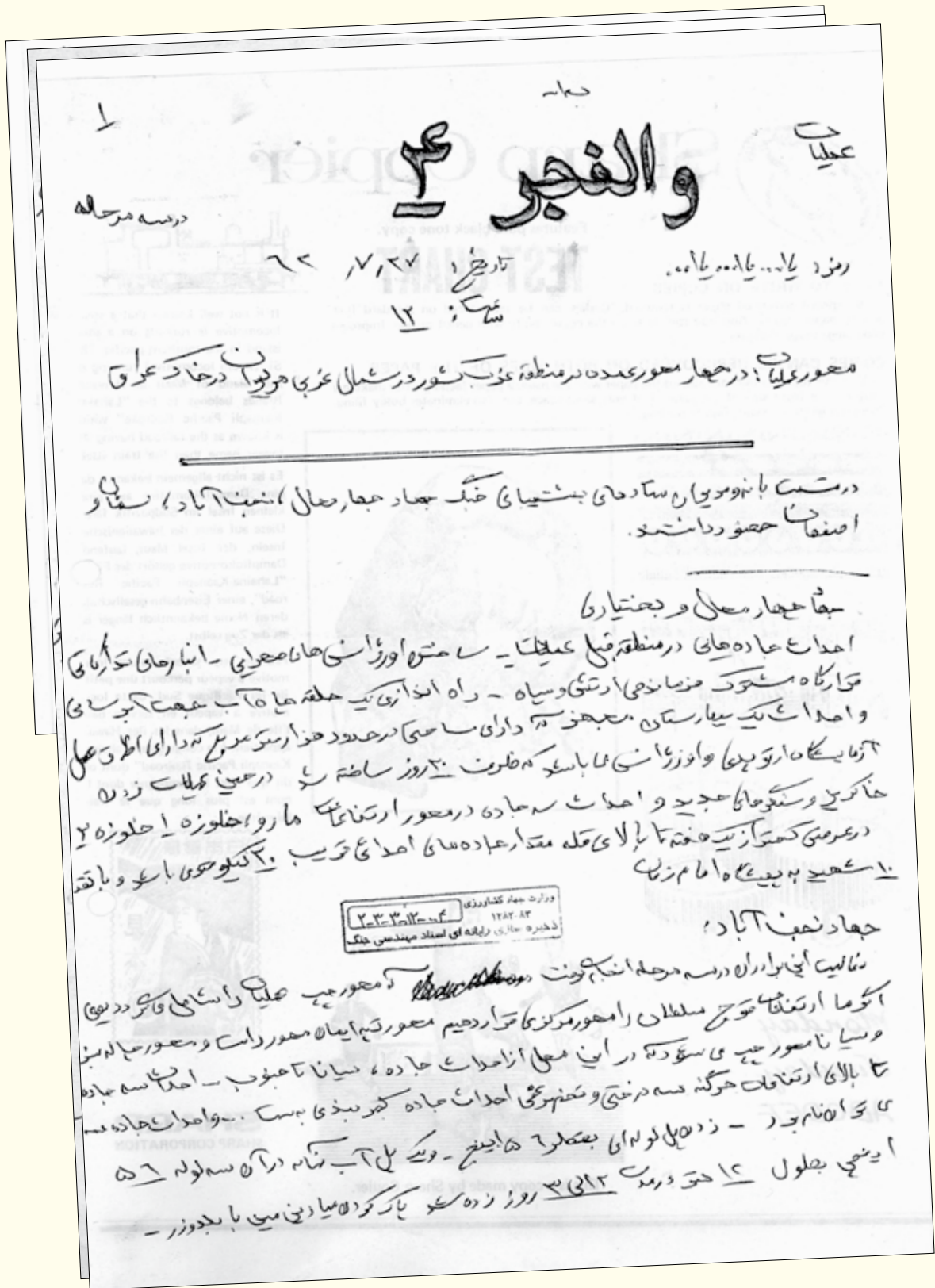
## تلفات دشمن:

۹۵۰۰ کشته و مجروح، ۹۰۰ اسیر، سرنگونی ۱۰ فروند هواپیما و ۵ فروند هلی‌کوپتر، انهدام ۶۵ دستگاه تانک و نفربر زرهی، ۱۸۰۰ دستگاه خودرو، ۷ توپ و مقادیر زیادی سلاح‌های سبک و سنگین.

## عملکرد پشتیبانی - مهندسی جنگ جهادسازندگی

- ۱- لوله‌گذاری جاده به طول ۸۰ کیلومتر؛
- ۲- احداث چندین کیلومتر خاکریز؛
- ۳- احداث یک پل بزرگ بر روی رودخانه ی ری؛
- ۴- احداث یک پل بزرگ بر روی رودخانه ی قزله؛
- ۵- احداث و تعمیر ۳۸۵/۴ کیلومتر جاده؛
- ۶- احداث ۱۲۳ سنگر؛
- ۷- احداث یک واحد آشپزخانه؛
- ۸- احداث یک واحد نمازخانه؛
- ۹- احداث یک باب انبار؛
- ۱۰- احداث ۴ باب حمام صحرائی؛
- ۱۱- احداث یک باب بیمارستان صحرائی؛
- ۱۲- احداث یک موتورخانه.







عملیات و العجر ۴ :

اصول خاکریز ۴۱۶ - کلومتر

اصول خاکریز ۴۱۶ - کلومتر  
اصول خاکریز ۴۱۶ - کلومتر  
اصول خاکریز ۴۱۶ - کلومتر

عملیات و العجر ۹ :

اصول خاکریز ۴۱۶ - کلومتر

اصول خاکریز ۴۱۶ - کلومتر

اصول خاکریز ۴۱۶ - کلومتر

جدد دانغان در عملیات و العجر ۹ :

اصول خاکریز ۴۱۶ - کلومتر

اصول خاکریز ۴۱۶ - کلومتر

اصول خاکریز ۴۱۶ - کلومتر

اصول خاکریز ۴۱۶ - کلومتر

اصول خاکریز ۴۱۶ - کلومتر

جهد چهار محال بختیاری

اصول خاکریز ۴۱۶ - کلومتر

جهد همدان در العجر ۹

اصول خاکریز ۴۱۶ - کلومتر

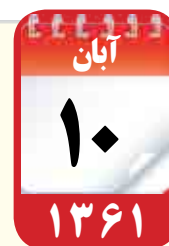
وزارت جهاد کشاورزی  
۱۳۴۲-۴۳  
معاونت مهندسی راه‌ها و ایستاد مهندسی جنگ


# آزادسازی سوسنگره







# عملیات محرم





**هدف عملیات**   
تصرف ارتفاعات سرکوب منطقه و قرار گرفتن در موضع برتر تاکتیکی.

**عملکرد پشتیبانی - مهندسی جنگ جهادسازندگی**   
- آزادسازی ۷۰۰ کیلومتر مربع از خاک ایران از جمله ارتفاعات ۴۰۰ و ۲۹۸، پل چم سری، حوزه نفتی بیات، نهر عنبر، چم سری و موسیان.  
- خارج شدن جاده عین خوش - دهلران از دید و تیر دشمن.  
- تسلط دید بر شهرک طیب عراق.  
- آزادسازی ۳۰۰ کیلومتر مربع از خاک عراق از جمله پاسگاه‌های زبیدات، شرهانی و ابوغریب و تأسیسات نفتی منطقه (۳۰ تا ۳۵ حلقه چاه نفت).

**رمز عملیات**   
یا زینب (س)

**ساعت شروع عملیات**   
۳۰ بامداد

**منطقه عملیات**   
سلسله جبال حمرین - موسیان، عین خوش، زبیدات

**تلفات دشمن**   
۶۰۰۰ کشته و زخمی و ۲۳۵۰ اسیر  
**تجهیزات منهدم شده ی دشمن:**  
انهدام ۲۷۰ تانک و نفربر، ۲۵۰ خودروی نظامی و ۳۰ تفنگ ۱۰۶، سرنگون شدن ۱۲ هواپیما غناتم، ۱۴۹ تانک و نفربر، ۲۷۰ خودروی نظامی و ۳۵ تفنگ ۱۰۶



تاریخ عملیات : ۶۱/۸/۱۰  
ساعت شروع عملیات : ۲۲/۰۸

نام عملیات : محرم (درآمرحله)  
رمز عملیات : یازدهم (س)

وزارت جهاد کشاورزی  
۱۳۴۲-۸۴  
دفتر بهره‌سازای رایانه‌ای اسناد مهندسی جنگ

**ثبت وقایع جنگ جهاد**

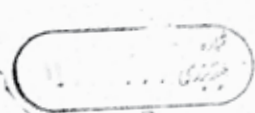
کد: ۵۲۷/۱/۵۲۷

تاریخ ورود: ۶۶/۱۱/۴

طبقه‌بندی: عادی

موضوع: گزارش

محدود عملیات : در ۴ محور در جنوب غربی منطقه عین خوش آغاز شد.



ناقص آزاد شده :

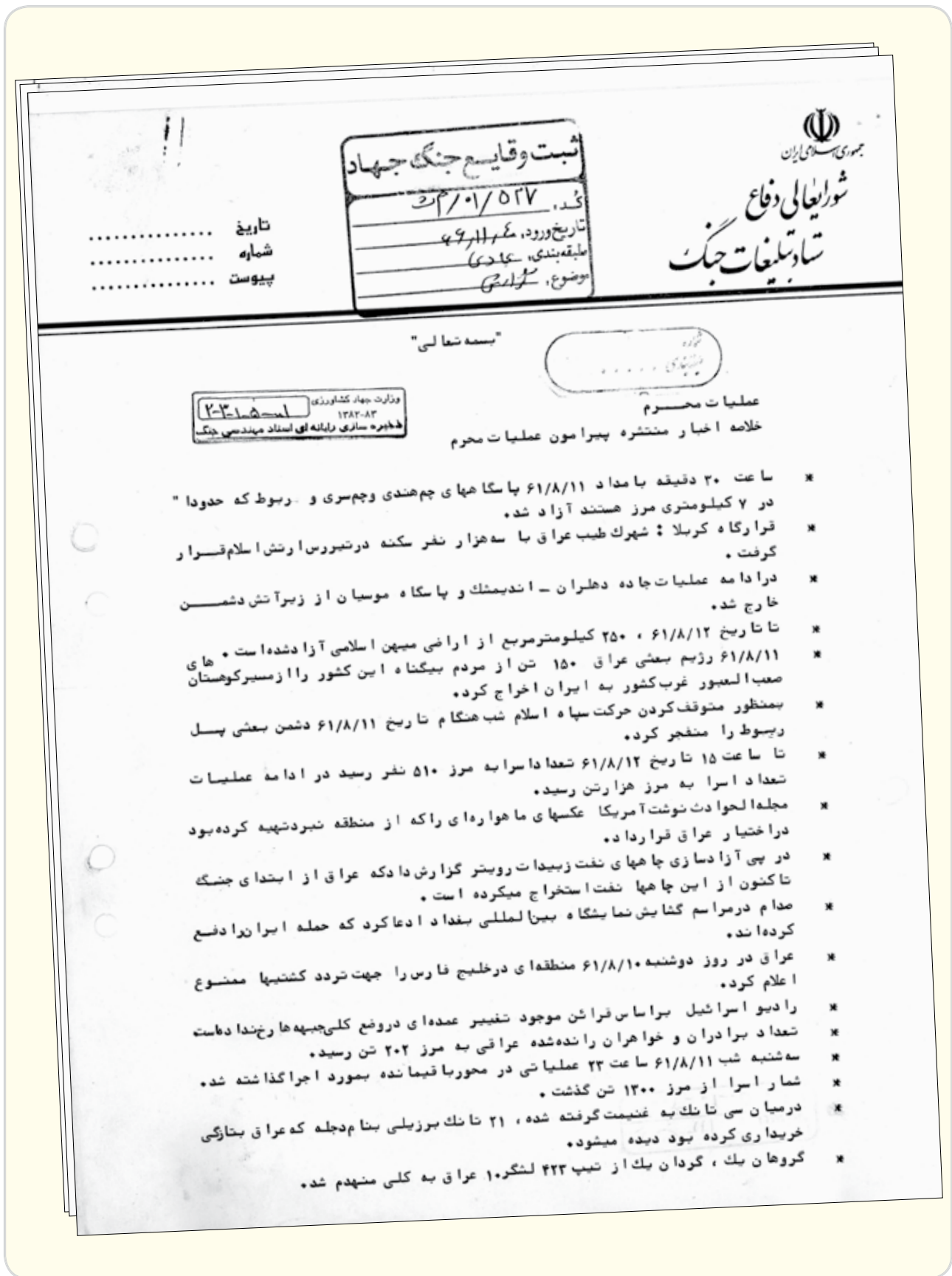
- ۱- جاده عین خوش - دملران بطول ۱۰۰ کیلومتر از زیر آتش دشمن خارج شد.
- ۲- خارج ساختن محور ارتباطی دملران ، موسیان ، عین خوش و شهرهای دملران ، عین خوش دشت آزره ، و روستاهای اطراف آن از زیر آتش دشمن.
- ۳- امنیت شهرهای موسیان ، دملران ، عین خوش ، دشت آزره و دهمکدههای اطراف آن .
- ۴- آزاد سازی سلسله جبال حمیرین ، قله های ۲۹۰ ، ۲۹۸ ، ۴۰۰ ، ۲۹۰ ، ۲۹۸ .
- ۵- آزاد سازی ارتفاعات مرزی بطول ۵۰ کیلومتر.
- ۶- بهخطر انداختن جاده ارتباطی بغداد ، بصره ، طیب ، عماره ، طیب ، جلفا شیبه - طیب ، علی غربی - و جاده نظامی بغداد ، عماره .
- ۷- منابع نفتی زبیدات و ۵ حوضچه نفتی و قلیبه خانه و نزدیک به ۷۰ حلقه چاه نفتی .
- ۸- جمعا ۵۵۰ کیلومتر مربع آزاد شد.

نشانیات دشمن :

- ۱- ۶۲۰۰ کشته و مجروح ۲۴۰۰ اسیر ، سرنگونی ۲۰ فروند هواپیما ، ۲۹۰ دستگاه تانک و نفربر درمی ، ۲۴۰ دستگاه خودرو ، چند دستگاه کاتیوشا ، چندین قبضه توپهای سنگ و سنگین .
- ۲- انهدام توپهای ۶۰-۶ ، ۴۲۲ پیاده ، ۷-۲ ، ۵-۵ ، ۶۰ ، ۴۲ و گردان ۱ تیپ ۲۴ مکانیزه ، ۲ تیپ از افراد جیش الشعبی ، گردان ۲ نیروی مخصوص ، ۵ کرومان کماندو ، توپهای ۲۴ مکانیزه و ۶۰ درمی ، توپهای ۵-۵ پیاده و ۴۲۲ ۶۰-۶ یارسازی شده .

توضیحات:

۱۲۰ دستگاه تانک و نفربر درمی ، ۲۴۰ دستگاه خودرو و ۲۸ قبضه تانک ۱-۶ ، چندین موشک انداز تار و مایهوتکا و مقدار زیادی ضد هوایی و خمپاره اندازه‌های مختلف .







# عملیات نصر ۱

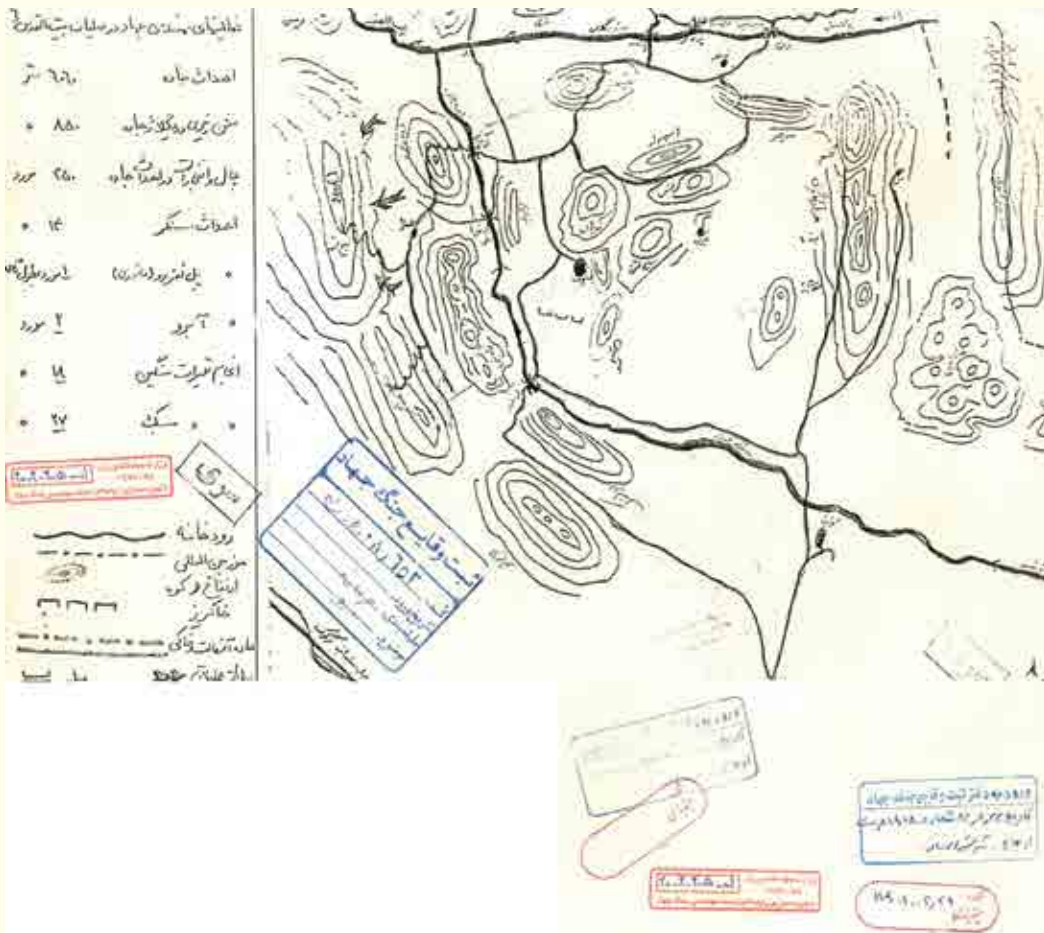
- عملکرد پشتیبانی- مهندسی جنگ جهادسازندگی**
- ۱- احداث و ترمیم بیش از ۵۸ کیلومتر جاده در مناطق کوهستانی و صعب العبور شمال غرب کشور؛
  - ۲- احداث ۳/۳ کیلومتر خاکریز؛
  - ۳- احداث ۲۳ دهنه پل؛
  - ۴- احداث ۳ قرارگاه عملیاتی با تمام سنگرها و استحکامات مورد نیاز به منظور استقرار لشکرهای ۵۷ لرستان، ۷ ولی عصر (عج) خوزستان و گردان ۲۱ امام رضا (ع)؛
  - ۵- احداث و راه اندازی ۱۳ اورژانس صحرائی؛
  - ۶- احداث ۸۴ سنگر گوناگون و سکوی ادوات؛
  - ۷- احداث ۳۹ سنگر و سوله ی بزرگ اجتماعی؛
  - ۸- احداث ۷۶ سنگر نفرات و ماشین آلات.



**رمز عملیات**   
یا محمد بن عبدالله (ص)

**منطقه عملیات**   
ماروت در استان سلیمانیه  
شهر ماووت عراق؛ ارتفاعات ۱۳۹۱، ۱۴۲۶ و ۱۴۲۸؛ روستاهای گمالان، گمالان خوارد، برگر بالا و برگر پایین.

**تلفات دشمن**   
کشته و زخمی: بیش از ۲ هزار نفر؛  
اسیر: بیش از ۲۰۰ نفر.



۶۲۴  
کتاب شماره ۱

۵

فرم وضعیت بهشتی هرروزه های امرای جنگ، جزوه... اوتاربخ ۱۹۶۸ لغایت ۱۹۶۹، ۹۶۶

نام‌کردان	کتاب‌ورزه	محل اجرا	وضعیت فعلی	علت توقف	وضعیت بهشتی (متر)	وضعیت آتش	نام‌کردان همکاری کننده	ملاحظات فرم پرونده
ذولقار زبان		شیرکوه	۱	-	۱۰۲۵ m	درباره زمین	---	اعراب جاده
"	"	۸.۴۴۰	۴	-	۲۴۵ m	عمولی	---	اعراب جاده
"	"	از کوه	۸	-	۱۱۵۰ m	"	---	تسلیم جاده
"	"	"	۲	-	۲۵۰ m	"	---	اعراب جاده
"	"	"	۱	-	۵ مورد	"	---	اعراب سکر سولای
"	"	"	"	-	۲۴ مورد	"	---	اعراب سکر خان
"	"	"	"	-	۷۴۵ مورد	"	---	مباله زنی و انبار کرده
"	"	"	۱	-	۳۳ مورد	"	---	سکر زور و داره
"	"	زادگاه کربلای معلی	۱	-	۲۱۰۰ م	"	---	اعراب جاده
"	"	محل	۱	-	۴۲ متر	۱۱۰ و ۱۲۰ متر	---	فصله ای نوزاد اولاد
"	"	زادگاه کربلای معلی	۱	-	۸ مورد	عمولی	---	کتابچه هر روز و ولادت

درباره جاده کشاورزی ۱۱-۲-۱۲-۰۰۱

شماره سازی رایانه ای اسناد مینجمن جنگ

تست وقایع جنگ جهاد

شماره ۶۲۴/۱۲/۲

تاریخ ورود: ۱۳۶۸/۳/۲۵

تاریخ خروج: ۱۳۶۸/۳/۲۵

تاریخ بهشت: ۱۳۶۸/۳/۲۵

واحد امام و بر شامه رهبری

## «جهاد سازندگی» پایه گذار فعالیت‌های موشکی کشور بود



جهاد سازندگی به صورت دقیق روی قسمت‌های مختلف موشک کار کرده بودند، اظهار داشت: آن موقع وقتی من گزارش را خدمت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی دادم خیلی خوشحال شدند و اگر به صحبت‌های ایشان در نماز جمعه رجوع کنید، با اتکا به همین فعالیت‌های مهندسی جنگ جهاد سازندگی ایشان گفتند ما راکت یا موشکی خواهیم داشت که حتما می‌توانیم شهرهای عراق و البته بغداد را در دسترس داشته باشیم.

وی ادامه داد: جا دارد که من از تمام فعالیت‌های رزمی، مهندسی و پشتیبانی جهاد سازندگی در جنگ تقدیر کنیم و علی‌الخصوص چنین فعالیتی که به صورت خیلی جدی و مناسب انجام شد و پایه‌گذار فعالیت‌های موشکی کشورمان در امر موشک دوربرد سوخت جامد بود. امیدوارم موزه دفاع مقدس و انقلاب اسلامی بخش مربوط به صنایع و پشتیبانی صنعتی را هم در یکی از غرفه‌های موزه در نظر بگیرد و فعالیت‌های علمی که پایه‌گذاری آن از همان سال‌های ۶۳، ۶۴ و ۶۵ در کشور آغاز شد و امروز ما ثمره آن را در موشک‌های دوربرد می‌بینیم را به مردم خوب ما نشان بدهد.

کار می‌کردند و قرار بود بدنه آن موشک کامپوزیتی باشد. آن موقع راکت دیگری در نیروی زمینی سپاه تحقیق و ساخته می‌شد که موشک «سجیل» نام داشت و بدنه آن هم فایبرگلاس بود. در نهایت، مجموعه‌ای در غرب تهران توسط مهندسی جنگ جهاد سازندگی به ریاست آقای شریفیان و قائم‌مقامی آقای مرجوعی شکل گرفته بود و کار تحقیقاتی موشکی به نام «مجمع» را شروع کرده بودند و بسیار هم علمی برخورد می‌کردند. این «مجمع» مخفف موشک جواب تجاوزات موشکی عراق بود.

وی افزود: من از همه این‌ها بازدید کردم و وقتی به مهندسی جنگ جهاد سازندگی رسیدم دیدم اینجا واقعا کارشان خیلی عمیق است. از یکی دو سال قبل شروع کرده بودند و به نزدیک راکت ۱۰۰ کیلومتری رسیده بودند. فاصله هوایی مرز ما تا بغداد ۱۰۰ کیلومتر است، روی چنین راکتی کار می‌کردند که به راحتی بتوانند بغداد را بزنند. وقتی بازدید کردم دیدم از صفر تا ۱۰۰ را در حال ساخت در کشور هستند. سوخت پیشرفته‌ای کار می‌کردند که الان هم از آن استفاده می‌شود و آنجا روی آن کار می‌کردند. هاشمی با تاکید بر اینکه مهندسی جنگ

رئیس شورای شهر تهران با اشاره به فعالیت‌های تحقیقاتی ساخت موشک در زمان دفاع مقدس تاکید کرد: جا دارد که من از تمام فعالیت‌های رزمی، مهندسی و پشتیبانی جهاد سازندگی در جنگ تقدیر کنیم و علی‌الخصوص چنین فعالیتی که به صورت خیلی جدی و مناسب انجام شد و پایه‌گذار فعالیت‌های موشکی کشورمان در امر موشک دوربرد سوخت جامد بود.

به گزارش جماران، محسن هاشمی در یادواره سردار سرلشگر جهادگر شهید سید محمدتقی رضوی و شهدای مهندسی رزمی، در خصوص فعالیت‌های صنعتی جهاد سازندگی در دوران دفاع مقدس گفت: یادم هست که سال‌های دهه ۶۰ آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به من ماموریت دادند بازدیدهایی از فعالیت‌های ساخت موشک و راکت دوربرد در جاهای مختلف کشور داشته باشم.

رئیس شورای شهر تهران تصریح کرد: در آن تاریخ چهار محل مشغول فعالیت‌های تحقیقاتی بودند. یکی در صنایع پارچین بود که با نام «زلزال» فعالیت می‌کردند. مرکز تحقیقاتی هم در صنایع دفاع لویزان بود که روی یک موشک به نام «زلزال»



## سردار طهرانی مقدم:

# ساخت موشک از مجموعه‌های تحقیقاتی جهادسازندگی شروع شد



به گزارش جماران؛ آیین تجلیل از «تجلیل از رزمندگان شاغل و بازنشسته وزارت جهاد کشاورزی» با حضور کاظم خاوازی وزیر جهاد کشاورزی و سید حمزه رضوی مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران، داود دانش جعفری رئیس ستاد مرکزی پشتیبانی و مهندسی جنگ جهادسازندگی و جمعی از فرماندهان ارشد قرارگاه‌های پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد در دوران دفاع مقدس، سردار ادیبی دبیر ستاد راهیان نور کشور، سرهنگ زنوزی معاون امور ایثارگران ستاد کل نیروهای مسلح در تهران و همچنین حضور ویدئو کنفرانسی و آنلاین روسای سازمان جهاد کشاورزی استانها، فرماندهان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد و جمعی از مقامات و مسئولین استانی برگزار شد.

سردار محمد طهرانی مقدم، در این مراسم از محل سازمان جهاد کشاورزی استان مرکزی، گفت: امروز آن چیزی که از امنیت پایدار و اقتدار روزافزون در کشور داریم برگرفته از خون شهدا و مجاهدت‌های رزمندگان و جانبازان هشت سال دفاع مقدس است که باید قدر آن را بدانیم.

مشاور دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام افزود: ساخت موشک‌های اقتدار آفرین در ابتدای انقلاب اسلامی از مجموعه‌های تحقیقاتی جهادسازندگی شروع شد و اگر امروز می‌گوییم به قدرت برتر موشکی دست پیدا کردیم و خودمان را در حوزه فضا برتر می‌دانیم به برکت مجاهدت‌های جهادگران و

شهدای جهاد است که این کار ارزشمند را شروع کردند.

وی تصریح کرد: شهید حسن طهرانی مقدم ایران اسلامی را به قدرت ششم موشکی در دنیا تبدیل کرد اما مقدمه این کار توسط جهادسازندگی شکل گرفت، چرا که بعد از تشکیل جهادسازندگی در ابتدای انقلاب، یکی از اولین مسئولین جهادسازندگی در شمال کشور حاج حسن طهرانی مقدم بود که خدمات گسترده‌ای را از همان ابتدا پایه گذاری کرد.

این فرمانده ارشد هشت سال دفاع مقدس با اشاره به تعهد و عدم دلبستگی به مادیات به عنوان خصیصه‌های شاخص شهید طهرانی مقدم گفت: اگر امروز اسمی از شهدا می‌آوریم باید راه و سیره آنها را با قدرت ادامه دهیم و مهمترین ویژگی شهدا عدم وابستگی آنها به مادیات بود. شهدا تنها برای کسب رضای الهی و ولی امر خود گام برداشتند و همین ویژگی سبب شد که جزو بندگان مخلص



خداوند باشند.

وی افزود: حسن طهرانی مقدم یک مدیریت جهادگونه همراه با ایثار و از خودگذشتگی را اعمال می‌کرد و با این مدیریت توانست اقدامات بسیار بزرگی را انجام دهد. این ویژگی‌ها سبب شد نام او برای همیشه در ذهن‌ها ماندگار باشد.

سردار محمد طهرانی مقدم با اشاره به اینکه «سنگر سازان بی سنگر در دفاع مقدس اقداماتی انجام دادند که از نظر مهندسی و فنی شاهکارهای بزرگی بود و امروز بسیاری از نخبگان دنیا مشتاق هستند که این اقدامات و خالق آنها را از نزدیک ببینند» گفت: سنگرسازان بی سنگر در دفاع مقدس بن بست شکن بودند و عنوان سنگرساز بی سنگر که توسط حضرت امام(ره) به آنها داده شد کاملاً حکیمانه و مدبرانه بود و امروز باید عمق این کلام را بهتر تبیین کنیم.

مشاور دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام افزود: سنگرسازان بی سنگر از اولین افرادی بودند که اقتصاد مقاومتی را در دفاع مقدس عملیاتی کردند و با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی و توان رزمندگان نقش آفرینی بسیار گسترده‌ای را در این عرصه انجام دادند که سبب خیرات و برکات فراوانی شد.

وی با بیان اینکه پیشکسوتان جهادسازندگی دنیایی از تجربیات عملیاتی و آموزه‌های ارزشمند دارند که باید به خوبی از آنها استفاده کرد چراکه سنگر سازان بی سنگر در حوزه پشتیبانی جنگ نقش محوری داشتند، افزود: آنها بی صدا و مظلومانه در دفاع مقدس خدمت‌رسانی می‌کردند.

شماره: ۲۲۱۶۱۳/۱/۸۵/۹۹۱۳۱۲۸  
تاریخ: ۱۳۹۹/۰۶/۱۸  
پیوست: داره



از: معاونت نیروی انسانی ستاد کل نیروهای مسلح - اداره امور اینارگران  
به: بنیاد شهید و امور اینارگران - مدیرکل محترم پذیرش و امور اداری  
موضوع: ابلاغ دستورالعمل اجرایی تبصره بند الف ماده ۸۷ قانون برنامه ششم

از ۱۷ شهریور تا امروز سالروز افتخار آمیز آن، هرگز سستی و قصور در اراده آهنی ملت انقلابی ایران حاصل نشده بلکه هر واقع و فاجعه ای او را مصمم تر و متشجع تر می کند. امام خمینی (ره)

سلام علیکم؛

با صلوات بر محمد(ص) و آل محمد(ص) و با احترام؛

بدین وسیله تصویر ابلاغیه مربوط به دستورالعمل اجرایی بند الف ماده ۸۷ قانون برنامه ششم توسعه به شماره ۲۲۱۶/۱/۸۵/۱۴ مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۶ ارسالی به سازمان بسیج مستضعفین جهت تشکیل پرونده رزمندگان فاقد مدارک بالینی جمعی نهادهای و سازمان های مندرج در ماده ۳۸ قانون جامع خدمات رسانی از جمله کارکنان وزارت جهاد کشاورزی جهت بهره برداری و اقدامات بعدی حضورتان ارسال می گردد.

معاون نیروی انسانی ستاد کل نیروهای مسلح  
سرتیپ پاسدار محمدجواد زاده گنگو  
نایب رئیس هیئت مدیره



	<p><b>فرماندهی کل قوا</b> <b>ستاد کل نیروهای مسلح</b></p>	 جمهوری اسلامی ایران
شماره: ۲۲۱۶/۱/۸۵/۸۴	از: معاونت نیروی انسانی ستاد کل نیروهای مسلح - اداره ایثارگران	
تاریخ: ۱۳۹۸/۰۵/۹	به: وزارت جهاد کشاورزی - مدیرکل محترم امور ایثارگران	
پیوست: دارد - صلوات	موضوع: ابلاغ دستورالعمل اجرایی تبصره بند الف ماده ۸۷	
<p>« هر که از خدا پروا کند از او پروا کنند، هر که اطاعت خدا کند اطاعتش کنند. » حضرت امام جواد (علیه السلام)</p>		
سلام علیکم؛ با صلوات بر محمد و آل محمد		
<p>با احترام، بدین وسیله تصویر ابلاغیه مربوط به دستورالعمل اجرایی تبصره بند الف ماده ۸۷ قانون برنامه ششم توسعه به شماره ۲۲۱۶/۱/۸۵/۱۴ مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۶ ارسالی به سازمان بسیج مستضعفین جهت تشکیل پرونده رزمندگان فاقد مدارک بالینی جمعی نهادها و سازمان های مندرج در ماده ۳۸ قانون جامع خدمات رسانی از جمله کارکنان وزارت جهاد کشاورزی حضورتان ارسال می گردد. شایسته است دستور فرمایید وفق مندرجات ابلاغیه صدرالذکر، همکاری ها و هماهنگی های لازم را با اداره ایثارگران سازمان بسیج مستضعفین بعمل آورده و هر ۶ ماه یکبار گزارش آن را به این معاونت (اداره ایثارگران) ارسال نمایند. % م</p>		
<p>معاون نیروی انسانی ستاد کل نیروهای مسلح  <b>سرتیپ پاسدار محمدجواد زاده کمند</b></p>  <p>رئیس ستاد دوم پاسداران بسیجی</p>		
 <p>رونوشت: ۱۳۹۸/۰۵/۹          شماره: ۹۸/۰/۹۸</p>		
مشاور: محترم وزیر جهاد کشاورزی در امور ایثارگران برادر ارجمند جناب آقای این جهت آگاهی و اقدام لازم		



فرماندهی کل قوا  
ستاد کل نیروهای مسلح



از: معاونت نیروی انسانی ستاد کل نیروهای مسلح - اداره امور ایثارگران  
 به: سپاه - سردار معاون محتوم نیروی انسانی  
 موضوع: اجرای دستورالعمل اجرایی تبصره بند الف ماده ۸۷ قانون برنامه ششم توسعه (فائدين مدارک بالینی) پیوسته؛  
 (برای رزمندهگان سایر کارکنان نهادهای مندرج در ماده ۳۸ قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران)

هر کس برادر دینی اش را بنهانی نصیحت کند او را آراسته و آمرانکارا نصیحتش ننماید، ارزش او را گماسته استند. حضرت امام حسن مکتوب علیه السلام.

بیرو ابلاغیه شماره ۲۲۱۶/۱/۸۵/۲۹ مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۳

سلام علیکم! (با صلوات بر محمد و آل محمد)

با احترام،

۱- ماده ۳ دستورالعمل اجرایی تبصره بند الف ماده ۸۷ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه ج.ا.ا (موضوع تفاهم نامه متعقدہ ما بین ستاد کل نیروهای مسلح و بنیاد شهید و امور ایثارگران)؛ اشعار می دارد: سایر کارکنانی که از طریق دیگر نهادهای مندرج در ماده ۳۸ قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران به جبهه اعزام شده اند و برای محوریت اظهاری خود، فاقد صورت ساندخ و مدارک بالینی همزمان یا حادثه می باشند ولی از نظر کمیسیون پزشکی سپاه، برابر شرایط مقرر در این دستورالعمل محوریت آنان مورد تأیید قرار می گیرند؛ توسط بنیاد به عنوان جانباز تلقی می گردند.

۲- از آنجائی که اجرای این ماده مورد مطالبه کارکنان دستگاه های غیر نیروهای مسلح است که از طریق نهادهای متبوع خود در زمان دفاع مقدس به جبهه اعزام گردیده و از سوی نیروهای مسلح در جبهه سازماندهی و یکارگیری شده اند و سوابق حضور در جبهه آنان در سازمان بسیج مستضعفین مورد بررسی و تأیید قرار می گیرد؛ ضروری است ساز و کار اجرایی آن در سازمان مذکور فراهم شده و نسبت به پذیرش این کارکنان در چارچوب دستورالعمل ابلاغی (تفاهم نامه) و ابلاغیه شرح وظایف که طی نامه پیروی شماره بالا به سازمان های نیروهای مسلح و دیگر نهادی مربوط ارسال گردیده است، اقدام گردد.

۳- با عنایت به مراتب بالا خواهشمند است دستور فرمایید، معاونت نیروی انسانی سازمان بسیج مستضعفین ضمن آمادگی لازم برای پذیرش کارکنان نهادهای و سازمان های موضوع ماده ۳۸ قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران از جمله وزارت جهاد کشاورزی که در امر پشتیبانی رزمی و مهندسی رزمی جنگ شرکت داشته است، هماهنگی های لازم را با انعقاد تفاهم نامه دو جانبه میان نهادهای و سازمان های موضوع و سازمان بسیج (هزای نحوه تأمین هزینه ها و تعیین تعهدات و وظایف) به عمل آورده و پس از طی فرآیند مذکور در



**فرماندهی کل قوا**  
**ستاد کل نیروهای مسلح**



جمهوری اسلامی ایران

دستورالعمل و معرفی به کمیسیون عالی پزشکی بسیج، در صورت تأیید هر یک از کارکنان، نسبت به معرفی آنان به بنیاد شهید و امور ایثارگران با امضاء معاون نیروی انسانی سازمان بسیج مستضعفین اقدام نمایند.

۴- لازم به تذکر است نام همه دستگاه هایی که مبادرت به اعزام نیرو به جبهه ها می نمودند در متن ماده ۳۸ احصاء نگردیده است که از آن جمله می توان به وزارت خانه های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و راه و ترابری (وقت) اشاره نمود که ضروری است نسبت به کارکنان اعزامی دستگاه های یاد شده نیز اقدام گردد.

تکمله: برخی امتیازات در نظر گرفته شده در جداول پیوست دستورالعمل از جمله حضور در واحدهای توپخانه و زرهی عموماً به نوع حضور کارکنان نهادهای موصوف در جبهه مرتبط نیست و طبیعی است این امتیاز شامل حال این کارکنان نخواهد شد. ولی چنانچه مدارک متقنی از حضور در واحدهای توپخانه و زرهی (به عنوان مثال به صورت مأمور) از سوی این کارکنان ارائه گردد، قابلیت امتیاز دهی دارد.

معاون نیروی انسانی ستاد کل نیروهای مسلح  
سرتیپ پاسدار محمدجواد زاده کتندی

**رونوشت اول:**

۱- سردار معاون محترم بهداشت، امداد، درمان و آموزش پزشکی بنیاد شهید و امور ایثارگران جهت استحضار و صدور دستورات لازم به کمیسیون عالی پزشکی بسیج در راستای پذیرش بشمولین این ابلاغیه با هماهنگی اداره ایثارگران سازمان بسیج مستضعفین

**رونوشت دوم:**

۱- سازمان بسیج مستضعفین - معاون محترم نیروی انسانی جهت استحضار و صدور دستور هماهنگی های لازم

۲- سازمان بسیج مستضعفین - ریاست محترم اداره بهداشت و درمان - کمیسیون عالی پزشکی بسیج جهت استحضار و صدور دستور هماهنگی های لازم

## متن پیام دکتر کاظم خاوازی وزیر جهاد کشاورزی به مناسبت چهلمین سالگرد دفاع مقدس

رکاب کرده و عاشقانه و مخلصانه در عرصه های مختلف مجاهدت کردند و بر گهای زرینی بر تاریخ سراسر افتخار این مرز و بوم افزودند. فرزندان جهادی امام خمینی (ره)، هر غیرممکنی را برای خود ممکن کردند و با تکیه بر تعهد و تخصص - به تعبیر زیبایی امام (ره) - «بذر انقلاب را در دل هر روستایی کاشتند و بزرگترین آبرو را به انقلاب اسلامی خود دادند و با تکیه به اسلام و خدای تعالی در این راه بهترین نمونه و الگو برای همه جوانان مسلمان و متعهد اسلامی گردیدند.»

از عرصه محرومیت زدایی و عمران روستاها تا پشتیبانی و مهندسی جنگ، از ارتقا امنیت غذایی تا خود اتکایی در تولید محصولات استراتژیک، رد پای جهادگران و گامهای بلند و ماندگار ایشان نشان از مدیریتی دارد که از «فرهنگ جهادی» نشأت گرفته و امروز نیز آن روحیه متعالی و ثمره مجاهدتهای آنان، چراغ راه همه ما در خدمت به ملت شریف و شهید پرور ایران اسلامی است. ضمن پاسداشت از خود گذشتگی و جانفشانی بیش از ۵۴۰ هزار نیروی جهادگر اعزامی به جبهه های نبرد حق علیه باطل، ۳۳۹۱۳ جانباز جهادگر و بیش از ۱۲۰۰ آزاده جهادگر، یاد و خاطره ۳۳۹۶ شهید وزارت جهاد کشاورزی را گرامی داشته و به مقام شامخ تمامی شهیدان و مجاهدان راه حق و فضیلت ادای احترام کرده و درود می فرستم.

**کاظم خاوازی**  
وزیر جهاد کشاورزی



به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی؛ متن پیام به این شرح است:

چهلمین سالگرد دفاع مقدس فرصتی برای بازخوانی ایثار و جانبازی «جهادگران» و به تصویر کشیدن رشادت و فداکاری «سنگرسازان بی سنگر» است.

جهادگرانی که از بدو پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در پاسخ به ندای «هل من ناصر ینصرنی» امام امت (ره) و ولی فقیه زمان خویش، پای در

## متن پیام مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی به مناسبت چهلمین سالگرد دفاع مقدس

بهبتر، نقش سرداران جهاد در جنگ، یکی از نقش های بارز و درجه اول است. «جهاد سازندگی» مولود انقلاب شکوهمند اسلامی بود و به تعبیر زیبای مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)، انقلاب را معنی می داد و جهت انقلاب را مشخص می کرد. جهادگران عاشق خدمت به اسلام، مردم و میهن بودند و با اقدامات، ابتکارات و خدماتشان در همه میدانها و عرصه ها، عشق و اخلاص را معنی و مفهوم دیگری بخشیدند و «ما می توانیم» را تعبیر و تفسیر کردند و پس از شهادت نیز گوهر شب چراغی برای راهنمایی همزمان و همسنگران خود شدند.

چهلمین سالگرد دفاع مقدس، فرصتی است تا یاد و نام آن نامآوران گمنام و رزم آوران بی ادعای دوران دفاع مقدس را گرامی بدریم که با زحمات و تلاش خود در نهادهای که «رکن سوم جنگ» بود، زمینه های حماسه آفرینی، فتح و ظفر پاسداران غیور و ارتشیان سرافراز را فراهم آوردند و از این رو، مفتخر به دریافت نشان پرافتخار «سنگرسازان بی سنگر» از دستان پر برکت امام خمینی (ره) شدند.

به روح مطهر و منور ۳۳۹۶ شهید جهادگر درود و سلام می فرستم و یاد و خاطره جانفشانی همه ایثارگران، جانبازان و آزادگان وزارت جهاد کشاورزی را گرامی می دارم.

**سید حمزه رضوی**  
مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران  
وزارت جهاد کشاورزی



به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی؛ متن پیام به این شرح است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (آل عمران، آیه ۱۲۶)  
یاری و نصرت جز از سوی خدای توانای شکست ناپذیر و حکیم نیست. امام مان (ره) بر این باور بود که ترسیم زحمات بی وقفه فرزندان عزیز جهادی اش در دوران دفاع مقدس، در قالب الفاظ نمی گنجد و رهبر عزیزمان نیز معتقد است که نقش شهدای جهاد در جنگ یا به تعبیر

## تجدید عهد و میثاق مدیران و کارکنان وزارت جهادکشاورزی با شهدا



در بخش دیگری از این مراسم، حجت الاسلام و المسلمین شاهرادیان معاون فرهنگی و آموزشی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جهادکشاورزی طی سخنانی، حرکت جهادگران را حرکتی الهی دانست که از پیشینه‌ای قرآنی و الهی نشأت گرفته است و از این رو این نقش را اثرگذار و ماندگار دانست. وی ضمن تأکید بر زنده نگه داشتن فرهنگ ایثار، مجاهدت و شهادت در جامعه گفت: در چنین جامعه‌ای می‌توان انتظار داشت که انسان‌ها به رشد حقیقی دست یابند و در تاریخ هشت ساله دفاع مقدس جهادگران نشان دادند که می‌توان در برابر حملات دشمن به سازندگی روحی و معنوی علاوه بر خدمت رسانی در ابعاد گسترده جنگ دست یافت. در بخش پایانی این مراسم، مداح اهل بیت حاج مرتضی طاهری به ذکر حماسه شهدای کربلا پرداخت و سپس مدیران و کارکنان وزارت جهاد کشاورزی با نثار گل بر مزار شهدا خصوصاً سردار جهادگر شهید سید مرتضی آوینی (مسئول گروه روایت فتح جهاد)، یاد و خاطره شهدای وزارت جهادکشاورزی را گرامی داشتند.

در دومین روز از هفته دفاع مقدس، مدیران و کارکنان وزارت جهاد کشاورزی با حضور در گلزار شهدای بهشت زهرا(س) با شهدای جهادگر تجدید بیعت کردند.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، در این مراسم که به همت اداره کل امور ایثارگران وزارت جهادکشاورزی در قطعه ۲۹ بهشت زهرا و در جوار مزار سردار جهادگر شهید سید مرتضی آوینی برگزار شده بود، دکتر شاهرخ شجری معاونت توسعه مدیریت و منابع ضمن گرامیداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس، یاد و خاطره شهدای وزارت جهادکشاورزی را گرامی داشت.

وی در ادامه با اشاره به نقش جهاد به عنوان رکن سوم جنگ، به اقدامات جهاد در دوران دفاع مقدس اشاره کرد و خاطر نشان ساخت: تشکیلات پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی از قرارگاه مرکزی، و پنج قرارگاه عملیاتی (قرارگاه کربلا، قرارگاه نجف، قرارگاه حمزه، قرارگاه نوح نبی، قرارگاه رمضان) و نیز تعداد ۶ تیپ مهندسی و ۴۴ گردان مهندسی رزمی تشکیل شده بود و با اعزام بیش از ۵۴۰ هزار رزمنده، ۳۳۹۶ شهید و ۲۳۹۱۳ جانباز و بیش از ۱۲۰۰ آزاده، نقشی مهم و شاخص را در دوران دفاع مقدس ایفا کرد.

معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت جهاد کشاورزی، حضور جهادگران را سبب برهم زدن معادلات دشمن در جنگ تحمیلی و حضور آنها را عناصری تأثیر گذار در همه ادوار تاریخ انقلاب دانست.

دکتر شجری در پایان با یادآوری فعالیتها متنوع و ابتکارات جهادگران در دوران دفاع مقدس، آن روحیه و فرهنگ را عاملی در پیشسازی آنان در عرصه سازندگی و خود اتکایی در تولید محصولات غذایی دانست.



## اقدامات جهاد سازندگی در دوران دفاع مقدس، بسیار ارزشمند بوده است

وی ادامه داد: در دومین روز از هفته دفاع مقدس، غبار رویی و حضور در گلزار شهدای بهشت زهرا(س) در کنار تربت پاک جهادگر شهید سید مرتضی آوینی می باشد، همچنین در هفته دفاع مقدس برخی از فیلم‌های منتشر نشده شهید آوینی که در اختیار این وزارتخانه قرار دارد در حوزه هنری، برج میلاد و باغ موزه دفاع مقدس نمایش داده خواهد شد.

وی درباره محتوای این فیلم ها گفت: این فیلم ها توسط گروه تلویزیونی جهاد سازندگی سابق به سرپرستی شهید آوینی تهیه شده که شامل اقدامات جهادی در حوزه محرومیت‌زدایی، عملیات والفجر و اقدامات جهاد سازندگی در شمال غرب کشور است.

رضوی گفت: اخیراً این فیلم‌ها از فرمت ۳۶ میلیمتری به فایل‌های دیجیتال تبدیل شده است که اولین اکران در باغ موزه دفاع مقدس و در روز پنجشنبه سوم مهر از ساعت ۳ تا ۵ خواهد بود که بازدید آن برای عموم رایگان است.

سید حمزه رضوی عنوان کرد: ۲۷۰۰ فرزند شاهد شاغل در وزارت جهاد کشاورزی مشغول به کار هستند که در هفته آینده با وزیر جهاد کشاورزی دیدار خواهند داشت، علاوه بر این مراسمات برنامه‌هایی هم داریم با عنوان هفت روز هفت پوستر و هفت روز هفت کلیپ که امروز از اولین پوستر با عنوان اقتدار، ولایت‌مداری، همبستگی ملی رونمایی شد.

ایشان با اشاره به راه اندازی سامانه سراج، اظهار داشت: در این سامانه چیزی حدود سه میلیون برگ سند، عکس و اطلاعات مربوط به مهندسی رزم بارگذاری شده است، به طوری که مردم نیز به راحتی می‌توانند به این اسناد دسترسی پیدا کنند. هدف ما از راه‌اندازی این سامانه، آشنایی آحاد مردم با اقدامات صورت گرفته از سوی نیروهای جهاد کشاورزی در دوران دفاع مقدس است. علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه به این سایت با آدرس <https://seraj.maj.ir> نسبت به اطلاعات بارگذاری شده آگاهی کسب کنند.

مشاور وزیر جهاد کشاورزی در رابطه با واگذاری سهام شرکت‌های تابعه وزارت جهاد کشاورزی عنوان کرد: در قالب اصل ۴۴ مصوب شد تا سهام موسسه های جهاد نصر، جهاد توسعه و موسسه جهاد تحقیقات با شرکت‌های تابعه این موسسات به ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی واگذار شود که تاکنون ۸۵ هزار نفر سهامدار این شرکت‌ها شده‌اند و تا سه ماه دیگر سهام این شرکت‌ها وارد بورس خواهد شد.



نشست خبری اعلام برنامه های هفته دفاع مقدس اداره کل امورات ایثارگران، با حضور سید حمزه رضوی مشاور وزیر و مدیر کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی و جمعی از اهالی رسانه، به مناسبت آغاز چهلمین سالگرد دفاع مقدس برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امورات ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی، سید حمزه رضوی در نشست خبری که به مناسبت هفته دفاع مقدس برگزار شد، اظهار کرد: سعی ما در این چند سال بیان واقعیات و اقدامات جهاد در دوران جنگ و پس از جنگ؛ در بخش پشتیبانی و مهندسی بوده است.

وی افزود: وزارت جهاد کشاورزی در دوران دفاع مقدس به غیر از پشتیبانی، در زمینه مهندسی جنگ نیز فعالیت داشت و شهید ساجدی، شهید ناجیان، شهید طرحچی و بسیاری از شهدای دیگر، از مهندسی رزمی جنگ بودند که پل‌های مهم و استراتژیک جنگ را بنا کردند.

رضوی ادامه داد: وزارت جهاد مجموعه‌ای به نام "تحقیقات مهندسی" را ایجاد کرد که در این بخش ماشین‌های مین روبر، ماشین‌های دوزیست و زیردریایی و حتی هوافضا، موشک ساخته شد و بعد از اتمام جنگ نیز به بخشی از فعالیت‌های خود ادامه دادند به طوری که گنبد اولیه بارگاه امام خمینی (ره) توسط آنها طراحی و اجرا شد و اکنون نیز به زیرمجموعه وزارت فناوری ارتباطات و پژوهش‌کده تحقیقات فضایی منتقل شده است.

مشاور وزیر جهاد کشاورزی با اشاره به تفاوت وزارت جهاد با دیگر وزارتخانه‌ها گفت: این وزارتخانه در دوران دفاع مقدس، بیش از ۵۴۰ هزار نیرو را به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل اعزام و ۲۳۹۱۳ جانباز جهادگر و بیش از ۱۲۰۰ آزاده جهادگر و ۳۳۹۶ شهید در راه دفاع از کشور تقدیم کرد.

وی در رابطه با ارائه خدمات به ایثارگران خاطرنشان کرد: امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی اعتبارات به دست آمده را در جهت ارتقاء معیشت ایثارگران هزینه می‌کند.

مشاور وزیر و مدیر کل امورات ایثارگران در رابطه با برنامه‌های امور ایثارگران در هفته دفاع مقدس تصریح کرد: در هفته دفاع مقدس دو برنامه داریم که یکی تجلیل از رزمندگان و برنامه دیگر افتتاح نمایشگاه باغ موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در روز دوم مهر است که وزارت جهاد کشاورزی هم غرفه‌ای را به عنوان دستاوردهای دفاع مقدس و خدمات پس از جنگ در این نمایشگاه دارد.





## ویژه نامه هفته دفاع مقدس و یادواره سردار سرلشگر جهادگر شهید سید محمد تقی رضوی

شماره فوق العاده «نشریه پل» ویژه هفته دفاع مقدس و یادواره سردار سرلشگر جهادگر شهید سید محمد تقی رضوی (فرمانده ستاد مرکزی پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی و قائم مقام قرارگاه مهندسی رزمی خاتم الانبیا(ص)) منتشر شد.  
در این ویژه نامه آمده است:

- مقام معظم رهبری: جهاد سازندگی یکی از پدیده های بسیار زیبای انقلاب است
- امیر سپهبد علی صیاد شیرازی: باید «جهاد» را پدیده ای الهی تصور نمود
- متن پیام دکتر کاظم خاوازی وزیر جهاد کشاورزی به مناسبت چهلمین سالگرد دفاع مقدس
- متن پیام مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی به مناسبت چهلمین سالگرد دفاع مقدس
- تاسیس و تکوین جهاد سازندگی در بیان نخستین نماینده امام در این نهاد
- دکتر حناچی شهردار تهران: مهندسی رزمی، رکوردهای جنگ را شکست
- اسناد پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد
- اقدامات و ابتکارات پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد در دوران دفاع مقدس
- سیر تحول ساختار سازمانی پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد
- یادای از آقا تقی، سید شهدای جهادگران



### صیانت از حقوق ایثارگران جهادگر محور فعالیتهاى ماست



نشست مشترک سید حمزه رضوی مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران، عبدالله فاتحی معاون برنامه ریزی و تعاون، سیروس رجبی رئیس اداره تعاون و رفاه، یونسی کارشناس امور ایثارگران و خانم صالحی رئیس اداره امور اجتماعی با دکتر فرهادی مدیرکل فعلی تسهیلات و امور اجتماعی، دکتر وفا شعار رئیس اداره پذیرش، حیدری نماینده حقوقی و صدر پور کارشناس پذیرش بنیاد شهید و امور ایثارگران در محل سالن جلسات شهید کسایی اداره کل امور ایثارگران برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، سید حمزه رضوی در ابتدای این جلسه، ضمن خیر مقدم به مدعوین محترم و تاکید بر حفظ کرامت ایثارگران خواستار رسیدگی سریع و بررسی دقیق پرونده ها شد. مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران گفت: صیانت از حقوق ایثارگران، محور فعالیتها و برنامه های اصلی این اداره کل است.

در ادامه این نشست، دکتر فرهادی ضمن ابراز خرسندی از حضور در اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی، بر رعایت قوانین و مقررات در رسیدگی به پرونده ها تاکید کرد و گفت: ما خود را مدیون ایثارگران جهادگر می دانیم.

وی افزود: رزمندگانی که پرونده های آنها

اعضای جلسه اتخاذ شد که در نهایت چهار فقره از پرونده ها با استفاده از نظر و فرمان مقام معظم رهبری (مدظله العالی) جهت اخذ نظر و تعیین تکلیف نهایی به ستادکل نیروهای مسلح ارجاع گردید.

در پایان این جلسه موضوعات مربوط به پرونده های تایید شده در کمیسیون عالی پزشکی سپاه پاسداران در قالب ماده ۸۷ قانون برنامه ششم توسعه مورد بحث و بررسی قرار گرفت که بر اساس هماهنگی صورت گرفته، طی هفته آینده در زمینه نحوه پذیرش و رسیدگی به درخواستهای ایشان تصمیم نهایی گرفته خواهد شد.

تایید و موفق به اخذ درصد جانبازی می شوند، از تمام مزایای تعریف شده در قانون برنامه ششم توسعه و سایر قوانین مرتبط بهره مند خواهند شد.

در این جلسه که با رعایت اصول و پروتکل های بهداشتی برگزار شده بود، در خصوص مسایل مشترک و بررسی پرونده های ارجاع شده از کمیسیون ماده ۱۶، دیوان عدالت اداری و پرونده های احراز شهادت جمعی از مرحومین ایثارگر جهادگر بحث و تبادل نظر گردید.

همچنین تعداد ۲۸ پرونده مورد بررسی قرار گرفت و تصمیمات لازم پس از اعلام نظر

## انتقال فرهنگ شهادت به نسل های بعدی لازم و ضروری است



شهردار تهران تصریح کرد: جنگ با رهبری حضرت امام خمینی (ره) برای ایران فرصتی برای انسجام و آمادگی برابر قدرت های جهانی شد و موفقیت های ایران از فرمایشات امام(ره) و استفاده از منویات مقام معظم رهبری در این زمان نشأت گرفته است.

حناچی گفت: امروز علاوه بر گرامیداشت یاد شهدای شهرداری تهران، یاد شهدای رزمی مهندسی جهاد را هم گرامی می داریم. مهندسی رزمی از روزهای ابتدای جنگ تشکیل شد و نقش مهندسی رزمی در دوران دفاع مقدس و پیروزی های رزمندگان در عملیات های مختلف بسیار مهم و ارزشمند است.

شهردار تهران افزود: نقش مهندسی رزمی جنگ بر کسی پوشیده نیست، موفقیت ها در جنگ مانند شکست حصر آبادان که امروز سالروز گرامیداشت آن است را در این مهندسی رزمی در جنگ می بینیم. در عملیات «خیبر» و «الفجر ۸» بیشترین نقش مهندسی و رزمی در جنگ بوجود آمد و رزمندگان و عملیات کننده ها با ساخت جاده های شناور در جزیره مجنون و اروند رود پشتیبانی مهمی شدند.

حناچی گفت: موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بهترین مکان برای انتقال فرهنگ مقاومت در دوران دفاع مقدس به نسل امروز و نمایش ایثار و مقاومت مردم است. رییس شورای شهر تهران نیز در این مراسم

مراسم چلچراغ شقایق ها یادواره شهید سردار سرلشگر سید محمد تقی رضوی و شهدای مهندسی رزمی هشت سال دفاع مقدس با حضور رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، رییس شورای شهر تهران، شهردار تهران، مدیران ارشد شهرداری، مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی، فرماندهان مهندسی رزمی جنگ جهاد و خانواده های معظم شهدا در سالن همایش های خلیج فارس موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی، پیروز حناچی شهردار شهر تهران در مراسم چلچراغ شقایق ها، یادواره شهید سردار سید محمد تقی رضوی و شهدای مهندسی رزمی و شهرداری تهران در هشت سال دفاع مقدس گفت: هر سال در این زمان بوی خوش رایحه دوران دفاع مقدس به مشام می رسد و یادآور رشادت عزیزان در نقاط مختلف ایران هستیم که یاد و نام آنها همیشه زنده و مستدام در نزد مردم ایران در جای جای کشور است.

وی ادامه داد: در ادبیات، عدد ۴۰، سال بلوغ است و امسال هم در کشور چهلمین سال دفاع مقدس است و با استفاده از این تجربیات آینده کشور را ترسیم می کنیم و امروز کشور با استفاده از تجربیات دفاع مقدس امورات را سپری می کند.





جهدگران فراتر رفت و خدمات بسیاری در سراسر عملیات ها یاد شده اجرا شد و گردان های مهندسی در جهاد شکل گرفت.

سپس در این مراسم پوستر یادمان ملی شهید حاج قاسم سلیمانی در موزه دفاع مقدس و همچنین یادبود سردار وطن توسط سردار بهمن کارگر رییس ستاد حفظ نشر و آثار دفاع مقدس، پیروز حناچی، محسن هاشمی و اعضای شورای شهر تهران، مدیران شهرداری، مشاور وزیر و مدیر کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی و مدیرعامل موزه دفاع مقدس رونمایی شد. همچنین در این مراسم از کتاب مله خورد مسموم و نوار صوتی این کتاب و پویش همه با هم جهاد (طرحی از عکس های شهدای شاخص جهادگر وزارت جهاد کشاورزی در قامت یکی از اقشار جامعه) و کتابهایی با عنوان همراه با شقایق ها شهدای مناطق تهران نیز، رونمایی شد.

علی اصغر جعفری مدیرعامل موزه انقلاب و دفاع مقدس نیز در این همایش با یاد شهدای دوران دفاع مقدس و بابیان اینکه در چهلمین سال دفاع مقدس بلوغ مقاومت در کشورهای منطقه اتفاق افتاده، گفت: تلاش مجموعه ایثارگران و بسیج شهرداری تهران در برنامه چلچراغ شقایق ها واقعا ستودنی است.

وی افزود: همت بلند شورای شهر تهران هم قابل ستایش است که مقرر شد یادمانی ملی در موزه برای بزرگداشت مقام شامخ سردار دلها شهید حاج قاسم سلیمانی رو نمایی شود.



گفت: ساخت صنایع دفاعی در دوره دفاع مقدس از مهمترین عملکردهای مهندسی در جنگ بود و آیت الله هاشمی به من مأموریت تحقیقات در ساخت صنایع موشکی را در اماکنی همچون پارچین صنایع دفاع و مناطق دیگر دادند. محسن هاشمی افزود: منطقه ای دیگر در غرب تهران در خصوص فعالیت های موشکی و تحقیقاتی به نام اختصاری مجتمع راه اندازی شد و در بخش رزمی و مهندسی جهاد، تولید موشک هایی با برد ۱۰۰ کیلومتر برای هدف قرار دادن بغداد از مرز کلید خورد.

وی گفت: طی گزارش هایی که به آیت الله هاشمی از روند اجرایی و تحقیقاتی کار دادیم از این فعالیت ها بسیار خوشحال شدیم و دستور تداوم ساخت و تحقیقات صنایع موشکی را دادند.

داود دانش جعفری رییس ستاد مرکزی پشتیبانی و مهندسی جنگ جهادسازندگی نیز در این نشست با اشاره به فعالیت های ایثارگرانه جهادگران در عملیات های مختلف دفاع مقدس گفت: این مراسم ها برای انتقال فرهنگ شهادت به نسل های بعدی لازم است که نمونه ای از آن امروز در حال برگزاری است.

وی افزود: جهاد هم مانند بسیج مردمی و فعالیت های آن در جنگ خودجوش و مردمی بود و عناصر جهادگر احساس تکلیف داشتند و در نقاط مختلف جنگ مستقر شدند.

دانش جعفری ضمن گرمی داشت یاد و خاطره شهدای مهندسی رزمی جهاد کشاورزی اظهار کرد: در عملیات والفجر ۸ و کربلای ۵ اقدامات



## آیین «تجلیل از رزمندگان شاغل و بازنشسته وزارت جهاد کشاورزی» برگزار شد



کشاورزی استان مرکزی، گفت: امروز آن چیزی که از امنیت پایدار و اقتدار روزافزون در کشور داریم برگرفته از خون شهدا و مجاهدت های رزمندگان و جانبازان هشت سال دفاع مقدس است که باید قدر آن را بدانیم.

مشاور دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام افزود: ساخت موشک های اقتدار آفرین در ابتدای انقلاب اسلامی از مجموعه های تحقیقاتی جهاد سازندگی شروع شد و اگر امروز می گوییم به قدرت برتر موشکی دست پیدا کردیم و خودمان را در حوزه فضا برتر می دانیم به برکت مجاهدت های جهادگران و شهدای جهاد است که این کار ارزشمند را شروع کردند.

وی تصریح کرد: شهید حسن طهرانی مقدم ایران اسلامی را به قدرت ششم موشکی در دنیا تبدیل کرد اما مقدمه این کار توسط جهاد سازندگی شکل گرفت، چرا که بعد از تشکیل جهاد سازندگی در ابتدای انقلاب، یکی از اولین مسئولین جهاد سازندگی در شمال کشور حاج حسن طهرانی مقدم بود که خدمات گسترده ای را از همان ابتدا پایه گذاری کرد.

این فرمانده ارشد هشت سال دفاع مقدس با اشاره به تعهد و عدم دل بستگی به مادیات به عنوان خصیصه های شاخص شهید طهرانی مقدم گفت: اگر امروز اسمی از شهدا می آوریم باید راه و سیره آنها را با قدرت ادامه دهیم و مهمترین ویژگی شهدا عدم وابستگی آنها به مادیات بود. شهدا تنها برای کسب رضای الهی و ولی امر خود گام برداشتند و همین ویژگی سبب شد که جزو بندگان مخلص خداوند باشند.

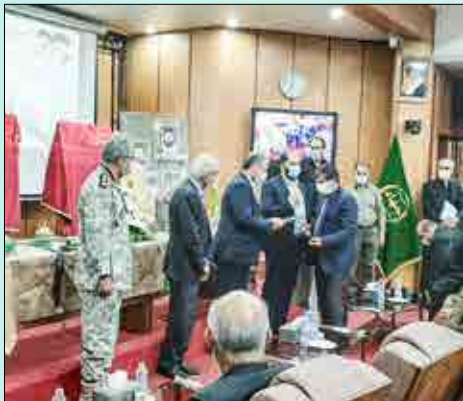
وی افزود: حسن طهرانی مقدم یک مدیریت جهادگونه همراه با ایثار و از خودگذشتگی را اعمال می کرد و با این مدیریت توانست اقدامات

آیین «تجلیل از رزمندگان شاغل و بازنشسته وزارت جهاد کشاورزی» با حضور کاظم خاوازی وزیر جهاد کشاورزی و سید حمزه رضوی مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران، داود دانش جعفری رییس ستاد مرکزی پشتیبانی و مهندسی جنگ جهادسازندگی و جمعی از فرماندهان ارشد قرارگاه های پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد در دوران دفاع مقدس، سردار ادیبی دبیر ستاد راهیان نور کشور، سرهنگ زنوزی معاون امور ایثارگران ستاد کل نیروهای مسلح در تهران و همچنین حضور ویدئو کنفرانسی و آنلاین روسای سازمان جهاد کشاورزی استانها، فرماندهان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد و جمعی از مقامات و مسئولین استانی برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی، سید حمزه رضوی مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی در ابتدای این مراسم با اشاره به تاثیر شیوع کرونا بر محدود کردن برنامه های وزارت جهاد کشاورزی در هفته دفاع مقدس گفت: اداره کل امور ایثارگران هر ساله در هفته دفاع مقدس از ۹۰۰ تن از فرماندهان جهادگر تجلیل و یادواره ۳۴۰۰ شهید را برگزار می کرد که امسال به دلیل شیوع این بیماری و افزایش سن مخاطبان این برنامه، امروز در جلسه ای کوچکتر و با حضور ویدئو کنفرانسی در سراسر کشور برگزار می شود.

در بخش دیگری از این مراسم، ارتباط مستقیمی با استانهای خراسان رضوی، اصفهان و مرکزی برقرار شد و روسای سازمان جهاد کشاورزی این استانها اقدامات و خدمات گردانهای پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد استان خود در دوران دفاع مقدس را تشریح نمودند.

سردار محمد طهرانی مقدم، در این مراسم از محل سازمان جهاد



به آنها دادند. ایشان با اشاره به آمادگی جهاد و ایثارگران برای تولید تجهیزات پرورش ماهی در دریا اظهار کرد: ما در بخش جهاد و ایثارگران با جذب نخبه‌ها و در قالب شرکت‌های دانش بنیان تجهیزات و گلوگاه قفس پرورش ماهی در دریا را مشابه نمونه نروژی طراحی کرده‌ایم و در حال تولید انبوه آن هستیم.

وی با تأکید بر این که امروز یک قرارگاه خاتم الانبیا(ص) در حوزه تولید در کنار وزارت جهاد کشاورزی است، افزود: تمام امکانات برای جهاد و ایثارگران وجود دارد و ما آمادگی کامل داریم تا در حل معضلات بخش کشاورزی به مجموعه وزارت جهاد کشاورزی کمک کنیم.

همچنین ابوالفضل حسن بیگی فرمانده قرارگاه حمزه سید الشهدا(ع) و سید محمد لاله زار فرمانده قرارگاه نوح نبی(ع) در این مراسم، روحیه ایثار و فداکاری و اتخاذ تاکتیک‌های نوآورانه جنگی توسط فرماندهان گردان‌های مهندسی رزمی جهاد در عملیات‌های مختلف را از عوامل پیروزی‌های رزمندگان اسلام در دوران ۸ سال دفاع مقدس دانستند و خاطراتی از دوران دفاع مقدس بیان نمودند.

در این مراسم، از نرم افزار چندرسانه‌ای سردار جهادگر شهید حاج مرتضی شادلو (شهید شاخص سال ۱۳۹۹)، کتاب مله خورد مسموم (نوشته نصرت اله محمودزاده) و کتاب صوتی آن، پوسته‌های پویش همه باهم جهاد (شهادی شاخص جهادگر وزارت جهاد کشاورزی در قامت یکی از اقشار جامعه)، توسط وزیر جهاد کشاورزی رونمایی و از چند تن از فرماندهان قرارگاه‌های مهندسی رزمی جنگ جهاد تجلیل شد.

بسیار بزرگی را انجام دهد. این ویژگی‌ها سبب شد نام او برای همیشه در ذهن‌ها ماندگار باشد.

سردار محمد طهرانی مقدم با اشاره به اینکه «سنگر سازان بی سنگر در دفاع مقدس اقداماتی انجام دادند که از نظر مهندسی و فنی شاهکارهای بزرگی بود و امروز بسیاری از نخبگان دنیا مشتاق هستند که این اقدامات و خالق آنها را از نزدیک ببینند» گفت: سنگر سازان بی سنگر در دفاع مقدس بن بست شکن بودند و عنوان سنگر ساز بی سنگر که توسط حضرت امام(ره) به آنها داده شد کاملاً حکیمانه و مدبرانه بود و امروز باید عمق این کلام را بهتر تبیین کنیم.

مشاور دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام افزود: سنگر سازان بی سنگر از اولین افرادی بودند که اقتصاد مقاومتی را در دفاع مقدس عملیاتی کردند و با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی و توان رزمندگان نقش آفرینی بسیار گسترده‌ای را در این عرصه انجام دادند که سبب خیرات و برکات فراوانی شد. وی با بیان اینکه پیشکسوتان جهاد سازندگی دنیایی از تجربیات عملیاتی و آموزه‌های ارزشمند دارند که باید به خوبی از آنها استفاده کرد چراکه سنگر سازان بی سنگر در حوزه پشتیبانی جنگ نقش محوری داشتند، افزود: آنها بی صدا و مظلومانه در دفاع مقدس خدمت رسانی می‌کردند. در ادامه این مراسم، یدالله شمایی فرمانده پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد قرارگاه کربلا و از پیشکسوتان دفاع مقدس، ضمن اشاره به ابتکارات جهاد سازندگی در دوران دفاع مقدس گفت: جهادگران و شهدای جهاد سازندگی در دوران دفاع مقدس بن بست شکن بودند و امام خمینی (ره) لقب «سنگر سازان بی سنگر» را



## حضور اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی در « نمایشگاه ملی دستاوردهای دفاع مقدس و مقاومت »



اسلامی در امور ایثارگران، ترشیزی مدیر کل امور اداری وزارت جهاد کشاورزی، جمعی از فرماندهان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی، محمد گلریز خواننده سرودهای انقلابی و اقشار مختلف مردم اشاره کرد.

در این غرفه علاوه بر تشریح ابتکارات و اقدامات پشتیبانی و مهندسی رزمی جنگ جهاد در دوران دفاع مقدس به صورت ماکت، فیلم، کلیپ، موشن گرافی و تصویر، اطلس پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد در منطقه اروند کنار (فاو) و سامانه رایانه ای اسناد جنگ جهاد «سراج» معرفی و برای بازدیدکنندگان تشریح می شود.

از دیگر برنامه های جنبی اداره کل امور ایثارگران در این نمایشگاه، مصاحبه میهمانان و فرماندهان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد با خبرنگاران، حضور آنان در برنامه های رادیویی و تلویزیونی بود که می توان به مصاحبه یدالله شمایی (فرمانده قرارگاه کربلا پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد)، سید محمد لاله زار (فرمانده قرارگاه نوح نبی(ع) پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد)، محمد تقی امانپور (پیشکوست جهادگر) و عبدالله فاتحی (مسئول واحد ثبت وقایع جنگ جهاد سازندگی) اشاره کرد.

نمایشگاه ملی دستاوردهای دفاع مقدس و مقاومت به مناسبت چهلمین سالگرد گرامیداشت دفاع مقدس با عنوان «اقتدار ۴۰» و با شعار محوری «ما قوی هستیم» با مشارکت دستگاهها و سازمانهای لشکری و کشوری و با تبیین نقش و عملکرد هر یک از این نهادها در دوران شکوهمند هشت سال دفاع مقدس و سالهای پس از آن برپا شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، نمایشگاه ملی اقتدار چهل (دستاوردهای دفاع مقدس و مقاومت) به مناسبت چهلمین سالگرد گرامیداشت دفاع مقدس در محل باغ موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس برگزار شده است.

اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی ضمن حضور در این نمایشگاه، آخرین دستاوردها، تولیدات و محصولات فرهنگی خود را ارائه داد.

از میهمانان این غرفه می توان به: آشنا مشاور رییس جمهور، صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، کارگر رئیس بنیاد حفظ و نشر آثار دفاع مقدس، ادیبی دبیر ستاد راهیان نور کشور، رییس مرکز توسعه فناوری اطلاعات و رسانه های دیجیتال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سوقندی مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد



## نشست شورای مشاوران وزرا در امور ایثارگران برگزار شد



کشتار است، اما امام راحل فرمودند باطن جنگ یک نعمت است. ما اگر به این باطن پی ببریم، رشد کرده‌ایم.

وی افزود: بعد از چهل سال هنوز نتوانسته‌ایم موضوع اشتغال فرزندان شهدا را حل کنیم و باید خدمتگذار آنها باشیم. باید قدر توفیق توجه به خانواده شهدا و ایثارگران را بدانیم. قطعاً آثار این توجه در زندگی مان خواهد بود.

در ادامه این نشست مسعود سلطانی‌فر وزیر ورزش گفت: امیدواریم اینگونه نشست‌ها موجبات حل مشکلات مردم و ایثارگران را فراهم کند. جنگ تحمیلی طلایی‌ترین دوران معاصر است. معادلات سیاسی منطقه پس از جنگ بر هم خورد و مطالبات مردم نیز که مورد ظلم قرار گرفته بود، زنده شد. وجه مهم این پیروزی‌ها، تغییر ایدئولوژی سیاسیون بود که اسلام به عنوان یک ایدئولوژی موفق در سرتاسر جهان گسترش یافت. دفاع مقدس ما در ذات خودش حرکت و دستاوردهای مهمی دارد که باید به آنها افتخار کرد.

در پایان این نشست از تعدادی از ایثارگران و فرزندان و خانواده‌های شهدا و جانبازان تقدیر شد.



نشست شورای مشاوران وزرا در امور ایثارگران با حضور معاون رئیس جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران، وزیر ورزش و جوانان و رئیس کمیته ملی المپیک برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، نشست شورای مشاوران وزاری کشور در امور ایثارگران در محل آکادمی ملی المپیک و پارالمپیک با حضور سید حمزه رضوی مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی برگزار شد.

در این نشست سعید اوحدی معاون رئیس جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران، مسعود سلطانی‌فر وزیر ورزش و جوانان، سید رضا صالحی امیری رئیس کمیته ملی المپیک، عبدالحمید احمدی و ژاله فرامرزیان و تندگویان معاونان وزیر ورزش، کیکاووس سعیدی دبیرکل کمیته المپیک و دیگر مسئولان حضور داشتند.

رضا صالحی امیری رئیس کمیته ملی المپیک در این نشست گفت: برداشت من این است که در جنگ تحمیلی یک تغییر گفتمان داشتیم. اگر انقلاب اسلامی را تغییر نظام سیاسی بدانیم، جنگ را باید یک انقلاب فرهنگی در نظر بگیریم. اگر جنگ تحمیلی رخ نمی‌داد، ما دچار یک تأخر می‌شدیم. در واقع جنگ بستر ساز یک انقلاب فرهنگی بود. در این میان مفهوم ایثار شکل گرفت که پیش از آن، یک عبارت نه چندان مفهوم بود. امروز این مفهوم، اصلی‌ترین و مهمترین مفهوم در نظام است.

وی افزود: دستاورد دوم جنگ، خلق سرمایه اجتماعی بود. نتیجه این مسئله ارتقا و مقبولیت سیاسی و اجتماعی است. دستاورد سوم بحث امنیت انسانی، اخلاقی، فرهنگی و ... است. تولید قدرت نرم را می‌توان به عنوان دستاورد چهارم نام برد. امیدوارم لیاقت حفظ ارزش‌های نظام و انقلاب و همچنین خون شهدا را داشته باشیم.

سعید اوحدی معاون رئیس جمهور نیز گفت: ظاهر جنگ، خرابی و

## بازدید دبیر ستاد مرکزی راهیان نور کشور از غرفه اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی



سردار سرتیپ پاسدار نادر ادیبی دبیر ستاد مرکزی راهیان نور، در حاشیه حضور در نمایشگاه ملی اقتدار چهل (دستاوردهای دفاع مقدس و مقاومت)، از غرفه اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی بازدید کرد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، سردار ادیبی با اشاره به نقش جهادگران در دفاع مقدس، از توجه این ستاد به تشریح دقیق نقش جهادگران در جنگ تحمیلی و همچنین ضرورت انتقال خدمات شبانه روزی جهادگران به نسل سوم انقلاب خبر داد.

وی در ادامه ضمن بازدید از بخش های مختلف غرفه اداره کل امور ایثارگران، از فعالیتهای قرارگاه راهیان نور وزارت جهاد کشاورزی خصوصا در عرصه نشر آثار و ارزشها دفاع مقدس تقدیر کرد.

## بازدید دکتر دانش جعفری عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام از غرفه اداره کل امور ایثارگران



داود دانش جعفری رئیس ستاد مرکزی پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی در دوران دفاع مقدس از غرفه اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی در نمایشگاه ملی اقتدار چهل (دستاوردهای دفاع مقدس و مقاومت) بازدید کرد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، این پیشکسوت جهادگر و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در این بازدید به بیان خاطرات خود از دوران دفاع مقدس پرداخت و در جریان فعالیتهای این اداره کل قرار گرفت.

دکتر دانش جعفری در این بازدید، تعهد توأم با تخصص را رمز موفقیت جهادگران در دوران هشت سال دفاع مقدس دانست و گفت: رمز عبور سنگرزبان بی سنگر از گردنه های سخت و دشوار، توکل بر خدا و بهره گیری از توان متخصصین مجرب و متعهد بود.

این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در پایان بازدید خود، یاد و خاطره همزمان شهیدش خصوصا شهیدان رضوی، ناجیان، طرحچی، ساجدی، فارسی، آوینی، حجتی و پرویزی را گرامی داشت و گفت: جهادگران، با استعانت از درگاه خداوند و به مدد ارواح طیبه شهدای جهاد می توانند با همان روحیه و انگیزه، پیشرو و خط شکن باشند.



## بازدید فرماندهان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد از غرفه اداره کل امور ایثارگران



جمعی از فرماندهان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد در دوران دفاع مقدس، از غرفه اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی در نمایشگاه ملی اقتدار چهل (دستاوردهای دفاع مقدس و مقاومت) بازدید کرد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، در این بازدید یدالله شمایی فرمانده قرارگاه کربلا پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد، سید محمد لاله زار فرمانده قرارگاه نوح نبی(ع) پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد، ابوالفضل حسن بیگی فرمانده قرارگاه حمزه سید الشهدا(ع) پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد، محمد علی نبی زاده فرمانده قرارگاه نجف اشرف پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد حضور داشتند.

در جریان این بازدید، فرماندهان به مرور خاطرات خود از دوران دفاع مقدس پرداختند و در ادامه عبدالله فاتحی معاون برنامه ریزی و تعاون اداره کل امور ایثارگران و صادق صدقگو معاون فرهنگی و پژوهشی این اداره کل، گزارشی از اقدامات صورت گرفته در حوزه های مختلف را برای فرماندهان ارشد پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد در دوران دفاع مقدس تشریح کردند.

## حضور محمد گلریز در غرفه اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی



محمد گلریز خواننده سرودهای انقلابی، ضمن حضور در غرفه اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی، به بیان خاطرات خود از دوران حضورش در ستاد تبلیغات جبهه و جنگ جهاد سازندگی پرداخت. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، وی در بخشی از سخنان خود، جهاد را مردمی ترین نهاد انقلاب اسلامی دانست و گفت: اولین ورود من به جبهه با جهاد سازندگی بود.

گلریز گفت: بنده هم مانند سایر هموطنان در ابتدای جنگ خود را موظف به ادای دین به اسلام و کشورم می دانستم و به دنبال راهی می گشتم که به جبهه ها بروم. جهاد را بهترین راه برای خدمت رسانی به جبهه دانستم و برای رانندگی لودر و تجهیزات مهندسی از طرف جهاد استان تهران به جبهه ها اعزام شدم اما در جمع

این خواننده کشورمان در ادامه صحبت های خود به سروده هایی که در مورد جهادسازندگی داشته اشاره کرد و گفت: موسیقی اصیل انقلاب مدیون توجه حضرت امام خمینی(ره) به این نوع موسیقی بود و تمجید حضرت امام خمینی(ره) از سرود «ای مجاهد شهید مطهر» نقطه عطفی در تاریخ هنر انقلاب اسلامی و بالخصوص موسیقی انقلاب اسلامی است.

رزمندگان جهاد که فرار گرفتیم، به سبب شناختی که از من در خواندن سرودهای انقلابی داشتند مرا موظف به خواندن سرود در جبهه ها کردند. وی در ادامه با اشاره نقش هنر در جبهه ها خصوصاً در انتقال روح حماسه در بین رزمندگان، تصریح کرد: همیشه به دنبال اشعاری برای سرودن بودم تا بتوانم این روحیه را در جبهه ها تقویت کنم.

## بازدید دکتر حناچی شهردار تهران از غرفه اداره کل امور ایثارگران



پیروز حناچی شهردار تهران از غرفه اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی در نمایشگاه ملی اقتدار چهل (دستاوردهای دفاع مقدس و مقاومت) بازدید کرد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، دکتر حناچی در حاشیه این بازدید به بیان خاطراتی از حضور خود در دوران دفاع مقدس در جمع نیروهای پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد پرداخت و گفت: هنوز هم نگاه جهادی دوران جنگ می‌تواند بسیاری از مشکلات کشور را حل کند. وی در پایان بازدید خود از فعالیتهای، اقدامات و خدمات اداره کل امور ایثارگران تقدیر و تشکر کرد.

## بازدید وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از غرفه اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی



پژوهشی اداره کل امور ایثارگران خصوصاً انتشارات این اداره کل، تولید و نشر محتوای مکتوب در قالب کتاب، ماهنامه پل، مولتی مدیا و... آشنا شد. در بخش دیگری از این بازدید، رئیس اداره حفظ و نشر آثار دفاع مقدس اداره کل امور ایثارگران، خلاصه ای از فعالیتهای جهادگران در دوران دفاع مقدس را برای وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تشریح نمود.

بازدید کردند. وی در بدو ورود به غرفه وزارت جهاد کشاورزی، به مقام شامخ شهدای این وزارتخانه ادای احترام نمود. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، جهاد را یک نهاد انقلابی دانست و با اشاره به تلاش ها و کوشش جهادگران در عرصه های مختلف، فداکاری و ایثار سنگرزبان بی سنگر در دوران جنگ و ابتدای پیروزی انقلاب را یادآور شد. وی در ادامه با فعالیتهای فرهنگی و

اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی در ششمین روز از نمایشگاه ملی اقتدار چهل (دستاوردهای دفاع مقدس و مقاومت) نیز میزبان هموطنان عزیز و جمعی از مسئولین کشوری و لشگری بود. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، دکتر سید عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به همراه جمعی از اصحاب قلم و و رسانه نیز از این غرفه

## حضور دکتر آشنا نماینده تام الاختیار رئیس جمهور در ستاد مرکزی راهیان نور در غرفه اداره کل امور ایثارگران



سید حمزه رضوی مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی نیز ضمن تشکر از حضور مشاور رئیس جمهور و نماینده تام الاختیار وی در ستاد مرکزی راهیان نور کشور گفت: ترویج روحیه و فرهنگ جهادی که در گام دوم انقلاب، مورد تاکید مقام معظم رهبری قرار گرفته است، از نهاد جهاد سازندگی برخاسته است و به تصویر کشیدن و روایت نقش مهم جهادگران در عرصه محرومیت زدایی و در دوران جنگ تحمیلی، نقش موثری در ترویج این تفکر و روحیه در جامعه دارد.

نشریه، صوت، پوستر و... در انتقال فرهنگ، تفکر و روحیه جهادی به نسل بعد بسیار موثر است. آشنا در ادامه بازدید خود از این غرفه، تنوع فعالیتها و تولیدات فرهنگی-پژوهشی اداره کل امور ایثارگران و همچنین تعداد محصولات فرهنگی تولید شده توسط انتشارات این اداره کل امور ایثارگران را قابل تحسین دانست و گفت: عنایت شما به استمرار فعالیتهای فرهنگی و توجه به بهره گیری از ابزارهای روز در حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، در خور تقدیر است.

حسام الدین آشنا مشاور رئیس جمهور و نماینده تام الاختیار وی در ستاد مرکزی راهیان نور کشور، در جریان بازدید از نمایشگاه ملی اقتدار چهل (دستاوردهای دفاع مقدس و مقاومت) در غرفه اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی حاضر شد و با سید حمزه رضوی مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران گفتگو کرد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، در این دیدار که صادق صدقگو معاون فرهنگی و پژوهشی و علیرضا بارگاهی رئیس اداره حفظ و نشر آثار دفاع مقدس نیز حضور داشتند، آشنا در جریان فعالیتهای فرهنگی این اداره کل خصوصا در حوزه مستندسازی، حفظ اسناد مکتوب و ذخیره سازی فیلمها و تصاویر مرکز آرشیو دفاع مقدس اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی قرار گرفت. وی در ادامه به تجلیل از فعالیتهای فرهنگی جهاد سازندگی در قالب کمیته فرهنگی و گروه تلویزیونی جهاد پرداخت و گفت: حفظ محتوای تولیدی توسط تیم فرهنگی و رسانه ای جهاد سازندگی در قالب فیلم،

### بازدید رئیس بنیاد حفظ و نشر آثار دفاع مقدس از غرفه اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی



اقدامات این اداره کل در حوزه ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و نشر ارزشهای دفاع مقدس آشنا شد.

سردار سرتیپ بسیجی دکتر بهمن کارگر، در حاشیه بازدید خود از نمایشگاه ملی اقتدار چهل (دستاوردهای دفاع مقدس و مقاومت) ضمن حضور در غرفه اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی، از حضور پرشور و موثر این اداره کل در نمایشگاه تقدیر و تشکر کرد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، سردار کارگر در بخشی از سخنان خود گفت: جهاد نهادی اصیل و برآمده از متن انقلاب اسلامی است و حضور اثرگذار جهادگران در کنار ارتشیان و سپاهیان در دفاع از میهن اسلامی فراموش ناشدنی است و حضور شما در به تصویر کشیدن بخشی از آن زحمات و اقدامات، مهم و قابل تقدیر است. وی در ادامه از بخشهای مختلف غرفه اداره کل امور ایثارگران بازدید و فعالیتها و

## نشست کمیسیون عالی پزشکی سپاه و اداره کل امور ایثارگران



کمیسیون عالی تحویل نمایند. ۲-اطلاعات حضور در جبهه رزمندگان جهادگر طی فرمی که توسط اداره کل امور ایثارگران تهیه می‌گردد، تکمیل و در پرونده متقاضیان قرار گیرد. (توضیح اینکه این فرم، شناسه اصلی حضور در مناطق عملیاتی رزمندگان خواهد بود). ۳-رزمندگان بالای شصت و پنج سال که دارای طول درمان و تاییدیه کمیسیون های پزشکی می باشند نیز به صورت محدود پذیرش خواهند شد ۴-پرونده های متقاضیانی را که مرحوم شده اند و دارای مدارک بالینی قبل فوت بوده و توسط کمیسیونهای پزشکی تایید شده اند در کمیسیون مشترک اداره کل امور ایثارگران و بنیاد شهید تعیین تکلیف خواهند شد . ۵-پرونده های متقاضیانی که به هر دلیل در استانهایی که کمیسیون عالی مستقر و از رسیدگی جامانده اند با هماهنگی قبلی با کمیسیون مجدداً در ماموریت های بعدی بررسی خواهد شد . ۶-مدارک بالینی (مثل نوار گوش و ... ) در پرونده های ارسالی به کمیسیون، موجود و اسکن شده باشد و در ثبت اطلاعات مثل موج انفجار یا گاز شیمیایی، نهایت دقت صورت پذیرد. در غیر اینصورت از دستور کار و بررسی خارج می شود .

ترویج فرهنگ جهاد و شهادت در جامعه برشمرد . کشاورز در ادامه سخنان خود، تعاملات مجموعه اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی و کمیسیون عالی پزشکی سپاه در راستای رسیدگی به سوابق مجروحین فاقد مدارک بالینی را ارزشمند و قابل تقدیر دانست. در بخش دیگری از این نشست، عبدالله فاتحی معاون برنامه ریزی و تعاون اداره کل امور ایثارگران و سیروس رجبی رییس اداره تعاون و رفاه این اداره کل، به تشریح اقدامات صورت گرفته و فعالیت های مد نظر به منظور ارتقاء همکاری مشترک پرداخته و در خصوص انتظارات و پیشنهادات اداره کل امور ایثارگران، توضیحاتی ارائه نمودند. معاون برنامه ریزی و تعاون اداره کل امور ایثارگران در سخنان خود، ضمن ارائه توضیحاتی، از خدمات ارزنده کمیسیون عالی پزشکی قدردانی کرد و گفت: امیدواریم این رویکرد به رزمندگان جهادگر، بیش از پیش تقویت شود و ارتقا یابد. در ادامه این جلسه موضوعات ذیل به تصویب رسید: ۱-تمامی استانها پرونده های متقاضیان را تکمیل و پس از ثبت در جدول مربوطه و اسکن دقیق طبق دستورالعمل ابلاغ شده، مدارک را در اسرع وقت جهت بازبینی به

نشست مشترک کمیسیون عالی پزشکی سپاه و اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی برگزار شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، این نشست به منظور بررسی و جمع بندی فعالیتهای مشترک و با حضور دکتر کشاورز ریاست کمیسیون عالی پزشکی سپاه، سرهنگ بازگیر نماینده عالی سپاه در کمیسیون، خانم علی نیا مدیر هماهنگی امور استانهای کمیسیون و عبدالله فاتحی معاون برنامه ریزی و تعاون اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی و سیروس رجبی رییس اداره تعاون و رفاه این اداره کل و مجری ماده ۸۷ قانون برنامه ششم توسعه در وزارت جهاد کشاورزی تشکیل گردید . در ابتدای این جلسه، دکتر کشاورز ضمن تشکر از اقدامات و فعالیتهای اداره کل امور ایثارگران خصوصاً تلاشهای صورت گرفته در زمینه اجرای ماده ۸۷ برنامه ششم توسعه گفت: خدمت به نیروهای جهادگر افتخار بزرگی است که نصیب ما شده است. در ادامه ریاست کمیسیون عالی پزشکی سپاه از زحمات همکاران در استانهای کرمانشاه، ایلام، خوزستان و خراسان رضوی تقدیر و تشکر کرد و عملکرد این عزیزان را در راستای تکریم ایثارگران و

آذربایجان شرقی

گرامیداشت هفته دفاع مقدس در سازمان جهادکشاورزی استان آذربایجان شرقی

مراسم گرامیداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس، با رعایت شیوه نامه های بهداشتی در سازمان جهادکشاورزی استان آذربایجان شرقی برگزار شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امورایثارگران وزارت جهادکشاورزی، به مناسبت گرامیداشت هفته دفاع مقدس مراسم تجلیل از ایثارگران هشت سال دفاع مقدس در سازمان جهادکشاورزی استان آذربایجان شرقی برگزار شد. این مراسم با گردهمایی سراسری فرماندهان پشتیبانی مهندسی رزمی جنگ جهاد و پیشکسوتان ایثار و مقاومت سازمان به صورت ویدئوکنفرانس با مقام عالی وزارت در سالن جلسات معاون توسعه مدیریت و منابع سازمان برگزار شد.



آذربایجان غربی

برپایی نمایشگاه دستاوردها و فعالیت های جهادگران در سازمان جهادکشاورزی استان آذربایجان غربی

جمعی از مسئولین از غرفه سنگرزازان بی سنگر (دستاوردهای دفاع مقدس) سازمان جهادکشاورزی آذربایجان غربی در نمایشگاه موزه دفاع مقدس این استان بازدید کردند.



اصفهان

اردبیل

## بازدید مسئولان و جهادگران از نمایشگاه دستاوردهای دفاع مقدس در سازمان جهادکشاورزی استان اردبیل

سازمان جهادکشاورزی استان اردبیل همزمان با چهلمین سالگرد دفاع مقدس، میزبان جمعی از مسئولین و جهادگران بود. به گزارش روابط عمومی اداره کل اموریثارگران وزارت جهادکشاورزی، حجت الاسلام اکبری مسئول حوزه نمایندگی ولی فقیه و جمعی از مسئولان و جهادگران سازمان جهادکشاورزی استان اردبیل با حضور در نمایشگاه مهندسی رزمی عملیات کربلای ۵ که در محل موزه مرکز حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس برگزار شده بود از بخش‌ها و غرفه‌های مختلف این نمایشگاه بازدید کردند. در حاشیه این مراسم، دیدار با پنج خانواده معظم شهید در سازمان جهادکشاورزی استان اردبیل به مناسبت گرامیداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس با حضور معاون توسعه مدیریت و منابع سازمان، مدیر هسته گزینش و ریس اداره ایثارگران سازمان جهادکشاورزی استان اردبیل صورت پذیرفت و از این خانواده‌ها تقدیر و تجلیل شد.



البرز

## گرامیداشت هفته دفاع مقدس در سازمان جهادکشاورزی استان البرز

مراسم گرامیداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس، با رعایت شیوه نامه‌های بهداشتی در سازمان جهادکشاورزی این استان برگزار شد.



## برپایی نمایشگاه دستاوردها و فعالیت های جهادگران در سازمان جهادکشاورزی استان ایلام

نمایشگاه ملی دستاوردهای هشت سال جنگ تحمیلی در محل اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان ایلام برگزار شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی، سازمان جهادکشاورزی همچون سایر ادارات و نهادها با ایجاد غرفه و نصب شاسی، بنر، بروشور و .... (تمسال مبارک شهدا و فعالیت های ۴۰ ساله سازمان) از دستاوردهای مهندسی رزمی جنگ جهاد و سنگرسازان بیستگر دوران دفاع مقدس، کمک های مردمی و عشایری به جبهه ها در آن دوران و همچنین دستاوردهای سازمان جهادکشاورزی در قبل و بعد از جنگ رونمایی کرد. ضمناً در این ایام راوی دفاع مقدس آقای حسینعلی حقی و دیگر همکاران اداره امور ایثارگران در محل نمایشگاه و غرفه سازمان مستقر بودند و از بازدیدکنندگان استقبال می کردند.



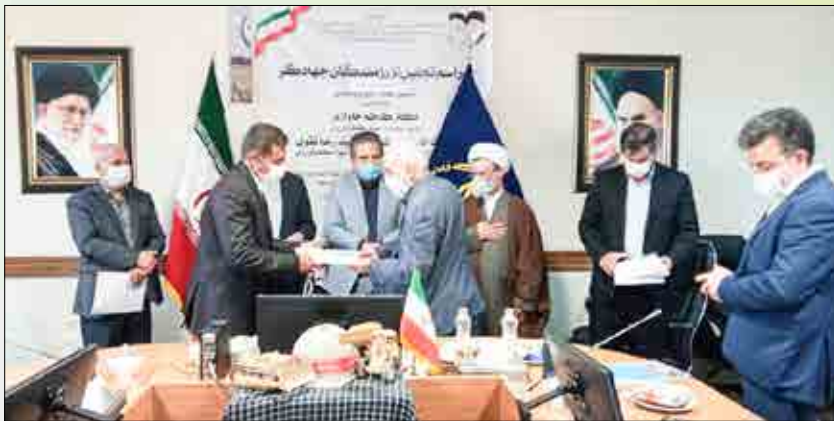
## گرامیداشت هفته دفاع مقدس در سازمان جهادکشاورزی استان بوشهر

مراسم گرامیداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس، با رعایت شیوه نامه های بهداشتی در سازمان جهادکشاورزی استان بوشهر برگزار شد



تهران

**گرامیداشت هفته دفاع مقدس در سازمان جهاد کشاورزی استان تهران**



مراسم گرامیداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس، با رعایت شیوه نامه های بهداشتی در سازمان جهاد کشاورزی استان تهران برگزار شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی، مراسمی با حضور چشمگیر رزمندگان پیشکسوت جهادگر به همراه مسئولین و فرمانده هان پشتیبانی و مهندسی این سازمان برگزار شد و از این بزرگواران تجلیل به عمل آمد.

**چهارمحال و بختیاری**

**برپایی نمایشگاه دستاوردها و فعالیت های جهادگران استان چهارمحال و بختیاری**

محمدی، احمدی، حیدری، محمودی، ترکی و سلیمی با حضور رییس امور ایثارگران این سازمان صورت گرفت و از این بزرگواران تجلیل شد.

همچنین گلباران قبور مطهر شهدای مناطق روستایی و عشایری استان چهارمحال و بختیاری توسط اداره امور ایثارگران سازمان جهاد کشاورزی؛ جهت ویژه برنامه مهمانی لاله ها انجام شد.

از دیگر برنامه های این سازمان؛ تجلیل از فرماندهان پشتیبانی مهندسی جنگ جهاد چهارمحال و بختیاری با حضور ریاست سازمان و مسئول حوزه نمایندگی ولی فقیه بود. این همایش سراسری به صورت ویدئو کنفرانس برگزار گردید.

در ادامه این مراسم حضور رییس اداره امور ایثارگران سازمان جهاد کشاورزی استان چهارمحال و بختیاری در ویژه برنامه فانوس شب و خواندن شعری در وصف شهدای سنگر ساز بی سنگر در هفته دفاع مقدس بود.

نمایشگاه دستاوردها و فعالیت های جهادگران به مناسبت چهلمین سالگرد دفاع مقدس در استان چهارمحال و بختیاری برگزار شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی؛ نمایشگاه دستاوردها، ابتکارات پشتیبانی و مهندسی جهادگران در هشت سال دفاع مقدس در نمایشگاه تخصصی «ماقوی هستیم» به مناسبت چهلمین سالگرد دفاع مقدس به همت اداره امور ایثارگران سازمان جهاد کشاورزی چهارمحال و بختیاری در محل باغ موزه استان برپا گردید.

در این نمایشگاه نقش سنگرزبان بی سنگر استان چهارمحال و بختیاری در دوران دفاع مقدس در مناطق شمال غرب و جنوب و فعالیت جهادگران در دوران سازندگی در مناطق روستایی استان و هم چنین فعالیت جهاد در زمینه امنیت غذایی تبیین شد و در معرض دید مسئولین و مردم قرار گرفت. در حاشیه این مراسم، دیدار با خانواده های معزز شهیدان؛ قائدی،





خراسان جنوبی

تجلیل از رزمندگان سازمان جهاد کشاورزی استان خراسان جنوبی



مراسم گرامیداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس در سازمان جهاد کشاورزی استان خراسان جنوبی برگزار شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، مراسم گرامیداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس و تجلیل از رزمندگان جهاد کشاورزی شهرستان فردوس با حضور مسئولین و جمعی از جهادگران سازمان جهاد کشاورزی استان خراسان جنوبی برگزار شد. همچنین آذین بندی، نصب بنر و تراکت و برپایی نمایشگاه نقش پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد در این سازمان صورت پذیرفت. از دیگر برنامه های این سازمان، تجلیل از رزمندگان در جهاد کشاورزی شهرستان طبس، هم چنین اهدای خون توسط همکاران جهاد کشاورزی شهرستان طبس همزمان با گرامیداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس بود.

خراسان رضوی

بازدید مسئولان و جهادگران از نمایشگاه دستاوردهای دفاع مقدس در سازمان جهاد کشاورزی استان خراسان رضوی

سازمان و تقدیر از خانواده شهدا و کارکنان ایثارگر در سطح استان و شهرستان ها انجام شد. از دیگر برنامه های این استان به مناسبت گرامیداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس، درج پیام های مربوط به هفته دفاع مقدس از طریق اتوماسیون، فضای مجازی، سربرگ نامه های اداری و سخنرانی و بازخوانی خاطرات توسط رزمندگان جهادگر هشت سال دفاع مقدس و برگزاری مسابقات ورزشی- فرهنگی با رعایت پروتکل های بهداشتی در سطح استان و شهرستان ها بود.

سازمان جهاد کشاورزی استان خراسان رضوی همزمان با چهلمین سالگرد دفاع مقدس، میزبان جمعی از مسئولین و جهادگران بود. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی، حضور پررنگ سازمان جهاد کشاورزی استان خراسان رضوی در نمایشگاه دستاوردها و نوآوری های مهندسی رزمی جنگ جهاد به مناسبت چهلمین سالگرد دفاع مقدس با رعایت پروتکل های بهداشتی صورت گرفت. همچنین مراسم غبار رویی مزار شهدا با حضور مدیران و پرسنل این



خراسان شمالی

## گرامیداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس در سازمان جهادکشاورزی استان خراسان شمالی



سازمان جهادکشاورزی استان خراسان شمالی نیز در کنار سایر سازمان‌ها و ادارات در هفته دفاع مقدس توانست تا بار دیگر یاد و خاطره هشت سال دفاع مقدس را پررنگ‌تر سازد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امورایثارگران وزارت جهادکشاورزی، مراسم تجلیل از رزمندگان جهادگرسازمان جهادکشاورزی استان خراسان شمالی با رعایت پروتکل‌های بهداشتی با حضور مقامات کشوری و لشکری و مسئولین این سازمان برگزار شد. در حاشیه این مراسم دیدار با خانواده معظم شهدا و ایثارگران این سازمان در ایام هفته دفاع مقدس صورت گرفت و از این بزرگواران تقدیر شد. در کنار این برنامه‌ها، برپایی نمایشگاه دفاع مقدس، تبلیغات محیطی و اطلاع‌رسانی برنامه‌های مربوط به هفته دفاع مقدس نیز انجام شد.

خوزستان

## گرامیداشت هفته دفاع مقدس در سازمان جهادکشاورزی استان خوزستان

گلزار شهید آباد این شهرستان انجام شد. از برنامه‌های دیگر این سازمان در هفته دفاع مقدس، دیدار و تجلیل از خانواده‌های معزز جانبازان در شهرستان دزفول بود. همچنین، تبلیغات محیطی و برگزاری نمایشگاه عکس از فعالیت‌ها و حضور جهادگران در دفاع مقدس، نصب بنر ۲۶ شهید سنگر ساز بی‌سنگر مدیریت جهادکشاورزی دزفول همزمان با آغاز هفته دفاع مقدس، نصب بنر جهادکشاورزی شهرستان دزفول در مصلی نمازجمعه، ساخت و راه‌اندازی دو ماکت پل بعثت بر روی اروندرود عملیات والفجر ۸ و ماکت ۱۳ کیلومتر پل شناور عملیات خیبر از دیگر اقدامات این سازمان در هفته دفاع مقدس بود.

مراسم گرامیداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس، با رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی در سازمان جهادکشاورزی استان خوزستان برگزار شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امورایثارگران وزارت جهادکشاورزی، به مناسبت گرامیداشت هفته دفاع مقدس مراسم تجلیل از ایثارگران هشت سال دفاع مقدس در جهادکشاورزی شهرستان دزفول برگزار شد. این مراسم با حضور پیشکسوتان و فرماندهان جهادگر در کنار مرقد شهدای گمنام در باغ موزه دفاع مقدس و غرفه سنگر سازان بی‌سنگر، به همراه روایتگری و خاطره‌گویی جهادگران برگزار و از این عزیزان تجلیل شد. در حاشیه این مراسم؛ غبارروبی و گلباران مزار مطهر شهدا با حضور مدیران و همکاران جهادکشاورزی دزفول در



## گرامیداشت هفته دفاع مقدس در سازمان جهادکشاورزی استان زنجان



کارکنان و بازنشستگان سازمان، درج جملات رهبری در سربرگ مکاتبات اداری و پورتال سازمان، برگزاری مسابقه فرهنگی و ورزشی، فضا سازی و نصب بنر، بارگذاری زندگینامه شهدای معزز سازمان در فضای مجازی و اتوماسیون امور اداری بود.

مراسم گرامیداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس، با رعایت شیوه نامه های بهداشتی در سازمان جهادکشاورزی استان زنجان برگزار شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امورایثارگران وزارت جهادکشاورزی، به مناسبت گرامیداشت هفته دفاع مقدس مراسم تجلیل از ایثارگران هشت سال دفاع مقدس در جهادکشاورزی شهرستانهای خرم دره و ابهر برگزار شد. در حاشیه این مراسم، شرکت در جلسه ویدئو کنفرانسی تجلیل از فرماندهان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد اداره کل ایثارگران وزارت جهادکشاورزی با حضور ریاست سازمان، مسئول حوزه نماینده ولی فقیه سازمان، معاون توسعه مدیریت و منابع و جمعی از فرماندهان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد استان زنجان نیز صورت پذیرفت.

از برنامه های دیگر این سازمان در هفته دفاع مقدس، دیدار و تجلیل از دو خانواده معزز شهید ( روستای پری و خیرآباد) در شهرستان ماهنشان بود. همچنین، پروژه لایروبی، بازسازی و نوسازی قنات در شهرستان ایجرود این استان، در هفته دفاع مقدس انجام شد. از دیگر اقدامات انجام شده در این سازمان؛ ارسال پیامک به کلیه

## گرامیداشت هفته دفاع مقدس در سازمان جهادکشاورزی استان سمنان



جهت روایت گری و ارائه عملکرد جهاد سمنان در جنگ بود. هم چنین، دیدار با رزمندگان پیشکسوت جهادگر و خانواده معزز شهدا در سطح استان و شهرستان های تابعه با حضور مسئولین این سازمان انجام شد.

در کنار این برنامه ها، فضا سازی مناسب در محیط سازمان و شهرستان های تابعه جهت بزرگداشت یاد و خاطر شهدای جهادگر، تهیه تابلوی عکس شهدای گرانقدر استان همراه با گلچینی از وصیت نامه شهدا به تعداد ۱۱۸ شهید جهت نصب در دفتر کار همکاران به منظور زنده نگهداری یاد و خاطره شهدای گرانقدر و ثبت سخنانی از بزرگان و گزیده وصیت نامه شهدا در سربرگ نامه های اداری نیز صورت پذیرفت.

مراسم گرامیداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس، با رعایت شیوه نامه های بهداشتی در سازمان جهادکشاورزی استان سمنان برگزار شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امورایثارگران وزارت جهادکشاورزی، مراسمی با حضور چشمگیر رزمندگان پیشکسوت جهادگر به همراه مسئولین و فرمانده قرارگاه و گردان ها در محل سالن اجتماعات اداره کل حفظ آثار همراه با دیدار مجازی با مقام معظم رهبری مدظله العالی برگزار شد.

در این مراسم از فرمانده محترم قرارگاه حمزه سید الشهداء و سه نفر از فرماندهان گردان ولی عصر (عج) سمنان، گردان امام حسین (ع) شاهرود و گردان ۲۷ رسول اکرم (ص) تجلیل و قدردانی شد.

همچنین با برپایی دو غرفه بزرگ در محل موزه حفظ آثار نمایشگاه این استان، به نقش جهاد در جنگ پرداخته شد و از رزمندگان جهادگر ستاد در محل سالن اجتماعات اداره کل حفظ آثار به منظور بازدید رزمندگان جهادگر از نمایشگاه میدانی آن اداره کل همراه با رعایت پروتکل های بهداشتی، تجلیل و تقدیر شد.

در حاشیه این مراسم؛ از رزمندگان گردان امام حسین (ع) در محوطه مدیریت جهاد شهرستان شاهرود و گردان ۲۷ رسول اکرم (ص) در شهرستان دامغان و گردان ولی (عج) در شهرستان سمنان، با اهداء لوح تقدیر و هدیه تجلیل شد.

از برنامه های دیگر این سازمان در هفته دفاع مقدس، حضور فرمانده های گردان های این استان در سه برنامه صدا و سیمای مرکز استان

سیستان و بلوچستان

**گرامیداشت هفته دفاع مقدس در سازمان جهادکشاورزی استان سیستان و بلوچستان**

نکوداشت تجلیل از رزمندگان دفاع مقدس در اولین روز شروع گرامیداشت دفاع مقدس همراه با برنامه زنده ویدیو کنفرانس مقام معظم رهبری همزمان با سراسر کشور نیز برگزار شد.

در حاشیه این مراسم، نمایشگاه دستاوردهای جهاد سازندگی در دوران دفاع مقدس در محل اداره کل حفظ آثار و نشر دفاع مقدس نیز برپا شد.

از دیگر برنامه های این سازمان؛ مراسم غبارروبی گلزار مطهر شهداء در زاهدان با شرکت مسئولین و ایثارگران بود که ضمن عترافشانی و نثار گل، یاد و خاطره شهدا را گرامی داشتند.

همچنین نصب بنر و تزئین درب ساختمان اداری سازمان و ادارات وابسته، ایجاد سنگر درب ورودی ساختمان اداری سازمان و ادارات وابسته، ارسال پیامک بمناسبت هفته دفاع مقدس به همکاران ایثارگران، جانبازان و خانواده محترم شهداء، درج فرمایشات امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله) در خصوص دفاع مقدس در سربرگ نامه های اداری در طول هفته دفاع مقدس، حضور تعداد ۷ نفر از برادران رزمنده در برنامه های زنده صدا و سیما و پرداختن به ذکر خاطرات نقش سنگرسازان بی سنگر در دوران هشت سال دفاع مقدس، بخش نماهنگ تصویری بمناسبت چهلمین سالگرد هفته دفاع از طریق نمایشگر (تلویزیون شهری) نصب شده در ساختمان شماره یک مشرف به تقاطع بلوار بهداشت وبلوار جانبازان شهرستان زاهدان بمدت هشت شبانه روز و ایجاد نمایشگاه دستاوردهای جهاد سازندگی در دوران دفاع مقدس در محل اداره کل حفظ آثار و نشر دفاع مقدس نیز انجام شد.



مراسم گرامیداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس، با رعایت شیوه نامه های بهداشتی در سازمان جهادکشاورزی استان سیستان و بلوچستان برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران وزارت جهادکشاورزی، به مناسبت گرامیداشت هفته دفاع مقدس مراسم تجلیل از ایثارگران هشت سال دفاع مقدس در سازمان جهادکشاورزی استان سیستان و بلوچستان برگزار شد.

جلسه ویدیو کنفرانس سراسری تجلیل از رزمندگان جهادگر با حضور دکتر خاوازی وزیر محترم جهاد کشاورزی و مدیران و اعضای کمیسیون و نماینده های ایثارگر ادارات کل وابسته و مهندس نیکبخت ریاست سازمان جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان برگزار شد. همچنین شرکت تعداد ۲۵ نفر از رزمندگان پیشکسوت سازمان (( سنگر سازان بی سنگر )) به صورت نمادین در برنامه مراسم محوری

فارس

**گرامیداشت هفته دفاع مقدس در سازمان جهادکشاورزی استان فارس**

هشت سال دفاع مقدس در سازمان جهادکشاورزی استان فارس برگزار شد. از دیگر برنامه های این سازمان؛ مراسم غبارروبی گلزار مطهر شهدای استان با شرکت مسئولین و ایثارگران بود که ضمن عترافشانی و نثار گل، یاد و خاطره شهدا را گرامی داشتند.



مراسم گرامیداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس، با رعایت شیوه نامه های بهداشتی در سازمان جهادکشاورزی استان فارس برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران وزارت جهادکشاورزی، به مناسبت گرامیداشت هفته دفاع مقدس مراسم تجلیل از ایثارگران



قزوین

## گرامیداشت هفته دفاع مقدس در سازمان جهاد کشاورزی استان قزوین

ویدئوکنفرانس با مقام عالی وزارت در سالن جلسات معاون توسعه مدیریت و منابع سازمان برگزار شد و نیز نمایشگاهی بمنظور نقش سنگرزبان بی سنگر در دوران هشت سال دفاع مقدس و فعالیت های پشتیبانی مهندسی جنگ جهاد در مناطق جنگی در محل ساختمان مرکزی سازمان برپا گردید. از دیگر برنامه های این سازمان؛ فضا سازی تبلیغاتی، نصب بنرو پلاکارد در محوطه سازمان و ساختمانهای شهرستانهای تابعه، ارسال وصیت نام شهدای سازمان و پیام از طریق اتوماسیون به همکاران به مناسبت هفته دفاع مقدس صورت گرفت.

مراسم گرامیداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس، با رعایت شیوه نامه های بهداشتی در سازمان جهاد کشاورزی استان قزوین برگزار شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی، مراسم همایش نکوداشت پیشکسوتان جهاد و مقاومت دوران دفاع مقدس استان بصورت ویدئوکنفرانس با حضور مقام معظم رهبری در سالن اجتماعات استانداری برگزار شد و با اهدا لوح سپاس و هدیه از آنان تجلیل بعمل آمد. همچنین جلسه گردهمایی سراسری فرماندهان پشتیبانی مهندسی رزمی جنگ جهاد و پیشکسوتان ایثار و مقاومت سازمان به صورت



قم

## گرامیداشت هفته دفاع مقدس در سازمان جهاد کشاورزی استان قم



مراسم گرامیداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس، با رعایت شیوه نامه های بهداشتی در سازمان جهاد کشاورزی استان قم برگزار شد

**کرمان**

**گرامیداشت هفته دفاع مقدس در سازمان جهاد کشاورزی استان کرمان**



مراسم گرامیداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس، با رعایت شیوه نامه های بهداشتی در سازمان جهاد کشاورزی این استان برگزار شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی، دیدار با خانواده معزز شهدا و ایثارگران با حضور مسئولین این سازمان در هفته دفاع مقدس انجام شد و از این عزیزان تقدیر گردید.

**کرمانشاه**

**کهگیلویه و بویراحمد**

**گرامیداشت هفته دفاع مقدس در سازمان جهاد کشاورزی استان کهگیلویه و بویراحمد**



مراسم گرامیداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس، با رعایت شیوه نامه های بهداشتی در سازمان جهاد کشاورزی این استان برگزار شد.

## همایش طلایه داران عرصه ی دفاع مقدس «سازمان جهادکشاورزی استان گلستان»

گفت: در طول دوران دفاع مقدس این سنگرزسان بی سنگر بودند که فرآیند جنگ را برای رزمندگان با تلاش در مهندسی جنگ تسهیل کردند. وی افزود: امروز نیز امنیت و سلامت غذایی مردم به دست مجموعه ی جهادکشاورزی است که در خط مقدم جبهه اقتصادی مشغول خدمات رسانی هستند.

در ادامه این همایش؛ ساورعلیا یکی از فرماندهان دلیر هشت سال دفاع مقدس به بیان خاطراتی از رشادت ها و حماسه های بی شمار رزمندگان در جبهه های جنگ حق علیه باطل پرداخت.

در پایان این همایش از جانبازان و ایثارگران و سنگرزسان بی سنگر سازمان با اهدای لوح تقدیر تجلیل شد.

از دیگر برنامه های این سازمان در سومین روز از هفته دفاع مقدس؛ غبار روبی مزار پاک شهدا بود که با حضور دکتر مهاجر رییس سازمان جهادکشاورزی استان گلستان، حجت الاسلام شاهرادیان معاون فرهنگی و آموزشی نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهادکشاورزی، حجت الاسلام سایی مسوول حوزه نمایندگی ولی فقیه در سازمان جهادکشاورزی استان به اتفاق جمعی از فرماندهان هشت سال دفاع مقدس و جهادگران سنگرزسان بی سنگر جهادکشاورزی استان در مزار پاک شهدای جنگ تحمیلی در امامزاده عبدالله گرگان برگزار شد و به مقام شامخ این شهیدان ادای احترام گردید.

همایش طلایه داران عرصه دفاع مقدس همزمان با سومین روز از هفته دفاع مقدس و به منظور بزرگداشت و تجلیل از سنگرزسان بی سنگر استان با حضور حجت الاسلام شاهرادیان معاون امور فرهنگی و آموزشی حوزه ی نمایندگی ولی فقیه وزارت جهادکشاورزی و دکتر مختار مهاجر رییس سازمان جهادکشاورزی استان گلستان در محوطه سازمان برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امورایثارگران وزارت جهادکشاورزی، در این همایش حجت الاسلام شاهرادیان معاون امور فرهنگی و آموزشی حوزه نمایندگی ولی فقیه وزارت جهادکشاورزی با تاکید بر اینکه جهادگران استان گلستان با تقدیم ۶۶ شهید بزرگوار به نظام مقدس جمهوری اسلامی حماسه های بی نظیری آفریدند گفت: فرهنگ جهادی یک مکتب است که مقدمات و اصول و معیارهای همه توحیدی است.

وی افزود: یکی از مولفه های رسیدن به فرهنگ جهادی معرفت اله است. حجت الاسلام شاهرادیان در ادامه سخنانش گفت: پیش قراولان و موثرترین رزمندگان در طول دوران دفاع مقدس، جهادگران و سنگرزسان بی سنگر با فرهنگ مترقی جهادی بودند که حماسه های بزرگ بخصوص در مهندسی جنگ آفریدند و جریان تحول در جنگ را به نام خودشان در تاریخ ثبت و ضبط کردند.

همچنین حجت الاسلام سائری مسوول حوزه ی نمایندگی ولی فقیه در سازمان طی سخنانی با تکریم و تجلیل از سنگرزسان بی سنگر استان



گلستان

**عنوان رتبه برتر به غرفه سازمان جهادکشاورزی استان گلستان «نمایشگاه اقتدار ۴۰»**



در نمایشگاه اقتدار ۴۰ استان گلستان، غرفه سازمان جهادکشاورزی استان به عنوان رتبه برتر انتخاب و توسط استاندار گلستان تقدیر شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل اموریثارگران وزارت جهادکشاورزی، همزمان با هفته دفاع مقدس نمایشگاه اقتدار ۴۰ و دستاوردهای دفاع مقدس و مقاومت استان گلستان در محل تالار فخرالدین اسعد گرگانی برگزار شد و مورد استقبال عموم مردم قرار گرفت.

این نمایشگاه با حضور دستگاه‌های اجرایی، نظامی و عموم مردم برگزار شد و در مراسم اختتامیه این نمایشگاه که با حضور مسوولان استانی و شهرستانی و ایثارگران هشت سال دفاع مقدس برگزار شد، غرفه سنگرسازان بی سنگر سازمان جهادکشاورزی استان توانست در ارزیابی کارگروه بازرسی و نظارت عملکرد نمایشگاه، حائز رتبه برتر شود.

شایان ذکر است؛ در این مراسم دکتر حق شناس استاندار گلستان از دکتر مهاجر رئیس سازمان جهادکشاورزی استان گلستان با اهدای لوح سپاس و تندیس نمایشگاه، از ایشان تقدیر کرد.

در لوح تقدیر دکتر هادی حق شناس استاندار گلستان خطاب به دکتر مختار مهاجر رییس سازمان جهادکشاورزی استان گلستان آمده است:

اقتدار، عظمت و شکوه ایران اسلامی مرهون مجاهدت و رشادت‌های مردان و زنانی است که در مکتب انسان ساز اسلام ناب علوی درس عشق مقاومت ایثار و شهادت آموختند. انسان‌های عزتمندی که با دل بریدن از تمامی تعلقات به دعوتگاه یار شتافتند و برگ برگ دفتر هستی را با اعمال نیک خود جلوه‌ای دیگر بخشیدند و به راستی دفاع مقدس حماسه‌ای از

تاریخ ملت عزیز و سربلند ایران است.

لذا به پاس قدردانی از زحمات و تلاش‌های ارزشمند جنابعالی و همکاران خدمتان که بر اساس نظر کارگروه بازرسی و ارزیابی عملکرد غرفه آن سازمان در نمایشگاه اقتدار ۴۰ (دستاوردهای دفاع مقدس و مقاومت استان گلستان) رتبه برتر را کسب نموده است این لوح تقدیر اهدا می‌شود.

گیلان

**گرامیداشت هفته دفاع مقدس در سازمان جهادکشاورزی استان گیلان**



مراسم گرامیداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس، با رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی در سازمان جهادکشاورزی استان گیلان برگزار شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل اموریثارگران وزارت جهادکشاورزی، دیدار با خانواده معزز شهدا و ایثارگران با حضور مسئولین این سازمان در هفته دفاع مقدس انجام شد و از این عزیزان تقدیر گردید.



## بازدید مسئولان و جهادگران از نمایشگاه دستاوردهای دفاع مقدس در سازمان جهادکشاورزی استان لرستان



های اداری و شرکت در مراسم کمیته عشایری و جلسات کمیسیون های ایثارگران استان نیز انجام شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امورایثارگران وزارت جهادکشاورزی، جمعی از مسئولین و جهادگران سازمان جهادکشاورزی استان لرستان ضمن حضور در نمایشگاه چهلمین سالگرد دفاع مقدس در محل دائمی نمایشگاه بین المللی این استان، از غرفه امورایثارگران و فعالیت های مهندسی رزمی جنگ جهاد بازدید کردند.

از برنامه های دیگر این استان در ایام هفته دفاع مقدس، مراسم غبار رویی مزار مطهر شهدا و دیدار با خانواده معظم شهدا و ایثارگران این استان بود. همچنین؛ مراسم تجلیل و تقدیر از فرمانده هان و پیشکسوتان جهاد در محل سالن جلسات سازمان و حضور در جلسه تجلیل از پیشکسوتان جهاد و شهادت در برنامه ویدیو کنفرانس با سخنرانی مقام معظم رهبری مدظله العالی در این سازمان صورت پذیرفت.

در حاشیه این برنامه ها؛ ایجاد سنگر و تبلیغات میدانی در محل سازمان و ادارات تابعه، اطلاع رسانی در پیام رسان های داخلی سازمان و ادارت تابعه، درج شعار بزرگداشت هفته دفاع مقدس در سربرگ تمامی نامه



مازندران

## بازدید جمعی از فرماندهان جهادگر از نمایشگاه دستاوردهای دفاع مقدس سازمان جهادکشاورزی استان مازندران



بازدید فرمانده کمیته جستجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح، رییس سازمان جهاد کشاورزی استان مازندران و جمعی از فرماندهان جهادگر با همراهی مدیران و معاونین ستاد سازمان و ادارات وابسته از نمایشگاه دستاوردهای چهلمین سالگرد دفاع مقدس وغرفه سنگر سازان بی سنگر سازمان، در مرکز فرهنگی باغ موزه این استان انجام پذیرفت.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران وزارت جهادکشاورزی، مهندس شهیدی فر رییس سازمان جهاد کشاورزی استان مازندران، در این بازدید ضمن تقدیر از زحمات گروه فرهنگی ستاد بزرگداشت هفته دفاع مقدس جهاد کشاورزی استان، بر اهمیت حفظ آثار و نشر ارزش‌های رزمندگان جهادگر در ۸ سال دفاع مقدس تاکید نموده و خواهان استفاده ظرفیت کادر جوان در مجموعه سازمان در امر ترویج فرهنگ شهادت، ایثار و مدیریت جهادی در امور ایثارگران شدند.

مهندس اندر خورا، رییس امور ایثارگران سازمان جهادکشاورزی استان مازندران ضمن حضور در این نمایشگاه، عملکرد پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد مازندران را برای حاضرین تشریح کردند. از دیگر برنامه‌های این سازمان بمناسبت گرامیداشت هفته دفاع مقدس؛ دیدار با جانباز سرافراز، جهادگر کاظم سپهر ( از یادگاران ۸ سال دفاع مقدس و پدر بزرگوار شهید گرانقدر رضا سپهر) بود که با حضور دکتر فلاح معاون توسعه مدیریت و منابع سازمان جهاد کشاورزی مازندران، سردار باقرزاده از فرماندهان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد مازندران و جمعی

از فرماندهان، ایثارگران و مسئولین شهرستان کلاردشت انجام شد و از زحمات ایشان و خانواده معززشان تجلیل و قدردانی بعمل آمد.

همچنین طی مراسمی از ۳ آزاده سرافراز جهادگر دوران دفاع مقدس ( آقای محمد قلی درویش نژاد ، آقای اسماعیل جان محمدی و آقای رودگر نژاد ) با حضور معاون توسعه مدیریت و منابع سازمان جهاد کشاورزی مازندران، جمعی از فرماندهان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد ، ایثارگران و همکاران ستادی و شهرستانی در جهاد کشاورزی نوشهر تجلیل و قدردانی بعمل آمد.



مرکزی

برپایی نمایشگاه دستاوردها و فعالیت های جهادگران استان مرکزی در دفاع مقدس



جمعی از مسئولین از غرفه سنگرسازان بی سنگر (دستاوردهای دفاع مقدس) سازمان جهادکشاورزی استان مرکزی در نمایشگاه موزه دفاع مقدس این استان بازدید کردند. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران وزارت جهادکشاورزی، در مراسم افتتاح مرکز فرهنگی و موزه دفاع مقدس استان مرکزی که با حضور استاندار مرکزی، معاونین استانداری، فرماندهان سپاه، مقامات ارشد نظامی ارتش و نیروی انتظامی، مدیران و مسئولین استانی و شهرستانی در محل باغ موزه دفاع مقدس برگزار شد از عملکرد و مشارکت سازمان جهادکشاورزی استان مرکزی در تکمیل باغ موزه دفاع مقدس استان مرکزی تقدیر شد. در حاشیه این مراسم، معاون توسعه نیروی انسانی و رئیس ستاد چهلمین سالگرد دفاع مقدس به همراه رئیس امور ایثارگران و رئیس روابط عمومی سازمان جهاد کشاورزی استان مرکزی از استودیو ضبط برنامه تلویزیونی «پلاک عاشقی» از شبکه آفتاب که به مناسبت گرامیداست چهلمین سالگرد دفاع مقدس در باغ موزه دفاع مقدس برگزار شده بود، دیدن کردند.

همدان

« شبی با خاطرات جهادگران استان همدان »

خاطره شهدا و ایثارگران سنگرساز بی سنگر این استان را گرامی دانسته و از خانواده های این عزیزان تقدیر نمود. در ادامه این مراسم، خاطراتی توسط یکی از جهادگران بیان شد. همچنین مسابقه کتبی با موضوع نقش جهاد در دفاع مقدس برگزار و به مناسبت چهلمین سالروز دفاع مقدس ۴۰ جایزه نقدی به قید قرعه به شرکت کنندگان اهدا شد. در ادامه این مراسم از غرفه امور ایثارگران در نمایشگاه دستاوردهای دفاع مقدس باغ موزه نیز بازدید به عمل آمد.

برگزاری مراسم شبی با خاطرات سنگرسازان بی سنگر و جهادگران در هفته دفاع مقدس، با حضور پیشکسوتان، جانبازان، خانواده معظم شهدا و رزمندگان سازمان جهاد کشاورزی استان همدان در باغ موزه دفاع مقدس این استان، با رعایت شیوه نامه های بهداشتی برگزار گردید. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران وزارت جهادکشاورزی، در ابتدای این مراسم؛ رییس سازمان جهادکشاورزی این استان ضمن خیرمقدم و پاسداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس، یاد و





همدان در ارتفاع ۲۵۰۰ متری دامنه ارتفاعات الوند و قرائت زیارت عاشورا، با حضور رییس امور ایثارگران و همکاران این سازمان در هفته دفاع مقدس برگزار شد.

از دیگر برنامه های این سازمان در هفته دفاع مقدس؛ مراسم همایش سراسری تجلیل از ایثارگران بود که باحضور استاندار، مقامات نظامی و انتظامی استان و رئیس سازمان جهادکشاورزی درسالن شهدای استانداری همدان برگزار شد و از دو پیشکسوت جهادی؛ تجلیل گردید.

در حاشیه این برنامه ها، هماهنگی با صدا و سیما و سیمای استان و معرفی رزمندگان جهادی و خانواده معظم شهدا جهت بیان خاطرات و نقش جهاد در دفاع مقدس در برنامه های تلویزیونی خانواده، خط مقدم و معبرچهلیم انجام شد.

همچنین، تبلیغات محیطی، برپایی نمایشگاه عکس دفاع مقدس درساختمان مرکزی سازمان، بیان خاطرات توسط رزمندگان جهادی درجمع همکاران بعد از اقامه نمازجماعت ظهر و عصر درطول هفته دفاع مقدس و درج سخنان حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری درسربرگ مکاتبات اداری از دیگر اقدامات اموریثارگران این سازمان بود. شایان ذکر است، تجدید پیمان با شهدای گمنام میدان میشان

## یزد

### گرامیداشت هفته دفاع مقدس در سازمان جهادکشاورزی استان یزد

جهاد و ایثار در خصوص نقش جهادگران در هشت سال دفاع مقدس نیز برگزار گردید.

همچنین بخش برنامه تلویزیونی با حضور رئیس سازمان جهادکشاورزی این استان در برنامه زنده سیمای یزد در خصوص نقش مهندسی و پشتیبانی جهاد در جنگ تحمیلی و اجراء مسابقه و اهداء جوایز به افراد برتر نیز صورت پذیرفت.

از دیگر برنامه های این استان، برگزاری مسابقه فرهنگی با همکاری پایگاه بسیج سازمان بین کارمندان و بازنشستگان بسیجی و جهادی به همراه اهداجوایز، کمک مؤمنانه( توزیع اقلام و کمک های همکاران به ایثارگران و سایر افراد نیازمند دراین هفته با همت و تلاش پایگاه شهید قدوسی سازمان، حوزه نمایندگی ولی فقیه و کانون سنگرسازان - ارتباط و احوالپرسی از طریق تماس تلفنی با خانواده محترم شهداء با توجه به محدودیت های بازدید حضوری به دلیل بیماری کرونا و رعایت شرایط بهداشتی و شرایط سنی خانواده ایثارگران بود.

مراسم گرامیداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس، با رعایت شیوه نامه های بهداشتی در سازمان جهادکشاورزی استان یزد برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل اموریثارگران وزارت جهادکشاورزی، در ایام دفاع مقدس؛ برگزاری نمایشگاه عکس، پوستر و بخش فیلمهای دوران دفاع مقدس در محل درب ورودی سازمان جهادکشاورزی استان یزد، جهت بازدید ارباب رجوع و کارمندان سازمان به مدت یک هفته اجرا شد. همچنین شرکت درنمایشگاه دستاوردهای دفاع مقدس سازمان جهادکشاورزی استان همگام با سایر دستگاه های اجرایی، با برپایی غرفه ویژه دستاوردهای پشتیبانی و مهندسی جنگ نیروهای جهادی در دفاع مقدس در قالب عکس، پوستر و روایتگری راوی جهاد جهت روایت ایثار و فداکاری و جانفشانی جهادگران سنگرساز بی سنگر برای بازدید عموم برگزار شد. در حاشیه این برنامه، جلسه یاد و خاطره شهدا و ایثارگران جهادگر هشت سال دفاع مقدس با اجراء سرود، مداحی و سخنرانی دکتر احمدعلی زارع یکی از پیشکسوتان



# مناسبت‌های مرمایه:

۵ مهر	تشکیل ستاد پشتیبانی جنگ، سال ۱۳۵۹ شهادت مهدی رجب بیگی سال ۱۳۶۰ بدست منافقین
۷ مهر	تشکیل اولین سمینار ۴ روزه شورای های اسلامی روستا در دانشکده فنی تهران، سال ۱۳۶۰
۸ مهر	شهادت حاج اسدالله هاشمی سال ۱۳۶۵ شلمچه برپایی نمایشگاه عکس و فیلم به نام انقلاب ادامه انقلاب توسط انجمن اسلامی دانشگاه علم و هنر مانیل فلیپین، سال ۱۳۵۹ شهادت حمید حاج جعفری سال، سال ۱۳۵۹
۹ مهر	عملیات مسلم بن عقیل سومار - ارتفاعات مسلط بر مندلی - سال ۱۳۶۱
۱۰ مهر	شهادت عبدالحسین ناجیان، سال ۱۳۶۱، سومار
۱۲ مهر	عملیات نامنظم ظفر ۲ شهر کوی از توابع استان کرکوک عراق، سال ۱۳۶۶
۱۹ مهر	عملیات نامنظم فتح ۱، منطقه ی کرکوک واقع در عمق ۱۵۰ کیلومتری داخل خاک عراق، سال ۱۳۶۵
۲۳ مهر	شهادت خلیل پرویزی فرمانده مهندسی رزمی جنگ جهاد فارس، سال ۱۳۶۴ فاو
۲۵ مهر	عملیات میمک - ارتفاعات منطقه مرزی، سال ۱۳۶۳
۲۷ مهر	عملیات والفجر ۴ شمال مریوان و منطقه عمومی پنجوین در دره شیلر در داخل خاک عراق، سال ۱۳۶۲
۳۰ مهر	عملیات عاشورای ۴ - غرب دریاچه ام النعاج در هورالعویزه ۱۳۶۴ش



# مناسبت های آبان ماه:

۱ آبان	شهادت مظلومانه آیت الله حاج سید مصطفی خمینی، سال ۱۳۵۶
۵ آبان	شهادت حاج هاشم ساجدی فرمانده پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد قرارگاه نجف منطقه میمک، سال ۱۳۶۳
۸ آبان	عملیات نامنظم فتح ۲ منطقه دوکان در شمال شرقی عراق، سال ۱۳۶۵
۱۰ آبان	عملیات محرم در مناطق عملیاتی شرفانی زبیدات، بیات، غرب عین خوش و جنوب شرقی دهلران، سال ۱۳۶۱
۱۳ آبان	تسخیر لانه جاسوسی آمریکا به دست دانشجویان پیرو خط امام، سال ۱۳۵۸
۱۳ آبان	روز دانش آموز
۲۱ آبان	شهادت سردار حسن تهرانی مقدم مسئول سازمان جهاد خودکفایی سپاه پاسداران، سال ۱۳۹۰
۲۴ آبان	عملیات نامنظم فتح ۳ منطقه زاخو و دهوک در عمق ۳۰۰ کیلومتری شمال عراق، سال ۱۳۶۵
۲۵ آبان	عملیات نامنظم ظفر ۳ در منطقه ی دربندی خان عراق در جنوب استان سلیمانیه عراق و بخش سنگاوا از استان کرکوک، سال ۱۳۶۶
۲۶ آبان	سالروز آزادسازی سوسنگرد، پس از یک سال محاصره، سال ۱۳۵۹
۲۸ آبان	عملیات نامنظم ظفر ۴ در عمق ۲۵۰ کیلومتری استان دهوک عراق، سال ۱۳۶۶
۲۹ آبان	عملیات نصر ۸ منطقه عملیاتی ماووت از استان سلیمانیه عراق، سال ۱۳۶۶



# یک عکس، یک حکایت



## ماجرای یک خاکریز در عملیات رمضان

همه چیز طبق طرح پیش می‌رفت. لودر و بلدوزرهای جهاد سازندگی و مهندسی سپاه به همراه رزمندگان جلو می‌رفتند. باید روبروی دژ خاکریز می‌زدند تا عراقی‌ها، نیروهای پراکنده شده در بیابان را نزنند. قرار شد نیروهای حاج همت<sup>۱</sup> از غرب دژ و نیروهای احمد<sup>۲</sup> از شرق آن زدن خاکریز را شروع کنند، ادامه بدهند تا در نزدیک اولین مثلث دژ، خاکریز را به هم وصل کنند. هوا که تاریک شد رانندگان نشستند پشت فرمان و تا خود صبح تمام وقت کار کردند.

فقط کسی از لودر پیاده می‌شد که زخمی و شهید شده باشد. ۱۰۰ متری در وسط دو خاکریز مانده بود که هوا روشن شد. تانک‌های عراقی در فاصله یک کیلومتری روبروی این صد متر باقی مانده آرایش گرفته بودند و به نوبت شکاف بین دو سد خاکی را می‌کوبیدند. در این یک تکه جا، گلوله جای گلوله می‌خورد. عراقی‌ها می‌دانستند اگر دو سر خاکریز وصل شود راه نفوذشان بسته می‌ماند. احمد با چشم‌هایی که مثل دو پیاله خون روی صورت خاک‌آلودش خودنمایی می‌کرد دنبال راهی بود که این فاصله را بپوشاند و آن قدر نخواستند بود که موقع راه رفتن تلو تلو می‌خورد. طاقت ایستادن نداشت، با این حال نمی‌توانست دست روی دست بگذارد. رفت سراغ بچه‌های مهندسی رزمی. چند راننده لودر و بلدوزر را انتخاب کرد گفت کسانی را می‌خواهد که داوطلب شهادت باشند. احمد به فرمانده زهی گفت دو سه تا نفر بر بیار جلو روبروی عراقی‌ها با سرعت به چپ و راست حرکت کنند و گردو خاک راه بیندازند تا دید آن طرف کور بشه و بتونیم خاکریز رو به هم وصل کنیم.

ساعتی بعد یکی از راننده‌ها که حسابی خسته بود از حال رفت و از بالای لودر نقش زمین شد. کسی نبود جای او را پر کند. بچه‌ها جمع شدند دور او و آب به صورتش زدند. بهش روحیه می‌دادند و قربان صدقه‌اش رفتند تا با همان حال و روز دوباره نشست پشت فرمان. چند دقیقه بعد گلوله توپ کنار لودر خورد و آن را به آتش کشید. راننده خسته زخمی که شد به عقب فرستادنش. بقیه زدن خاکریز را ادامه دادند. نزدیک ۱۰ کیلومتر طول کل خاکریز بود که ۹۹۰۰ متر آن را در شب، ۸ ساعته زده بودند اما ۱۰۰ متر باقی مانده در روز ۵ ساعت طول کشید. با هر زحمتی بود بالاخره نزدیکی‌های ظهر دو سمت خاکریز به هم وصل شد. احمد نفس راحتی کشید و با به هم چسبیدن دوسر خاکریز جناح چپ منطقه کمی آرام شد.

۱- سردار سرلشکر شهید حاج محمد ابراهیم همت فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)

۲- سردار سرلشکر شهید حاج احمد کاظمی فرمانده لشکر ۸ نجف اشرف

منبع: کتاب «مثل من و تو» (زندگی نامه شهید احمد کاظمی)





# قاب خاطرات

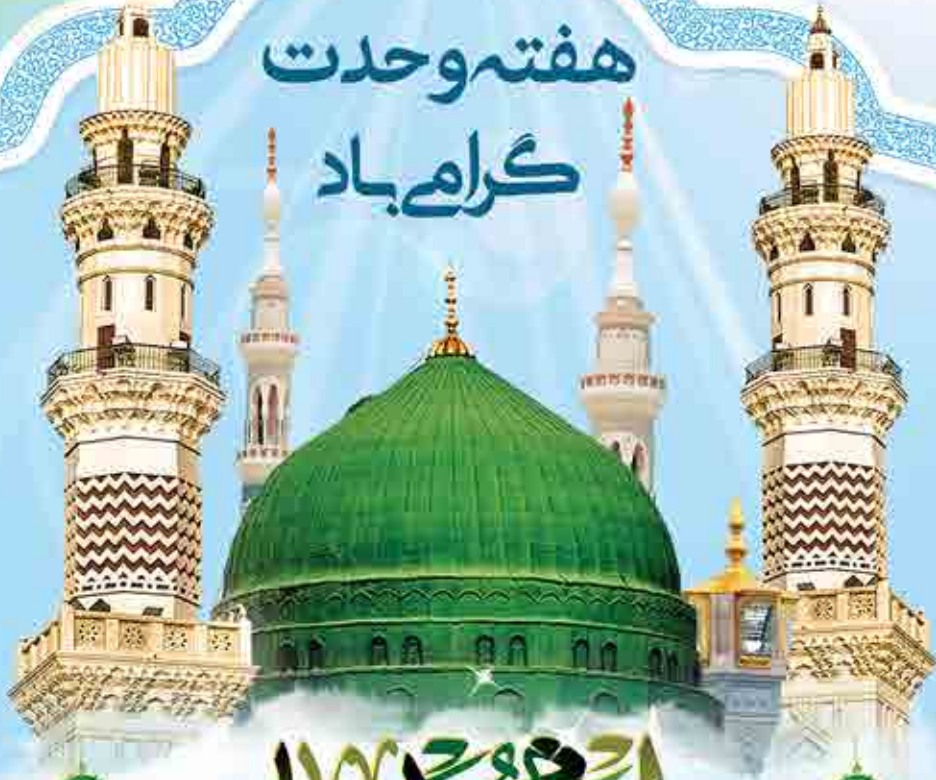


سنگر سازان بی سنگر پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد استان مرکزی  
در حال احداث سنگر اجتماعی.





هفته وحدت  
گرامباد



الروز میلاد با عادت  
رسول گرام الام حضرت محمد (ص)  
وامام جعفر صادق (ع) مبارک و فرخنده باد



اداره کل امور ایثارگران وزارت جہاد کشورزی

## فرماندهان شهید مهر ماه و آبان ماه

